

### دعاهای حضرت علی علیه السلام

**أَخْضَى عِلْمُهُ، وَ أَضْعَافَ مَا أَخْضَى عِلْمُهُ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ مَا**  
 بقدر آنچه در شماره آورده آنرا دانش او و چندین برابر آنچه تعداد نموده است علم او و نیست خدائی مگر خدا می گویم این را به عدد آنچه  
**أَخْضَى عِلْمُهُ، وَ مِثْلَ مَا أَخْضَى عِلْمُهُ، وَ مِلًّا مَا أَخْضَى عِلْمُهُ، وَ**  
 شماره نموده است آنرا دانش خدا و بقدر آنچه شمرده است علم خدا و به اندازه آنچه در شمار آورده است آنرا علم او و  
**أَضْعَافَ مَا أَخْضَى عِلْمُهُ. وَ اللَّهُ أَكْبَرُ عَدَدَ مَا أَخْضَى عِلْمُهُ، وَ**  
 چندین برابر آنچه تعداد نموده است آنرا علم او و خدا بزرگ تر است. می گویم این را به عدد آنچه شماره نموده آنرا علم خدا و  
**مِثْلَ مَا أَخْضَى عِلْمُهُ، وَ مِلًّا مَا أَخْضَى عِلْمُهُ، وَ أَضْعَافَ مَا أَخْضَى**  
 مساوی آنچه شمرده است علم او و به اندازه آنچه شماره کرده است علم او و چندین برابر آنچه تعداد نموده است آنرا  
**عِلْمُهُ. وَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا أَخْضَى عِلْمُهُ، وَ مِثْلَ مَا أَخْضَى عِلْمُهُ،**  
 علم او و منزه است خدا می گویم این را به عدد آنچه شماره نموده است آنرا علم او و مساوی آنچه شمرده است دانش او  
**وَ مِلًّا مَا أَخْضَى عِلْمُهُ، وَ أَضْعَافَ مَا أَخْضَى عِلْمُهُ.**

و اندازه آنچه در شماره آورده است علم او و چندین برابر آنچه شماره کرده است علم او.

و از خواندن این کلمات فارغ شه، خدای تعالی تعداد خانه های او و آنچه در آنها است  
 از نعمت هارا زیاده گرداند، به درستی که خدای تعالی بسیار بخشنده است.



### دعای جامع دیگر



سید بن طاووس رحمه الله گوید: روایت می کنیم از سعد بن عبدالله که نقل شده از کتاب (فضل  
 الدعا) که از مؤلفات اوست گفته که حدیث نمود یعقوب بن یزید و همچنین بالا برده تا  
 به سلمان فارسی رضی الله عنه که گفت: شنیدم از حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام که  
 فرمودند: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله گفتند به من: یا علی! اگر کسی این دعا را بر صفحه های آهن  
 بخواند، آنها گداخته می شوند. قسم به حق کسی که مرا براستی فرستاده است، اگر  
 این دعا بر آب روانی خوانده شود، ساکن گردد تا آن که آن شخص بر او بگذرد.  
 سوگند به حق کسی که مرا براستی به پیغمبری فرستاده است، آن که اگر کسی گرسنه  
 و تشنه باشد، و این دعا را بخواند، خدای تعالی او را اطعام می کند و او را سیراب  
 می گرداند.

قسم به حق کسی که مرا براستی به پیغمبری فرستاده است، اگر شخصی این دعا را بر  
 کوهی بخواند که حایل باشد میان او و میان موضعی که اراده دارد آن را، آن کوه  
 شکافته شود، تا آن که از آن موضعی بگذرد.

قسم به حق کسی که مرا براستی به پیغمبری فرستاده است، اگر این کسی این دعا بر



## دعاهای حضرت علی علیه السلام

دیوانه‌ای بخواند، عاقل شود.

قسم به حق کسی که مرا براستی به پیغمبری فرستاده‌است، اگر این دعا بر زنی که دشوار زاید، خوانده شود وضع حملش آسان شود.

قسم به حق کسی که مرا براستی به پیغمبری فرستاده‌است، اگر کسی این دعا را بر شهری بخواند و حال آن که آن شهر آتش گرفته باشد و خانه آن شخص در میان آن شهر باشد، خانه او نجات یابد و نسوزد.

قسم به حق کسی که مرا براستی به پیغمبری فرستاده‌است که اگر کسی این دعا چهل شب جمعه بخواند، خدای تعالی می‌آمزد برای او همه گناهی را که میان او و میان آدمیین باشد و اگرچه گناه کبیره کرده باشد، که خدای تعالی آن را می‌آمزد.

قسم به حق کسی که مرا براستی به پیغمبری فرستاده‌است که اگر کسی این دعا را بر پادشاه ظالمی بخواند، خدای تعالی آن پادشاه را برای او مطیع می‌گرداند، مثل اطاعت نمودن دستهای او.

قسم به حق کسی که مرا براستی به پیغمبری فرستاده‌است، هر کسی که در وقت خواب این دعا را بخواند، خدای تعالی باو به سبب هر حرفی از آن، هزار هزار فرشته از روحانیان برمی‌انگیزد که روی‌های ایشان نیکوتر از آفتاب و ماه باشد به هفتاد برابر، و از خدای تعالی از برای او طلب آمرزش نمایند و از برای او حسنة بسیار می‌نویسند و درجات او را بلند می‌کنند.

حضرت سلمان رضی الله عنه گفت: پس من سؤال کردم که فدای تو باد پدر و مادرم یا امیرالمؤمنین، آیا همه این ثواب‌ها را که فرمودی به کسی داده می‌شود که این دعا بخواند؟

آن حضرت در جواب من فرمودند: من نیز از پیغمبر صلی الله علیه و آله همین سؤال را کردم. آن حضرت فرمودند: یا علی! خبر دهم تو را بر ثوابی بزرگتر از این.

قسم به حق کسی که مرا براستی به پیغمبری فرستاده‌است، هر کس که این دعا بخواند و بخوابد و حال آن که همه گناهان کبیره را مرتکب شده باشد، پس بمیرد، آن شخص شهید در راه خدا خواهد بود و اگر چه بی‌توبه بمیرد، که خدای تعالی او را و اهل بیت او را و پدر و مادر و فرزندان او را و مؤذن مسجد و پیش نمازی را که در آن مسجد با آن شخص نماز بجای آورد، به عفو و رحمت خود می‌آمزد.

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ، وَ صَادِقٌ لَا تَكْذِبُ، وَ قَاهِرٌ لَا تُقَهَّرُ، وَ بَدِيٌّ

خداوند ابدی هستی که تو زنده‌ای که نمی‌میری و راست گویی که دروغ نمی‌گویی و غلبه کننده‌ای که مغلوب نمی‌شوی و ایجاد کننده‌ای



## دعاهای حضرت علی علیه السلام

**لَا تَنْفَدُ، وَ قَرِيبٌ لَا تَبْعُدُ، وَ قَادِرٌ لَا تَضَادُّ، وَ غَافِرٌ لَا تَظْلِمُ، وَ صَمَدٌ لَا**

که برطرف نمی‌گردد و نزدیکی که دور نمی‌شوی و توانائی که کسی خلاف تو نمی‌کند و آمرزنده‌ای که ستم نمی‌کنی و مقصود در حاجت‌هایی که

**تُطْعَمُ، وَ قَيُّومٌ لَا تَنَامُ، وَ مُجِيبٌ لَا تَسْأَمُ، وَ جَبَّارٌ لَا تُغَانُّ، وَ عَظِيمٌ**

کسی نداده چیزی به تو و به خود برپائی که نمی‌خوابی و برآورنده حاجت‌هایی که دلگیر نمی‌شوی و صاحب جبروتی که باری نمی‌شوی و بزرگی که

**لَا تُرَامُ، وَ عَالِمٌ لَا تُعْلَمُ، وَ قَوِيٌّ لَا تُضْعَفُ، وَ حَلِيمٌ لَا تُجْهَلُ، وَ جَلِيلٌ**

خواستہ نمی‌شود بزرگیت و دانائی که یاد گرفته نمی‌شوی از غیری و توانائی که ناتوان نمی‌شوی و بردباری که نیسنی نادان و بزرگی که

**لَا تُوصَفُ، وَ وَفِيٌّ لَا تُخْلَفُ وَ غَالِبٌ لَا تُغْلَبُ وَ عَادِلٌ لَا تُحْيِفُ وَ غَنِيٌّ**

به تعریف در نمی‌آئی و وفاکننده که خلاف نمی‌کنی و غلبه‌کننده‌ای که مغلوب نمی‌شوی و عدالت‌کننده‌ای که ظلم نمی‌کنی و توانگری

**لَا تُفْتَقِرُ، وَ كَبِيرٌ لَا تُغَادِرُ، وَ حَكِيمٌ لَا تُجَوِّرُ، وَ وَكِيلٌ لَا تُحْيِفُ وَ فَرْدٌ**

که درویش نمی‌شوی و بزرگی که کوچک نمی‌شوی و حکم‌کننده‌ای که ستم نمی‌کنی و معتمدی که خیانت نمی‌کنی و یکتائی

**لَا تُسْتَشِيرُ، وَ وَهَّابٌ لَا تَمِلُ، وَ عَزِيزٌ لَا تُسْتَذِلُّ، وَ سَمِيعٌ لَا تَذْهَلُ،**

که مشورت نمی‌کنی از کسی و بخشنده‌ای که مکدر نمی‌شوی و عزیزی که خوار نمی‌شوی و شنوائی که غافل نمی‌شوی و

**وَ جَوَادٌ لَا تُبْخَلُ، وَ حَافِظٌ لَا تُغْفَلُ، وَ قَائِمٌ لَا تُسْهَوُ، وَ دَائِمٌ لَا تُفْنَى، وَ**

بخشنده‌ای که بخل نمی‌ورزی و نگاهدارنده‌ای که غافل نمی‌گردد و برقراری که نابود نمی‌شوی، و

**مُحْتَجِبٌ لَا تُرَى، وَ بَاقٍ لَا تُبْلَى، وَ وَاحِدٌ لَا تُشَبَّهُ، وَ مُقْتَدِرٌ لَا تُنَازَعُ،**

پنهانی که دیده نمی‌شوی و باقی‌ای که کهنه نمی‌شوی و یکتائی که مانند نداری و بسیار توانائی که نزاع کرده نمی‌شوی

**يَا كَرِيمُ الْجَوَادُ الْمُتَكَرَّمُ، يَا ظَاهِرُ يَا قَاهِرُ، أَنْتَ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ، يَا**

ای کرم‌کننده بخشنده بسیار کرم‌کننده، ای آشکارای غلبه‌کننده، تویی توانای بسیار با قدرت، ای

**عَزِيزُ الْمُتَعَزِّزُ، يَا مَنْ يُنَادِي مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ بِالسِّنَةِ شَتَّى وَلُغَاتٍ**

عزیز بسیار عزیز ای آن که خوانده می‌شود از هر دره و بیابان بسی‌بایان به زبانهای مختلف و لهجه‌های

**مُخْتَلِفَةٍ وَ حَوَائِجَ مُتَتَابِعَةٍ، لَا يَشْغُلُكَ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ. أَنْتَ الَّذِي**

مختلف و برای حاجت‌های پیایی باز نمی‌دارد تورا مشغول شدن به چیزی از متوجه شدن به چیزی دیگر. تویی آنکه

**لَا تُفْنِيكَ الدُّهُورُ، وَ لَا تُحِيْطُ بِكَ الْأُمُكِنَةُ، وَ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لَا**

برطرف نمی‌کند تورا زمانها و فرو نمی‌گیرد تورا جای‌ها و فراموش نمی‌گیرد تورا پیروی و نه

**نَوْمٌ. صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ يَسِّرْ لِي مَا أَخَافُ حُزُونَتَهُ.**

خواب. رحمت فرست بر محمد و بر خاندانش و آسان گردان برای من آنچه را که می‌ترسم ناهمواری آنرا.

**سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ،**

سبحان تو. نیست خدائی مگر تو بیدرستی که من هستم از جمله ستمکاران

**بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.**

به حق رحمتت ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.



## دعاهای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

### ❁ دعای دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام ❁

از جمله دعاهای مولای ما امیرالمؤمنین علیه السلام که آن را به شخصی از جماعت حاجیان در خواب تعلیم نمودند و سریع الاجابة است.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: این دعا را با سندهای متصل به آن حضرت دیدم، پس من اختصار نمودم به نقل سندهایش، حاصل معنی آن این است: در بعضی از سنوات به جمعی از حاجیان در اثنای راه کعبه، تشنگی عظیمی رسید، تا آن که نزدیک بود که همه ایشان هلاک شوند. پس شخصی از ایشان از رفتار بازمانده و نشست و مترصد به مرگ شد، پس در آن حال او را سستی خوابی فراگرفت، در خواب مولای ما علی بن ابی طالب علیه السلام را دید که فرمودند: چه چیز تو را از خواندن کلمه نجات غافل کرده است؟ پس آن شخص گفت: کلمه نجات کدام است؟

آن حضرت فرمودند: این کلمات را بگو: «أَدِمُّ مُلْكَكَ عَلَى مُلْكِكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ». «دائم گردان پادشاهی و ملک خود را بر مال و مملکت خود (یعنی دائم گردان آب را که ملک توست بر بنده خود) که آن نیز ملک توست به سبب لطف و شفقت پنهان تو». سپس فرمودند: منم علی بن ابی طالب. آن شخص گفت از خواب بیدار شدم و این کلمات را گفتم. بلا فاصله ابری پیدا شد و مردم تضرع نمودند تا آن که باران بارید و همگی سیراب گردیدند و شکر خدای تعالی بجای آوردند و از هلاکت نجات یافتند. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ.

### ❁ دعاهای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: دعاهائی را ذکر می کنم که از دعاهای سیده ما و مادر معظمه ما حضرت فاطمه سیده زنان عالمیان و دختر سید المرسلین صلی الله علیه و آله انتخاب نموده ام.

### ❁ دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا علیها السلام ❁

به سندهای خود روایت می کنیم، تا ابوالفضل محمد بن مطلب شیبانی به این نحو که نقل نمودم، از جلد سوم از کتاب «امالی» او، به سندهای او که رسانده است آن را به مولای ما حضرت امام حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام که از مادر خود حضرت فاطمه



## دعاهای حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت نموده‌اند. و همچنین ما این دعا را به سندهای صحیح یافتیم آن که حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمودند: دخترم! آیا می‌خواهی پیاموزم تورا دعائی را که آن‌احدی نمی‌خواند، مگر آن که حاجت او برآورده می‌شود، و در تو به برکت این دعا، هیچ سحری و زهری تأثیر نکند و بر تو هیچ دشمنی شمایست ننماید و شیطان متعرض تو نگردد و خدای تعالی نظر رحمت خود را از تو بر ندارد و دعای تورا رد نگرداند و همه حاجت‌های تورا برآورد. پس حضرت فاطمه (علیها السلام) گفت: بلی ای پدر، می‌خواهم. به درستی که این دعا در نزد من عزیزتر است از دنیا و آنچه در اوست. پس حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمودند: بخوان این دعا را، چون بخوانی، جناب پروردگار در جواب گوید: بلی! بلی! دعای تورا مستجاب می‌گردانم. و دعا این است:

يَا أَعَزَّ مَذْكُورٍ وَ أَقْدَمَهُ قَدَمًا فِي الْعِزِّ وَ الْجَبَرُوتِ، يَا رَحِيمَ كُلِّ

ای عزیزترین کسی که یاد آورده شده‌است و ای بیشترین او از برای پیشی گرفتن در عزت و بزرگواری، ای رحم‌کننده هر

مُسْتَرْحِمٍ، وَ يَا مَفْزَعَ كُلِّ مَلْهُوفٍ إِلَيْهِ، يَا رَاحِمَ كُلِّ حَزِينٍ يَشْكُو

طلب رحم‌کننده‌ای و ای بناه هر ستم رسیده بسوی او، ای رحم‌کننده هر اندوهناکی که شکوه نماید

بَنَّهُ وَ حُزْنَهُ إِلَيْهِ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ الْمَعْرُوفُ مِنْهُ وَ أَسْرَعَهُ

غم و اندوه خود را بسوی او، ای بهترین کسی که طلب شده‌است احسان از او و زودترین کسی

إِعْطَاءً، يَا مَنْ تَخَافُ أُمَلَائِكَ الْمُتَوَقِّدَةَ بِالنُّورِ مِنْهُ. أَسْأَلُكَ

برای بخشش کردن ای آن که می‌ترسند فرشتگان برافروخته به نور از آن کس. سؤال می‌کنم ترا

بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي يَدْعُوكَ بِهَا حَمَلَةٌ عَرْشِكَ، وَ مَنْ حَوْلَ عَرْشِكَ

به حق آن نامهایی که خواندند تورا به آن نامها بردارنده‌های عرش تو و کسی که دور عرش توست

بِنُورِكَ يُسَبِّحُونَ شَفَقَةً مِنْ خَوْفِ عِقَابِكَ، وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي

به برکت نورت که تسبیح میکنند از روی ترس از ترس عذاب تو و به حق آن نام‌هایی که می‌خوانند ترا

يَدْعُوكَ بِهَا جِبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ إِلَّا أَجَبْتَنِي، وَ كَشَفْتَ

به آن نامها جبرئیل و میکائیل و اسرافیل آن که نکنی کاری به من مگر آن که برآوری حاجت مرا و برطرف نمایی.

يَا إِلَهِي كَرِّبِي، وَ سَتَرْتُ ذُنُوبِي وَ غَفَرْتَهَا. يَا مَنْ أَمَرَ بِالصَّيْحَةِ

ای خداوند من اندوه مرا و بیوشانی گناهان مرا و بیامری آنها را، ای آن که امر نموده‌ای به آواز نمودن

فِي خَلْقِهِ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ يُحْشَرُونَ. وَ بِذَلِكَ الْأَسْمِ الَّذِي

در میان آفریدگان خود. پس ناگاه ایشان در محراب قیامت محشور می‌شوند و به حق آن نامی که

أَخْيَيْتَ بِهِ الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ. أَخْيَيْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ صَدْرِي وَ

زنده می‌کنی به سبب آن استخوان‌ها را و حال آن که آنها پوسیده‌اند زنده گردان دل مرا و بگشای سینه مرا برای فهمیدن چیزها و



## دعاهای حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

**أَصْلِحْ شَأْنِي. يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْبَقَاءِ، وَ خَلَقَ لِبَرِيَّتِهِ الْمَوْتَ**

نیکی کردن حال مرا، ای آن که مخصوص ساخته است نفس خود را به باقی بودن و تعیین نموده است برای مخلوقات خود مرگ

**وَالْحَيَاةَ وَالْفَنَاءَ. يَا مَنْ فَعَلَهُ قَوْلٌ وَ قَوْلُهُ أَمْرٌ وَ أَمْرُهُ ماضٍ عَلَى**

و زندگی و بر طرف شدن را، ای آن که کردار او گفتار اوست و گفتار او فرمان اوست و فرمان او جاری است بر

**مَا يَشَاءُ. أَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ خَلِيلُكَ حِينَ أُلْقِيَ**

آنچه می خواهد، سؤال می کنم تو را به آن نامی که خوانده است تو را به آن نام دوست تو ابراهیم در هنگامی که انداخته شد

**فِي النَّارِ فَدَعَاكَ بِهِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ قُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ**

در آتش، پس خواند تو را به آن نام پس بر آوردی برای او دعای او را و فرمودی که ای آتش باش تو سرد و

**سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ. وَ بِالِاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ**

سلامت بر ابراهیم و به حق آن نامی که خواند تو را به آن نام موسی از جانب کوه

**الطُّورِ الْأَيْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ بِالِاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ عِيسَى مِنْ**

طور مبارک پس بر آوردی برای او دعای او را و به نامی که آفریده ای به برکت آن عیسی را از

**رُوحِ الْقُدُسِ، وَ بِالِاسْمِ الَّذِي تَبَّتْ بِهِ عَلَى دَاوُدَ، وَ بِالِاسْمِ الَّذِي**

روح پاکیزه و به آن اسم که قبول تو به نمودی به برکت آن برای داود و به این نام که

**وَهَبْتَ بِهِ لِزَكَرِيَّا يَحْيَى، وَ بِالِاسْمِ الَّذِي كَشَفْتَ بِهِ عَنْ أَيُّوبَ**

بخشیده ای به برکت آن به زکریا یحیی را و به این نام که بر طرف نموده ای به برکت آن از ایوب

**الضُّرَّ، وَ سَخَّرْتَ بِهِ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ وَ الشَّيَاطِينَ،**

آزار و بلاها را و مسخر گردانیدی به برکت آن برای سلیمان باد را که جاری شود به فرمان او و جنیان را

**وَ عَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ، وَ بِالِاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْعَرْشَ، وَ**

و فهمانیده ای به آن زبان مرغان را و به حق آن نام که آفریده ای به برکت آن عرش را، و

**بِالِاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الرُّوحَانِيَّينَ، وَ بِالِاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ**

به آن نام که آفریده ای به برکت آن فرشتگان لطیف را و به آن نام که آفریده ای به

**الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ بِالِاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ جَمِيعَ الْخَلْقِ، وَ بِالِاسْمِ**

برکت آن جنیان و آدمیان را و به آن نام که آفریده ای به برکت آن همه آفریدگان را و به آن نام

**الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ جَمِيعَ مَا أَرَدْتَ مِنْ شَيْءٍ، وَ بِالِاسْمِ الَّذِي قَدَرْتَ بِهِ**

که آفریده ای به برکت این نام همه آنچه خواسته ای از هر چیزی و به آن نام که توانا هستی به

**عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ إِلَّا مَا أُعْطَيْتَنِي سُؤْلِي**

آن بر هر چیز سؤال می کنم تو را به حق این نامها آن که نکنی به من کاری را مگر آن که ببخشی به من مطلب مرا

**وَ قَضَيْتَ حَوَائِجِي يَا كَرِيمُ.**

و بر آوری مطلب های مرا ای بخشنده.



## دعاهای حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)



## دعای دیگر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)



اَللّٰهُمَّ قِنِّعْنِيْ بِمَا رَزَقْتَنِيْ، وَاسْتُرْنِيْ وَ عَافِنِيْ اَبَدًا مَا اُبْقَيْتَنِيْ،

خداوندا قانع و راضی گردان مرا به آنچه روزی کرده‌ای مرا و بپوشان گناهان مرا و سلامت بدار مرا همیشه مادام که باقی می‌داری مرا. و

وَ اغْفِرْ لِيْ وَ ارْحَمْنِيْ اِذَا تَوَفَّيْتَنِيْ. اَللّٰهُمَّ لَا تُغْنِنِيْ فِيْ طَلَبِ مَا لَا

بیاورم مرا و رحم کن مرا هرگاه بمیرانی مرا. خداوندا عاجز مگردان مرا در خواستن آنچه تقدیر نکرده‌ای آنرا

تُقَدِّرْ لِيْ، وَ مَا قَدَّرْتَهُ عَلَيَّ فَاجْعَلْهُ مُيَسَّرًا سَهْلًا. اَللّٰهُمَّ كَافِ عَنِّيْ

برای من و آنچه را که قدیر نموده‌ای بر من پس بگردان آنرا حاصل برای من به آسانی. خداوندا جزای خیر ده از

وَالِدَيَّ وَ كُلِّ مَنْ نِعْمُهُ عَلَيَّ خَيْرٌ مُّكَافَاةً. اَللّٰهُمَّ فَرِّغْنِيْ لِمَا

قبل من پدر و مادر مرا و هر آنرا که باشد نعمتهای او بر من بهترین جزائی. خداوندا خالی گردان مرا از

خَلَقْتَنِيْ لَهُ، وَ لَا تَشْغَلْنِيْ بِمَا تَكْفَلْتَنِيْ لِيْ بِهِ، وَ لَا تُعَذِّبْنِيْ وَ اَنَا

مانعها برای آنچه افریده‌ای مرا از برای آن چیزی و مشغول مگردان مرا به بحمل آنچه صامن گشته‌ای برای من آنرا و عذاب مکن مرا

اَسْتَغْفِرُكَ، وَ لَا تَحْرِمْنِيْ وَ اَنَا اَسْئَلُكَ. اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ نَفْسِيْ فِيْ

و حال آن که من طلب آمرزش می‌کنم از تو و ناامید مگردان مرا در حالی که من سؤال می‌کنم از تو. خداوندا خوار گردان نفس مرا در

نَفْسِيْ، وَ عَظِّمْ شَأْنَكَ فِيْ قَلْبِيْ، وَ اَلْهَمْنِيْ طَاعَتَكَ وَ الْعَمَلَ بِمَا

پیش خودم و بزرگ گردان امر و حال خودت را در دل من و بینداز در دل من رغبت بسوی فرمانبرداری تورا و به جا آوردن

يُرْضِيْكَ، وَ التَّجَنُّبَ لِمَا يُسْخِطُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

آنچه را که خشنود گرداند تورا و دوری نمودن از آنچه را که به خشم آورد تورا ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان.



## دعای دیگر حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)



راوی گوید: روزی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) داخل خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) شدند،

متوجه شدند که فرزندش امام حسن (علیه السلام) تب گرمی دارند، چنان که بیهوش و بی حال

افتاده‌اند و این به خاطر مبارک آن حضرت گران آمد.

پس جبرئیل (علیه السلام) نازل شد و گفت: یا محمد! آیا تورا به تعویذی خبر دهم که چون آن را

بخوانی، از فرزندت تب و آزار برطرف شود؟

آن حضرت فرمودند: بلی.

پس جبرئیل گفت: این دعا را بخوان. پس حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) این دعا را خواندند و

دست مبارک خود را بر پیشانی حضرت امام حسن (علیه السلام) گذاشتند. سپس بعون الله

تعالی، آن حضرت به هوش آمدند و تب برطرف شد.



### دعاهای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

**اَللّٰهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، ذُو السُّلْطَانِ الْقَدِيمِ، وَ الْمَنْ**

خداوندان نیست خدائی مگر تو که بلند مرتبه بزرگی و صاحب پادشاهی همیشه‌ای و بخشش

**الْعَظِيمِ، وَ الْوَجْهَ الْكَرِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، وَلِيُّ الْكَلِمَاتِ**

بزرگی و ذات صاحب کرمی، نیست خدائی مگر تو که بلند مرتبه بزرگی، سزاوار صفتهای

**الْقَامَاتِ، وَ الدَّعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ، حُلَّ مَا أَصْبَحَ بِفُلَانٍ.**

تمام و دعاهای برآورده‌شده‌ای بر طرف کن آنچه را که عارض شده‌است به فلان شخص.

### ❁ دعای دیگر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ❁

مروی است آن که آن حضرت یک روزی به دیدن پدر بزرگوار خود رفتند. پس آن

حضرت فرمودند: آیا می‌خواهی که هدیه‌ای و توشه‌ای به تو دهم؟

حضرت فاطمه علیها السلام گفتند: بلی. آن حضرت فرمودند: این دعا را بخوان.

**اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْفُرْقَانِ،**

خداوندان ما و پروردگار هر چیزی، ای فرود آورنده تورات و انجیل و قرآن،

**فَالِقَ الْحَبِّ وَ النَّوَى، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ**

ای شکافنده دانه و هسته، پناه می‌برم به تو از شر هر حرکت کننده‌ای که تو گرفته‌ای

**بِنَاصِيَّتِهَا، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَ أَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ**

پیش سر او را تونی پیش از همه چیز، پس نیست پیش از تو چیزی و تونی بعد از همه چیز پس نیست

**بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَ أَنْتَ الْبَاطِنُ**

پس از تو چیزی و تونی آشکار پس نیست بالایت چیزی و تونی دانا به امور پنهان

**فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ**

پس نیست غیر از تو چیزی، رحمت فرست بر محمد و بر اهل خاندان او که بر او و

**عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ، وَ أَغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ، وَ يَسِّرْ لِي**

بر ایشان باد سلام، و ادا کن از من قرض مرا و بی‌نیاز گردان مرا از درویشی و آسان گردان برای من

**كُلَّ الْأَمْرِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.**

هر کاری را، ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان.

### ❁ دعای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در خلاصی از حبس ❁

دعای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام جهت خلاصی از حبس. مروی است شخصی در شهر



## دعاهای امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

شام، مدت مدیدی محبوس و در شدت آزار بود. پس در خواب دید که حضرت فاطمه علیها السلام آمد و به او گفت: این دعا را بخوان. پس آن شخص دعا را یاد گرفت و چون بیدار شد، دعا را خواند و از زندان بزودی آزاد شد.

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان

اَللّهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَ مَنْ عَلَاهُ، وَ بِحَقِّ الْوَحْيِ وَ مَنْ اَوْحَاهُ، وَ  
 خداوند ایزد به حق عرش و کسی که بلند کرده است آنرا و به حق وحی و کسی که فرستاده است آنرا، و  
 بِحَقِّ النَّبِيِّ وَ مَنْ نَبَّاهُ، وَ بِحَقِّ الْبَيْتِ وَ مَنْ بَنَاهُ. يَا سَامِعَ كُلِّ  
 به حق پیغمبر و کسی که پیغمبر کرده است او را، و به حق خانه کعبه و کسی که ساخته است آنرا، ای شنوای هر  
 صَوْتٍ، يَا جَامِعَ كُلِّ قَوْتٍ، يَا بَارِيَّ الْنُفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، صَلِّ  
 آوازی، ای گرد کننده هر بر طرف شده‌ای، ای خالق کننده مردمان پس از مرگ، رحمت فرست  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ، وَ آتِنَا وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ  
 بر محمد و اهل خانه او و بده به ما و به همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه که باشند  
 فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا فَرَجاً مِنْ عِنْدِكَ عَاجِلاً، بِشَهَادَةِ  
 در مشرقهای روی زمین و مغربهای آن گشایشی از جانب خود به زودی به سبب آن که گواهی می‌دهم  
 أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ  
 به آن که نیست خدائی مگر خدا و آن که محمد بنده توست و فرستاده توست، رحمت فرستد خدا بر او و  
 عَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَ سَلِّمْ تَسْلِيماً.

بر اولاد او که پاکان و پاکیزگانش و درود فرستد خدا بر ایشان درودی بسیار.

## دعاهای امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

### دعای امام حسن مجتبیٰ علیه السلام نزد معاویه

دعای سید ما و مولای ما حضرت امام حسن علیه السلام هنگامی که نزد معاویه رفتند. سید بن طاووس رحمته الله به سندهای خود روایت می‌کند تا ابوالفضل محمد بن عبد الله بن عبدالمطلب شیبانی و او گفته که ما را رجاء بن یحیی ابوالحسین عبرانی خبر داده است که این دعا را در خانه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و امام علی نقی علیه السلام نوشتم و این دعای حضرت امام حسن علیه السلام است در وقتی که به نزد معاویه آمدند.



دعاهای امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ الْأَكْبَرِ. اَللّهُمَّ سُبْحَانَكَ يَا قَيُّوْمُ، سُبْحَانَ الَّذِي

به یاری نام خدای بزرگ که بزرگ‌تر است خداوند تسبیح می‌کنم تو را ای به خود بر پای تسبیح کردنی برای کسی که

لَا يَمُوتُ، أَسْأَلُكَ كَمَا أَمْسَكْتَ عَنْ دَانِيَالٍ أَقْوَاهُ الْأَسَدِ وَ هُوَ فِي

نمی‌میرد. سؤال می‌کنم تو را همچنان که نگاهداشتت از دانیال دهنه‌های شیوان را و حال آن که بود او در

الْجُبِّ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ إِلَيْهِ سَبِيلًا إِلَّا بِإِذْنِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُمْسِكَ

جاء پس نیافتند آنها بسوی او راهی مگر به اذن تو سؤال می‌کنم تو را آن که نگاهداری

عَنْيَ أَمْرَ هَذَا الرَّجُلِ، وَ كُلِّ عَدُوٍّ لِي فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا

از من امر این مرد را و هر دشمنی که باشد برای من در مشرقهای زمین و مغربهای زمین

مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، خُذْ بِأَذَانِهِمْ وَ أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ وَ قُلُوبِهِمْ

از جنیان و آدمیان بستان گوشهای ایشان را و شنوائی آنها را و چشمهای ایشان را و دلهای ایشان را

وَ جَوَارِحِهِمْ، وَ اكْفِنِي كَيْدَهُمْ بِحَوْلٍ مِنْكَ وَ قُوَّةٍ، وَ كُنْ لِي جَارًا

و اعضای ایشان را و نگاهدار مرا از مکر ایشان به قدرتی از جانب تو و توانائی و باش تو برای من پناه‌دهنده

مِنْهُمْ، وَ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ

از شر ایشان و از شر هر جبر و ستم کننده یاغی و از شر هر شیطان سرکشی که ایمان نداشته باشد به روز

الْحِسَابِ، إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى

جزا بدرستی که صاحب من خدائی است که فرو فرستاده است قرآن را و او دوست می‌دارد

الصَّالِحِينَ. فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

جماعت صالحان را. پس اگر اعراض کنند کافران پس بگو تو ای محمد که کافی است مرا خدا نیست خدائی مگر او. بر او اعتماد نمودم

وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

و اوست پروردگار عرش بزرگ.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: من این دعا را در کتاب «اغاثة الداعي و اعانة الساعي» ذکر نمودم و چون این کتاب سزاوارتر به ذکر این دعا است، لذا اینجا نیز ایراد نمودم.



دعای دیگر از امام حسن علیه السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان



## دعاهای امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام

يَا مَنْ إِلَيْهِ يَفِرُّ الْهَارِبُونَ، وَ بِهِ يَسْتَأْنِسُ الْمُسْتَوْجِشُونَ، صَلِّ

ای آن کس که به سوی او می‌گریزند گریختگان و به او انس می‌یابند وحشت کنندگان، رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ أَنْسَبِي بِكَ، فَقَدْ ضَاقتْ عَنِّي بِلَادُكَ، وَ

به محمد و آل محمد و بگردان انس مرا به خودت پس به تحقیق که تنگ شده‌ام از من شهرهايت و

اجْعَلْ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقَدْ مَالَ عَلَى أَعْدَائِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بگردان اعتماد مرا به تو پس به تحقیق که میل کردند بر سرور من دشمنان تو، خداوند! رحمت فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِي بِكَ أَصُولٌ، وَ بِكَ أَحْوَلٌ، وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَ

و بر آل محمد و بگردان مرا که به قوت تو حمله آور شوم بر دشمنان و به سبب تو حرکت کنم و

إِلَيْكَ أُنِيبُ. اللَّهُمَّ وَ مَا وَصَفْتُكَ مِنْ صِفَةٍ أَوْ دَعَوْتُكَ مِنْ دُعَاءٍ

بر تو اعتماد نمایم و به سویت بازگشت کنم، خداوند! آنچه تعریف کنم تو را به آن از تعریفی یا آن که بخوانم تو را به آن از دعائی

يُؤَافِقُ ذَلِكَ مَحَبَّتَكَ وَ رِضْوَانَكَ وَ مَرْضَاتِكَ، فَأَخِينِي عَلَى ذَلِكَ،

که موافق باشد آن خواهش تو را و خشنودی تو را و رضامندی تو را، پس زنده دار مرا بر آن

وَ أَمِتْنِي عَلَيْهِ، وَ مَا كَرِهْتَ مِنْ ذَلِكَ، فَخُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى مَا تُحِبُّ وَ

و بمیران مرا بر آن و آنچه ناخوش آید تو را از آن پس فراگیر پیش سر مرا و بگردان بسوی آنچه دوست داری و

تَرْضَى، بُوْتُ إِلَيْكَ رَبِّ بِذُنُوبِي، وَ أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ جُرْمِي، وَ لَا

خشنودی از آن اقرار دارم به نزد تو ای پروردگار من به گناهان خود و طلب آمرزش می‌نمایم تو را از تقصیر خود، و نیست

حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، وَ صَلَّى اللَّهُ

حرکتی و نه توانائی مگر به خدا، نیست خدائی مگر او که بردبار و بخشنده‌است و رحمت فرستد خدا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنَا مُهِمَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي عَافِيَةٍ

بر محمد و آل او و کارگذاری نمای مرا به آنچه خواسته‌ایم آنرا در دنیا و در آخرت در حالی که سلامت باشیم از بلاها و ضررها

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار عالمیان.



دعایی دیگر از امام حسن علیہ السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنَّكَ الْخَلْفُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَ لَيْسَ فِي خَلْقِكَ خَلْفٌ مِنْكَ،

خداوند! بدرستی که تویی باقی مانده‌ای بعد از همه آفریدگان خود و نیست در آفریدگان تو کسی که باقی‌ماند بعد از تو

إِلَهِي مَنْ أَحْسَنَ فَبِرَحْمَتِكَ وَ مَنْ أَسَاءَ فَبِخَطِيئَتِهِ، فَلَا الَّذِي أَحْسَنَ

خدای من کسی که نیکی کرده پس به سبب رحمت تو است، و کسی که بدی کرده پس به جهت گناه خودش است نه آن کسی که نیکی



## دعاهای امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

**اسْتَغْنِي عَنْ رِفْدِكَ وَ مَعُونَتِكَ، وَ لَا الَّذِي أَسَاءَ اسْتَبْدَلَ بِكَ وَ**

نموده بی نیاز است از نعمت تو و از یاری نمودن تو و نه آن کسی که بدی کرده عوض گرفته است غیرِ را به عوض تو و

**خَرَجَ مِنْ قُدْرَتِكَ. إِلَهِي بِكَ عَرَفْتُكَ وَ بِكَ اهْتَدَيْتُ إِلَى أَمْرِكَ، وَ لَوْ**

بیرون رفته است از قدرت تو. ای خدای من به یاریت شناختم تو را و به راهنمائیت راه یافته ام به سوی فرمان تو و اگر

**لَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ، فَيَا مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا هَكَذَا غَيْرُهُ، صَلِّ عَلَى**

نباشد یاریت نمی دانم که چه چیزی تو پس ای آن که اوست همچنین و نیست همچن غیر او کسی. رحمت فرست بر

**مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنِي الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَ السَّعَةَ فِي**

محمد و بر آل محمد و روزی کن بآنکه من خلوص در کردار مرا و فراخی در

**رِزْقِي. اَللَّهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِي آخِرَهُ وَ خَيْرَ عَمَلِي خَوَاتِمَهُ، وَ خَيْرَ**

روزی مرا. خداوند! بگردان بهترین زندگانی مرا آخر آن و بهترین کردار مرا خاتم عمل من و بهترین

**أَيَّامِي يَوْمَ أَلْقَاكَ. إِلَهِي أَطَعْتُكَ وَ لَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ فِي أَحَبِّ**

روزهای مرا روزی را که ملاقات نمایم ترا. خداوند! فرمانبرداری نمودم تو را و از برای توست منت بر من در دوست ترین

**الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ، وَ هُوَ الْإِيمَانُ بِكَ، وَ التَّصَدِيقُ بِرَسُولِكَ، وَ لَمْ**

چیزها بسویب که آن ایمان آوردن بآنکه تو اقرار نمودن به رسول توست و نافرمانی نکردم ترا

**أَعْصِكَ فِي أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ، وَ هُوَ الشِّرْكُ بِكَ وَ التَّكْذِيبُ**

در دشمن ترین چیزها به نزد تو که آن شرک و رزییدن به توست و دروغگو دانستن رسول توست.

**بِرَسُولِكَ، فَاغْفِرْ لِي مَا بَيْنَهُمَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.**

پس بیامرز برای من آنچه را که باشد میان ایمان و شرک ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و ای بهترین آمرزندگان.



## دعای دیگر امام حسن علیه السلام



این دعائی است که آن را حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند خود حضرت امام حسن علیه السلام تعلیم نموده اند و فرمودند: هرگاه دیدن شخصی را برای حاجتی قصد نمائی، این دعا را بنویس و در دست راست خود نگاهدار و به آنجا که خواهی روان شو.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

آغاز می کنم بنام خدای بخشنده مهربان

**اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا إِلَهَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا وَتَرُ يَا نُورُ يَا صَمَدُ،**

خداوند! بدرستی که من سؤال می کنم تو را ای خدا، ای یگانه، ای یکتا، ای بی همتا، ای روشنی، ای همیشه،

**يَا مَنْ مَلَأَتْ أَرْكَانُهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُسَخِّرَ لِي قَلْبَهُ**

ای آن که پر کرده است قدرتهای او آسمانها و زمین را سؤال می کنم تو را آن که مسخر کنی برای من دل



## دعاهای امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام

كَمَا سَخَّرْتَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ

فلان شخص را همچنان که مسخر نموده‌ای برای سلیمان سپاه‌آورا از جنیان و آدمیان و مرغان پس ایشان باز داشته شدند

يُوزَعُونَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُلَيِّنَ لِي قَلْبَهُ كَمَا لَيَّنْتَ الْحَدِيدَ لِذَاوُدَ

به جای خود و سؤال می‌کنم تو را آن که نرم گردانی برای من دل او را همچنان که نرم گردانیده‌ای آهن را برای داود

عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُذِلَّ لِي قَلْبَهُ كَمَا ذَلَّلْتَ نُورَ الْقَمَرِ

که بر او باد سلام و سؤال می‌کنم تو را آن که رام گردانی برای من دل او را همچنان که رام نموده‌ای روشنی ماه را

لِنُورِ الشَّمْسِ. يَا اللَّهُ هُوَ عَبْدُكَ بِنُ أَمَتِكَ، وَ أَنَا عَبْدُكَ بِنُ أَمَتِكَ،

از برای روشنی آفتاب ای خدا آن شخص بنده توست و پسر کنیز توست و من بنده توام و فرزند کنیز توام.

أَخَذْتُ بِقَدَمَيْهِ وَبِإِصْبِغِيهِ، فَسَخَّرَهُ لِي حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتِي هَذِهِ

فرا گرفته‌ای پایش را و پیش سر او را پس مسخر گردان او را برای من تا آن که برآورد مطلب مرا این

وَ مَا أُرِيدُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ هُوَ عَلَى مَا هُوَ فِيهَا هُوَ، لَا إِلَهَ

مطلب را و آنچه را که خواهم آنرا بدستی که تو بر هر چیز توانائی. آن شخص تواناست بر آنچه او در آن چیز است او. نیست خدائی

إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ.

مگر خدای زنده پایدار.



## دعای دیگر امام حسن علیہ السلام



از جمله دعاهای امام حسن علیہ السلام که آن را حضرت امیرالمومنین علی علیهما السلام تعلیم نموده‌اند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان

يَا عُدَّتِي عِنْدَ كُرْبَتِي، يَا غِيَاثِي عِنْدَ شِدَّتِي، يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي،

ای تکیه من نزد اندوه من، ای فریادرس من نزد سختی من، ای صاحب من در نعمت من.

يَا مُنْجِيَّ فِي حَاجَتِي، يَا مَفْزَعِي فِي وَرْطَتِي، يَا مُنْقِذِي مِنْ

ای رستگار کننده من در حاجت من، ای پناه من در بلای من که وارد شود به من، ای رها کننده من از

هَلَكَتِي، يَا كَالِبِي فِي وَحْدَتِي، اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي،

هلاکت من، ای نگاهدارنده من در تنهایی من، بیامرز برای من گناهان مرا و آسان گردان برای من کار مرا

وَ اجْمَعْ لِي شَمْلِي، وَ أَنْجِجْ لِي طَلِبَتِي، وَ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي، وَ

و جمع کن برای من پراکندگی مرا و برآور برای من حاجت مرا و نیکی گردان برای من حال مرا، و

اكْفِنِي مَا أَهْمَنِي، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجاً وَ مَخْرَجاً، وَ لَا

نگاهدار مرا از شر آنچه قصد کرده‌است مرا و بگردان برای من از امر من گشایشی را و بیرون رفتن از بلاها، و



## دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْعَافِيَةِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ اغْفِرْ لِي إِذَا

جدائی بینداز میان من و میان سلامتی هرگز آنچه باقی گذاری مرا، و بیامرز هرگاه

تَوْفَيْتَنِي، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بمیرانی مرا، به رحمت خود ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان.

## دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

سید بن طاووس رحمه الله گوید: ذکر می کنم آنچه را که من انتخاب نمودم از دعاهای مولای من و جد من از طرف مادرم ام کلثوم دختر حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین بن مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام که زوجه جد من داود بن حسن پسر حضرت امام حسن علیه السلام بود، پس از آن جد من سلیمان بن داود بن حسن متولد شد.

## دعای عظیم الشأن عشرات

سید بن طاووس رحمه الله گوید: ای عزیز بدان که «دعای عشرات»، دعای بسیار بزرگ و عظیم القدر است و از اسرار دعاهاست.

برای این دعا شش روایت مختلف یافته ام که از آنها در این کتاب، دو روایت را ذکر کرده ام، یکی از آن شش روایت در تعقیب صبح وارد شده و یکی در دعاهای غروب وارد شده و این هر دو روایت در کتاب عمل شبانه روز از کتاب «مهمات» ذکر شده است.

و یکی در تعقیب نماز عصر در روز جمعه وارد شده که در جزو چهارم از کتاب «مهمات» ذکر شده است و یکی در آخر کتاب «اغاثة الداعی و إغاثة الساعی» مذکور شده و من در این کتاب روایت بنجم و ششم را ذکر می کنم تا آن که بزرگی قدر و مرتبه این دعا بر خدا شناسان و صاحبان عقل، ظاهر شود و از این دو روایت یکی را بر ذکر مقدم می داریم.

پس می گویم: ما به سندهای خود از سعد بن عبدالله روایت می کنیم که گفت: به ما احمد بن محمد از حسن بن علی بن فضال از حسین بن جهم از شخصی حدیث نمود که او از حسن بن محبوب یا غیر او از معاویه از وهب از حضرت ابی عبدالله علیه السلام روایت نمود که فرمودند: در نزد ما امامان چیزی هست که آن را پنهان می کنیم و آن را به غیری تعلیم نمی کنیم.



## دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

گواهی می‌دهم به آن که پدر من از پدر خود حدیث نمود، و او از جدّ خود روایت نموده‌است، که حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به من فرمودند: ای فرزندم، به درستی که ناچار است از آن که تقدیرات خدای تعالی و حکمهای او بر وفق آنچه خواسته و حکم نموده، جاری شود و زود باشد که خدای تعالی قضا و قدر و حکم خود را درباره‌ی تو جاری نماید، پس با من عهد کن که پنهان نمائی و اظهار نکنی کلامی را که آنرا به تو می‌گویم تا آن که من بمیرم و بعد از فوت من نیز تا دوازده ماه آنرا کتمان کن.

ترا به چیزی خبر می‌دهم که اصل آن از جانب خدای تعالی است. هرگاه که تو این دعا را در هر صبح و شام بگوئی، پس به نوشتن ثواب آن هزار هزار فرشته نویسنده و هزار هزار سخنگوی سریع الکلام داده می‌شود و برای تو در دار السلام هزار خانه در صد کوشک بنا می‌شود که تو در آنها همسایه اهل آنها باشی و برای تو در بهشت فردوس هزار خانه در صد قصر بنا کرده می‌شود که برای تو در همسایگی جدّ تو باشد و از برای تو در جنّات عدن هزار هزار شهر بنا می‌شود و با تو در قبر نوشته‌ای محشور می‌شود که در آن این نوشته باشد که اینک در این هنگام بر تو بیم و ترس راهی نیست. برای تو تشویشی و اضطرابی در وقت گذشتن از پل صراط نخواهد بود. و برای تو عذاب جهنم نخواهد بود.

و تو این دعا را بر حاجتی نمی‌خوانی که دوست داشته باشی آن را که آن حاجت، در آن روز برآورده شود، پس شام نگردد مگر آن که آن حاجت برآورده شود و آن حاجت هر چیز باشد و هر قدر که باشد و آن حاجت در هر جائی که باشد.

و تو نمی‌میری مگر شهید در راه خدا و در زمان حیات خود در کمال نیکبختی زندگانی خواهی نمود که به تو هرگز درویشی و نه دیوانگی و نه گرفتاری نرسد.

و برای تو در هر روزی به عدد جنّ و انس هزار هزار حسنه نوشته می‌شود و از تو هزار هزار سیئه محو می‌شود و برای تو درجه هشت هزار هزار مرتبه بالا برده می‌شود و برای تو عرش و کرسی طلب آمرزش می‌نمایند تا آن که در نزد خدای تعالی بایستی. و از خدا برای کسی حاجتی را طلب نمی‌کنی مگر آن که آن حاجت برآورده شود و از خدای تعالی حاجتی را برای خود و از برای غیر خود تا به آخر زمانه در دنیا و در آخرت طلب نمی‌کنی، مگر آن که آن حاجت برآورده شود. پس با من عهد کن همچنان که برای تو ذکر نمودم. پس حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: ای پدر بزرگوار با من به هر چیز که خواهید، شرط و عهد کن.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: از تو بر این عهد می‌گیرم که این سرّ مرا پنهان



## دعاهای حضرت امام حسین (علیه السلام)

کنی. پس هرگاه تورا وفات برسد، این دعا را به کسی تعلیم مکن مگر به اهل بیت خود یا شیعیان یا بزرگان و دوستان ما. و اگر چنانچه به غیر این جماعت تعلیم نمائی، از خدای تعالی حاجت‌های خود را در هر باب می‌طلبند و خدای تعالی مراد ایشان را روا می‌کند. پس من می‌خواهم که خدای تعالی بر شماها اهل بیت، نعمت خود را تمام کند به سبب آنچه به من تعلیم نموده‌است و من آن را به شماها تعلیم کرده‌ام تا آن که شماها در روز قیامت در حالی محشور شوید که بر شما ترس و اندوهی نباشید.

حضرت امام حسین (علیه السلام) شرط و عهد نمودند بر آنچه مذکور شد. سپس حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هرگاه امری را اراده‌داشته باشی، پس این دعا را بخوان که ان شاء الله تعالی برآورده می‌شود.

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان

سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا

تَنْزِيهَ مِی‌کنم خدا را تنزیه کردنی و همه ستایش برای خداست، و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگتر است، و نیست حرکتی

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. سُبْحَانَ اللَّهِ فِي آثَاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ

و نه توانائی مگر به خدا، تسبیح می‌کنم تسبیح کردنی خدا را در ساعت‌های شب و در طرف‌های

النَّهَارِ. سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغَدُوِّ وَ الْأَصَالِ. سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَ

روز تسبیح می‌کنم. تسبیحی خدا را در بامداد و در وقت عصر تسبیح می‌کنم. تسبیحی خدا را در آخر روز و

الْأَبْكَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ جِئْنَ تُمْسُونَ وَ جِئْنَ تُصْبِحُونَ، وَ لَهُ الْحَمْدُ

در اوّل روز تسبیح کنید تسبیح کردنی لایق خدا را وقتی که داخل شوید در شام و هنگامی که داخل شوید در صبح و برای خداست ستایش

فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ جِئْنَ تَظْهَرُونَ، يُخْرِجُ الْحَيَّ

در آسمانها و زمین و در آخر روز و در وقتی که برسید به میان روز، بیرون می‌آورد خدای تعالی زنده را

مِنَ الْمَيِّتِ، وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ

از مرده و بیرون می‌آورد مرده را از زنده و زنده می‌کند زمین را برویدن گیاه، پس از مردن و خشکی و

كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ

آن و همچنین بیرون آورده می‌شوید، منزّه است پروردگارت پروردگار عزّت و غلبه از آنچه تعریف می‌کنند او را مشرکان و تحیت

عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا

و درود باد بر فرستادگان خدا و همه ستایش برای خداست که پروردگار عالمیان است و نیست حرکتی و نه قوتی مگر

بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي

به خدای بلند مرتبه بزرگ. منزّه است خدای صاحب سلطنت و پادشاهی، منزّه است صاحب



دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

**الْعِزَّةُ وَالْجَبْرُوتِ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ**

غلبه و جبروت منزه است پادشاه راست ثابت پاكيزه. منزه است پادشاه

**الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ. سُبْحَانَ**

زندهای که نمی میرد. منزه است ثابت همیشه منزه است زنده پایدار منزه است بلند مرتبه بالاتر از همه چیز. منزه است

**الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ**

او و بلند است بسیار منزه و پاكيزه است پروردگار فرشتگان و

**الرُّوحِ. اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَصْبَحْتُ مِنْكَ فِی نِعْمَةٍ وَ عَافِيَةٍ، فَاتِّمِّمْ عَلَيَّ**

روح. خداوند بدرستی که من داخل در صبح شدم از جانب تو در نعمت و سلامیت کامل، پس تمام کن بر من

**نِعْمَتِكَ وَ عَافِيَتِكَ لِی بِالنَّجَاةِ مِنَ النَّارِ، وَ ارْزُقْنِیْ شُكْرَكَ وَ**

نعمت خود را و سلامتی از جنب تورا برای من به سبب خلاصی از آتش و روزی گردان به من شکرگزاری تورا و

**عَافِيَتِكَ اَبَدًا مَا اُبْقِيْتَنیْ. اَللّهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ، وَ بِنِعْمَتِكَ**

سلامتی از جانب تورا همیشه هر قدر که زنده گذاری مرا. خداوند به سبب روشنی راهنمائی راه یافته ام و به نعمت تو

**اَصْبَحْتُ وَ اَمْسَيْتُ، اَصْبَحْتُ اَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا، وَ اَشْهَدُ**

داخل در صبح و شام گردیده ام به صبح آوردم در حال یک گواه می گیرم تورا و کافی ای از برای گواهی

**مَلَائِكَتِكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ اَنْبِیَاءِكَ وَ رُسُلَكَ، وَ جَمِیعَ خَلْقِ**

و گواه می گیرم فرشتگان تورا و بردارنده های عرش تورا و پیغمبران تورا و فرستادگان تورا و همه آفریدگان ترا

**سَمَوَاتِكَ وَ اَرْضِكَ، اَنْكَ اَنْتَ اللّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، وَ حَذَكَ لَا شَرِیکَ**

و آسمان های تورا و زمین تورا به آن که تو توانی خدا که نیست خدائی مگر تو یکتا و تنهائی تو. نیست شریکی

**لَكَ، وَ اَنْ مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ، وَ اَنْتَ**

برایت و آن که محمد که رحمت هایت پاد پر او و بر خاندانش، بنده توست و فرستاده توست و تو

**عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، تُحْیِیْ وَ تُمِیتُ وَ تُمِیتُ وَ تُحْیِیْ، وَ اَشْهَدُ اَنْ**

بر هر چیز توانائی زنده می کنی و می میرانی بعد از آن و می میرانی و زنده می کنی. پس از آن و گواهی می دهم به آنکه

**الْجَنَّةُ حَقٌّ وَ النَّارُ حَقٌّ، وَ اَنَّ السَّاعَةَ اَتِیَتْ لَا رَیْبَ فِیْهَا، وَ اَنَّ اللّهُ**

و عده بهشت راست است و آتش جهنم حق است و آن که قیامت می آید نیست شکئی در آن و آن که خدا

**یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ، وَ اَشْهَدُ اَنَّ عَلِیَّ بْنَ اَبِی طَالِبٍ وَ الْحَسَنَ وَ**

بر می انگیزاند و زنده می کند کسانی را که باشند در قبرها و گواهی می دهم به آن که علی پسر ابوطالب و امام حسن و

**الْحُسَیْنَ، وَ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ،**

امام حسین و علی پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد

**وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَ عَلِیَّ بْنَ مُوسَى، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ، وَ عَلِیَّ بْنَ**

و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی پسر



## دعاهای حضرت امام حسین (علیه السلام)

مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ الْأَمَامَ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْأَيْمَّةُ

محمد و حسن پسری علی و آن پیشوای فائز که فرزندان حسن پسری علی است همه امامان

الْهُدَاةُ الْمَهْدِيُّونَ غَيْرُ الضَّالِّينَ وَ لَا الْمُضِلِّينَ، وَ أَنَّهُمْ أَوْلِيَاؤُكَ

راهنما هستند و راه یافته شدگانند نیستند گمراهان و نه گمراه کنندگان و آن که ایشان دوستان تو

الْمُصْطَفَوْنَ، وَ حِزْبُكَ الْغَالِبُونَ، وَ صَفْوَتُكَ وَ خَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ،

و برگزیدگان و گروه غلبه کننده تو هستند و منتخب تو و برگزیده تو هستند از آفریدگان تو،

وَ نُجَبَاؤُكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ لِوِلَايَتِكَ، وَ اخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ،

و منتخبان تو هستند که اختیار کرده‌ای ایشان را برای دوستی خود و مخصوص ساخته‌ای ایشان را از میان آفریدگان خود

وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ، صَلَوَاتُكَ

و برگزیده‌ای ایشان را بر بندگان خود و گردانیده‌ای ایشان را دلیل بر آفریدگان خود، رحمت هایت باد

عَلَيْهِمْ وَ السَّلَامُ. اَللّٰهُمَّ اَكْتُبْ لِيْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ حَتَّى

بر ایشان و تسبیح تو باد بر ایشان. خداوند! بنویس برای من این گواهی را نزد خود تا آنکه

تُلْقِنِيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بفهمانی به من آن گواهی را در روز قیامت و باشی از من خشنود، بدرستی که تو بر همه چیز توانایی.

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَاءُ كَنَفِيْهَا، وَ تُسَبِّحُ لَكَ

خداوند! برای تو ستایش ستایشی که بگذارد از بسیاری آن برایت آسمان دو جانب خود را و تسبیح گوید برای تو

الْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَيْهَا، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَصْعَدُ وَ لَا يَنْفَدُ، وَ حَمْدًا

زمین و کسی که باشد بر روی آن و از برای تو ستایش ستایشی که بالا رود و برطرف نگردد و ستایشی که

يَزِيدُ وَ لَا يَبِيدُ سَرْمَدًا مَدَدًا، لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَ لَا نَفَادَ أَبَدًا. حَمْدًا

زیاده گردد و برطرف نشود و دائمی و همیشگی باشد، نباشد انتهایی برای آن و برطرف نشود هرگز ستایشی

يَصْعَدُ أَوَّلُهُ وَ لَا يَنْفَدُ آخِرُهُ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى وَ مَعِيَ وَ فِيَّ وَ

که بالا رود اول آن و برطرف نگردد آخر آن و از برای تو ستایش بر نعمت من و با وجود من در شأن من و

قَبْلِيَّ وَ بَعْدِي وَ أَمَامِي وَ لَدَيَّ، وَ إِذَا مِتُّ وَ فَنَيْتُ وَ بَقَيْتُ يَا مَوْلَايَ،

پیش از من و بعد از من و پیش روی من و نزد من و هرگاه بمیرم و برطرف شوم و باقی باشی ای مولای من،

فَلَكَ الْحَمْدُ إِذَا نُشِرْتُ وَ بُعِثْتُ، وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ

پس از برای حمد هرگاه که از هم باشیده شوم و برانگیخته گردم و از برای تو ستایش و شکرگذاری به همه

مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِكَ كُلِّهَا، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ عِرْقٍ

ستایش‌های تو، همه آنها بر همه نعمت‌های تو، همه آن نعمت‌ها و از برای تو ستایش بر هر رگی که

سَاكِنٍ، وَ عَلَى كُلِّ أَكْلَةٍ وَ شَرِبَةٍ وَ بَطْشَةٍ وَ حَرَكَةٍ وَ نَوْمَةٍ وَ يَقْظَةٍ

حرکت نکند و بر هر خوردنی و آشامیدنی و سخت گرفتنی (یا حمله کردنی) و هر حرکتی و خوابی و بیداری



دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

و لَحْظَةً وَ طَرْفَةً وَ نَفْسٍ، وَ عَلَى كُلِّ مَوْضِعٍ شَعْرَةً. اَللّٰهُمَّ لَكَ

و نگاه کردنی و چشم بر هم گذاشتنی و نفس کشیدنی و بر هر جای مویی. خداوند از برای توست

الْحَمْدُ كُلُّهُ، وَ لَكَ الْمُلْكُ كُلُّهُ، وَ بِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ، وَ اِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ

ستایش همه آن و برای توست پادشاهی همه آن و به دست قدرت توست نیکنی همه آن و به سویت برمی گردد امر

كُلُّهُ عَلَانِيَتُهُ وَ سِرُّهُ، وَ أَنْتَ مُنْتَهَى الشَّأْنِ كُلُّهُ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

همه آن ظاهر آن و پنهان آن و تونی آن که به نهایت خوبی رسیده است حال همه آن. خداوند از برای توست ستایش

عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ.

بر بردباریت بعد از دانستن تو آنچه را که در من است از گناهان و برای توست ستایش بر تجاوز تو از گناهان من بعد از توانائیت بر عقوبت کردن.

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِاعْتِ الْحَمْدِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ وَارِثَ الْحَمْدِ، وَ بَدِيعَ

خداوند از برای توست ستایش ای برانگیزنده ستایش و برای توست ستایش ای لوث برنده ستایش و خلق کننده

الْحَمْدِ، وَ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ، وَ وَاْفَى الْعَهْدِ، وَ صَادِقَ الْوَعْدِ، عَزِيزَ الْجُنْدِ،

ستایش و ایجاد کننده حمد و ای وفا کننده به شرط خود و راست آورنده وعده خود، ای آن که غلبه کننده است سپاه و

قَدِيمَ الْمَجْدِ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ،

و همیشه است شرف او. خداوند از برای ستایش ای برآورنده دعاها ای بلند کننده مرتبه ها.

مُنْزِلَ الْآيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَوَاتٍ، مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ،

ای فرود آورنده آیت ها از بالای هفت آسمان ای بیرون آورنده روشنی از تاریکی ها

مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، وَ جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ. اَللّٰهُمَّ لَكَ

ای تغییر دهنده بدیها به نیکنی ها و گرداننده نیکنی ها به مرتبه ها. خداوند از برای توست

الْحَمْدُ غَافِرِ الذَّنْبِ وَ هَاقِلِ التَّوْبِ، شَدِيدِ الْعِقَابِ ذَا الطُّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا

ستایش، ای آمرزنده گناه و قایل توبه ای آن که سخت است عقوبت او، ای صاحب بخشش. نیست خدائی مگر

أَنْتَ، اِلَيْكَ الْمَصِيرُ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى، وَ لَكَ

تو. بسوی توست بازگشت همه چیز. خداوند از برای توست ستایش در شب، هرگاه تاریک شود و از برای توست

الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى، وَ لَكَ

ستایش در روز هرگاه روشن گردد و از برای توست ستایش در آخرت و دنیا و از برای توست

الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ وَ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ

ستایش به شماره هر ستاره ای و فرشته ای که باشند در آسمانها، و از برای توست ستایش به شماره هر بارانی

نَزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ فِي

که فرود آمده از آسمان به سوی زمینی و از برای توست ستایش به شماره هر بارانی که وارد شود در

الْبَحَارِ وَ الْعُيُونِ وَ الْأَوْدِيَةِ وَ الْأَنْهَارِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الشَّجَرِ وَ

دریاها و در چشمه ها و در رودخانه ها و نهراها و از برای توست ستایش به شماره درختان و



دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

الْوَرَقِ وَالْحَصَى وَالْثَرَى، وَالْجِنِّ وَالْأَنْسِ وَالْبَهَائِمِ وَالطَّيْرِ وَ

سرمها و سنگریزه ها و ریزه های خاک و جنیان و آدمیان و چهارپایان و مرغان و

الْوَحُوشِ وَالْأَنْعَامِ وَالسَّبَاعِ وَالْهَوَامِّ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا

جانوران صحرائی و چهارپایان چرنده و درندگان و جانوران گزنده و از برای است ستایش به شماره آنچه

أَخْصَى كِتَابُكَ، وَأَخَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، حَمْدًا كَثِيرًا دَائِمًا مُبَارَكًا فِيهِ

در شماره آورده است آنرا کتاب تو و فرا گرفته است آنرا دانش تو ستایش بسیار و همیشه که باشد برکت در آن

أَبَدًا. پس ده مرتبه می گوئی: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ

همیشه. نیست خدائی مگر خدا که یکی است او، نیست شریکی برای او از برای اوست پادشاهی

لَهُ الْحَمْدُ، يُخْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَيُخْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ،

و از برای اوست ستایش، زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند، و او زنده ای است که نمی میرد،

بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

به دست قدرت اوست نیکوئی و او بر همه چیز تواناست.

و ده مرتبه: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

طلب آمرزش می کنم از خدا که نیست خدائی مگر او زنده به خود برپاست و بازگشت می نمایم به سوی او

و ده مرتبه: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ.

و ده مرتبه: يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ.

و ده مرتبه: يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ.

و ده مرتبه: يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

و ده مرتبه: يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ.

و ده مرتبه: يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ.

و ده مرتبه: يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

و ده مرتبه: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

و ده مرتبه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

و ده مرتبه: آمِينَ آمِينَ.

پس بگوید: إِفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.



## دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: این دعا را تو هر روز صبح، یک مرتبه و بعد از عصر یک مرتبه می خوانی و از خدای تعالی طلب کن آنچه را که خواهی.

## دعای عشرات به روایتی دیگر

سید بن طاووس رحمه الله گوید: روایت دیگری در باره فضیلت دعای «عشرات» وجود دارد که آن را بعد از «دعای عشرات» ذکر می کنم که سندهای آن غیر از آن است که سابقاً در فضیلت این دعا مذکور شد، و دعا به این روایت، با سابق در پاره‌ای از فقرات مخالفت دارد.

سند این روایت نیز از حضرت امام حسین بن علی علیه السلام مروی است و من می دانم این که این دعا از جانب خدای تعالی است و ترجیح دارد، این روایت بر آنچه سابقاً مذکور شد.

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می کنم ب نام خدای بخشنده مهربان

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ،

تسبیح می کنم تسبیح کردنی خدا را و ستایش برای خداست و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگ تر است و نیست حرکتی و نه توانائی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ. تسبیح می کنم تسبیح کردنی خدا را در بامداد و وقت عصر.

سُبْحَانَ اللَّهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تَسْبِيحُ

تسبیح می کنم تسبیحی خدا را در ساعات‌های شب و طرفهای روز تسبیح کنید تسبیح کردنی خدا را در وقتی که

تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ، وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ

داخل شوید در شبام و هنگامی که داخل شوید در صبح و برای خداست ستایش در آسمانها و زمین و

عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ، يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ

در آخر روز و در وقتی که برنید به میان روز بیرون می آورد خدا زنده را از مرده و بیرون می آورد مرده را

مِنَ الْحَيِّ، وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ. سُبْحَانَ

از زنده و زنده می کند زمین را به رونین گیاه پس از مردن و خشکی آن و همچنین بیرون آورده می شوید (در روز حشر). منزه است

رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ

پروردگارت پروردگار عزت و غلبه از آنچه تعریف می کنند او را مشرکان و تحیت و درود باد بر فرستادگان خدا و همه ستایش

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ

برای خدای پروردگار عالمان است. منزه است از همه عیبها و نقصها پروردگارت پروردگار عرش بزرگ، منزه است



دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْعَظَمَةِ وَالْجَبَرُوتِ،

صاحب سلطنت و پادشاهی، منزه است صاحب غلبه و بزرگی و جبروت.

سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَائِمِ، سُبْحَانَ

منزه است پادشاه زنده پاکیزه، منزه است همیشه ثابت، منزه است ثابت همیشه، منزه است

الدَّائِمِ الْقَائِمِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى،

زنده به خود بر پای، منزه است پروردگار من که بالاتر است از همه چیز.

سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، سُبْحَانَ اللَّهِ السُّبُّوحِ

منزه است بلند مرتبه بالاتر از همه چیز، منزه است او و بلند است، منزه است خدای بسیار پاک

الْقُدُّوسِ، رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي

و پاکیزه که پرورنده فرشتگان و روح است. خداوند بدرستی که من داخل در صبح شدم از جانب تو در

نِعْمَةٍ وَ عَافِيَةٍ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَقِمَّ عَلَى نِعْمَتِكَ

نعمت و سلامتی، پس رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و تمام کن بر من نعمت خود را

وَ عَافِيَتِكَ، وَ ارْزُقْنِي شُكْرَكَ. اَللَّهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ وَ بِفَضْلِكَ

و سلامتی از جانب خود را و روزی گردان به من شکر گذاری تو را، خداوند به سبب روشنی راهنمائی راه یافتیم و به زیادتی

اسْتَغْنَيْتُ، وَ بِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْتُ، وَ أَمْسَيْتُ ذُنُوبِي بَيْنَ يَدَيْكَ،

بخشش تو توانگر شدم و به نعمت تو داخل در صبح و شام گردیده‌ام، گناهان من حاضر است در نزد تو.

أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ، لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَ لَا مُعْطَى مَنَعْتَ،

طلب آمرزش می‌کنم از تو و بازگشت می‌کنم به سوی تو، نیست منع کننده‌ای برای آنچه بخشش نمائی آنرا و نیست بخشش کننده‌ای

أَنْتَ الْجَدُّ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

برای آنچه عطا نکنی او را، تونی توانگر سود نمی‌دهد صاحب توانگری از جانب تو را توانگری او، نیست حرکتی و نه توانائی مگر به خدای

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ أَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَ حَمَلَةَ

بلند مرتبه بزرگی، خداوند بدرستی که من گواه می‌گیرم تو را و گواه می‌گیرم فرشتگان تو را و بردارنده‌های

عَرْشِكَ، وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ فِي سَمَوَاتِكَ وَ أَرْضِكَ، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي

عرش تو را که در آسمانهاست و زمین تو هستند به آن که تو تونی خدا که

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ،

نیست خدائی مگر تو در حالی که تنهائی تو نیست شریکی برایت و آن که محمد بنده توست و فرستاده توست،

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اَللَّهُمَّ اكْتُبْ لِي هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ حَتَّى

رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش، خداوند بنویس برای من این گواهی را در نزد خود تا آن که بفهمانی به من آن گواهی را

تَلْقَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ قَدْ رَضِيتُ بِهَا عَنِّي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

در روز قیامت و حال آن که به تحقیق که خوشنود باشی به سبب آن گواهی از من، بدرستی که تو بر همه چیز



دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

قَدِيرُ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَوَاتُ كَنَفِيْهَا، وَ تُسَبِّحُ

توانانی. خداوند برای توست ستایش ستایشی که بگذارند از جهت سنگینی آن برایت آسمانها دو جانب خود را و تسبیح

لَكَ الْاَرْضُ وَ مَنْ عَلَيْهَا. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَصْعَدُ اَوَّلُهُ وَ لَا

گوید برایت زمین و کسی که باشد بر روی آن. خداوند برای توست ستایش ستایشی که بالا رود آغازی آن و

يَنْفَدُ آخِرُهُ، حَمْدًا يَزِيدُ وَ لَا يَبِيدُ سَرْمَدًا اَبَدًا لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَ لَا

منتهی نشود آخر آن ستایشی که زیاد گردد و برطرف نشود دائمی و همیشه باشد، نباشد انتهائی و بریدنی برای آن و نه

نَفَادَ، حَمْدًا يَصْعَدُ وَ لَا يَنْفَدُ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِيَّ وَ عَلَيَّ وَ مَعِيَ وَ

برطرف شدنی ستایشی که بالا رود و برطرف نشود. خداوند برای توست ستایش در شأن من و بر نعمت من و با وجود من و

قَبْلِيَّ وَ بَعْدِي وَ اَمَامِيَّ وَ وِرَائِيَّ وَ خَلْفِيَّ، وَ اِذَا مِتُّ وَ فَتِنْتُ يَا

پیش از من و پیش روی من و عقب سر من پی سر من و هرگاه بمیرم و برطرف نشوم ای

مَوْلَايَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ بِجَمِيعِ مَخَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَيَّ جَمِيعِ نِعَمِكَ كُلِّهَا.

صاحب من. و از برای توست ستایش به همه اقسام ستایشها تمام آنها. بر همه نعمتهایت تمام آنها.

وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي كُلِّ عِرْقٍ سَاكِنٍ، وَ عَلَيَّ كُلِّ عِرْقٍ ضَارِبٍ، وَ لَكَ

و از برای توست ستایش در هر رگی که نجبد و بر هر رگی که حرکت نماید، و از برای توست

الْحَمْدُ عَلَيَّ كُلِّ اَكْلَةٍ وَ شَرِبَةٍ وَ بَطْشَةٍ وَ نَشْطَةٍ، وَ عَلَيَّ كُلِّ مَوْضِعٍ

ستایش و بر هر خوردنی و آشامیدنی و سخت گرفتنی و کشودنی و بر هر جای

شَعْرَةٍ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، وَ لَكَ الْمَنْ كُلُّهُ، وَ لَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ، وَ لَكَ

مویی. خداوند برای توست ستایش همه آن. و برای توست بخشش همه آن و برای توست خلایق همه آن. و برای توست

الْمُلْكُ كُلُّهُ، وَ لَكَ الْأَمْرُ كُلُّهُ، وَ بِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ، وَ اِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ

پادشاهی همه آن. و برای توست فرمان همه آن. و به دست قدرت توست نیکنی همه آن. و به سوی تو برمی گردد امر

كُلُّهُ، عَلَانِيَتُهُ وَ سِرُّهُ، وَ اَنْتَ مُنْتَهَى الشَّأْنِ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

همه آن. ظاهر آن و پنهان کن و تویی آن که منتهی شده است به او حال همه آن. خداوند برای توست ستایش

عَلَيَّ حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ فِيَّ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ عَفْوِكَ عَنِّي بَعْدَ

بر بردباریت بعد از دانستن تو آنچه را که در من است از گناهان و بدیها و از برای توست ستایش بر تجاوز تو از گناهان من بعد از

قُدْرَتِكَ عَلَيَّ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ صَاحِبِ الْحَمْدِ، وَ وَارِثِ الْحَمْدِ، وَ

توانانیت بر عفویت کردن من. خداوند برای توست ستایش ای صاحب ستایش و ارث برنده ستایش و

مَالِكِ الْمُلْكِ، وَ وَارِثِ الْمُلْكِ، بَدِيعِ الْحَمْدِ، وَ مُبْتَدِعِ الْحَمْدِ، وَ فِيَّ

ای صاحب پادشاهی و ارث برنده پادشاهی. ای آفریننده ستایش و خلق کننده ستایش ای بجا آورنده شرط خود و راستگوی در

الْعَهْدِ، صَادِقَ الْوَعْدِ، عَزِيزَ الْجُنْدِ، قَدِيمَ الْمَجْدِ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ،

و عهده خود. ای آن که غالب است سپاه او و همیشه است شرف او. خداوند برای توست ستایش.



## دعاهای حضرت امام حسین علیہ السلام

**رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ، مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، مُنْزِلَ الْآيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ**

ای بلند کننده مرتبه ها، ای برآورنده حاجتها، ای فرود آورنده آیاتها (یعنی قرآن) از بالای هفت

**سَمَوَاتٍ، مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ، مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، وَ**

آسمان، ای بیرون آورنده روشنی از تاریکی ها، ای تغییر دهنده بدیها به نیکی ها، و

**جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرِ الذَّنْبِ، وَ قَابِلِ**

گرداننده نیکی ها به مرتبه ها، خداوند ابرای توست ستایش ای آمرزنده گناه و قبول کننده

**التَّوْبِ، شَدِيدِ الْعِقَابِ ذَا الطَّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ الْمَصِيرُ. اَللّٰهُمَّ**

توبه، ای آن که سخت است عقوبت او، ای صاحب احسان، نیست خدائی مگر تو، بسوی توست بازگشت همه چیز. خداوند

**لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى، وَ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَ لَكَ الْحَمْدُ**

برای توست ستایش در شب هرگاه که تاریک شود و در روز هرگاه روشن گردد و از برای توست ستایش

**فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى، وَ نَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ فِي السَّمَاءِ، وَ لَكَ**

در آخرت و دنیا و برای توست ستایش به شماره هر ستاره ای که در آسمان است و برای توست

**الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ فِي السَّمَاءِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ نَزَلَتْ**

ستایش به شماره هر قطره بارانی که در آسمان است و برای توست ستایش به شماره هر قطره بارانی که فرود آمده است

**مِنَ السَّمَاءِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ فِي الْبَحَارِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ**

از آسمان و برای توست ستایش به شماره هر قطره بارانی که باریده است در دریا و برای توست ستایش

**عَدَدَ الشَّجَرِ وَ الْوَرَقِ وَ الثَّرَى وَ الْمَدَرِ وَ الْحَصَى، وَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ**

به شماره درختان و برگ ها و خاک و گل و سنگریزه و جنیان و آدمیان

**وَ الطَّيْرِ وَ الْبَهَائِمِ وَ السَّبَاعِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْهَوَامِّ، لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا**

و مرغ ها و چهارپایان و درندگان و چراکندگان و جانوران گزنده و برای توست ستایش به شماره آنچه

**عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، وَ تَحْتَ الْأَرْضِ وَ مَا فِي الْهَوَاءِ وَ السَّمَاءِ، وَ لَكَ**

بر روی زمین است و آنچه در زیر زمین است و آنچه در میان هواست و آنچه در آسمان است و از برای توست

**الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُكَ، وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا**

ستایش به شماره آنچه شمرده است آنرا کتاب تو و فراگرفته است آنرا دانش تو. ستایش بسیار نیکی

**مُبَارَكًا فِيهِ أَبَدًا.**

که باشد بركت در آن همیشه.

**پس ده مرتبه می گوئی: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ**

نیست خدائی مگر خدا که یکی است او. نیست شریکی برای او از برای اوست پادشاهی

**لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ،**

و از برای اوست ستایش، زنده می کند و می میراند و می میراند و زنده می کند، و او زنده ای است که نمی میرد.



## دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

به دست قدرت اوست نیکوئی و او بر همه چیز تواناست.

و ده مرتبه: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

طلب آمرزش می‌کنم از خدا که نیست خدائی مگر او زنده به خود برپاست و بازگشت می‌نمایم به سوی او.

و ده مرتبه: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ.

و ده مرتبه: يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ.

و ده مرتبه: يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ.

و ده مرتبه: يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ.

و ده مرتبه: يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ.

و ده مرتبه: يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

و ده مرتبه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

و ده مرتبه: يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

و ده مرتبه: اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

و ده مرتبه: أَمِينَ آمِينَ.

## ❁ دعای مشلول ❁

از جماعتی معتبر مروی است که سند آن را به حضرت امام حسین علیه السلام رساندند که فرمودند: من با پدر خود علی بن ابی طالب علیه السلام در شبی تاریک مشغول به طواف کعبه معظمه بودم و هیچ کس در طواف نبود و جماعت زوآر همگی خوابیده بودند، که ناگاه آواز ناله شخصی را شنیدیم که به خانه کعبه پناه آورده و طلب فریادرسی می‌نمود و به آواز بسیار حزین و دلسوزی از دل پر درد خود می‌نالید و این شعر را می‌خواند:

يَا مَنْ يُجِيبُ دُعَاءَ الْمُضْطَرِّ فِي الظُّلَمِ	يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ الْبَلَوِ مَعَ السَّقَمِ
قَدْ نَامَ وَفَدَكَ حَوْلَ الْبَيْتِ وَ انْتَبَهَوْا	يَذْعُوْا وَ عَيْنُكَ يَا قَيُّومُ لَمْ تَنَمْ
هَبْ لِي بِجُودِكَ فَضْلَ الْعَفْوِ عَنْ جُرْمِي	يَا مَنْ أَشَارَ إِلَيْهِ الْخَلْقُ فِي الْحَرَمِ
إِنْ كَانَ عَفْوُكَ لَا يَلْقَاهُ ذُو سَرَفٍ	فَمَنْ يَجُودُ عَلَى الْغَاصِبِينَ بِالنِّعَمِ



## دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

ترجمه: ای کسی که برآورده می‌کند دعای بیچارگان را در شب تاریک • ای برطرف کننده آزار و بلاها با بیماریها.

خوابیده‌اند فرود آمده‌های بسوی تو در دور خانه تو و بیدارند • می‌خوانند تورا و حال آن که چشمت ای بخود بر پای بخواب نرفته است.

خدایا ببخش مرا به کرم خود از گناهانم • ای کسی که اشاره می‌کنند بسوی او آفریدگان در حرم او.

اگر چنانچه عفو و بخششت نرسد به صاحب تقصیر • پس چه کسی بخشش نماید بر گناهکاران به نعمتها؟

حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: پدرم به من فرمودند: یا ابا عبدالله آیا آواز ناله این شخص را شنیدی که از گناه خود می‌نالد و از پروردگار خود طلب فریادرسی می‌نماید؟ گفتم: بلی شنیدم، فرمودند: برو آن شخص را پیدا کن و به نزد من آور.

امام حسین علیه السلام گفتند: در آن شب تاریک گشتم و در میان خوابیده‌ها او را می‌جستم، چون به میان رکن عراقی و مقام ابراهیم علیه السلام رسیدم، آن شخص را دیدم که به نماز ایستاده‌است. گفتم سلام بر تو ای بنده خدا که اقرار به گناه خود داری و پناه به خدای خود آورده‌ای و آمرزش گناهان خود، از خدای تعالی طلب می‌کنی، بیا به نزد پسر عموی پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله که او تورا می‌طلبد.

پس در سجود شتاب نمود و تشهد و سلام داد و سخن نگفت و اشاره نمود که پیش باش. پس من پیش افتادم و آن شخص در عقب من آمد تا آن که به خدمت حضرت پدرم آمدم. به پدرم گفتم که این است آن شخص که ناله می‌کرد.

پس پدرم نگاه کردند، دیدند که آن شخص جوانی است بسیار خوش روی که جامه‌های بسیار پاکیزه پوشیده بود.

فرمودند: ای جوان تو از کدام قبیله‌ای؟

گفت: از بعضی از اعراب بادیه نشین.

فرمودند: حال تو چیست و از چه جهت گریه می‌نمودی و زاری تو از بهر چیست؟ آن جوان گفت: چه نحو خواهد بود حالی کسی که عاق پدر خود گشته باشد، و با او بی‌ادبی نموده باشد، و گرفتار به تنگی و انواع بلاها و اقسام مصیبت‌ها شده باشد؟ او حسرت و ناامیدی فرو گرفته باشد و دعای او مستجاب نگردد؟

پدرم فرمودند: از چه جهت حال تو چنین شد؟

آن جوان گفت: من در میان قبیله خود پیوسته به لهو و لعب مشهور بودم و دائماً به نافرمانی و طرب مشغول بودم و حتی در ماه رجب و شعبان هم مرتکب نامشروع و



## دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

عصیان می شدم، و هیچ ملاحظه نمی نمودم و پروائی از ترس خدا نداشتم، و مرا پدری بسیار مهربان بود که از افتادن در مصیبت های دنیوی مرا منع می نمود، و از عقوبت و عذاب آتش آخرت می ترسانید و می گفت: و بسا که از تو روزها و شبها شکوه نماید و از دست تو ماهها و سالها فریاد برآورد و از گناهان تو فرشتگان عظام به تنگ آیند. چند چنین کارها کنی؟ چرا مرتکب این قدر گناهان شوی؟

هرگاه پدرم در نصیحت الحاح می نمود و در موعظه من مبالغه می کرد، او را از خودم دور می کردم و آزارش می نمودم و بر او حمله می کردم و او را می زدم.

پس روزی از او زری را طلبیدم که آن را از من پنهان نموده بود، چون آن را مضائقه نمود، من خود رفتم که بردارم و آن را در مصارفی صرف کنم که همیشه مشغول به آن بودم. چون خواست که مرا ممانعات نماید و نگذارد که من آن را بردارم، من پدرم را زدم و دست او را پیچیدم و آن زر را از دست او بیرون آوردم و رفتم. چون پدرم خواست که از عقب من آید، دست های خود را بر زانوی گذارد که از جای برخیزد، از بسیاری آزار و شدت دردی که به او رسانیده بودم، نتوانست که از جای خود حرکت نماید، پس این شعرها را خواند:

جَرَتْ رَحِمٌ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنَازِلِي	سَوَاءٌ كَمَا يَسْتَنْزِلُ الْقَطَرُ طَالِبُهُ
وَ رَبَّيْتُ حَتَّى ضَارَ جِلْدًا شَمَزْدَلًا	إِذَا قَامَ سَاوِي غَارِبَ الْفَحْلِ غَارِبُهُ
وَ قَدْ كُنْتُ أَوْبِيهِ مِنَ الزَّادِ فِي الصَّبِي	إِذَا جَاعَ مِنْهُ صَفْوُهُ وَ أَطَايِبُهُ
فَلَمَّا اسْتَوَى فِي عُنْقَوَانِ شَبَابِهِ	وَ أَضْبَحَ كَالرُّمَحِ الرُّدِّيْنِي خَاطِبُهُ
تَهَضَّمَنِي مَالِي كَذَا وَ لَوِي يَدِي	لَوِي يَدَهُ اللَّهُ الَّذِي هُوَ غَالِبُهُ

ترجمه: جاری شد خویشی (یعنی پدر و فرزندی) میان من و هم خانه من • مساوی بی تفاوت همچنان که طلب کننده باران طلب آمدن باران می کند.

پروردیم او را تا آن که قوی هیکل گردید مثل شتر بزرگ • به نحوی که هرگاه می ایستاد دوش او مساوی با کوهان شتر بود.

من بودم که در زمان کودکی او، به او از خوردنی می دادم • هرگاه گرسنه می شد از خوردنیها پاکیزه تر و نیکوتر.

چون به کمال رسید در اول جوانی بود • و قامت او مثل نیزه زدینی گردید.

بر من ستم نمود و مال مرا ربود همچنین و دست مرا • پیچاند دست او را خدا که اوست غالب بر او.

پس پدرم به خدا سوگند یاد نمود که به سوی خانه خدا رود و از من شکایت کند، و بر من نفرین کند. لذا چند روز روزه گرفت، و چندین رکعت نماز گذاشت، و نفرین نمود و



## دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

بر شتر خود سوار شد و بیرون رفت، و قطع بیابانها و رودخانه‌ها کرد، و بر کوهها بالا رفت، و پائین آمد، تا آن که در روز حج اکبر به مکه معظمه رسید. پس از شتر خود پایین آمده، متوجه خانه خدا گردید و طواف خانه نمود، و سعی صفا و مروه کرد، و بعد از آن به مسجدالحرام آمده و به پرده‌های کعبه چسبید و خود را به آن آویخت، و به خدای تعالی زاری نمود و نفرین کرد و این اشعار را خواند:

يَا مَنْ إِلَيْهِ أَتَى الْحُجَّاجُ بِالْجُهْدِ	فَوْقَ الْمَهَاوِي مِنْ أَقْصَى غَايَةِ الْبُعْدِ
إِنِّي أَتَيْتُكَ يَا مَنْ لَا يُخَيَّبُ مَنْ	يَدْعُوهُ مُبْتَهِلًا بِالْوَاحِدِ الصَّمَدِ
هَذَا مَنَازِلُ لَا يَزْتَاغُ مِنْ عَقَبِي	فَخُذْ بِحَقِّي يَا جَبَّارُ مِنْ وَلَدِي
حَتَّى تَشَلَّ بِعَوْنِ مِنْكَ جَانِبَهُ	يَا مَنْ تَقَدَّسَ لَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَلِدْ

ترجمه: ای کسی که حاجیان با مشقت به سوی او آمدند • سوار بر بالای شتران از بلاد دور در نهایت دوری.

به درستی که من آمده‌ام تورا ای کسی که ناامید نمی‌کند کسی را • که بخواند او را در حالی که زاری نماید به خدای یکتا در حاجتها.

خداوندا این منازل پسر من که نمی‌ترسد از عاق شدن از من • پس بستان حق مرا ای درست‌کننده شکستها از فرزند من.

تا آن که شل سازی یک طرف بدن او را • ای کسی که منزّه‌است از زائیده‌شدن و نزائیده‌است.

سپس آن جوان گفت: به حق آن کسی که آسمان را بلند کرده و او آب روان را جاری نموده، هنوز دعای پدرم تمام نشده بود که به من این بلاء نازل شد که آن را می‌بینید. پس لباس خود را کنار زد و پای خود را نشان داد. آن حضرت دید که یک طرف بدن آن جوان شل شده‌است.

سپس آن جوان ادامه داد: مدت سه سال است که از پدرم التماس می‌کردم که برای من دعا کند در همان موضعی که مرا نفرین کرده تا سالم شوم، ولی ایشان قبول نمی‌کرد، تا آن که در امسال بر من ترحم کرد و خواهش مرا قبول کرد. لذا برای او شتری جوان خوش رفتاری را مهیا نمودم و او را بر آن سوار کردم و از شهر بیرون آمدیم، به طرف خانه خدا، بامید آن که از این بلا نجات یابم، تا آن که در اثنا شب به موضع اراک و حطمه رسیدیم. ناگاه از آن موضع مرغی پرید و شتر رم کرد و پدرم را داخل سنگلاخ در میان دو سنگ انداخت. چون من به او رسیدم، دیدم که فوت شده، او را در همان موضع دفن نمودم.

آنگاه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: به تو فریادرسی آمد. من تورا دعائی بیاموزم



## دعاهای حضرت امام حسین (علیه السلام)

که آن را به من پیغمبر خدا ﷺ تعلیم نموده است و در آن اسم اعظم خدای بزرگ و بخشنده است که خدای تعالی به برکت این دعا، حاجت کسی را برمی آورد که این دعا را بخواند و به او می بخشد آنچه را که از خدا خواهد.

و به برکت این دعا از آن شخص غم و غصه برطرف می شود، و از او بیماری برطرف می شود و به برکت این دعا شکستگی او درست می شود و درویشیش به توانگری مبدل می گردد و قرض او ادا می شود و از او چشم زخم برگردد و گناهان او آمرزیده شود و عیبهای او پوشیده شود و از ترس هر شیطانی سرکش و هر ظالم ایمن گردد.

و اگر این دعا را بنده فرمان برداری بر کوه بخواند، آن کوه از جای خود زایل شود و اگر بر مرده ای بخواند، خدای تعالی آن را زنده گرداند، پس از آن که مرده است. و اگر کسی این دعا را بر آب بخواند، بر روی آن راه می رود، به شرط آن که به آن تکبر راه نیابد.

پس حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای جوان! باید که از گناهانت توبه کنی. مرا بر تو رحم آمد و باید که خدای تعالی، نیت خالص تورا و اعتقاد درست تورا بداند و این دعا را در طلب معصیت نخوانی، و تعلیم نکنی، مگر به کسی که به دین او اعتماد داشته باشی. پس اگر نیت خود را خالص نمائی، خدای تعالی حاجت تورا برمی آورد و پیامبرت حضرت محمد ﷺ را در خواب خواهی دید که تورا مژده بهبودی و رستگاری و دخول به بهشت را خواهد داد.

حضرت امام حسین (علیه السلام) فرمودند: خوشحالی من به مطلع شدن به فضیلت این دعا، بیشتر از خوشحال شدن این جوان بود، از جهت آن که من هرگز این دعا را قبل از ماجرا، از پدر خود نشنیده بودم. بعد از آن، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به من فرمودند: که دوات و کاغذی بیاور تا این دعا را برای این جوان بنویس. چون دوات و کاغذ را حاضر نمودم، فرمودند: بنویس آنچه را که بر تو می خوانم. پس آن حضرت دعا را خواندند و من آن را نوشتم و به آن جوان دادم.

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می کنم بنام خدای بخشنده مهربان

اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، یا ذَا الْجَلَالِ

خداوند بدرستی که من سؤال می کنم تورا به حرمت نام توبه نام خدای بخشنده مهربان، ای صاحب بزرگواری

وَ الْاَكْرَامِ، یا حَیُّ یا قَیُّوْمُ، یا حَیُّ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، یا هُوَ، یا مَنْ لا

و احسان، ای زنده ای پاینده، ای زنده ای که نیست خدائی مگر تو، ای آن که اوست و بس، ای آن که نمی داند

یَعْلَمُ ما هُوَ وَ لا کَیْفَ هُوَ وَ لا اَیْنَ هُوَ وَ لا حَیْثُ هُوَ اِلاَّ هُوَ، یا

احدی که چیست او و نه آن که چگونه است او و نه کجاست او، و نه چه جاست او، مگر آن خدا، ای



دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

**ذَا الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، يَا ذَا الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ، يَا مَلِكُ يَا قُدُّوسُ، يَا**

مُصَاحِبِ پادشاهی و مملکت، ای خداوند عزت و غلبه و بزرگواری، ای پادشاه، ای بسیار پاکیزه از نقصها، ای

**سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ، يَا مُقَدِّرُ يَا خَالِقُ،**

سالم از همه عیبها، ای امان دهنده، ای نگاهبان، ای غلبه کننده، ای درست کننده شکستگی ها، ای بزرگوار، ای تقدیر کننده، ای آفریننده

**يَا بَارِيءُ، يَا مُصَوِّرُ، يَا مُفِيدُ، يَا وَدُودُ، يَا بَعِيدُ، يَا قَرِيبُ، يَا**

ای صورت دهنده، ای نسف بخشنده، ای بسیار دوست، ای دور ای نزدیک به همه چیز، ای

**مُجِيبُ، يَا رَقِيبُ، يَا حَسِيبُ، يَا بَدِيعُ، يَا رَفِيعُ، يَا مَنِيعُ، يَا**

برآورنده حاجتها، ای نگاهبان، ای کفایت نماینده، ای تازه پدید آورنده، ای بلند مرتبه، ای بازدارنده بلاها، ای

**سَمِيعُ، يَا عَلِيمُ، يَا حَكِيمُ، يَا كَرِيمُ، يَا حَلِيمُ، يَا قَدِيمُ، يَا عَلِيٌّ، يَا**

شنوای دانها، ای درست کردار، ای بخشنده، ای برادر، ای همیشه، ای بلند مرتبه، ای

**عَظِيمُ، يَا حَنَّانُ، يَا مَنَّانُ، يَا دَيَّانُ، يَا مُسْتَعَانُ، يَا جَلِيلُ، يَا**

بزرگ، ای مهربان، ای بخشنده، ای جزا دهنده، ای یاری طلب کرده شده، ای بزرگ مرتبه، ای

**جَمِيلُ، يَا وَكِيلُ، يَا كَفِيلُ، يَا مُقِيلُ، يَا مُبِيلُ، يَا نَبِيلُ، يَا دَلِيلُ، يَا**

نیکوکار، ای کارگذار، ای ضامن روزی خلاق، ای قبول کننده بشیعتی، ای رساننده خیر، ای صاحب شرف، ای راهنمای، ای

**هَادِي، يَا بَادِي، يَا أَوَّلُ، يَا آخِرُ، يَا ظَاهِرُ، يَا بَاطِنُ، يَا حَاكِمُ، يَا**

مهداب کننده، ای آشکار کننده، ای اول، ای آخر، ای آشکار، ای پنهان، ای حکم کننده، ای

**قَاضِي، يَا عَادِلُ، يَا فَاضِلُ، يَا وَاصِلُ، يَا طَاهِرُ، يَا مُطَهِّرُ، يَا قَادِرُ،**

فصل دهنده کارها، ای عدالت کننده، ای جدا سازنده حق از باطل، ای رساننده نعمتها، ای پاک، ای پاک کننده، ای توانا،

**يَا مُقْتَدِرُ، يَا كَبِيرُ، يَا مُتَكَبِّرُ، يَا أَحَدُ، يَا صَمَدُ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ**

ای بسیار با قدرت، ای بزرگ، ای بسیار بزرگوار، ای بی همتا، ای مقصود در حاجتها، ای آن که نزائیده و زائیده

**يُولَدُ. وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ، وَلَا كَانَ مَعَهُ**

نشده و نیست و نبود برای او مانند و همسر کسی، و نیست برای او هم صحبتی و نبوده است با او

**وَزِيرٌ، وَلَا اتَّخَذَ مَعَهُ مُشِيرًا، وَلَا احتَاجَ إِلَى ظَهِيرٍ، وَلَا كَانَ مَعَهُ**

مددکاری و فرا نگرفته است با خود مدبر و خیرخواهی را، و محتاج نبوده است به معاونی و نبوده

**إِلَهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَتَعَانَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الْجَاهِدُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا، يَا**

با او نیست خدائی مگر تو پس بلندیت از آنچه می گویند کافران، بلندی بزرگ، ای

**عَلِيٌّ، يَا عَالِمُ، يَا شَامِخُ، يَا بَازِخُ، يَا فَتَّاحُ، يَا مُفَرِّجُ، يَا نَاصِرُ، يَا**

دانای، ای بلند، مرتبه، ای بسیار بلند مرتبه، ای گشاینده، ای نجات دهنده، ای

**مُنْتَصِرُ، يَا مُهْلِكُ، يَا مُنْتَقِمُ، يَا بَاعِثُ، يَا وَارِثُ، يَا أَوَّلُ، يَا طَالِبُ،**

یاری کننده، ای انتقام کننده، ای هلاک کننده، ای داد ستاننده، ای برانگیزاننده، ای میراث برنده، ای پیش از همه چیز، ای جوینده



دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

**يَا غَالِبُ، يَا مَنْ لَا يَفُوتُهُ هَارِبٌ، يَا تَوَّابٌ، يَا أَوَّابٌ، يَا وَهَّابٌ، يَا**

ای غلبه کننده، ای آن که نایاب نمی شود از او هیچ گریزند، ای قبول توبه کننده، ای قبول بازگشت کننده، ای

**مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ، يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ، يَا مَنْ حَيْثُ مَا دُعِيَ أَجَابَ، يَا**

بخشنده عطاها، ای سبب سازنده سببها، ای گشاینده درها، ای آن که در هر جایی که خوانده شده است پذیرفته، ای

**طَهُورٌ، يَا شَكُورٌ، يَا عَفُوٌّ، يَا غَفُورٌ، يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ،**

بسیار پاک، ای جزا دهنده شکرگزاری، ای تجاوز کننده معصیتها، ای آمرزنده گناهها، ای روشنی بخش روشنی، ای چاره ساز کارها،

**يَا لَطِيفٌ، يَا خَبِيرٌ، يَا مُتَجَبِّرٌ، يَا مُنِيرٌ، يَا بَصِيرٌ، يَا ظَهِيرٌ، يَا**

ای دانای امور باریک، ای آگاه، ای بزرگوار، ای روشن کننده عالم، ای بینا، ای پشت و پناه، ای

**كَبِيرٌ، يَا وَثَرٌ، يَا فَرْدٌ، يَا أَبَدٌ، يَا صَمَدٌ، يَا سَنَدٌ، يَا كَافِي، يَا مُحْسِنٌ، يَا**

بزرگ، ای بی همتا، ای یگانه، ای مرجع خلائق، ای معتمد، ای کارگذار، ای احسان کننده، ای نیکوئی کننده،

**مُجْمَلٌ، يَا مُعَافِي، يَا مُنْعِمٌ، يَا مُتَفَضِّلٌ، يَا مُتَكَرِّمٌ، يَا مُتَفَرِّدٌ، يَا مَنْ عَلَا**

ای سلامت دارنده، ای نعمت دهنده، ای زیاد بخشنده، ای بسیار کرم کننده، ای یکتای، ای بلند مرتبه

**فَقْهَرٌ، يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرٌ، يَا مَنْ بَطَّنَ فَخْبَرٌ، يَا مَنْ عَبْدَ فَشْكَرْ، يَا مَنْ**

که غلبه نموده، ای مالکی که توانا شده، ای آن که پنهان است پس آشکاراست، ای آن که پرستیده می شود پس سپاس گذاری می کند، ای آنکه

**عُصِيَ فَعَفِرَ وَ سَتَرَ، يَا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكْرُ، وَ لَا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ وَ لَا**

نافرمانی می شود پس می پوشانید، ای آن که فراموشی گیرد او را اندیشه ها، و نمی بیند او را چشم و

**يَخْفَى عَلَيْهِ أَثَرٌ، يَا رَازِقَ الْبَشَرِ، يَا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ، يَا عَالِي**

پوشیده نیست بر او کاری، ای روزی دهنده آدمیان، ای اندازه کننده هر اندازه ای، ای بلند

**الْمَكَانِ، يَا شَدِيدَ الْأَرْكَانِ، يَا مُبَدِّلَ الزَّمَانِ، يَا قَابِلَ الْقُرْبَانِ، يَا**

مکان، ای آن که سخت است مفاصل او، ای تغییر دهنده وقتها، ای قبول کننده قربانی ها، ای

**ذَا الْمَنْ وَ الْأَحْسَانِ، يَا ذَا الْعِزِّ وَ السُّلْطَانِ، يَا رَحِيمٌ، يَا رَحْمَنٌ، يَا**

خداوند بخشنده و نیکوئی، ای صاحب عزت و پادشاهی، ای مهربان، ای بخشاینده، ای

**عَظِيمَ الشَّأْنِ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ**

آن که بزرگ است رتبه او، ای آن که او هر روزی در کاری است، ای آن که باز نمی دارد او را کاری

**عَنْ شَأْنٍ، يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ، يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، يَا مُنْجِحَ**

از مشغول شدن به کارها، دیگر، ای شنونده آوازه ها، ای قبول کننده دعاها، ای دهنده

**الطَّلِبَاتِ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ، يَا رَاحِمَ**

مطلبها، ای برآورنده حاجتها، ای فرود آورنده برکتها، ای رحیم کننده

**الْعَبَرَاتِ، يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ، يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ، يَا وَلِيَّ**

گریه کننده ها، ای درگذرنده از لغزشها، ای برطرف کننده اندوهها، ای صاحب



دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

الْحَسَنَاتِ، يَا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ، يَا مُؤْتِيَ السُّؤْلَاتِ، يَا مُخَيِّ

نمیکنی ها، ای بلند کننده مرتبه ها، ای دهننده سؤالات، ای زنده کننده

الْأَمْوَاتِ، يَا مُطَّلِعَ عَلَى النِّيَّاتِ، يَا رَادَّ مَا قَدْ فَاتَ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُهُ

مردگان، ای آگاه بر قصد ها، ای برگرداننده آنچه را که به تحقق نایاب شده، ای آن که مشتبه نمی شود

عَلَيْهِ الْأَضْوَاتُ، يَا مَنْ لَا تَضْجُرُهُ الْمَسْئَلَاتُ وَ لَا تَغْشَاهُ

بر او آوازه ها، ای آن که دلگیر نمی کند او را سؤالات و نمی پوشاند او را

الظُّلُمَاتُ، يَا نُورَ الْأَرْضِ وَ السَّمَوَاتِ، يَا سَابِغَ النِّعَمِ، يَا دَافِعَ

تاریکی ها، ای روشنی بخش زمین و آسمانها، ای آن که کامل است نعمت های او، ای دفع کننده

النِّقَمِ، يَا بَارِيَّ النَّسَمِ، يَا جَامِعَ الْأُمَمِ، يَا شَافِيَ السَّقَمِ، يَا خَالِقَ

عقوبتها، ای آفریننده بندگان، ای فراهم آورنده امتها، ای شفا دهننده بیماریان، ای آفریننده

النُّورِ وَ الظُّلَمِ، يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكَرَمِ، يَا مَنْ لَا يَطَأُ عَرْشَهُ قَدَمٌ، يَا

روشنی و تاریکی ها، ای صاحب بخشش و کرم، ای آن که نرسیده است بر عرش او هیچ پائی، ای

أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ

نیکی کننده ترین نیکی کنندگان، ای بخشنده ترین بخشندگان، ای شنواترین شنوندگان و ای

النَّاظِرِينَ، يَا جَارَ الْمُتَسَجِّرِينَ، يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، يَا ظَهَرَ

بیناترین بینایان، ای پناه دهننده پناه طلب کنندگان، ای امان دهننده ترسانان، ای پشت و

اللَّاجِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا غَايَةَ

پناه پناهنده آورانندگان، ای دوست مؤمنان، ای فریادرس فریادرس طلبان، ای نهایت آرزوی

الطَّالِبِينَ، يَا صَاحِبَ كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُوْنِسَ كُلِّ وَجِيدٍ، يَا مُلْجَأَ كُلِّ

طلب کننده گان، ای هم محبت هر تنهایی، ای هم راز هر یکتائی، ای پناه هر

طَرِيدٍ، يَا مَأْوَى كُلِّ شَرِيدٍ، يَا حَافِظَ كُلِّ ضَالَّةٍ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ

راننده شده ای، ای آرامگاه هر رمیده ای، ای نگاهدارنده هر کم شده ای، ای رحم کننده پیر

الْكَبِيرِ، يَا زَارِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا جَابِرَ الْعَظَمِ الْكَبِيرِ، يَا فَاتِكَ

بزرگ، ای روزی دهننده طفل کوچک، ای درست کننده استخوان شکسته، ای آزاد کننده

كُلِّ أَسِيرٍ، يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ،

هر در بند و بلائی، ای توانگر کننده هر بیچاره محتاجی، ای نگاهدارنده ترسان پناه خواهی،

يَا مَنْ لَهُ التَّدْبِيرُ وَ التَّقْدِيرُ، يَا مَنْ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ، يَا

ای آن که برای اوست چاره کردن و اندازه نمودن، ای آن که دشوار بر او آسان است، ای

مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى تَفْسِيرٍ، يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا مَنْ

آن که احتیاج ندارد در دانستن چیزها به بیعتی، ای آن که او بر همه چیز تواناست، ای آنکه



دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ خَبِيرٌ، يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ، يَا مُرْسِلَ

او به هر چیز داناست، ای آن که او به همه چیز بیناست، ای فرستنده

الرِّيحِ، يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ، يَا بَاعِثَ الْأَزْوَاجِ، يَا ذَا الْجُودِ وَ

بادها، ای شکافتنده شب جهت بیرون آوردن صبح، ای برانگیزنده روحها، ای صاحب عطا و

السَّمَاكِ، يَا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ، يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يَا سَابِقَ كُلِّ

بخشش، ای آن که به دست قدرت اوست هر کلیدی، ای شنونده هر آوازی، ای پیشی گیرنده هر

قُوْتٍ، يَا مُحْيِيَ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا

نایابی، ای زنده کننده هر شخصی پس از مرگ، ای تهنیه و ذخیره من در روز سختی، ای

حَافِظِي فِي غُرْبَتِي، يَا مُوَسِّئِي فِي وَحْدَتِي، يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي،

نگاهداری من در غریبی من، ای همراز من در تنهایی من، ای کارگذار من در

يَا كُنْفِي حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ، وَ تُسَلِّمُنِي الْأَقَارِبُ، وَ

نعمت من، ای پناه من در هنگامی که عاجز کند مرا راهها و بسپارند مرا به زیر خاک خویشان و

يَخَذُلْنِي كُلُّ صَاحِبٍ، يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ، يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ

ترک نماید یاری مرا هر صاحبی، ای معتمد کسی که نباشد معتمدی برای او، ای تکیه گاه کسی که نباشد تکیه گاهی

لَهُ، يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ، يَا كَهْفَ مَنْ لَا كَهْفَ لَهُ، يَا رُكْنَ مَنْ لَا

برای او، ای ذخیره آن که نباشد ذخیره برای او، ای پناه آن که نباشد پناهی برای او، ای محل اعتماد آن که نباشد

رُكْنَ لَهُ، يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، يَا جَارَ مَنْ لَا جَارَ لَهُ، يَا جَارِي

محل اعتمادی برای او، ای فریادرس آن که نباشد فریادری برای او، ای همسایه آن که نباشد همسایه ای برای او، ای همسایه من

اللَّصِيقُ، يَا رُكْنِي الْوَثِيقُ، يَا إِلَهِي بِالتَّحْقِيقِ، يَا رَبَّ الْبَيْتِ

که متصل است به من، ای معتمد من که محکم است او، ای خدای من بدرستی و راستی ای پروردگار خانه

الْعَبِيقُ، يَا شَفِيقُ، يَا رَفِيقُ، نَجِّنِي مِنْ حَلْقِ الْمَضِيقِ، وَ اصْرِفْ

آزاد کننده، ای مهربان، ای یار صاحب رهائی ده مرا از حلقه های تنگ بلاها و بگردان

عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ ضِيقٍ، وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا لَا أَطِيقُ، وَ أَعِنِّي عَلَى

از من هر اندوه و غم و تنگی را و کفایت کنای مرا از شر آنچه قدرت بر منبر آن ندارم و یاری کن بر

مَا أَطِيقُ، يَا رَأْدَ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ، يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ، يَا

آنچه طاقت دارم، ای بازگرداننده یوسف بر یعقوب، ای برطرف کننده آزار ایوب، ای

غَافِرَ ذَنْبِ دَاوُدَ، يَا زَافِعَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ وَ مُنْجِيَهُ مِنْ أَيْدِي

آمرزنده گناه داود، ای بالا برنده عیسی پسر مریم و نجات دهنده او از دستهای جماعت

الْيَهُودِ، يَا مُجِيبَ نِدَاءِ يُونُسَ فِي الظُّلُمَاتِ، يَا مُصْطَفَى مُوسَى

یهود، ای برآورنده دعای یونس در تاریکی ها، ای برگزیده موسی



## دعاهای حضرت امام حسین علیہ السلام

**بِالْكَلِمَاتِ، يَا مَنْ غَفَرَ لِآدَمَ خَطِيئَتَهُ، وَ رَفَعَ إِدْرِيسَ بِرَحْمَتِهِ، يَا مَنْ**

به سخنان، ای آن که آمرزیده است برای آدم گناه او را و بالا بردارده است ادريس را به رحمت خود، ای آنکه

**نَجَّى نُوحًا مِنَ الْغَرَقِ، يَا مَنْ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى، وَ ثَمُودَ فَمَا أَبْقَى**

رها نمودای نوح را از غرق شدن، ای آن که هلاک ساخته قبیله را که اول بودند و قوم ثمود را پس باقی نگذاشت از ایشان کسی را

**وَ قَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَ أَطْغَى، وَ الْمُؤْتَفِكَةَ**

و قوم نوح را پیش از ایشان بدرستی که بودند ایشان ستم کننده تر و سرکش تر و شهرهای سرنگون را

**أَهْوَى، يَا مَنْ دَمَّرَ عَلَى قَوْمِ لُوطٍ، وَ دَمَدَمَ عَلَى قَوْمِ شُعَيْبٍ، يَا مَنْ**

هلاک نمود، ای آن که هلاک ساخت بر گروه لوط و هلاک نمود بر قوم شعيب، ای آنکه

**اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، يَا مَنْ اتَّخَذَ مُوسَى كَلِيمًا، وَ اتَّخَذَ مُحَمَّدًا**

فرا گرفته است ابراهيم را دوست خود، ای آن که فرا گرفته است موسی را سخنگوی با خود و فرا گرفته است محمدا را

**صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ حَبِيبًا، يَا مُؤْتَى لُقْمَانَ**

که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش و بر پیغمبران هم، دوست خود، ای دهنده به لقمان

**الْحِكْمَةَ، وَ الْوَاهِبِ لِسُلَيْمَانَ مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، يَا مَنْ**

دانی در سترا و ای بخشنده به سليمان پادشاهی را که سزاوار نیست برای کسی پس از او، ای آنکه

**بَصَرَ ذَا الْقَرْنَيْنِ عَلَى الْمُلُوكِ الْجَبَابِرَةِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْخَضِرَ**

بصاری کرده است اسکندر ذوالقرنین را بر پادشاهان گردنکشان، ای آن که بخشید به خضر

**الْحَيَاةَ، وَ رَدَّ لِيُوشَعَ نُورَ الشَّمْسِ بَعْدَ غُرُوبِهَا، يَا مَنْ رَبَطَ عَلَى**

زندگانی را و برگردانید برای یوشع نور آفتاب را پس از فرو رفتن آن، ای آن که قوی گردانید

**قَلْبِ أُمِّ مُوسَى، وَ أَحْصَنَ فَرْجَ مَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ، يَا مَنْ حَصَّنَ**

دل مادر موسی را و نگاهداشت عورت و عرض مریم دختر عمران را، ای آن که محافظت نمود

**يَحْيَى بَنَ زَكَرِيَّا مِنَ الذَّنْبِ، وَ سَكَّنَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبَ، يَا مَنْ**

یحیی پسر زکریا را از گناه و فرو نشاند از موسی خشم او را، ای آنکه

**بَشَّرَ زَكَرِيَّا بِيَحْيَى، يَا مَنْ فَدَا إِسْمَاعِيلَ مِنَ الذَّبْحِ، يَا مَنْ قَبِلَ**

مژده داده است زکریا را به وجود یحیی، ای آن که فدا نمود برای اسماعیل از کشته شدن، ای آن که قبول نمود

**قُرْبَانَ هَابِيلَ، وَ جَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلَى قَابِيلَ، يَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ لِمُحَمَّدٍ**

قربانی هابیل را و گردانید دوری از رحمت خود را بر قابیل، ای گریزاننده گروه ها برای محمد

**صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ، وَ مَلَائِكَتِكَ**

رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و بر همه فرستادگان و فرشتگان تو

**الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَهْلَ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ. وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَسْئَلَةٍ سَأَلَكَ**

که نزدیکان و جماعت فرمانبرداران تو هستند همه و سؤال می کنم تو را به هر حاجتی که سؤال کرده است ترا



دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

بِهَا أَحَدٌ مِّمَّنْ رَضِيَتْ عَنْهُ، فَحَقَمْتَ لَهُ عَلَى الْإِجَابَةِ، يَا اللَّهُ، يَا

به آن احدی از آن کسانی که خشنودیت از او پس لازم ساختنای بر خود برای او آوردن حاجت او را، ای خدا، ای

اللَّهُ، يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَنُ، يَا رَحْمَنُ، يَا رَحِيمُ، يَا رَحِيمُ، يَا

خدا ای خدا ای بخشندهای بخشندهای بخشنده ای مهربان ای مهربان ای

رَحِيمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ

مهربان، ای خداوند بزرگی و بزرگی، ای خداوند بزرگی و بزرگی، ای خداوند بزرگی و

الْإِكْرَامِ، بِه بِه بِه بِه بِه بِه بِه، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ،

بزرگی، به حق آن نام..... سؤال میکنم تو را به حق هر نامی که نامیده‌ای به آن ذات خود را

أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي شَيْءٍ مِنْ كُتُبِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ

یا آن که فرو فرستاده‌ای آنرا در یکی از کتابهای خود یا آن که اختیار نموده‌ای آنرا در دانش نهانی

عِنْدَكَ، وَ بِمَا لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرُ يَمْدُهُ

در نزد خود و به حرمت این کلام که اگر آن که باشند آنچه در زمین است از درختان قلمها و دریا شود مداد آنها

مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ، مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ، وَ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ

از پس آن باشد هفت دریای دیگر تمام نمی‌شود و به آخر نمی‌رسد نام‌های خدا، و سؤال میکنم تو را به نامهای

الْحُسْنَى الَّتِي بَيَّنَّتَهَا فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

نیکی که ذکر نموده‌ای آنها را در کتاب مجید خود، پس گفتم: «و برای خداست نام‌های نیکی

فَادْعُوهُ بِهَا»، وَ قُلْتُ: «أَدْعُوْنِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» وَ قُلْتُ: «وَ إِذَا سَأَلَكَ

پس بخوانید خدا را به آن نامها و گفته‌ای که بخوانید مرا بر آورم برای شما حاجت شمارا و گفته‌ای «هرگاه درخواست نمایند ترا

عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ، أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» وَ قُلْتُ: «يَا

بندگان از من پس من نزدیکم به آنها و قبول میکنم دعای خوانندگرا هرگاه بخوانند مرا» و گفتم: «ای

عِبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ، لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ

بندگان من که ستم نموده‌اند بر نفسهای خود، ناامید مگردید از رحمت خدا، برآستی که

اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً». وَ أَنَا أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي، وَ أَطْمَعُ فِي

خدا می‌آمزد گناهان را جمعی، و من سؤال میکنم از تو ای خدای من و توقع دارم در

إِجَابَتِي يَا مَوْلَايَ كَمَا وَعَدْتَنِي، وَ قَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَافْعَلْ

بر آوردن حاجتم ای مولای من همچنان که وعده فرمودی، و اکنون خواندمام تو را همچنان که امر فرمودی، پس بکن

بِی كَذَا وَ كَذَا.

در حق من چنین و چنین.

سؤال کن از خدای تعالی آنچه را که خواهی، و حاجت خود را نام ببر و این دعا را همیشه در حال وضو و طهارت بخوان.



## دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به آن جوان فرمودند: هرگاه شب دهم شود، این دعا را بخوان، صبح بعد به خیر و سلامتی و خوبی نزد من بیا.  
حضرت امام حسین علیه السلام فرمودند: آن جوان آن دعا را گرفت و رفت. چون صبح شد، هنوز به کاری شروع نکرده بودیم، که دیدیم آن جوان صحیح و سالم آمد و این دعا در دست داشت و می گفت: قسم بخدا که در این دعا، اسم اعظم است، حاجت من قسم به پروردگار کعبه برآورده شد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از آن جوان سؤال کردند که ماجرا را نقل کن که چون شد. جوان گفت: چون شب دهم شد، و همه مردم بخواب رفتند و تاریکی شب همه را فراگرفت، دعا را به دست راست به سوی آسمان بلند کردم و خدای تعالی را خواندم و او را به حق این دعا چند مرتبه قسم دادم، پس در مرتبه دوم آوازی شنیدم که گفت: دعای تو مستجاب شد. بس است، تو خدا را به اسم اعظم خواندی. سپس خوابیدم چون بخواب رفتم، در خواب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را دیدم که دست مبارک خود را بر بدن من مالیدند و فرمودند: این اسم اعظم را محافظت کن. به درستی که تو بر خیر و خوبی هستی. چون بیدار شدم، خود را صحیح و سالم یافتم، چنان که می بینی، خدای تعالی تو را جزای خیر دهد ای امیرالمؤمنین.

## دعای دیگر امام حسین علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می کنم بنام خدای بخشنده مهربان

اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ تَوْفِیْقَ اَهْلِ الْهُدٰی، وَ اَعْمَالَ اَهْلِ التَّقْوٰی، وَ خداوند! بدرستی که من سؤال می کنم از تو تهیه اسباب اهل راه یافته شدگان و کردارهای جماعت پرهیزکاران را و مُنَاصَحَةَ اَهْلِ التَّوْبَةِ، وَ عَزْمَ اَهْلِ الصَّبْرِ، وَ حَذَرَ اَهْلِ الْخَشْيَةِ، نصیحت پذیرفتن جماعت توبه سازان را و قصد اهل تحفظ را و ترس جماعت بیمناکان را و طَلَبَ اَهْلِ الْعِلْمِ، وَ زِیْنَةَ اَهْلِ الْوَرَعِ، وَ حَذَرَ اَهْلِ الْجَزَعِ، حَتّٰی خواستن اهل دانائی را و زینت جماعت پارسایان را و ترس جماعت زاری کنندگان را تا آنکه اَخَافَكَ اللّهُمَّ مَخَافَةً تَحْجِزُنِیْ عَنْ مَعَاصِیْكَ، وَ حَتّٰی اَعْمَلَ بِطَاعَتِكَ عَمَلًا اَسْتَحِقُّ بِهٖ كَرَامَتَكَ، وَ حَتّٰی اُنَاصِحَكَ فِی الْقُوَّةِ ترا کردنی که سزاوار شوم به سبب آن بخشش تو را و تا آن که نصیحت پذیر شوم در توانائی



## دعاهای حضرت امام حسین علیه السلام

**خَوْفًا لَكَ، وَ حَتَّى أُخْلِصَ لَكَ فِي النَّصِيحَةِ حُبًّا لَكَ، وَ حَتَّى**

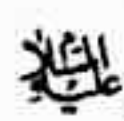
عبادت کردن جهت ترس از برای تو و تا آن که خالص سازم نیت را از برای تو در نصیحت پذیر شدن جهت دوستی از برای تو و تا آن که

**أَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي الْأُمُورِ حُسْنِ ظَنِّ بِكَ، سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ**

اعتماد نمایم بر تو در کارها از جهت نیکوئی اعتقادی که دارم به تو منزه است آفریدگار روشنی.

**سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ.**

منزه است خدای بزرگ و متعالیست به ستایش او.



## دعای هر صبح و شام امام حسین علیه السلام



**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

آغاز می کنم بنام خدای بخشنده مهربان

**بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، وَ**

و یاری می جویم به نام خدا و به ذات خدا و در راه خدا و بر پیروی دین فرستاده خدا، و

**تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اَللَّهُمَّ**

اعتماد کرده ام بر خدا و نیست حرکتی و نه توانائی مگر به خدای بلند مرتبه بزرگ، خداوند.

**إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَ وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي**

بدرستی که من سپرده ام جان خود را به تو و گردانیده ام روی خود را به سوی تو و واگذارم کار خود را

**إِلَيْكَ، إِلَيْكَ أَسْأَلُ الْعَافِيَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. اَللَّهُمَّ**

به سوی تو، و از تو و بس سؤال می کنم سلامتی از هر مکر و هوی را در دنیا و آخرت. خداوند!

**إِنَّكَ تَكْفِينِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ وَ لَا يَكْفِينِي مِنْكَ أَحَدٌ، فَاكْفِنِي مِنْ كُلِّ**

بدرستی که تو کفایت می کنی مرا از هر کسی، کفایت نمی کند مرا از تو کسی، پس کفایت کن مرا از هر

**أَحَدٍ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَ مَخْرَجًا، فَإِنَّكَ**

کسی، آنچه را که می ترسم و دوری می کنم از آن و بگردان برای من از کار من گشایشی را، و محل بیرون آمدنی را، پس

**تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ، وَ تَقْدِرُ وَ لَا أَقْدِرُ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،**

بدرستی که تو می دانی و نمی دانم و توانائی و توانا نیستم و تو بر همه چیز توانائی.

**بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.**

به حق رحمت تو ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان.



دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام

## دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام

سید بن طاووس رحمه الله گوید: ذکر می‌کنیم آنچه را که ما اختیار نموده‌ایم از دعاهای جدّ ما و مولای ما از جهت دختر معظمه ایشان امّ کلثوم بنت حضرت امام زین العابدین علیه السلام.

### دعای آن حضرت در امور بسیار مهمّه

دعای مولای ما علی بن الحسین علیه السلام در هنگامی که با عموی خود محمد بن حنفیه به کنار حجرالاسود به محاکمه رفتند، از جهت آن که به امامت آن حضرت گواهی دهد. به سندهای خود تا به سعد بن عبدالله که در کتاب خود نقل نموده‌است که حدیث نمود به من حسن بن علی بن عبدالله، از حسین بن سیف، از محمد بن سلیمان بصری، از ابراهیم بن مفضل، از ابان بن تغلب، از حضرت ابا عبدالله امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: این دعائی است که آن را علی بن الحسین علیه السلام خواندند، در وقتی که محاکمه با محمد بن حنفیه را به کنار حجرالاسود رفتند.

ابان بن تغلب گوید: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: ای ابان، این دعا را جز برای امور بسیار مهمّه دنیا و آخرت نخوانید، مردم مرتبه این دعا را نمی‌دانند. این دعا از جمله دعاهای مخزون و سپرده شده نزد ما آل محمد علیهم السلام است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان

اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْمَجْدِ، وَ اَسْئَلُكَ

خداوند! بدرستی که سؤال می‌کنم از توبه آن نام تو که نوشته شده‌است در سرایچه شرف و سؤال می‌کنم ترا

بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْبَهَاءِ، وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ

به حقّ نام تو که نوشته شده‌است در سرایچه حسن و جمال (یعنی عظمت تو) و سؤال می‌کنم تو را به نام تو که نوشته شده‌است

فِی سُرَادِقِ الْعِظَمَةِ، وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِی سُرَادِقِ

در سرایچه بزرگی و سؤال می‌کنم تو را به نام تو که نوشته شده‌است در سرایچه

الْجَلَالِ، وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْعِزَّةِ، وَ اَسْئَلُكَ

عظمت، و سؤال می‌کنم تو را به نام تو که نوشته شده‌است در سرایچه عزّت، و سؤال می‌کنم ترا

بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ فِی سُرَادِقِ الْقُدْرَةِ، وَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ

به نام تو که نوشته شده‌است در سرایچه توانائی، و سؤال می‌کنم تو را به نام تو که نوشته شده‌است در



## دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام

**فِي سُرَادِقِ السَّرَائِرِ السَّابِقِ الْفَائِقِ الْحَسَنِ النَّصِيرِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ**

سرایرده نهانی های پیشینی گرفته و تفوق کنندۀ نیگوی صاحب نور و حسن، پروردگار فرشتگان که

**الْثَّمَانِيَةِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ بِالْعَيْنِ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ بِالْإِسْمِ**

هشت است عدد آنها و پروردگار عرش بزرگ و به حق آن چشمی که نمی خوابید و به حق آن نام

**الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَ بِالْإِسْمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ، الْمُحِيطِ**

بزرگ تر بزرگ تر بزرگ تر و به حق آن نام عظیم تر عظیم تر عظیم تر فراگیرندۀ

**بِمَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ الشَّمْسُ**

به پادشاهی عالم آسمانها و زمین و به حق آن نام که روشن گشته است به برکت آن آفتاب

**وَ أَضَاءَ بِهِ الْقَمَرُ، وَ سُجِّرَتْ بِهِ الْبِحَارُ، وَ نُصِبَتْ بِهِ الْجِبَالُ، وَ**

و نورانی شده است برکت آن ماه و مملو گشته اند به برکت آن دریاها و قرار گرفته اند به برکت آن کوهها، و

**بِالْإِسْمِ الَّذِي قَامَ بِهِ الْعَرْشُ وَالْكَرْسِيُّ، وَ بِأَسْمَائِكَ الْمُقَدَّسَاتِ**

به آن نام که بها ایستاده اند عرش و کرسی و به حق نام های که پاکیزه های تعظیم کرده شده های

**الْمُكْرَمَاتِ الْمَخْزُونَاتِ الْمَكْنُونَاتِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَسْأَلُكَ**

سپرده شده های پنهان کرده شده های در علم پنهان نزد تو هستم. سؤال می کنم ترا

**بِذَلِكَ كُلِّهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.**

به حق این نامها همه آنها آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آن که به عمل آوری به من چنین و چنین.

به حق این نامها همه آنها آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و آن که به عمل آوری به من چنین و چنین.



## دعای آن حضرت در مهمات



از دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام است که برای امور بسیار مهمه

خوانده می شود. سید بن طاووس رحمته الله گوید: روایت می کنیم به سندهای خود از محمد بن

حسن بن ولید، از محمد بن حسن صفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از هارون بن

مسلم، از مسعد بن صدقه که گفت: سؤال کردم از حضرت ابا عبدالله جعفر بن

محمد علیه السلام که مرا دعائی را تعلیم نماید که آن را در امور خیلی مهمه بخوانم.

آن حضرت برای من اوراقی چند از صحیفه کهنه ای بیرون آوردند و فرمودند: بنویس

آنچه را که در این اوراق است. که این دعای جدّ من علی بن الحسین علیه السلام است برای

امور خیلی مهمه. پس من آن را نوشتم بر همان نحو که در آنجا بود.

هر زمان مرا چیزی اندوهناک و غمناک گردانید، این دعا را خواندم، پس خدای تعالی

غم و اندوه مرا بلا فاصله برطرف نمود و حاجت مرا برآورده گردانید.



دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ هَدَيْتَنِي فَلَهَوْتُ، وَ وَعَظَمْتَني فَقَسَوْتُ، وَ أَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ

خداوند! راه‌نمائی نمودی مرا پس بی‌خبر بودم و پسند دادی پس سخت دل بودم و انعام کرده‌ای نیکی‌ها را

فَعَصَيْتُ، ثُمَّ عَرَفْتَنِي مَا أَصْدَرْتُ، فَاسْتَغْفَرْتُ وَ أَقْلَعْتُ،

پس نافرمانی کردم و شناسانیدی به من حقرا پس آمرزش خواستم و تو از عذاب کردنم باز ایستادی

فَعُدْتُ فَسْتَرْتِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي تَقَمَّحْتُ أَوْدِيَةَ هَلَاكِي، وَ

پس از گناهان بازگشت نمودم پوشانیدی آنان را، برای توست ستایش ای خدای من انداخته‌ام خود را در وادیهای هلاکت

تَحَلَّلْتُ شِغَابَ تَلْفِي، وَ تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ، وَ بِحُلُولِهَا

و فرود آمدم در راه‌های نیستی خود و متعرض گشتم در این وادیها مر قهرهای تو را و به سبب وارد شدن

لِعُقُوبَاتِكَ، وَ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ التَّوْحِيدُ، وَ ذَرِيعَتِي أُنْبَى لَمْ أَشْرِكْ

در آنها مر عقوبت‌های تو را و وسیله من بسویت یگانه دانستن توست و دست آویز من آن است که من شریک نگردانیدم

بِكَ شَيْئًا، وَ لَمْ أَتَّخِذْ مَعَكَ إِلَهًا، وَ قَدْ فَرَزْتُ إِلَيْكَ مِنْ نَفْسِي، وَ إِلَيْكَ

به تو چیزی را و مرا نگرفتم با تو خدائی را و به تحقیق که گریخته‌ام بسویت از شر نفس خودم و به سوی

تَفِرُّ الْمُسْبَى، وَ أَنْتَ مَفْرَعُ الْمُضْيَعِ حَظَّ نَفْسِهِ. فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي

تو می‌گریزد بدگار و تونی پناه آن که ضایع کننده است بهره نفس خود را پس برای توست ستایش ای خداوند

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَى سَيْفِ عَدَاوَتِهِ، وَ شَحَذَ لِي ظُبَّةَ مُدْيَتِهِ،

من پس بسا از دشمنی که کشید بر من شمشیر دشمنیت را و تیز کرد برای من دم کارد بزرگی خود را و تنگ کرد

وَ أَزْهَفَ لِي شِبَا حَدِّهِ، وَ دَافَ لِي قَوَاتِلَ سُؤْمُوهِ، وَ سَدَّدَ نَحْوِي

برای من کناره تندی غصب خود را و مغلوط نمود به چیزی برای من گشنده‌های از زهرهای خود و راست کرد به جانب من

صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَ لَمْ تَنْمُ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، وَ أَضْمَرَ أَنْ

راست رونده‌های از تیرهای خود را و نخواستید از من چشم پاسبانی او و در دل گرفت آنکه

يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ، وَ يُجْزِعَنِي دُعَا فِ مَرَارَتِهِ، فَنَظَرْتُ يَا إِلَهِي

برساند به من ناخوشی را و بیاشامد به من آب تلخ از تلخی‌های خود را پس دیدی ای خداوند

إِلَى ضَعْفِي عَنْ احْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ، وَ عَجَزِي عَنْ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ

بسستی مرا از برداشتن چیزهای گران و ناتوانانی مرا از انتقام کشیدن از کسی که

قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ، وَ وَحَدَّتِي فِي كَثِيرٍ عَدَدٍ مِنْ نَاوَانِي، وَ أَرْصَدَ

نمود نمود مرا به کارزار خود و تنهانی مرا در بسیاری شمارة کسی که دشمنی نمود مرا و کمين کرد

لِي الْبَلَاءَ فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرَتِي، فَابْتَدَأْتَنِي بِنُصْرَتِكَ، وَ

برای من بلا را در آنچه بکار نبردتم در آن چیز فکر خود را پس آغاز نمودی مرا به یاری کردن از جانب خود و



دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام

شَدَدَتْ أَرْزِي بِقُوَّتِكَ، ثُمَّ فَلَلْتُ لِي حَدَّهُ، وَ صَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ

سخت نمودی پشت مرا به قوت خودت، پس گشودم نمودی برای من تندی غصب او را و گردانیدی او را پس از جمعیت

وَحَدَّهُ، وَ أَغْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ، وَ جَعَلْتَ مَا سَدَّدَهُ مَرْدُوداً عَلَيْهِ وَ

بسیار تنها پس بلند کردی کعب مرا بر او و گردانیدی آنچه را که راست کرده بود باز گردیده شده بر خودش و

رَدَدْتَهُ، وَ لَمْ يَشْفِ غَلِيلَهُ، وَ لَمْ تَبْرُدْ حَرَارَةَ غَيْظِهِ، وَ قَدْ عَضَّ عَلَى

برگردانیدی او را و حال آن که شفا نیافته بود سوزش سینه او و سرد نشده بود گرمی آتش خشم او و به تحقیق که به دندان گرفت از غصه من بر

شَوَاهٍ، وَ أَذْبَرَ مُوَلِّياً فَقَدْ أَخْلَفْتَ سَرَايَاهُ. وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَابِي

دستهای خود را و پشت نمود گریزنده پس به تحقیق که خلف وعده نمودند لشکرهای او و بسا از ستم کننده که ستم نمود با من

بِمَكَائِدِهِ، وَ نَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ، وَ وَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَائِيَّتِهِ، وَ

به مکرهای خود و برپای نمود برای دام کشیدن من دامهای صیادیهای خود را و گماشت بر من جستجوی مهربان خود را و

أَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ، وَ انْتِظَاراً لِانْتِهَازِ فَرِيَسَتِهِ،

در کمین نشست به سوی من مثل کمین نشستن شیر برای شکار خود و انتظار کشیدن برای گرفتن شکار کشته خود

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي مُسْتَعِيثاً بِكَ، وَ اثِقاً بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ، عَالِماً أَنَّهُ

پس خواندم تو را ای خداوند من در حال یکه فریادرس خواهنده ام به تو اعتماد کننده ام بزود برآوردن تو حاجت مرا دانایم به این که

لَنْ يُضْطَهَدَ مَنْ آوَى إِلَى ظِلِّ كَنْفِكَ، وَ لَنْ يَفْزَعَ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعَاوِلِ

ستمیده نمی شود کسی که جای گرفت به سوی سایه حمایت تو و آن که نمی ترسد کسی که پناه برد به سوی قلعه محکم

انْتِصَارِكَ، خَلَّصْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ، وَ كَمْ مِنْ سَحَابٍ

انتقام کشیدن تو پس نجات دادی مرا از عقوبت او به قدرت خود و بسا از ابرهای ناخوشی

مَكْرُوهٍ قَدْ جَلَّيْتَهَا، وَ غَوَّاشِي كُرْبَاتٍ كَشَفْتَهَا، لَا تُسْأَلُ عَمَّا تَفْعَلُ،

به تحقیق که گمشودی آنهارا و پرده های اندوهانی که برداشتی آنهارا، پرسیده نمی شوی از آنچه می کنی.

وَ لَقَدْ سُئِلْتَ فَأَعْطَيْتَ، وَ لَمْ تُسْأَلْ فَأَبْتَدَأْتَ، وَ اسْتُمِيحَ فَضْلُكَ

و به تحقیق که سؤال کرده شدی پس عطا کردی و سؤال کرده نشدی پس آغاز کردی به احسان و طلب کرده شدی زیادتی بخشش تو

فَمَا أَكْذَيْتَ، أَبَيْتَ إِلَّا إِحْسَاناً، وَ أَبَيْتَ إِلَّا تَقَحُّمَ حُرْمَاتِكَ، وَ تَعْدَى

پس اندک ندادی سرباز زده ای مگر از نیکنوی کردن و سرباز زده ام مگر از انداختن خود در محرمات تو و تجاوز نمودن

حُدُودِكَ، وَ الْغَفْلَةَ عَنْ وَعِيدِكَ. فَلَكَ الْحَمْدُ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَ

از حدود تو و بی خبری از وعده به عذاب تو. پس برای توست ستایش بسا از بسیار توانائی که مغلوب نمی شود و

ذِي أُنَاةٍ لَا يَعْجَلُ. هَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ لَكَ بِالتَّقْصِيرِ، وَ شَهِدَ

ساحب حلمی که شتاب نمی کند این محل ایستادن کسی است که قائل شده است برایت به کوتاهی در فرمان تو، و گواهی

عَلَى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ. إِلَهِي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ،

داده است بر نفس خود به ضایع کردن عمر خود. ای خداوندان نزدیکی می جویم به سویت به ملت محمدیه که بلند است و



## دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام

**وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالْعُلُوِّۤهٖ الْبَيْضَاءِ، فَأَعِزَّنِي مِنْ شَرِّ مَنْ يَكِيدُنِي، وَ**

روی می آورم به سویت به ملت علوی که روشن است، پس پناه ده مرا از شر کسی که دشمنی نماید با من و

**مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ، وَ مِنْ شَرِّ مَنْ يُرِيدُ بِي سُوءًا، فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ**

از شر آنچه آفریدم ای و از شر کسی که اراده نماید به من بدی را، پس بدرستی که این تنگ نیست

**عَلَيْكَ فِي وَجْدِكَ، وَ لَا يَتَكَادُكَ فِي قُدْرَتِكَ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ**

بر تو در جنب توانگری و گران نمی کند تو را در جنب توانائی و تو بر همه چیز

**قَدِيرٌ. إِلَهِي ارْحَمْنِي بِتَرْكِ الْمَعَاصِي مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ ارْحَمْنِي**

توانائی ای خدای من، رحم کن مرا به این که ترک نمایم گناهان تو را هر قدر که باقی گذاری مرا و رحم کن مرا

**بِتَرْكِ تَكْلُفِ مَا لَا يَغْنِيَنِي، وَ ارْزُقْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا يُرْضِيكَ**

به اینکه و گذارم بر خود قرض را دادن مشقت آنچه را که نخواهد مرا و روزی کن مرا نیکوئی تامل نمودن در آنچه خوشنود گرداند

**بِهِ عَنِّي، وَ أَلْزِمْ قَلْبِي حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي، وَ اجْعَلْنِي أَتْلُوهُ**

تسرا از من و ثابت گردان در دل من حفظ قرآن تو را همچنان که یاد دادی مرا و بگردان مرا که تلاوت نمایم

**عَلَى مَا يُرْضِيكَ بِهِ عَنِّي، وَ نَوِّرْ بِهِ بَصَرِي، وَ أَوْعِهِ سَمْعِي، وَ**

انرا آنچه خوشنود می گرداند تو را آن از من و روشن گردان به سبب آن چیز چشم مرا و شنوا گردان به سبب آن گوش مرا و

**اشْرَحْ بِهِ صَدْرِي، وَ فَرِّجْ بِهِ قَلْبِي، وَ أَطْلِقْ بِهِ لِسَانِي، وَ اسْتَعْمِلْ**

بگشای به سبب آن سینه مرا و گشاده کن به سبب آن دل مرا و گویا کن به آن زبان مرا و کارفرمای

**بِهِ بَدَنِي، وَ اجْعَلْ فِيَّ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ مَا يُسَهِّلُ ذَلِكَ عَلَيَّ، فَإِنَّهُ**

به آن اعطای مرا و بگردان در من از حرکت و توانائی آنچه را که آسان کند انرا بر من، پس بدرستی که

**لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. اَللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي وَ مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ أَمَلِي**

نیست حرکتی (یا قدرتی) و نه قوتی مگر به تو. خداوند اتونی پروردگار و دوست من و آقای من و آرزوی من

**وَ إِلَهِي وَ غِيَاثِي وَ سَنَدِي وَ خَالِقِي وَ نَاصِرِي وَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي،**

و خداوند من و فریادرس من و معتمد من و آفریننده من و یاری کننده من و اعتماد من و امید من

**لَكَ مَخْيَايَ وَ مَمَاتِي، وَ لَكَ سَمْعِي وَ بَصَرِي، وَ بِيَدِكَ رِزْقِي، وَ**

برای توست زندگانی من و مردگی من و برای توست گوش و چشم و به دست قدرت توست روزی من و

**إِلَيْكَ أَمْرِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، مَلَكَتَنِي بِقُدْرَتِكَ، وَ قَدَرْتَ عَلَيَّ**

بسوی توست امر من در دنیا و آخرت، مالک شده ای مرا به توانائی خود و قادر گشته ای بر من

**بِسُلْطَانِكَ، فَلَكَ الْقُدْرَةُ فِي أَمْرِي، وَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، لَا يَحُولُ أَحَدٌ**

به پادشاهی خود، پس برای توست توانائی در امر من و پیش سر من به دست قدرت توست مانع نمی شود کسی

**دُونَ رِضَاكَ. بِرَأْفَتِكَ أَرْجُو رَحْمَتَكَ، وَ بِرَحْمَتِكَ أَرْجُو**

نزد خوشنودیت به سبب مهربانی تو، امید دارم رحمت تو را و به سبب رحمت تو امیدوارم



## دعاهای حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)

رِضْوَانِكَ، لَا أَرْجُو ذَلِكَ بِعَمَلِي فَقَدْ عَجَزَ عَنِّي عَمَلِي، فَكَيْفَ

خشنودی ترا، امید ندارم این را به سبب کردار خود، پس به تحقیق فوت شده است از من کردار من، پس چگونه

أَرْجُو مَا قَدْ عَجَزَ عَنِّي، أَشْكُوا إِلَيْكَ فَاقْتَبِي، وَ ضَعْفَ قُوَّتِي، وَ

امید داشته باشم از چیزی که به تحقیق فوت شده است از من، شکوه می نمایم به سویت از درویشی خود و سستی توانایی خود و

إِفْرَاطِي فِي أَمْرِي، وَ كُلُّ ذَلِكَ مِنْ عِنْدِي، وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي،

از حد گذشتن در امر خود و همه این ها از جانب من است و شکوه می کنم از آنچه تو دانستی به آن از من،

فَاكْفِنِي ذَلِكَ كُلَّهُ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ، وَ

پس نگاه دار مرا از این ها همه. خداوند ابر گردان مرا از رفیقان محمد که دوست توست و

إِبْرَاهِيمَ دُوسْتِ خُود وَ دَر رُوز تَرَسَنَکِی بَزُرْگِزِ اِمَان دَاشْتِه شَدْگَان، پس امان ده مرا و به آسان نمودن تو کارها را، پس

بِتَيْسِيرِكَ فَيَسِّرْ لِي، وَ بِإِظْلَالِكَ فَظَلِّلْنِي، وَ بِمَفَازَةٍ مِنَ النَّارِ

آسان گردان برای من و به سایه مرحمت خود پس سایه گستران بر من و به محل نجات یافتن از آتش

فَنَجِّنِي، وَ لَا تَمَسِّنِي السُّوءَ، وَ لَا تُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا فَسَلِّمْنِي، وَ

پس نجات ده مرا و مَرسان به من بدی را و نالامید مگردان مرا از دنیا پس به سلامت بدار مرا و

حُجَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَقِّنِي، وَ بِذِكْرِكَ فَذَكِّرْنِي، وَ لِلْيُسْرَى

دین مرا در روز قیامت، پس بفهمان مرا و به یاد آوریت پس به یاد آور مرا و برای دین آسان تو

فَيَسِّرْ لِي، وَ لِلْعُسْرَى فَجَنِّبْنِي، وَ لِلصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا

پس موفق گردان مرا و از عذاب دشوار خود پس دور گردان مرا و برای نماز کردن و برای زکوة دادن هر قدر که باشم زنده

فَأَلْهِمْنِي، وَ لِعِبَادَتِكَ فَقَوِّنِي، وَ فِي الْفَقْهِ وَ مَرْضَاتِكَ

پس الهام کن مرا و برای پرستش تو پس قوی گردان مرا و در دانستن علوم و خشنودی تو،

فَاسْتَعْمِلْنِي، وَ مِنْ فَضْلِكَ فَارْزُقْنِي، وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَبَيِّضْ

پس کار فرمای مرا و از زیادتای بخشش تو پس روزی ده مرا و در روز قیامت پس سفید کن روی مرا

وَجْهِي، وَ حِسَاباً يَسِيراً فَحَاسِبْنِي، وَ بِقَبِيحِ عَمَلِي فَلَا تُفْضَحْنِي،

و به حساب کردن آسان پس حساب کن مرا و به زشتی کردار من، پس رسوا مکن

وَ بِهَذَاكَ فَاهْدِنِي، وَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

و به راه منمائی از جانب تو پس راهنمایی کن مرا و به گفتار راست و درست در زندگانی دنیا،

وَ فِي الْآخِرَةِ فَتَبَتَّنِي، وَ مَا أَحْبَبْتَ فَحَبِّبْهُ إِلَيَّ، وَ مَا كَرِهْتَ

و در آخرت پس ثابت گردان مرا و آنچه مرا که دوست داشته ای، پس دوست گردان آنرا بسوی من و آنچه مرا که ناخوش داشته ای آنرا

فَبَغِضْهُ إِلَيَّ، وَ مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَاكْفِنِي، وَ فِي

پس دشمن گردان آنرا در نزد من و آنچه غمگین کرده است مرا از امر دنیا و آخرت، پس کارگذاری نما مرا در



دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام

صَلَاتِي وَ صِيَامِي وَ دُعَائِي وَ نُسُكِي وَ شُكْرِي وَ دُنْيَايَ وَ

آن و در نماز من و روزه من و دعای من و حج من و شکرگذاری من و دنیای من و

آخرتی قَبَارِكْ لِي، وَ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ فَأَبْعَثْنِي، وَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

آخرت من پس برکت ده برای من و در جایگاه ایستادن نیکوئی پس برانگیز مرا و پادشاه یاری کننده مرا

فَاجْعَلْ لِي، وَ ظُلْمِي وَ جَهْلِي وَ إِسْرَافِي فِي أَمْرِي فَتَجَاوَزْ عَنِّي،

پس بگردان برای من و ستم نمودن مرا و نادانی مرا و اسراف نمودن مرا در امر خود، پس بگذر از من.

وَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَ الْمَمَاتِ فَخَلِّصْنِي، وَ مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ

در آنها و از بلای در زندگی و در وقت مردن پس نجات ده مرا، و از امرهای قبیح آنچه ظاهر باشد

مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ فَنَجِّنِي، وَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَاجْعَلْنِي، وَ

از آنها و آنچه پنهان باشد، پس خلاص کن مرا و از جمله دوستان خود در روز قیامت، پس بگردان مرا، و

أَدِمْ لِي صَلاَحَ الَّذِي آتَيْتَنِي، وَ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَأَغْنِنِي، وَ

همیشه دار برای من خوبی آن چیزی را که بخشش نموده ای و به سبب روزی حلال از حرام، پس بی نیاز گردان مرا، و

بِالطَّيِّبِ عَنِ الْخَبِيثِ فَكَفِّنِي، أَقْبِلْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ إِلَيَّ، وَ لَا

به سبب رزق نیکو و پاک از بد و کثیف پس نگاهداری نما مرا روی آور به ذات بخشنده خود به سوی من و بزمگردان

تَصْرِفُهُ عَنِّي، وَ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ فَاهْدِنِي، وَ لِمَا تُحِبُّ وَ

روی خود را از من و بسوی راه راست خود، پس راهنمایی کن مرا و برای آنچه دوست می داری و

تَرْضَى فَوْقَنِي. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الرِّيَاءِ وَ السُّمْعَةِ

راضی هستی پس توفیق ده مرا، خداوند ابدیستی که من پناه می برم به تو از ریا و آوازه

وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ التَّعْظِيمِ وَ الْخِيَلَاءِ وَ الْفَخْرِ وَ الْبَذَخِ وَ الْأَشْرِ وَ

و تکبر و بزرگی کردن بر مردمان و از نفوت و تفاخر کردن و از کبر و کفران نعمت و از طغیان در نعمت و

الْبَطْرِ وَ الْأَعْجَابِ بِنَفْسِي، وَ الْجَبَرِيَّةِ رَبِّ فَنَجِّنِي، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ

از پسند نمودن نفس خود را و از صاحب جبروت شدن ای پروردگار من، پس نجات ده مرا از اینها و پناه می برم به تو ای پروردگار من از

الْعَجْزِ وَ الْبُخْلِ وَ الْحِرْصِ وَ الْمُنَافَسَةِ وَ الْغَشِّ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ

ناتوانی و خست و از زیادتای خواهش و حسد بردن در چیزها و خیانت کردن و پناه می برم به تو از

الطَّمَعِ وَ الطَّبَعِ وَ الْهَلَعِ وَ الْجَزَعِ وَ الزَّيْغِ وَ الْقَمْعِ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ

امید داشتن به چیزی غیر خدا و از چرکینی و عیب و از بی صبری و حرص و زاری کردن و از برگردیدن از حق و خوار شدن و پناه می برم به تو از

الْبَغْيِ وَ الظُّلْمِ وَ الْأَعْتِدَاءِ وَ الْفُسَادِ وَ الْفُجُورِ وَ الْفُسُوقِ، وَ اَعُوْذُ

ظلم و ستم نمودن و از حُذُ گذشتن و فساد کردن و از زنا نمودن و مرتکب شدن فسقها و پناه می برم

بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ وَ الْعُدْوَانِ وَ الطُّغْيَانِ. رَبِّ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ

به تو از ناراستی و دشمنی و از حد تجاوز کردن، ای پروردگار من و پناه می برم به تو از



دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام

**الْمَعْصِيَةِ وَالْقَطِيعَةِ وَالسَّيِّئَةِ وَالْفَوَاحِشِ وَالذُّنُوبِ، وَأَعُوذُ**

نمازهای و جسدانی کردن خویشی و از کار بد و امرهای قبیح و گناهان و پناه می‌برم

**بِكَ مِنَ الْأَثَمِ وَالْمَأْثَمِ وَالْحَرَامِ وَالْمُحَرَّمِ وَالْخَبِيثِ، وَكُلِّ مَا لَا**

به تو از آنچه به گناهانند از چیزهای حرام و کارهای حرام گردانیده شده و از نجس و کثیف و از هر چیزی که

**تُحِبُّ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَبَغْيِهِ وَظُلْمِهِ وَعَدْوَاتِهِ وَ**

دوست نمی‌داری ای پروردگار من، پناه می‌برم به تو از شر شیطان و ظلم او و ستم او و دشمنی و

**شَرِّكَهِ وَزَبَانِيَّتِهِ وَجُنْدِهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ مِنْ دَابَّةٍ وَ**

دام بلای او و لشکر او و سپاه او و پناه می‌برم به تو از شر آنچه آفریدی از حیوانات چرنده و

**هَامَّةٍ أَوْ جِنِّ أَوْ إِنْسٍ مِمَّا يَتَحَرَّكُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي**

حشرات چرنده یا جنیان یا آدمیان از آنچه حرکت نماید و پناه می‌برم به تو از شر آنچه خلق شده است در

**الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ كَاهِنٍ وَ سَاحِرٍ وَ**

زمین و از شر آنچه بیرون آید از آن و پناه می‌برم به تو از شر هر مسخر کننده جن و جادوگری و

**زَاكِنٍ وَ نَافِثٍ وَ زَاقٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ وَ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ**

مایل به باطلی و باد دمکنده در گمره‌ها و افسان کننده‌های و پناه می‌برم به تو از شر هر رک برنده‌ای و

**نَافِسٍ وَ ظَالِمٍ وَ مُتَعَدٍّ وَ جَائِرٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَمَى وَ الصَّمَمِ وَ**

ستمکاری و سرکشی و چشم کننده‌ای و ستم کننده‌ای و از حد تجاوز کننده‌ای و ظلم کننده‌ای و پناه می‌برم به تو از کوری و

**الْبَكَمِ وَ الْبَرَصِ وَ الْجَذَامِ وَ الشَّكِّ وَ الرَّيْبِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ**

کوری و گنگی و بیسی و خوره و گمان بد و تهمت و پناه می‌برم به تو از

**الْكَسَلِ وَ الْفَشَلِ وَ الْعَجْزِ وَ التَّفْرِيطِ وَ الْعَجَلَةِ وَ التَّضْيِيعِ وَ**

کاهلی و بددلی و ناتوانی و تقصیر کردن و شتاب نمودن و ضایع کردن و

**التَّقْصِيرِ وَ الْإِبْطَاءِ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ فِي**

از کوتاهی کردن و دیر کردن در کارها و پناه می‌برم به تو ای پروردگار من از شر آنچه آفریدی آنرا در

**السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ**

آسمانها و زمین و آنچه میان آن هر دو است و آنچه در زیر خاک است. خدایا و پناه می‌برم به تو از

**الْفَقْرِ وَ الْفَاقَةِ وَ الْحَاجَةِ وَ الْمَسْكَنَةِ وَ الضَّيْقَةِ وَ الْعَائِلَةِ، رَبِّ وَ**

درویشی و مسکینی و احتیاج داشتن و بی چیزی و تنگی و فقر ای پروردگار من و

**أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْقِلَّةِ وَ الذِّلَّةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الضَّبِقِ وَ الشَّدَّةِ وَ**

پناه می‌برم به تو از تنگی رزق و خواری و پناه می‌برم به تو از تنگی و سختی روزگار و

**الْقَيْدِ وَ الْحَبْسِ وَ الْوِثَاقِ وَ السُّجُونِ وَ الْبَلَاءِ، وَ كُلِّ مُصِيبَةٍ لَا**

زنجیر و بند و بستن و زندان و مصیبت و هر بلایی که نباشد



## دعاهای حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)

صَبِّرْ لِي عَلَيْهَا، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ اَعْطِنَا كُلَّ الَّذِي

میسری برای من بر آن مستجاب کن دعای مرا ای پروردگار عالمیان. خداوند! ببخش به ما هر آن چیزی

سَأَلْنَاكَ، وَ زِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ عَلَى قَدَرِ جَلَالِكَ وَ عَظَمَتِكَ، بِحَقِّ

راکه سؤال نمودیم از تو و زیاده گردان برای ما از زیادتی ببخش خود به اندازه بزرگی خود و به قدر بزرگواری خود به حق

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

این کلمه که نیست خدائی مگر تو، عزیز حکیم.

## ❁ دعای آن حضرت در اجتناب از دشمنان ❁

دعای اجتناب از دشمنان و پناه گرفتن از بدیها به آیات قرآنی، که باید بعد از طلوع آفتاب و در وقت غروب آن خوانده شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می کنم بنام خدای بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَ لَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ، غَالِبُ كُلِّ

آغاز به نام خدا و به ذات خدا و نیست توانائی مگر بخدا، و نیست غلبه کنندهای مگر خدا که غلبه نموده است بر همه

شَيْءٍ وَ بِهِ يَغْلِبُ الْغَالِبُونَ، وَ مِنْهُ يَطْلُبُ الرَّاغِبُونَ، وَ عَلَيْهِ

چیز و به برکت او غلبه می کنند غلبه کنندگان بر دشمن و از او درخواست می کنند طلب کنندگان و بر او

يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ، وَ بِهِ يَعْتَصِمُ الْمُعْتَصِمُونَ، وَ يَتَّقُ الْوَائِقُونَ،

تکیه می نمایند تکیه کنندگان، و به او چنگ در می زنند چنگ درزنندگان و اعتماد می کنند اعتماد کنندگان

وَ يَلْتَجِيءُ الْمُلتَجِئُونَ، وَ هُوَ حَسْبُهُمْ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، إِحْتَرَزْتُ

و پناه می برند پناه برندگان و خدا کافی است ایشانرا و نیکیو معتمدی است او، اجتناب کردم

بِاللَّهِ، وَ اخْتَرَسْتُ بِاللَّهِ، وَ لَجَأْتُ إِلَى اللَّهِ، وَ اسْتَجَرْتُ بِاللَّهِ، وَ

از دشمنان به یاری خدا و طلب محافظت نمودم از خدا و التجاء نمودم به سوی خدا و پناه بردم بخدا و

اسْتَعْنْتُ بِاللَّهِ، وَ امْتَنَعْتُ بِاللَّهِ، وَ اعْتَرَزْتُ بِاللَّهِ، وَ قَهَرْتُ بِاللَّهِ،

طلب یاری نمودم از خدا و معانت نمودم از شر دشمن به یاری خدا و عزیز گشتم به برکت خدا و قهر نمودم بر دشمن به اعانت خدا

وَ غَلَبْتُ بِاللَّهِ، وَ اعْتَمَدْتُ عَلَى اللَّهِ، وَ اسْتَقَرْتُ بِاللَّهِ، وَ حَفِظْتُ

و غلبه نمودم بر دشمن به امداد خدا و تکیه نمودم بر خدا و پنهان گشتم به حمایت خدا و نگاهداری نمودم خودرا به نگاهداری

بِاللَّهِ، وَ اسْتَحْفَظْتُ بِاللَّهِ خَيْرَ الْخَافِظِينَ، وَ تَكَهَّفْتُ بِاللَّهِ، وَ

خدا و طلب نگاهداشتن نمودم از خدا که بهترین نگاهدارندگان است و پناه گرفتم بخدا و



## دعاهای حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)

**حُطْتُ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ إِخْوَانِي وَ كُلِّ مَنْ يَغْنِينِي أَمْرُهُ**

حفظ نمودم نفس خود را و اهل خود را و مال خود را و برادران خود را و هر آنرا که بخواهد مرا امر او

**بِاللَّهِ الْخَافِظِ اللَّطِيفِ، وَ اِخْتَلَأْتُ بِاللَّهِ، وَ صَحَبْتُ حَافِظَ**

به حفظ خدای نگاهدارنده داناتی به امور باریک و طلب پاسبانی نمودم از خدا و رفاعت نمودم با کسی که نگاهدارنده همه

**الصَّاحِبِينَ، وَ حَافِظَ الْأَصْحَابِ الْخَافِظِينَ، وَ فَوَضْتُ أَمْرِي إِلَى**

رفیقها است و با نگاهدارنده رفیقهای که نگاهدارندگانند و باز گذاشتم کار خود را به سوی

**اللَّهِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، وَ اعْتَصَمْتُ**

خدا که نیست مانند او چیزی و اوست شنوای داناتا و چنگ در زدم

**بِاللَّهِ الَّذِي مَنِ اعْتَصَمَ بِهِ نَجَا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ، وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ**

به آن خدائی که کسی که چنگ زد به او خلاصی یافت از هر ترسی و اعتماد نمودم بر خدا

**الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ، حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ**

که عزیز و درست کننده شکستگی است پس است مرا خدا و نیکی معتمدی است او و کسی که اعتماد نماید بر خدا

**فَهُوَ حَسْبُهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ**

پس خدا کافی است او را آنچه خواست خدا آنرا موجود شد نیست توانائی مگر بخدا نیست خدائی مگر خدا، محمد فرستاده

**اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا. اللَّهُ لَا إِلَهَ**

خداست رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش که پاکانند و درود فرستد خدا بر ایشان درود بسیاری (و می خوانی تو) خدا، نیست خدائی

**إِلَّا هُوَ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ، لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ**

مگر او زنده به خود بریاست فرا نمی گیرد او را سستی و نه خوابی، از برای اوست آنچه در آسمانهاست و

**مَا فِي الْأَرْضِ، مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ**

آن چه در زمین است. کیست آن که درخواست نماید نزد او مگر به اذن او، می داند آنچه

**أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ، وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ،**

بیش روی ایشان است و آنچه در پس سر ایشان است و احاطه نمی کنند به چیزی از علم او مگر به آنچه خدا خواهد و

**وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ، وَ لَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا، وَ هُوَ الْعَلِيُّ**

فرا گرفته است کرسی او آسمانها و زمین را و اوست بزرگ بلند مرتبه است.

**الْعَظِيمُ. وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ، لَهُمْ قُلُوبٌ لَا**

و به تحقیق که خلق نمودیم جمعی را که اختیار نمودند خود جهنم را که بسیارند از پریان و آدمیان از برای ایشان است دلهائی که

**يَفْقَهُونَ بِهَا، وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا، وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ**

نمی فهمند حق را به آن دلهای و برای ایشان است چشمهائی که نمی بینند دلیلهای آن چشمها و برای ایشان است گوشهائی که

**بِهَا، أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ، أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ. سِوَاءَ**

نمی شوند به آنها سخن های حق را آن جماعت مانند چهارپایانند بلکه ایشان همراه ترند از آنها این جماعت ایشانند گروه بی خبران، یکسان



## دعاهای حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)

**عَلَيْكُمْ أَدْعُوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ ضَامِتُونَ. إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ**

است بر شما ای کافران آن که بخواتید شما ایشان را که می پرستید یا آن که شما خاموش باشید بدرستی که آنهایی را که می پرستید به غیر از

**اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ، فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ**

خدا و الهه خود می دانید بندگان و آفریدگانش مانند شما، پس بخواتید ایشان را پس باید که اجابت کنند شما را اگر هستید شما

**ضَادِقِينَ. أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا، أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا، أَمْ لَهُمْ**

راستگویان. آیا هست برای آن پاهای که راه روند یا آن که هست برای ایشان دستها که فراگیرند چیزها را یا آن که هست برای ایشان

**أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا، أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا، إِنْ وَلِيَّ اللَّهُ الَّذِي**

چشمها که ببینند به آنها چیزها را یا آن که هست برای ایشان گوشها که بشنوند آوازه را، بدرستی که یار من خداست که

**نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَقُولُ الصَّالِحِينَ. وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا**

فرود آورده است قرآن را و او دوست می دارد بندگان صالح را و اگر بخواتید شما مؤمنان ایشان را بسوی دین اسلام

**يَسْمَعُوا، وَ تَرِيَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ هُمْ لَا يُبْصِرُونَ. أُولَئِكَ الَّذِينَ**

نمی شوند آنرا و می بینی ایشان را که نگاه می کنند بسوی تو، و حال آن که نمی بینند تو را به نظر بصیرت این جماعت

**طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمْ**

کافران آنانند که مهر نهاده است خدا بر دلهای ایشان و بر گوش ایشان و بر چشمهای ایشان و آن جماعت ایشانند

**الْغَافِلُونَ. إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ**

بی خبران، بدرستی که ما گردانیدیم بر دلهای ایشان پوششها که مبادا بفهمند ایشان قرآن را و

**فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا، وَ إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا.**

گردانیدیم در گوشهای ایشان گران را و اگر بخواتی ایشان را بسوی قرآن و ایمان پس راه نیابند ایشان در این هنگام هرگز

**فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى، قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى. وَ**

پس یافت در نفس خود ترسی را، موسی گفتیم به او که مترسی بدرستی که تو غالب و بالاتری از ساحران و

**أَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا. إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٌ وَ لَا**

بیانند از آنچه در دست راست توست تا آن که فرو برد آنچه را که ساخته اند ساحران، بدرستی که آنچه ساخته اند آنرا

**يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى. أَفَلَمْ يَسْبِرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ**

ایشان مکر و حيلة جادوگران است و رستگاری نمی یابد جادوکار هر کجا که باشد، و متوجه شود آیا نرفتند و سیر نکردند در زمین تا آنکه

**قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا، أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا، فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ**

باشد برای ایشان دلهائی که بفهمند و عبرت گیرند به آنها یا آن که باشد برای ایشان گوشها که بشنوند و پسند گیرند به آنها

**وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ**

پس بدرستی که نیست کور و نابینا چشمهای ایشان و لیکن کور است دلهای ایشان که در سینه های ایشان است بسم خدای بخشنده

**الرَّحِيمِ. طَسَمَ. تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ. لَعَلَّكَ بَاحِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا**

مهربان. به حق طاهر سید مجید این آیه ها آیت های کتابی است که بیان می کند حق و باطل را نزدیک است که هلاک کنی نفس خود را



## دعاهای حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)

يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ. إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ

به جهت آن که نمی باشند ایشان مؤمنین. اگر خواهیم فرود می آوریم بر ایشان از آسمان علامتی را پس می گردید

أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ. قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ. قَالَ فَأَتِ

گردنهای ایشان از برای آن علامت به جبر فروتنی کنندگان گفت موسی آیا بیاورم برای تو معجزه ظاهری را گفت فرعون

بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ. فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هُوَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ. وَ

پس بیاور آنرا اگر هستی از جمله راستگویان. پس انداخت موسی عصای خود را پس ناگاه آن عصا گردید از دهانی ظاهر و هویدا. و

نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ. قَالَ كَلَّا إِنْ مَعِيَ رَبِّي

بیرون آورد دست خود را از گریبان. پس ناگاه آن درخشنده گشت به کنندگان. گفت موسی که نیست چنین، بدرستی که با من است پروردگار من

سَيَهْدِينِ. يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ. إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ

زود باشد که بنماید ما راه نجات. ای موسی مترس بدرستی که تو از امان یافتگانی بدرستی که نمی ترسند نزد من

الْمُرْسَلُونَ. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَ

فرستاده شدگان. نیست خدائی مگر خدا که پروردگار عرش بزرگ است ای موسی پیش آی و مترس

لَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ. قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُم

بدرستی که تو از امان یافتگانی گفت خدای تعالی زود باشد که قوی کنیم بازوی تو را به برادرت و بگردانیم برای شما

سُلْطَانًا. فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعُكُمَا

حجتی و قدرتی را پس نرسند ایشان به سوی شما به سبب قدرت و معجزه ما. شما هر دو و کسی که پیروی نماید شما را

الْغَالِبُونَ. وَ لَقَدْ مَنَّا عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ وَ نَجَّيْنَاهُمَا وَ

غلبه کنندگانید و به تحقیق که مانت گذاردیم بر موسی و هارون و رهانیدیم ایشان را و

قَوَّمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ. وَ نَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ. وَ

مستحکم کردیم ایشان را از اندوه بزرگ و یاری نمودیم ایشان را پس بودند ایشان غلبه کنندگان. و

أَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ. وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي. وَ

دادیم به آنها کتاب روشن کننده حقایق. و افکندم بر تو ای موسی محبت از جانب خود. تا آنکه

لِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي. إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَن

بروریده شوی بر نظر من. وقتی که می رفت خواهر تو به خانه فرعون. پس گفت آیا راهنمایی کنم شما را بر کسی که

يَكْفُلُهُ، فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ. وَ قَتَلْتَ نَفْسًا

به پروراند او را. پس بازگردانیدیم موسی را بسوی مادرش. تا آن که روشن شود چشم او و نباشد اندوهناک و گشتی کافری را

فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ. وَ فَتَنَّاكَ فُتُونًا. وَ قَالَ الْمَلِكُ انْتُونِي بِهِ

پس خلاص کردیم تو را از غم و اندوه. و آزمودیم تو را آزمودنی. و گفت پادشاه مصر که بیاورید نزد من یوسف را تا آن که انتخاب نمایم او را برای

أَسْتَخْلِصَهُ لِنَفْسِي، فَلَمَّا كَلَّمَهُ، قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ.

صحبت و رجوع مهمات خود. چون سخن گفت با او گفت بدرستی که تو امروز در نزد ما صاحب قدر و منزلتی و معتمدی در امور بدرستی که



## دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام

**إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ، مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ**

من اعتماد نموده‌ام بر خدا که پروردگار من و پروردگار شماست نیست از حرکت کننده‌ای مگر آن که خدا فراگیرنده‌است

**بِنَاصِيَّتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.**

پیش سر آن را بدرستی که پروردگار من بر راه راست است.

## دعای دیگر حضرت امام زین العابدین علیه السلام

ابو حمزه ثمالی رضی الله عنه نقل می‌کند که یک مرتبه دست پسرم شکست. او را به نزد یحیی بن عبداللّه شکسته‌بند بردم. چون به قسمت شکسته دست پسرم نگاه کرد، گفت: این را شکستگی بسیار بدی می‌بینم. به غرفه بالا خانه رفت که دستمالی را که برای شکسته بستن بکار می‌برد، بیاورد. من در همان ساعت دعای حضرت زین العابدین علیه السلام بیادم آمد که به من آموخته بود. لذا دست پسرم را گرفتم و این دعا را خواندم و دست خود را بر آن موضع شکسته مالیدم. آن شکسته درست شد و به امر خدای تعالی دست پسرم صحت یافت.

چون یحیی از بالا خانه فرود آمد و اثر شکستگی را در دست پسرم ندید. گفت آن دست دیگر را بده تا ببینم، چون دید که آن نیز سالم است، گفت: سبحان الله آیا اندک زمانی پیش از این، این دست شکسته نبود، پس چه شد؟! این از سحر شما شیعیان عجب نیست!

پس گفتم: مادرت برایت نوحه کند. این سحر نیست، بلکه به برکت دعائی است که از مولای خود حضرت امام زین العابدین علیه السلام شنیده‌بودم و آن را بر این شکسته خواندم. پس یحیی گفت تقاضا می‌کنم که به من این دعا را تعلیم کن.

گفتم: حاشا! بعد از آن که از تو این سخن را شنیدم به تو این دعا را و نه حرفی از آن را تعلیم نمی‌کنم. تو قابل آن نیستی که به تو این دعا را بیاموزم.

حمران بن اعین که از جمله راویان این دعا است، گفت: بعد از آن که سخنان ابو حمزه تمام شد، گفتم: تورا به خدا قسم می‌دهم که این دعا را به من تعلیم نمائی! پس ابو حمزه گفت: سبحان الله این دعا بیادم نیامد مگر از جهت آن که آن را به شما بیاموزم و این فایده از من به شما برسد. این را بنویسید. پس من نوشتم.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان



## دعاهای حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)

**يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، يَا حَيُّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، يَا حَيُّ مَعَ كُلِّ حَيٍّ، يَا حَيُّ**

ای زنده پیش از هر زنده‌ای، ای زنده بعد از هر زنده‌ای، ای زنده با هر زنده‌ای، ای زنده

**حِينَ لَا حَيٍّ، يَا حَيُّ تَبْقَى وَ يَفْنَى كُلُّ حَيٍّ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا**

در وقتی که نیست هیچ زنده‌ای، ای زنده که باقی می‌مانی و برطرف می‌شود هر زنده‌ای، ای

**حَيُّ يَا كَرِيمُ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى، يَا قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ.**

زنده‌ای که نیست خدائی مگر تو، ای زنده‌ای بخشنده‌ای زنده کننده مردگان، ای ایستاده و حاضر بر هر نفسی به آنچه کسب کرده‌است.

**إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ**

بدرستی که روی می‌آورم به سوییت و متوسل می‌شوم به سوییت و نزدیکی می‌جویم به سوییت به بخشش تو و کرم تو

**وَ رَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ**

و شفقت تو که گنجایش دارد هر چیز را و روی می‌آورم به سوییت و متوسل می‌جویم به سوییت

**بِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ، وَ بِحُرْمَةِ الْأَسْلَامِ، وَ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،**

به حرمت قرآن و به حرمت دین اسلام و به حرمت گواهی آن که نیست خدائی به غیر از تو

**وَ حَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ**

که یکتائی نیست شریکی برایت و آن که محمد بنده تو و فرستاده تو است بر خلائق و روی می‌آورم به سوییت

**وَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَ أَسْتَشْفِعُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ**

و متوسل می‌جویم به سوییت و شافع می‌کنم به سوییت پیغمبر تو را که پیغمبر رحمت است و آن محمد

**صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا، وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ**

است رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش و ستایش کند خدا بر آنها ستایش کردنی و امیر مؤمنان را که علی بن

**أَبِي طَالِبٍ، وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَبْدَيْكَ وَ**

ابو طالب است و فاطمه صاحب روشنی و نور را و امام حسن و امام حسین را که هر دو بنده تو و

**أَمِينَيْكَ، وَ حُجَّتَيْكَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَ عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ**

اعتماد داشته شده‌ای و حجت‌های هستند بر آفریدگان همه و علی پسر امام حسین را که زینت

**الْعَابِدِينَ وَ نُورِ الزَّاهِدِينَ، وَ وَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، إِمَامِ**

عبادت کنندگان و نور پارسایان و میراث برنده علم پیغمبران و فرستادگان است و

**الْخَاشِعِينَ وَ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، وَ مُحَمَّدٍ**

پیشوای فروتنی کنندگان و دوست مؤمنان و خلیفه در میان آفریدگان است، همگی، و

**بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ الدَّلِيلِ عَلَى أَمْرِ النَّبِيِّينَ**

محمد فرزند علی شکافنده و جمع کننده علم پیشینیان و پسینیان است و راهنمای بر امر پیغمبران و

**وَالْمُرْسَلِينَ، وَ الْمُقْتَدَى بِآبَائِهِ الصَّالِحِينَ، وَ كَهْفِ الْخَلْقِ**

فرستادگان است و پیروی کننده است بر پدران خود که صالح هستند و پناه آفریدگان است



## دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام

**أَجْمَعِينَ، وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ وَ**

همه و امام جعفر پسر محمد باقر را که راستگوی و از اولاد پیغمبران است و

**الْمُقْتَدِي بِآبَائِهِ الصَّالِحِينَ، وَ الْبَارِ مِنْ عَثَرَتِ الْبَرَّةِ الْمُتَّقِينَ،**

پیروی کننده است به پدران خود که صالحان هستند و نیکوکار و از جمله ذریه نیکوکاران و پرهیزکاران است

**وَ وَلِيِّ دِينِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْعَبْدِ**

و دوستدار دین تو و حجت توست بر همه عالمیان و امام موسی پسر امام جعفر را که بنده

**الصَّالِحِ مَنْ أَهْلِ بَيْتِ الْمُرْسَلِينَ، وَ لِسَانِكَ فِي خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ،**

صالح توست و از اهل خانه پیغمبران است و زبان گویای توست در میان آفریدگان تو همگی و

**وَ النَّاطِقِ بِأَمْرِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى بَرِيَّتِكَ، وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا**

گوینده است به فرمان تو و حجت توست بر خلائق تو و حضرت علی پسر امام موسی را که راضی است

**الْمُرْتَضَى الزَّكِيُّ الْمُصْطَفَى الْمَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ، وَ الدَّاعِي**

به فرمان خدا و پسندیده خداست و پاکیزه و برگزیده است مخصوص است به کرامت تو و خواننده است مردمان را

**إِلَى طَاعَتِكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ**

به سوی فرمانبرداریت و حجت و دلیل توست بر خلائق همگی و امام محمد تقی پسر امام علی

**الرَّشِيدِ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، أَلْنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَ حَقِّكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى**

را که به راه راست رفته است و ایستاده به فرمان توست و گویای به امر تو و حق راست توست و دلیل توست بر

**بَرِيَّتِكَ، وَ وَلِيِّكَ وَ بَنِ أَوْلِيَاكَ، وَ حَبِيبِكَ وَ بَنِ أَحِبَّائِكَ، وَ عَلِيٍّ**

بر مخلوقات تو و متولی امور خلائق است از جانب تو و پسر اولیای توست و دوست تو و پسر دوستداران توست، و امام علی

**بْنِ مُحَمَّدٍ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ، وَ الرُّكْنِ الْوَثِيقِ، أَلْقَائِمِ بِعَدْلِكَ، وَ**

نقی پسر امام محمد تقی را که چراغ روشنی بخش راه دین است و قوی معتمد است ایستاده است به حکم عدل تو و

**الدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَ دِينِ نَبِيِّكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى بَرِيَّتِكَ، وَ الْحَسَنِ**

خواننده است مردمان را به سوی دین تو و دین پیغمبر تو و حجت توست بر آفریدگان تو و امام حسن

**بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ، وَ خَلِيفَتِكَ الْمُؤَدِّي عَنْكَ فِي خَلْقِكَ عَنْ**

عسکری پسر امام علی نقی را که بنده تو و دوستدارت و خلیفه توست بر مردمان نقل کننده است حکمهای از جانب تو را در میان خلائق تو

**آبَائِهِ الصَّادِقِينَ، وَ بِحَقِّ خَلْفِ الْأَيِّمَةِ الْمَاضِينَ، وَ الْأَمَامِ الزَّكِيِّ**

از پدران خود که راست گویان هستند و توسل می جویم بسویت به حق جانشین امامان گذشتگان و پیشوای پاکیزه

**الْهَادِي الْمَهْدِي، أَلْحُجَّةَ بَعْدَ آبَائِهِ عَلَى خَلْقِكَ، أَلْمُؤَدِّي عَنْ نَبِيِّكَ،**

راهنمای راه یافته شده که حجت و دلیل است بعد از پدران خود بر خلائق تو، رساننده است احکام شرع را از جانب پیغمبر تو

**وَ وَارِثِ عِلْمِ الْمَاضِينَ مِنَ الْوَصِيِّينَ، أَلْمَخْصُوصِ الدَّاعِي إِلَى**

بر مردمان و ارث برنده علم جماعت گذشتگان است از وصی های پیغمبران تو مخصوص است به



دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام

طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ آبَائِهِ الصَّالِحِينَ. يَا مُحَمَّدُ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا أَبَا

کرامت تو، خواننده است مردمان را بسوی فرمانبرداری و فرمانبرداری پدران خود که صالح هستند، ای محمد ای ابوالقاسم پدر

أَنْتَ وَ أُمِّي، إِلَى اللَّهِ أَتَشْفَعُ بِكَ وَ بِالْأَيْمَةِ مِنْ وَلَدِكَ، وَ بِعَلِيِّ أَمِيرِ

و مادرم فدایت باد، بسوی خدا شفاعت می کنم تو را و امامان از اولاد تو را و علی را که امیر

الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ

مؤمنان است و فاطمه را و امام حسن و امام حسین را و علی پسر امام حسین را و

مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ

محمد پسر علی را و جعفر پسر محمد را و موسی پسر جعفر را و علی پسر

مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ

موسی را و محمد پسر علی را و علی پسر محمد را و حسن عسکری پسر علی را و

الْخَلْفِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ. اَللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَهُمْ،

جانشین ایستاده به دین تو و انتظار کشیده شده را، خداوند پس رحمت فرست بر ایشان و بر کسی که پیروی کرده باشد ایشان را و

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةَ الْمُرْسَلِينَ وَ الصَّدِيقِينَ وَ

رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد رحمتی را که فرستاده ای بر فرستادگان و راست گویان و

الصَّالِحِينَ، صَلَوةً لَا يَقْدِرُ عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ. اَللَّهُمَّ الْحَقُّ

جماعت صالحان رحمتی را که قادر نباشد بر شمارة آن کسی غیر از تو، خداوند برسان

أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ شَبِيعَتَهُمْ بِنَبِيِّكَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَ

اهل خانه پیغمبر خود را و اولاد ایشان را و پیروان ایشان را به پیغمبر خود که مهتر و برگزیده پیغمبران است و

أَلْحِقْنَا بِهِمْ مُؤْمِنِينَ مُخْبِتِينَ فَأَزِيزِينَ مُتَّقِينَ صَالِحِينَ خَاشِعِينَ

برسان ما را به ایشان در حالی که باشند مؤمنان و تواضع کنندگان و بهره یافتگان و پرهیزگاران و نیکوکاران و فروتنی کنندگان

عَابِدِينَ مُوَفَّقِينَ مُسَدِّدِينَ عَامِلِينَ زَاكِينَ مُزَكِّينَ تَائِبِينَ

و عبادت کنندگان و توفیق یافتگان و درست و محکم کاران و بجا آورندگان فرمان خدایا و پاکیزگان و پاک شدگان و توبه کنندگان

سَاجِدِينَ زَاكِعِينَ شَاكِرِينَ خَامِدِينَ صَابِرِينَ مُحْتَسِبِينَ

و ساجود کنندگان و رکوع کنندگان و شکر بجای آورندگان و ستایش کنندگان و صبر کنندگان بر بلاها

مُنِيبِينَ مُصِيبِينَ. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَلَّى وَلِيِّهِمْ، وَ أَتَبَرَّءُ إِلَيْكَ مِنْ

و از خدا اجر طلب کنندگان و به حق رسیدگان، خداوند دوست دارم دوستدار ایشان را و بیزار می جویم بسوی آن

عَدُوِّهِمْ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ وَ مَوَدَّتِهِمْ وَ مُوَالَاتِهِمْ وَ طَاعَتِهِمْ،

دشمن ایشان و نزدیکی می جویم بسوی به سبب محبت ایشان و به دوستی ایشان و به پیروی ایشان و به فرمانبرداری ایشان،

فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ اصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ أَهْوَالَ

پس روزی کن مرا به حق ایشان نیکوئی دنیا و آخرت را و دور کن از من به برکت ایشان ترسهای



## دعاهای حضرت امام زین العابدین (علیه السلام)

**يَوْمَ الْقِيَامَةِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَشْهَدُكَ بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، وَ اَنَّ**

روز قیامت را. خداوند ابدی هستی که من ۴ خواه می‌گیرم تو را به آن که تو تویی خدا که نیست خدائی مگر تو و آنکه

**مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ زَوْجَتَهُ وَ وَلَدَيْهِ عَبِيدُكَ وَ اِمَاؤُكَ، وَ اَنْتَ وَلِيُّهُمْ**

محمد و علی و زن او و دو فرزند او و بندگان تو که نیزان تو هستند و تویی دوستدار ایشان

**فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ هُمْ اَوْلِيَاؤُكَ، وَ الْاَوَّلِينَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ**

در دنیا و آخرت و ایشان دوستداران تو هستند و مهربانتر و نزدیکترند به مردان مؤمن و

**الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ مِنْ بَرِيَّتِكَ. وَ اَشْهَدُ اَنَّهُمْ**

زنان مؤمنه و مردان مسلمان و زنان مسلمة از همه خلائق تو و گواهی می‌دهم آن که ایشان

**عِبَادُكَ الْمُؤْمِنُونَ لَا يَسْبِقُونَكَ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِاَمْرِكَ يَعْمَلُونَ.**

بندگان مؤمنان تو هستند. پیشی نمی‌گیرند تو را به گفتار و ایشان به فرمان تو می‌کنند کارها را.

**اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَتُوَسَّلُ اِلَيْكَ بِهِمْ، وَ اَتَشْفَعُ بِهِمْ اِلَيْكَ، اَنْ تُخَيِّنَنِي**

خداوند ابدی هستی که من وسیله می‌گردانم ایشان را و شفیع می‌کنم ایشان را بسوی تو آن که زنده داری

**مَخْيَاهُمْ، وَ تُمَيِّتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَ مِلَّتِهِمْ، وَ تَمْنَعَنِي مِنْ طَاعَةِ**

مرا مثل زندگی ایشان و بمیرانی مرا بر فرمانبرداری ایشان و پیروی دین ایشان و آن که بازدارى مرا از اطاعت کردن

**عَدُوِّهِمْ، وَ تَمْنَعْ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّى مِنِّى، وَ تُغْنِنِنِي بِكَ وَ بِاَوْلِيَايَكَ**

دشمن ایشان و منع کنی دشمن خود را و دشمن مرا از من و آن که بی‌نیاز گردانی مرا به کرم خود و به برکت دوستان خود

**عَمَّنْ اَغْنَيْتَهُ عَنِّى، وَ تُسَهِّلَنِي لِمَنْ اَخَوْجْتَهُمْ اِلَى، وَ اَنْ تَجْعَلَنِي**

از کسی که بی‌نیاز گردانیده تو او را از من و آن که آسان گردانی بر من بر آوردن حاجت کسانی را که محتاج گرداننده‌ای ایشان را بسوی من

**فِي حِفْظِكَ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ تُلْبِسَنِي الْعَافِيَةَ حَتَّى**

و آن که بگردانی مرا در پناه خود در دین من و دنیای من و آخرت من. و آن که بپوشانی به من جامه سلامتی را تا آنکه

**تُهَيِّئَنِي الْمَعِيشَةَ، وَ الْحِظْنِي بِلَحْظَةٍ مِنْ لَحْظَاتِكَ الْكَرِيمَةِ**

مرا را سازی به من تعیش و زندگانی او نگاه کنی به من به نگاه گوشه چشمی از نگاه‌های خود که بخشنده

**الرَّحِيمَةِ الشَّرِيفَةِ، تَكْشِفُ بِهَا عَنِّى مَا قَدْ ابْتُلَيْتُ بِهِ، وَ دَبَّرَنِى بِهَا**

و از روی رحمت و عزیز است که برطرف نمائی به سبب آن نگاه از من آنچه را به تحقیق که مبتلا شده‌ام به آن و بر گردانی مرا

**إِلَى اَحْسَنِ عَادَاتِكَ وَ اَجْمَلِهَا عِنْدِي، فَقَدْ ضَعُفْتُ قُوَّتِي وَ قَلَّتْ**

به سوی نیکوترین احسانهای قدیمی خود و بهترین آنها که نزد من است. پس همانا که سست شده‌است توانائی من و کم شده‌است

**جِيلَتِي، وَ نَزَلَ بِي مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ، فَرُدَّنِي اِلَى اَحْسَنِ عَادَاتِكَ،**

چاره من و فرود آمده‌است به من آنچه نیست قدرتی مرا به رفع آن پس برگردان مرا بسوی نیکوترین احسانهای قدیمی تو.

**فَقَدْ اَيْسْتُ مِمَّا عِنْدَ خَلْقِكَ، فَلَمْ يَبْقَ اِلَّا رَجَاؤُكَ فِي قَلْبِي، وَ قَدِيمًا**

پس به تحقیق که مأیوس و ناامید گشتم از آنچه در نزد آفریدگان توست. پس باقی نمانده‌است مگر امیدواری از تو در دل من و



دعاهای حضرت امام زین العابدین علیه السلام

مَا مَنَنْتَ عَلَيَّ، وَ قُدَّرْتُكَ يَا سَيِّدِي وَ رَبِّي وَ خَالِقِي وَ مَوْلَايَ وَ

همیشه است آنچه بخشیده‌ای بر من و توانایت ای آقای من و پروردگار من و آفریننده من و مولای من و

رازِ قی علی اِذْهَابِ مَا أَنَا فِيهِ، كَقُدَّرْتُكَ عَلَيَّ حَيْثُ ابْتَلَيْتَنِي بِهِ،

روزی دهنده من بر هر طرف کردن تو آنچه را که من در اویم از بلاها مثل توانائی توست بر من در وقتی که مبتلاگردانیدی

إِلَهِي ذِكْرُ عَوَائِدِكَ يُؤْنِسُنِي، وَ رَجَاءُ إِنْعَامِكَ يُقَرِّبُنِي، وَ لَمْ أَخْلُ

تو مرا به آن بلا ای خداوند یاد آوردن احسان‌هایت آرام می‌دهد مرا و امید بخشش تو نزدیک می‌سازد مرا و خالی نبودم

مِنْ نِعْمَتِكَ مُنْذُ خَلَقْتَنِي، فَأَنْتَ يَا رَبِّ ثِقَتِي وَ رَجَائِي وَ إِلَهِي وَ

من هرگز از نعمت تو از وقتی که آفرید تو مرا. پس تویی ای پروردگار من معتمد من و امیدگاه من و خدای من و

سَيِّدِي، وَ الذَّابُّ عَنِّي، وَ الرَّاحِمُ بِي، وَ الْمُتَكَفِّلُ بِرِزْقِي. فَأَسْأَلُكَ يَا

آقای من و رفع کننده بلاها از من و رحم کننده به من و غامن روزی من. پس سؤال می‌کنم تو را ای

رَبِّ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أَنْ تَجْعَلَ رُشْدِي بِمَا قَضَيْتَ مِنَ الْخَيْرِ وَ

پروردگار من به حق محمد و آل محمد آن که بگردانی راه یافتن مرا به سوی چیزی که حکم نموده‌ای برای من از نیکی و

حَقْمَتِهِ وَ قَدَّرْتَهُ، وَ أَنْ تَجْعَلَ خَلَاصِي مِمَّا أَنَا فِيهِ، فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ

واجب ساخته‌ای آنرا و مقدر کرده‌ای و آن که بگردانی برای من رهائی مرا از آنچه من در اویم از بلیه‌ها پس بدرستی که من قادر نیستم

عَلَى ذَلِكَ إِلَّا بِكَ، وَ حَذَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ لَا أَعْتَمِدُ فِيهِ إِلَّا عَلَيْكَ.

بر این خلاصی مگر به قدرت از جانب تو در حالی که تنهایی تو نیست شریکی برایت و اعتماد ندارم در این خلاصی مگر بر تو.

فَكُنْ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ عِنْدَ حُسْنِ ظَنِّي بِكَ، وَ

پس باش تو معاون من ای پرورنده پروردگان و ای آقای همه آقایان نزد نیکی از اعتقاد من به تو و

أَعْطِنِي مَسْئَلَتِي يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَ يَا

عطا کن به من سؤال من ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین بینندگان و ای

أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَ يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، وَ يَا

حکم کننده‌ترین حکم کنندگان و ای زود حساب کننده‌ترین حساب کنندگان و ای قادرترین صاحب قدرتان و ای

أَقْهَرَ الْقَاهِرِينَ، وَ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ، وَ يَا حَبِيبَ

غلبه کننده‌ترین غلبه کنندگان و ای بیشتر پیشیان و ای آخر آن‌هایی که آخر هستند و ای دوست

مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، وَ الْأَوْصِيَاءِ

محمد و علی و همه پیغمبران و فرستادگان و وصی‌های

الْمُنْتَجِبِينَ، وَ يَا حَبِيبَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَوْصِيَاءِهِ

برگزیده‌شدگان و ای دوست محمد که رحمت خدا باد بر او و بر خاندانش و بر وصی‌های او

وَ أَحِبَّائِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ خُلَفَائِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ حُجَجَكَ الْبَالِغِينَ مِنْ

و دوستان او و یاری کنندگان او و جانشینهای او که ایمان آوردند به تو و حجت‌هایت که رسیده‌اند به راه حق و از



## دعاهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام

**أَهْلَ الرَّحْمَةِ الْمُطَهَّرِينَ الزَّاهِدِينَ أَجْمَعِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ**

اهل خانه رحمت هستند و پاکان و پرهیزگاران همگی ایشان رحمت فرست بر محمد و

**عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.**

بر آل محمد و بجای آور به من آنچه را که تو سزاوار آنی ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: در کتاب «صحیفه کامله»، آن قدر از دعاهای حضرت سید الساجدین و زین العابدین علیه السلام مذکور است که کافی است از برای کسی که بشناسد و بداند قدر آنچه را که در آنجاست.

## دعاهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام

### دعای اول حضرت امام محمد باقر علیه السلام

دعائی که آن را عیسی بن محمد روایت نموده است از وهب بن اسماعیل، از محمد بن علی علیه السلام، از پدر خود از جدّ خود که فرمودند: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هیچ بندهای نیست که این دعا را در هر روز صبح بخواند مگر آن که در حفظ و حمایت خدای تعالی باشد، تا به وقت صبح روز دیگر. و خدای تعالی او را از هر غم و اندوه و بلا نگاه می دارد. و این دعا از برای داخل شدن بر پادشاهان و ایمن بودن از شرّ شیطان است. پس باید این دعا، هنگام سختی و گرفتاری خوانده شود.

اگر این دعا را غمناکی بخواند، غم و اندوه او برطرف می شود و اگر این دعا را محبوس بخواند، از بند نجات می یابد و به برکت این دعا برآورده می شود هر حاجتی که باشد و به پرهیز از آن که این دعا را برای نابودی مسلمانی بخوانی. پس به درستی که این دعا از تیرگذرا زودتر اثر می کند.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

آغاز می کنم بنام خدای بخشنده مهربان

**اَللّهُمَّ يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا**

خدایاندا ای فریادرس اندوهناکان و ای برآورنده دعای بیچارگان، ای

**كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اكْشِفْ كَرْبِي وَ هَمِّي،**

برطرف کننده اندوه بزرگ، ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان، برطرف نمای اندوه مرا و غم مرا.



دعاهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام

فَإِنَّهُ لَا يَكْشِفُ الْكَرْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا أَنْتَ. فَقَدْ تَعَرَّفَ حَالِي وَ حَاجَتِي

پس بدرستی که برطرف نمی‌کند اندوه بزرگ را کسی مگر تو، پس به تحقیق که می‌شناسی حال مرا و احتیاج مرا

وَ فَقَرِي وَ فَاقَتِي، فَكَفِّنِي مَا أَهَمَّنِي وَ مَا غَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ

و درویشی مرا و پریشانی مرا، پس کفایت کن مرا از آنچه به اندوهناک داشته است مرا و از آنچه غمناک کرده مرا از امر دنیا و

الْآخِرَةِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ. اَللَّهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ، وَ بِفَضْلِكَ

آخرت به برکت بخشش تو و عطای تو، خداوند به روشنی راهنمایی راه یافته‌ام و به برکت بخشش تو

اسْتَغْنَيْتُ، وَ فِي نِعْمَتِكَ أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ، ذُنُوبِي بَيْنَ يَدَيْكَ،

توانگر شده‌ام و در نعمت از جانب تو به صبح آورده‌ام و شام کرده‌ام گناهان من در نزد تو حاضر است،

أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ حِلْمِكَ لِجَهْلِي، وَ

طلب آمرزش می‌کنم از تو و بازگشت می‌نمایم به سوی تو. خداوند بدرستی که من سؤال می‌کنم تو را از بردباریت از جهت نادانی من، و

مِنْ فَضْلِكَ لِفاقَتِي، وَ مِنْ مَغْفِرَتِكَ لِخَطَايَايَ. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

از زیادتی بخشش تو جهت درویشی من و از آمرزش تو برای گناهان من. خداوند بدرستی که من سؤال می‌کنم از تو

الصَّبْرَ عِنْدَ الْبَلَاءِ، وَ الشُّكْرَ عِنْدَ الرِّخَاءِ. اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ

مبیر کردن در نزد بلا و شکر گذاری در نزد فراخی را. خداوند بگردان مرا که ترسم از عذاب تو

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى كَأَنَّنِي أَرَاكَ. اَللَّهُمَّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَذْكُرَكَ كَيْ لَا

تا به روزی که برسم به فرمان تو تا به حدی که گویا ببینم عقاب ترا. خداوند ببیند از دل من آن که یادآوری نمایم تو را تا آنکه

أَنْسَاكَ لَيْلًا وَ لَنَهَارًا وَ لَا صَبَاحًا وَ لَا مَسَاءً، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

فراموش نکنم تو را نه شب و نه روز و نه صبح و نه شام، مستجاب کن دعای مرا ای پروردگار عالمیان.

اَللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ بَنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِي حُكْمِكَ،

خداوند بدرستی که من بنده توام و پسر کنیز توام پیش سر من به دست اختیارات است، جاری است در من فرمان تو

عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ، مُجْزِلٌ فِي فَضْلِكَ وَ عَطَاؤُكَ. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

راست و درست است در من حکمت بزرگ است در من بخشش تو و کرم تو، خداوند بدرستی که سؤال می‌کنم تو را

بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ

به هر نامی که آن برای توست که نامیده‌ای به آن نام نفس خود را یا آن که نازل ساختی آن را تو در کتاب خود یا آن که آموخته‌ای

أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تُصَلِّيَ

آن را به احدی از آفریدگان خود، یا آن که اختیار نموده‌ای در علم پنهان در نزد خود، آن که رحمت فرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَ نُورَ

بر محمد و بر آل محمد و آن که بگردانی قرآن را برور و شکفتنی دل من و روشنی

بَصَرِي وَ جَلَاءَ حُزْنِي وَ ذَهَابَ هَمِّي. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا أَكْبَرَ

چشم و زایل کننده اندوه من و برطرف کننده غم من. خداوند بدرستی که من سؤال می‌کنم تو را ای بزرگ‌تر



دعاهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام

مِنْ كُلِّ كَبِيرٍ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ، يَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَ

از هر بزرگی، ای آن که نیست شریکی برای و و نیست کارگذاری برای او، ای آفریننده آفتاب و

القَمَرِ الْمُنِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ، وَ جَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَ يَا مُغِيثَ

ماه روشن، ای نگه دارنده ترسندگان و پناه آورندگان، و ای فریادرس

الْمَظْلُومِ الْحَقِيرِ، وَ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، وَ يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ

ستم دیدگان خوار و خفیف، و ای روزی دهنده طفل کوچک و ای بی نیاز کننده درویش

الْفَقِيرِ، يَا جَابِرَ الْعَظَمِ الْكَسِيرِ، يَا مُطْلِقَ الْمُكْبَلِ الْأَسِيرِ، يَا قَاصِمَ

بسیار پریشان، ای درست کننده استخوان شکسته، ای رها کننده بند کرده شده اسیر و گرفتار، ای شکننده

كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجاً وَ مَخْرَجاً وَ يُسْراً، وَ

بشت هر ستم کننده ناعاق بگردان برای من از کار من گشادگی و بیرون رفتنی را و آسانی را، و

ارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ، إِنَّكَ سَمِيعُ

روزی کن مرا از جایی که گمان دارم و از جایی که گمان ندارم، بدرستی که تو شنوای

الدُّعَا، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ

دعای، ای صاحب بزرگی و بخشش. خداوند بدرستی که تو تجاوز کننده از گناهانی دوست می داری در گذشتن از تقصیر را پس در گذر

عَنِّي. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ مُحْسِنٌ فَاَحْسِنْ اِلَيَّ. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ رَحِيمٌ تُحِبُّ

از تقصیر من. خداوند بدرستی که تو نیکو کننده ای، پس نیکو کن به من. خداوند بدرستی که تو رحم کننده ای دوست می داری

الرَّحْمَةَ فَارْحَمْنِي. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ لَطِيفٌ تُحِبُّ اللُّطْفَ فَالطُّفْ بِي. يَا

رحمت کردن را پس رحم کن مرا. خداوند بدرستی که تو شفیقت کننده ای، دوست می داری شفیقت را، پس شفیقت نمای برای من، ای

مُقِيلَ عَثْرَتِي وَ يَا رَاحِمَ عَثْرَتِي وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَتِي، اَسْأَلُكَ

در گذرنده از لغزش من و ای رحم کننده اشک چشم و ای برآورنده دعا یمن، سؤال می کنم از تو

الْخَيْرَ كُلَّهُ، وَ اَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ مَا احَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، يَا غِيَاثَ

نیکوئی را همه آنرا و پناه می برم به تو از بدیها همه آنها آنچه که فرا گرفته است به آن علم تو، ای فریادرس

مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، وَ يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ، وَ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ،

آن که نیست فریادری برای او و ای ذخیره کسی که نباشد ذخیره ای برای او و ای معتمد کسی که نباشد معتمدی برای او

اغْفِرْ لِي عِلْمُكَ فِيَّ وَ شَهَادَتُكَ عَلَيَّ، فَإِنَّكَ تَسْمِيتُ لِسَعَةِ

بیامرز مرا، دانانیت در من ثابت است و گواهیست بر من حق است، پس بدرستی که تو نامیده شده ای

رَحْمَتِكَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ، وَ

از جهت فراخی رحمت خود به بخشنده مهربان. خداوند بدرستی که من سؤال می کنم از تو ثابت قدم بودن در کارها را و

الْعَزِيمَةَ عَلَى الرُّشْدِ، وَ اَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَ اَسْأَلُكَ حُسْنَ

اراده نمودن بر رفتن به راه راست را و سؤال می کنم از تو شکرگزاری نعمت ترا، و سؤال می کنم از تو نیکوئی



دعاهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام

**عِبَادَتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ قَلْبًا سَلِيمًا، وَ لِسَانًا صَادِقًا، وَ أَسْأَلُكَ مِنْ**

از عبادت تو و سوال می‌کنم از تو دلی درست و سالم از عیب‌ها و زبان راست گفتار را. و سوال می‌کنم از تو از

**خَيْرِ مَا أَعْلَمُ وَ مِنْ خَيْرِ مَا لَا أَعْلَمُ، إِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ وَ أَنْتَ عَلَّامُ**

بهترین آنچه می‌دانم و از بهترین آنچه نمی‌دانم آنرا، بدستی که تو می‌دانی و نمی‌دانم و تو بسیار دانای

**الْغُيُوبِ. اَللّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا وَ بِكَ أَمْسَيْنَا، وَ بِكَ نُصْبِحُ وَ بِكَ**

چیزهای پنهانی. خداونداه قوت تو داخل صبح شدیم و به برکت تو شام کردیم و به استعانت تو داخل صبح می‌شویم و به

**نَفْسِي وَ بِكَ نَحْيَا وَ بِكَ نَمُوتُ، وَ عَلَيْكَ نَتَوَكَّلُ، وَ إِلَيْكَ النُّشُورُ،**

امداد تو به شب می‌آوریم و به سبب تو زنده‌ایم و به امر تو می‌میریم و بر تو اعتماد می‌کنیم و بسوی توست برانگیختن روز قیامت و

**وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

نیست بیرون آمدن از گناهی و نه قوت بر عبادتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ منزلت، و گواهی می‌دهم آن که نیست خدائی مگر خدا

**أَحَدًا صَمَدًا، لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا، أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ**

خدای یکتا، در حالی که یکتا و دائمی است، فرا نگرفته‌است همسری و نه فرزندی را، آیا پس می‌بینی ای محمد آنرا که فرا گرفته است

**هُوِيَهُ، وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ، وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ، وَ جَعَلَ**

خدای خود را موافق خواهش خود و باز گذاشته او را در گمراهی به جهت دانش خود و مهر نموده گوش و دل او را و گردانیده

**عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً، فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ، أَفَلَا تَذَكَّرُونَ. اَللّهُمَّ**

بر چشم او پرده‌ای، پس کیست که راهنمایی نماید او را از غیر خدا، آیا پس پسند نمی‌گیرید شما، خداوند

**اطْمِسْ عَلَى أَبْصَارِ أَعْدَائِنَا كُلِّهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ اجْعَلْ**

کسور کـ چشمهای دشمنان مـ را را همه ایشانرا از جن و انس و بگردان

**عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً، وَ اخْتِمَ عَلَى قَلْبِهِ، وَ أَخْرِجْ ذِكْرِي مِنْ قَلْبِهِ، وَ**

بر چشم آن دشمن پرده پوشش را و مهر کن بر دل او و بیرون کن یادآوری مرا از دل او، و

**اجْعَلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَدُوِّي حِجَابًا وَ حِصْنًا حَصِينًا مَنِيعًا لَا**

بگردان میان من و میان دشمن من مانعی و قلعه محکم بلندی که قصد نکند آنرا و غلبه نکند

**يَرُومُهُ سُلْطَانٌ وَ لَا شَيْطَانٌ وَ لَا إِنْسٌ وَ لَا جِنٌّ. اَللّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ**

بر آن پادشاهی و نه شیطانی و نه آدمیزادی و نه پریزادی، خداوند بدستی که دفع می‌کنم و طعن می‌زنم به قوت تو

**فِي نَحْرِهِ، وَ أَسْتَعِيزُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، وَ أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ، فَكَفِّنِي**

در گودی گردن او و پناه می‌برم به تو از شر او و طلب یاری می‌نمایم از تو بر دفع او، پس کارگذاری نمای

**كَيْفَ شِئْتُ وَ أَنِّي شِئْتُ. اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَ بِكَ**

مرا به هر نحو که خواسته‌ای و هر کجا که خواسته‌ای، خداوند برای توست ستایش و تونی یاری طلب کرده‌شده و به توست

**الْمُسْتَعَاثُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ**

فریادری نمودن و بسوی توست شکوه کردن و نیست قدرتی و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه



## دعاهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام

**الْعَظِيمُ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَدْرَ يَوْمِيْ هَذَا فَلَاحًا وَّ اَوْسَطَهُ صَلَاحًا وَّ**

بزرگ. خداوند ابرویدان اول روز مرا این روز که در اویم رستگاری و میان آن روز را صلاح و

**اٰخِرَهُ نَجَاحًا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ فِيْ صَدْرِ جَمِيعِ وُلْدِ اٰدَمَ وَّ حَوَّاءَ وَّ**

آخر آنرا فیروزی. خداوند ابرویدان برای من در سینه همه فرزندان آدم و حوا و

**الْجِنِّ وَّ الْاَنْسِ وَّ الشَّيَاطِيْنَ وَّ الْمَرْدَةِ رَافَةً وَّ رَحْمَةً، خَيْرُهُمْ بَيْنَ**

جن و آدمیان و شیطانها و سرکشان مهربانی و رحمت را، خوبی ایشان بیش

**اَغْيَنِهِمْ، وَّ شَرُّهُمْ تَحْتَ اَقْدَامِهِمْ، وَّ بِاللّٰهِ اَسْتَعِيْنُ عَلَيْهِمْ مِنْ اَنْ**

چشمهای ایشان باد و بدی ایشان در زیر پایهای ایشان باد و بخدا طلب یاری می‌نمایم بر دشمنان، از آنکه

**يَفْرُطَ عَلَيَّ اَحَدٌ مِنْهُمْ اَوْ اَنْ يَطْفِيَ، عَزَّ جَارُكَ وَّ جَلَّ ثَنَاوُكَ وَّ لَا**

زیادتی نماید برای من احدی از ایشان یا آن که طغیان و غلبه نماید بر من. عزیز است همسایه تو و بزرگ است ستایش تو و نیست

**اِلَهَ غَيْرُكَ، وَّ خَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَّ**

خدائی غیر تو در حال یکی یکتائی تو، نیست شریکی برای تو، رحمت فرست بر محمد و بر آل محمد و

**ارْزُقْنِي الْخَيْرَ كُلَّهُ مَا اَخَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا**

روزی گردان به من نیکوئی را همه آنچه فراهم گرفته است به او دانش تو، ای مهربان، ای بخشنده، ای

**ذَا الْجَلَالِ وَّ الْاَكْرَامِ، وَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى اٰلِهٖ، وَّ اَحْمَدُهُ عَلٰى نِعْمَائِهٖ،**

صاحب بزرگی و انعام و همه ستایش برای خداست، بر نعمت او و حمد می‌کنم او را بر عطاهاى او

**وَّ اَشْكُرُهُ عَلٰى بَلَائِهٖ، وَّ اُوْمِنُ بِقَضَاءِ الَّذِیْ لَا هَادِيَ لِمَنْ اَضَلَّ، وَّ**

و شکرگذاری می‌کنم او را بر اکرام او و ایمان دارم به قضای او آن خدائی که نیست راهنمائی برای کسی که واکندارد خدا او را در گمراهی و

**لَا خَازِلَ لِمَنْ نَصَرَ، وَّ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، وَّ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَّ**

نیست خوار کننده برای آن که یاری کند خدا او را و گواهی می‌دهم که نیست خدائی مگر خدای یکتا، نیست شریکی برای او و

**اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَّ رَسُوْلُهُ الْمُصْطَفٰى، وَّ اَمِيْنُهُ الْمُرْتَضٰى،**

گواهی می‌دهم به آن که محمد بنده او و فرستاده اوست، برگزیده و معتمد اوست و خشنود است خدا از او،

**الَّذِیْ اَنْتَجَبَهُ وَّ حَبَّاهُ وَّ اخْتَارَهُ وَّ ارْتَضَاهُ، صَلِّ اللّٰهُ عَلَیْهِ وَّ اٰلِهٖ**

آن کسی است که اختیار کرده است خدا او را بخشیده است به او نبوت را، برگزیده است او را و راضی است از او، رحمت فرستد خدا بر او و بر

**وَّ سَلَّمَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ اِيْمَانًا صَادِقًا لَیْسَ بَعْدَهُ كُفْرٌ، وَّ رَحْمَةً**

آل او و درود نماید بر او. خداوند درستی که من سؤال می‌کنم از تو ایمانی درست را که نباشد بعد از او کفری و رحمتی

**اَنْالُ بِهَا شَرَفَ كَرَامَتِكَ فِی الدُّنْيَا وَّ الْاٰخِرَةِ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَّ**

را که برسم به سبب آن رحمت به عزیز بخشش تو در دنیا و آخرت، صاحب خیر و برکتی او ای پروردگار ما و

**تَعَالَيْتَ، تَمَّ نُوْرُكَ رَبِّیْ فَهَدَيْتَ، وَّ عَظُمَ حِلْمُكَ رَبِّیْ فَعَفَوْتَ، فَلَكَ**

بلندیت تمام است روشنی راهنمائی ای پروردگار من، پس راهنمائی کردی و بزرگ است بردباریت ای پروردگار من، پس درگذشتی



دعاهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام

**الْحَمْدُ، وَجْهَكَ أَكْرَمُ الْوُجُوهِ، وَ جَاهُكَ أَفْضَلُ الْجَاهِ، وَ عَطِيَّتُكَ**

از گناهان پس از برای اوست ستایش، ذات تو بخشنده ترین ذاتها است و مرتبه تو زیاده ترین مرتبه ها است و بخشش تو

**أَرْفَعُ الْعَطَاءِ وَ أَهْنَأُهَا. تَطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَ تَغْضَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ**

بالاترین بخشش ها و گواراترین آنهاست، فرمان می برند تو را ای پروردگار ما پس ثواب می دهی، و نافرمانی می کنند پروردگار ما پس می آمرزی

**لِمَنْ تَشَاءُ، تُجِيبُ دَعْوَةَ الْمُضْطَرِّ إِذَا دَعَاكَ، وَ تَكْشِفُ الضُّرَّ، وَ**

هر که را خواهی بر می آوری دعای بیچاره را هرگاه بخواند تو را و برطرف می کنی آزار را و

**تَشْفِي السَّقِيمَ، وَ تَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، لَا يُخْصِي نِعْمَاتِكَ أَحَدٌ،**

شفا می دهی بیمار را و می آمرزی گناه بزرگ را، شمار نمی تواند نمود نعمتهای تو را کسی،

**رَبَّنَا فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَبَدًا لَا يُحْصِي عَدْدُهُ، وَ لَا يَضْمَحِلُّ سَرْمَدُهُ،**

ای پروردگار ما پس از برای تو ستایش ستایشی همیشه که در شمار نیاید عدد آن و برطرف نشود دوام آن

**حَمْدًا كَمَا حَمِدَهُ الْخَامِدُونَ مِنْ عِبَادِكَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ. اَللَّهُمَّ**

ستایشی مثل آنچه ستایش نموده اند او را ستایش کنندگان از بندگان تو از پیشینیان و پسینیان، خداوند

**إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّصِيبَ الْأَوْفَرَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَ التَّقَى**

بدرستی که سوال می کنم از تو بهره بیشتر از بهشت و سوال می کنم از تو راهنمائی و پرهیزکاری

**وَ الْعَافِيَةَ وَ الْبُشْرَى عِنْدَ انْقِطَاعِ الدُّنْيَا. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَقْوَى**

و سلامتی و بشارت به جنت را نزد بریده شدن زندگانی دنیا، خداوند بدرستی که سوال می کنم از تو پرهیزکاری را

**لَا يَنْفَدُ، وَ فَرَجًا لَا يَنْقَطِعُ، وَ تَوْفِيقَ الْحَمْدِ، وَ لِبَاسَ التَّقْوَى، وَ زِينَةَ**

که آخر نشود و راحتی را که بریده نگردد و توفیق یافتن ستایش کردن را و جامه پرهیزکاری را و زینت

**الْإِيمَانِ، وَ مُرَافَقَةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي أَعْلَى جَنَّةِ**

ایمان را و رفیق بودن با پیغمبر تو را که معتمد است، رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش در مرتبه بالای بهشت

**الْخُلْدِ، يَا بَادِيءُ لَا بَدْيَ لَهُ، وَ يَا دَائِمُ لَا نَفَادَ لَهُ، يَا حَيُّ يَا مُحْيِي**

جاودانی ای اول همه چیز که نیست اولی برای او و ای همیشه ای که نیست آخری برای او، ای زندمای زنده کننده مردگان،

**الْمَوْتَى، يَا قَائِمُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ. أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَ التَّقَى**

ای ایستاده به جز دادن بر هر کسی به آنچه کسب کرده است، سوال می کنم از تو راهنمائی و پرهیزکاری را

**وَ الْعَافِيَةَ وَ الْغِنَى، وَ التَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى، يَا أَرْحَمَ**

و سلامتی و توانگری را و مهیا شدن اسبابها برای آنچه دوست می داری و خوشنودیت از آن، ای رحیم کننده ترین

**الرَّاحِمِينَ. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ**

رحم کنندگان، خداوند بدرستی که من سوال می کنم از تو به حق رحمت تو که فرا گرفته است هر چیزی را و

**بِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعَظَمَتِكَ الَّتِي ذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ،**

به حق عزت تو که غلبه نموده است هر چیزی را و به حق بزرگیت که خوار و ذلیل است برای آن هر چیزی



## دعاهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام

و بِقُوَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلُّ شَيْءٍ،  
 و به حق قدرت تو که نمی ایستد در برابر آن چیزی و به حق پادشاهیت که بلند است بر هر چیزی  
 وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُبِيدُ كُلَّ شَيْءٍ،  
 و به حق دانش تو که فرو گرفته است هر چیزی را و به حق نام تو که هلاک می کند هر چیزی را  
 وَ بِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ  
 و به حق ذات تو که باقی است بعد از برطرف شدن هر چیزی و به حق روشنی ذات تو که روشن گشته است  
 لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، أَنْ تَغْفِرَ لِي كُلَّ ذَنْبٍ، وَ تَمْحُو عَنِّي كُلَّ خَطِيئَةٍ، وَ أَنْ  
 برای او هر چیزی آن که بیامرزی برای من هر گناهی را و برطرف کنی از من هر خطا و عقوبتی را و آنکه  
 تُوفِّقَنِي لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَ تَرْضَى، وَ أَنْ تَكْفِينِي مَا هَمَّنِي وَ مَا  
 توفیق دهی که بجا آورم آنچه را که دوست داری آنرا ای پروردگار ما و خشنودی از آن و نگاه داری از آنچه اندوهناک کرده است  
 غَمَّنِي مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ أَنْ تَرْزُقَنِي جُمْلَ الْخَيْرِ كُلَّهُ مَا أَحَاطَ  
 مرا و آنچه به غم انداخته است مرا از امر دنیا و آخرت و آن که روزی گردانی به من احسان های نیکوی خود را و همه آنرا آنچه را که فرا گرفته است  
 بِهِ عِلْمُكَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ  
 او را دانش تو منجیب کن دعای مرا ای پروردگار عالمان و رحمت فرستد خدا بر محمد و بر خاندانش

### الطَّاهِرِينَ

که پاکانند.



## دعای دوم از حضرت امام باقر علیه السلام



سید بن طاووس رحمه الله گوید: ما به سندهای خود تا محمد بن حسن صفار روایت می کنیم  
 که او در کتاب «فضل الدعاء» ذکر نموده است از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن  
 علی بن فضال و علی بن حکم از ابی جمیل از جابر از حضرت ابو جعفر علیه السلام که فرمودند:  
 جبرائیل علیه السلام به حضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت: ای پیغمبر خدا بدان که من دوست نمی دارم  
 پیغمبری را از پیغمبران، همانند آنچه تورا دوست می دارم. پس این دعا بسیار بخوان.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَ لَا تُرَى، وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، وَ أَنْ إِلَيْكَ  
 خداوند! بدرستی که می بینی و دیده نمی شوی و تو به جایگاه دیدن بالاتری، و بدرستی که بسوی تو است  
 الْمُنْتَهَى وَ الرَّجْعَى، وَ أَنْ لَكَ الْآخِرَةُ وَ الْأُولَى، وَ أَنْ لَكَ الْمَمَاتَ وَ  
 منتهی و بازگشت همه چیز و بدرستی که برای تو است آخرت و دنیا و بدرستی که برای تو است مردن مردمان و  
 الْمَحْيَى، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُذِلَّ أَوْ أُخْزَى.

زنده شدن ایشان. ای پروردگار من، پناه می برم به تو از آن که خوار گردم و رسوا شوم.



دعاهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام❁ دعای جامع از حضرت امام محمد باقر علیه السلام ❁

سید بن طاووس رحمته الله گوید: مابه سندهای خود تا به سعد بن عبدالله روایت می‌کنیم که گفت: حدیث کرد به ما حسن بن علی، از احمد بن هلال، از حسن بن محبوب، از هشام بن سالم، از ابی حمزه ثمالی که گفت: من این دعا را از حضرت ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام اخذ نمودم و این دعا به دعای جامع معروف است.

و ما نیز به سندهای خود روایت می‌کنیم تا محمد بن یعقوب کلینی رحمته الله به سندهای خود تا حضرت ابو جعفر محمد بن علی علیه السلام.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

گواهی می‌دهم به آن که نیست خدائی مگر خدا، در حالی که یکتاست، نیست شریکی برای او و گواهی می‌دهم به آن که محمد بنده اوست

و رَسُولُهُ. آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِجَمِيعِ رُسُلِ اللَّهِ، وَبِجَمِيعِ مَا أُرْسِلَ بِهِ

و فرستاده اوست. ایمنان آورده‌ام به خدا و به همه پیغمبران خدا و به همه آنچه فرستاده شدند به آن

رُسُلِ اللَّهِ، وَأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ، وَ لِقَاءُهُ حَقٌّ، وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ بَلَغَ

پیغمبران خدا، و آن که وعده خدا حق است و رسیدن حساب و عقاب او حق است و راست گفته است خدا و رسانده‌اند

الْمُرْسَلُونَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا سَبَّحَ

پیغمبران همه احکام او را و جمیع ستایش برای خداست که پروردگار عالمان است، و تسبیح می‌کنم

اللَّهُ شَيْءٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبِّحَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ

خدا را هرگاه تسبیح کند چیزی و چنان که دوست دارد خدا که تسبیح کرده شود، و ستایش برای خداست هرگاه ستایش کند خدا را

شَيْءٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللَّهُ

چیزی و همچنان که دوست می‌دارد خدا آن که ستایش کرده شود و نیست خدائی مگر خدا هرگاه که تهلیل کند خدا را

شَيْءٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُهَلَّلَ، وَ اللَّهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهُ شَيْءٌ وَ

چیزی و چنان که دوست دارد خدا آن که تهلیل کرده شود و خدا بزرگ‌تر است هرگاه که بزرگ شمارد خدا چیزی را و

كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَفَاتِيحَ الْخَيْرِ وَ

چنان که دوست می‌دارد خدا آن که تکبیر کرده شود. خداوند ایدرستی که سؤال می‌کنم تو را اوائل نیکنی را و

خَوَاتِيمَهُ وَ شَرَايِعَهُ وَ سَوَابِقَهُ وَ فَوَائِدَهُ وَ بَرَكَاتِهِ، وَ مَا بَلَغَ

آخرهای آنرا و راههای آنرا و پیشی گیرنده‌های او و فایده‌های او و برکتهای او را آنچه رسیده‌است

عِلْمُهُ عِلْمِي، وَ مَا قَصُرَ عَنْ إِيْصَائِهِ فَهَمِي. اللَّهُمَّ أَنْهَجْ لِي أَسْبَابَ

به دانستن آن علم و آنچه کوتاهی است از شمردن آن فهم من. خداوند لطیفه واضحی قرار ده برای من سببهای



دعاهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام

**مَعْرِفَتِهِ، وَ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَهُ، وَ غَشِّبْنِيْ بَرَكَاتِ رَحْمَتِكَ، وَ مَنْ**

شناخت خیر را و بگشای برای من درهای آنرا و بیوشان مرا به برکت های رحمت خود و منت گذار بر من

**عَلَى بَعْضَمَةٍ عَنِ الْاِزَالَةِ عَنْ دِينِكَ، وَ طَهِّرْ قَلْبِيْ مِنَ الشَّكِّ، وَ لَا**

به آن که نگاهداری مرا از زایل شدن از دین تو و پاک گردان دل مرا از شک و مشغول مساز

**تَشْغَلْ قَلْبِيْ بِدُنْيَايَ، وَ عَاجِلْ مَعَاشِيْ عَنْ اَجَلِ ثَوَابِ اٰخِرَتِيْ، وَ**

دل مرا به دنیا من و به سبب زودی زندگانی دنیای من از دیر آمدن ثواب آخرت من و

**اشْغَلْ قَلْبِيْ بِحِفْظِ مَا لَا تَقْبَلُ مِنِّيْ جَهْلُهُ، وَ ذَلِّلْ لِكُلِّ خَيْرٍ لِّسَانِيْ،**

مشغول گردان دل مرا به دانستن و نگاهداشتن آنچه را که قبول نمی کنی از من نادانی آنرا و آسان گردان برای گفتن

**وَ طَهِّرْ قَلْبِيْ مِنَ الرِّيَاءِ، وَ لَا تُجْرِهِ فِيْ مَفَاصِلِيْ، وَ اجْعَلْ عَمَلِيْ**

حرف خیر زبان مرا و پاک گردان دل مرا از ریا و جاری مگردان آنرا در همه بندهای استخوان من و بگردان عبادت مرا

**خَالِصاً لَكَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَ اَنْوَاعِ الْفَوَاحِشِ كُلِّهَا،**

خالص و مخصوص از برای تو. خداوند ابدی هستی که من پناه می برم به تو از شر و بدی و اقسام قبیحها و گناه ها همه آنها

**ظَاهِرِهَا وَ بَاطِنِهَا وَ غَفَلَاتِهَا، وَ جَمِيعِ مَا يُرِيْدُنِيْ بِهِ الشَّيْطَانُ**

ظاهر آنها و پنهان آنها و آنچه به غفلت سرزند از آنها و همه آنچه اراده نماید مرا به آن شیطان

**الرَّجِيْمُ، وَ مَا يُرِيْدُنِيْ بِهِ السُّلْطَانُ الْعَنِيْدُ مِمَّا اَحْطَتْ بِعِلْمِهِ، وَ**

منع کرده شده از رحمت و آنچه قصد نماید مرا به آن پادشاه ظالم از آنچه فرا گرفته ای آنرا به علم خود و

**اَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى صَرْفِهِ عَنِّيْ. اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ**

توئی توانا بر برگرداندن آن از من. خداوند ابدی هستی که پناه می برم به تو از شر و وارد شوندگان

**الْجِنِّ وَ الْاَنْسِ وَ زَوَابِعِهِمْ وَ بَوَائِقِهِمْ وَ مَكَايِدِهِمْ، وَ مَشَاهِدِ**

در شب از جنیان و آدمیان و از سرکرده های جنیان و از مصیبت ها و ستم های ایشان و از مکر های ایشان و از جای های

**الْفَسَقَةِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاَنْسِ، وَ اَنْ اُسْتَزَلَ عَنِّيْ دِيْنِيْ، فَتَفْسُدَ عَلَيَّ**

فساد فاسقان از جنیان و آدمیان و از آن که زایل گردیده شوم از دین خود پس باطل شود بر من

**اٰخِرَتِيْ، وَ يَكُوْنُ ذٰلِكَ مِنْهُمْ ضِرَاراً عَلَيَّ فِيْ مَعَاشِيْ، اَوْ يَعْزِضَ**

آخرت من و باشد این امر که صادر شده است از ایشان ضرر بر من در زندگانی دنیای من یا آن که مبتلا شوم

**بَلَاءٍ يُصِيبُنِيْ مِنْهُمْ لَا قُوَّةَ لِيْ بِهِ، وَ لَا صَبْرَ لِيْ عَلَى اِحْتِمَالِهِ، فَلَا**

به تیر بلایی که برسد به من از جانب ایشان. نیست توانایی برای من بر دفع آن و نه صبری برای من بر متحمل شدن آن. پس

**تَبْتَليْنِيْ يَا اِلٰهِيْ بِمُقَاسَاتِهِ، فَيَمْنَعَنِيْ ذٰلِكَ مِنْ ذِكْرِكَ، وَ**

مبتلا مکن مرا ای خدای من به رنج و تعب کشیدن آن تا آن که منع کند مرا این بلاها از یاد آوریت و

**يَشْغَلْنِيْ عَنْ عِبَادَتِكَ. اَنْتَ الْعَاصِمُ الْمَانِعُ، وَ الدَّافِعُ الْوَاقِي مِنْ**

بازدارد مرا از عبادت کردن تو. توئی نگاهدارنده منع کننده و برگرداننده محافظت کننده از این



دعاهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام

ذَلِكَ كُلِّهِ، أَسْأَلُكَ الرَّفَاهِيَّةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي مَعِيشَةً

ببلاها همه آنها سوال می کنم تو را راحتی در زندگانی را آنچه باقی گذاری مرا زندگانی را

أَقْوَى بِهَا عَلَى طَاعَتِكَ، وَ أَبْلُغْ بِهَا رِضْوَانَكَ، وَ أَصِيرُ بِهَا مِنْكَ

که توانا باشم به قوت آن بر فرمانبرداریت و برسم به سبب آن به خوشنودیت و بازگشت نمایم به سبب آن

إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ غَدًا، وَ لَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِيَنِي، وَ لَا تَبْتَلِيَنِي

فرمان از جانب تو بسوی خانه زندگانی دائمی فردای قیامت و روزی مکن مرا روزی که به سرکشی اندازد مرا و مبتلا مگردان

بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ مُضِيقًا عَلَيَّ، أَعْطِنِي حَظًّا وَافِرًا فِي آخِرَتِي، وَ

به درویشی که شقی مردم به سبب آن در حالی که تنگ گرفته شده باشد بر من بیفش به من بهره بسیاری در آخرت من و

مَعَاشًا وَاسِعًا هَنِيئًا مَرِيئًا فِي دُنْيَايَ، وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ

روزی فراخ و گوارا و سبزلذکار در دنیای من و مگردان دنیا را بسیار بر من

سِجْنًا، وَ لَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا، أَجْزِبْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا،

زندان خانه و مگردان جدائی دنیا را بر من اندوه. خلاصی ده مرا از فتنه ها و بلاهای دنیا در حالی که خشنود باشی از من و

وَ اجْعَلْ عَمَلِي مَقْبُولًا، وَ سَعْيِي فِيهَا مَشْكُورًا. اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرَادَنِي

بمگردان کردار مرا در دنیا قبول گردیده شده و سعی مرا در دنیا جزا داده شده. خداوند کسی که قصد نماید مرا

بِسُوءٍ فَأَرِدُهُ بِمِثْلِهِ، وَ مَنْ كَادَنِي فَكِدُهُ، وَ اصْرِفْ عَنِّي هَمَّ مَنْ

به بدی پس قصد نمای او را نیز به مثل آنچه قصد کرده است و کسی که مکر نماید با من پس تو نیز مکر کن با او و بازدار از من اندوه کسی را

أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ، وَ امْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِي، فَإِنَّكَ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ، وَ أَفْقًا

که داخل کرده بر من اندوه خود را و حيله کن با کسی که حيله نموده با من، بدرستی که تو بهترین جزادهندگان، و کور کن

عَنِّي عُيُونَ الْكَفَرَةِ الظُّلْمَةِ، وَ الطُّغَاةِ الْحَسَدَةِ. اَللّٰهُمَّ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ

از من چشمهای کافران ستم کنندگان و سرکشان رشک برندگان را. خداوند فرو د آور بر من

مِنْكَ سَكِينَةً، وَ الْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَ احْفَظْنِي بِسِتْرِكَ

از جانب خود آرامش دل را و بپوشان بر من زره محافظت محکم خود را، و نگاهدار مرا به پوشش

الْوَاقِي، وَ جَلِّلْنِي عَافِيَتِكَ النَّافِعَةِ، وَ صَدِّقْ قَوْلِي وَ فِعَالِي،

نگاهدار ندهات و بپوشان به من لباس سلامتی فایده دهندهات را، و راست کن گفتار مرا و کردار مرا و

وَ بَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ مَالِي، وَ مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا

زیاده گردان خیر را برای من در فرزندان من و اهل من و در مال من و در آنه پیش فرستاده ام آنرا و آنچه تاخیر نموده ام آنرا و در

أَغْفَلْتُ وَ مَا تَعَمَّدْتُ وَ مَا تَوَانَيْتُ، وَ مَا أَعْلَنْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ،

آنچه غافلم و آنچه عمدتاً ترک نموده ام آنرا و آنچه کوتاهی نموده ام و آنچه ظاهر کرده ام آنرا و آنچه پنهان نموده ام آنرا.

فَاغْفِرْ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس ببامرز مرا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.



## دعاهای حضرت امام محمد باقر علیه السلام

### ❁ دعای دیگر از امام محمد باقر علیه السلام ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: این آخرین روایت ما از سعد بن عبدالله از کتاب «فضل الدّعا» است و از محمد بن حسن صفار به سندهای خود روایت می‌کنیم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که آن حضرت این کلمات را می‌گفتند و کلمات این است:

**اَللّٰهُمَّ مَنْ كَانَتْ لَهُ حَاجَتُهُ هَاهُنَا وَ هَاهُنَا وَ هَاهُنَا، فَاِنَّ حَاجَتِي**

خداوند! کسی که باشد حاجت او به آن شخص و این کس و فلان شخص، پس بدرستی که حاجت من

**اِلَيْكَ وَ حَذَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.**

به تو، اعتقاد به یکتائی تست که نیست شریکی برای تو.

### ❁ دعای ابو حمزه ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: به سندهای خود تا به محمد بن حسن صفار در کتاب «فضل الدّعا» روایت کرده که اذن گرفتم که بر آن حضرت داخل شوم. پس آن حضرت بیرون آمدند و لبهای مبارک ایشان حرکت می‌کرد. پس فرمودند: ای ثمالی مبهوت شده‌ای؟ گفتم: بلی، من فدای شما گردم. پس فرمودند: بدرستی سوگند به خدا که کلامی را می‌خواندم که آن را احدی هرگز نخوانده‌است، مگر آن که خدای تعالی او را کفایت نموده‌است از آنچه او را از امر دنیای او و آخرت او غمناک گردانیده‌است.

ثمالی گوید: پس من به آن حضرت گفتم: فدای شما گردم، پس آن را به من تعلیم نمی‌کنید. فرمودند: چرا، هر کس که این کلام را بخواند در هنگامی که از خانه خود بیرون آید، پس خدای تعالی اندوه و غم او را برطرف می‌کند:

**بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ**

آغاز می‌کنم بنام خدای بخشنده مهربان

**حَسْبِيَ اللّٰهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ خَیْرَ اُمُوْرٍ**

بس است مرا خدا، اعتماد نموده‌ام بر خدا. خداوند! بدرستی که من سؤال نمی‌کنم از تو بهترین امرهای خود را

**كُلِّهَا، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْیَا وَ عَذَابِ الْاٰخِرَةِ.**

همه آنها را و پناه می‌برم به تو از رسوائی در دنیا و از عقوبت آخرت.



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

### ❁ دعای ضدّ غم و اندوه از امام محمد باقر علیه السلام ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: دعائی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است، که من آن را در اصل از کتابهای اصحاب خود یافتم، منقول از عباس بن عامر، از ربیع، از عبداللّه بن عبدالرحمن، از حضرت ابو جعفر علیه السلام که فرمودند: آیا می خواهی که تورا دعائی را تعلیم کنم که ما اهل بیت آن را هرگاه که اندوهی روی دهد و یا از حاکمی بترسیم، می خوانیم و خدای تعالی آن را قبول می کند. گفتم: بلی پدر و مادرم فدای تو باد یا بن رسول الله. آن حضرت فرمودند: این دعا را بخوان:

يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ يَا مُكَوَّنَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ يَا بَاقِيَ بَعْدَ كُلِّ

ای آن که هستی و بوده ای پیش از همه چیز و ای آن که هستی داده ای هر چیزی را و ای آن که باقی هستی پس از همه

شَيْءٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.

چیز، رحمت فرست بر محمد و بر اهل خانه او و بکن به من چنین و چنین.

### ❁ دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ❁

#### ❁ دعای اوّل حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: به سندهای خود تا به شیخ ابی محمد هارون بن موسی تلعبری رحمه الله روایت می کنیم از محمد بن همام، از عبداللّه بن کثیر تمّار، از محمد بن علی صراف، از عبدالرحمن ابی نجران، از یاسر از ربیع که یکی از مقرّبان منصور دوانقی بود. گفت: چون منصور دوانقی بعد از عمل حج، به مدینه مشرفه وارد شد. در شبی بیدار بود، مرا خواند و گفت: ای ربیع برو در همین وقت شب در کمال آرامش و نهایت آهستگی و اگر توانی که به تنهائی بروی پس چنان بکن تا آن که به خدمت حضرت ابا عبداللّه جعفر بن محمد برسی. بگو که منصور پسر عمّ تو سلام می فرستد و می گوید اگرچه خانه ها از هم دور است و احوالات من و شما با یکدیگر اختلاف دارد، ولیکن ما و شما به خویشی و قرابت همانند یک شخص و همانند دست راست و چپ که به یک بدن پیوسته اند. سپس بگو که منصور از تو التماس می نماید که بیایید و او را در این وقت ببینید.



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

پس اگر بیاید با او نهایت تواضع و مهربانی کن و روی خود را از برای او به خاک بمال و اگر قبول نکند یا عذری گوید و خواه نگویید، اختیار رابه او واگذار و باید که چون به خدمت آن حضرت وارد شوی در نهایت ادب و خوش سلوک باشی و در کمال همواری سخن گوی و سخن درشتی نگوئی و کار بدی از تو سر نزنند.

ربیع گفت: چون به در خانه آن حضرت رسیدم، آن حضرت را در خانه خلوت یافتیم. پس در آن خانه داخل شدم بی آن که دستوری از آن حضرت طلبم. دیدم آن حضرت را که گونه‌های ایشان خاک آلوده بود و دست‌های خود را بالا کرده تضرع می نمود و دعائی می خواند و اثر خاک در صورت و گونه آن حضرت ظاهر بود. صبر کردم تا آن که از نماز و دعا فارغ شد و روی به جانب من نمودند. گفتم: **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ**. فرمودند: **وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ** ای برادر به چه کار آمده‌ای؟

گفتم: ابن عم تو منصور به تو سلام می رساند و می گوید چنین و چنین تا به آخر آنچه پیغام کرده بود. پس آن حضرت فرمودند که وای بر تو ای ربیع و این آیه را خواندند:

**أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ، وَ مَا نَزَلَ مِنْ**

آیا وقت آن نشده کسانی که ایمان آورده‌اند، بترسد دلهایشان از یاد خدای تعالی، و آنچه را که نازل شده است از

**الْحَقِّ، وَ لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ، فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ،**

سخنان حق، و باشند همانند آنان که داده شده است به ایشان کتاب قبل از این، پس دراز شد عمر طول امل ایشان

**فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ.**

و سخت شد دل‌های ایشان.

پس باز فرمودند: وای بر تو ای ربیع و این آیه دیگر را خواندند:

**أَفَأَمِنْ أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَ هُمْ نَائِمُونَ. أَوْ أَمِنْ أَهْلُ**

آیا پس ایمن شدند اهل مکه و حوالی آن از آن که بیاید و وارد شود بر ایشان عذاب ما در حالی که باشند در خواب غفلت آیا ایمن شدند اهل قریه‌های

**الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ. أَفَأَمِنُْوا مَكْرَ اللَّهِ، فَلَا**

از آن که بیاید ایشان را عذاب ما و حال آن که ایشان مشغول باشند به لعب و لعب آیا پس ایشان ایمن گشتند از عذاب الهی پس ایمن نمی گردند از

**يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ.**

عذاب الهی مکر گروه زیانکاران.

و فرمودند: برو به منصور این آیه‌ها را بخوان و سلام مرا به او برسان و باز به نماز مشغول شدند و بعد از نماز روی به من کردند. من گفتم: آیا بعد از رسانیدن سلام دیگر سخنی بگویم و او را عتاب نمایم یا آن که گویم که اجابت فرمودند.

حضرت فرمودند: بلی به منصور بگو:



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**أَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى وَ أَعْطَى قَلِيلًا وَ أَكْذَى، أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ**

آیا دیدی آنرا که روی بگرداند از پیروی حق و داد اندکی مال خود را و نگاهداشت مابقی را، آیا نزد اوست دانش پنهان و او

**يَرَى، أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى وَ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى، أَلَا تَزِرُ**

می داند نتیجه کار خود را، یا آگاه نیست به آنچه در صحف موسی و ابراهیم است که بسیار وفا کننده است که بار بر نمی دارد

**وَازِرَةً وَزَرَ أُخْرَى، وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى، وَ أَنْ سَعْيُهُ**

هیچ بار بردارنده ای بار گناه دیگری را و نیست برای انسان مگر آنچه خود سعی نموده است و آن که سعی و عمل خود را

**سَوْفَ يُرَى.**

زود باشد که ببیند.

و به او بگو: قسم بخدا که ما از تو می ترسیم و از جهت ترس ما می ترسند آن زنانی چند که می داند آنها را و ناچاریم از آن که این را به تو اظهار نمائیم. پس اگر از آنچه اراده داری بازایستی و دست از ما برداری فبها و الا پس شکوه می کنم و نام تو را نزد خدای عز و جل و در هر شبانه روزی پنج مرتبه بعد از هر نماز مذکور می سازم و تو خود از پدر خود و از جدت حدیث نموده ای آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چهار دعا است که نزد خدای تعالی مستجاب است.

اول: دعای پدر در حق فرزند خود.

دوم: دعای غایبانه برادر مؤمن، در حق برادر مؤمن خود.

سوم: دعای مظلوم در حق ظالم.

چهارم: دعای شخصی که از روی اخلاص و خلوص نیت باشد.

ربیع گفت: پس من به خدمت آن حضرت برگشتم و ایشان را خبر دادم به آنچه منصور گفته بود. پس آن حضرت فرمودند: بگو صله رحم بجا آوردی و به جزای خیر جزا داده شوی. پس چشمهای آن حضرت به اشک آمد تا آن که در دامان ایشان چند قطره ریخت.

پس فرمودند: ای ربیع! به درستی که این دنیا اگر چه به آب و رنگ خود خودآرایی نموده است و به زینت خود فریب می دهد، ولی آخر آن دور نیست که مثل آخر فصل بهار باشد که سبزی او به عجب می آورد، و هنگام تمام گشتن ایام آن خشک و پراکنده می شود. عاقبت بهار بر هر کسی که برای نفس خود پند و عبرت گیرد، لازم است آن که به سوی دنیا نگاه کند، نگاه کسی که برای او از جانب خدا عقلی کامل باشد و از بدی بازگشت آن و آخر آن بترسد.

به درستی که این دنیا با جمعی که حيله نموده است از ایشان مفارقت می کند زودتر از آنچه در آن باشند و بیشتر از آنچه در آن بهره برند. ایشان را اجل هایشان در شب وارد



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

می شود و حال آن که ایشان در خواب غفلت باشند یا در روز و حال آن که به لَهو و لعب مشغول باشند. پس چگونه از دنیا بیرون می شوند و به چه حال بعد از دنیا گردیده می شوند. ایشان را دنیا آزار و تعب نتیجه بخشد و به ایشان پشیمانی و حسرت ارث می دهد. ایشان را به تلخی خوراک جرعه ای می آشاماند و ایشان را به جام فراق غصه می دهد. پس وای بر کسی که از دنیا راضی، یا آن که در دنیا خوشحال باشد. آیا آن کس محل هلاکت پدران خود را و جماعت پیشینیان از دشمنان و دوستان خود را نمی بیند! ای ربیع درازترین به دنیا از روی حسرت و بیشترین دنیا از جهت قباحت و زیانمندترین دنیا در سود، بزرگ ترین در اندوهناکی، وقتی است که فریفته شده به دنیا مرگ خود را ببیند و آن که مرگ آرزوهای او را بریده است و فرض کند که در دنیا همه کارها را بجای آورد، بنابر آن که به او درازترین عمرها و زیادتین زندگانی داده شده باشد و در دنیا به همه آرزوها رسیده باشد. پس چه فایده ای؟ آیا آخر آن جز پیری و منتهای آن به غیر از قبر جانی هست؟!

از خدای تعالی برای ما و برای تو عمل صالح را به سبب فرمان برداری او سؤال می کنیم و بازگشت به سوی رحمت او و نجات یافتن از نافرمانی او و بینائی در حق شناسی او. به درستی که نیست توفیق به این مگر از جانب خدا و به یاری خدا.

ربیع گوید که پس من گفتم: یا ابا عبدالله تورا بر حقی سؤال می کنم که میان تو و میان خدای عزوجل است که کاری را نکنی مگر آن که به من تعلیم نمائی آنچه را که به آن بسوی پروردگار خود تضرع می نمودی و آن را مانع میان خود و میان ترس و بیم خود گردانیده بودی. پس امیدوارم که خدای تعالی اصلاح کند و به برکت دعای تو شکستگی را درست نماید و توانگر گرداند به سبب آن درویشی را و به خدا سوگند که این را نمی خواهم و اراده نکردم مگر برای خود.

ربیع گفت: پس آن حضرت دست خود را بلند کرده و به سجده گاه خود رفتند، از جهت آن که ناخوش داشتند که به همان وضع که نشسته بودند این دعا را بدون نیتی از جهت تعلیم من بخوانند. پس روی به قبله کردند تا آن که این دعا را با نیت بخوانند و تعلیم من نیز به عمل آید. پس شرمودند: این را بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ یَا مُدْرِکَ الْهَارِبِیْنَ، وَ یَا مُلْجَا الْخَائِفِیْنَ، وَ یَا

خداوند! بدرستی که سؤال می کنم تورا ای درباننده گریزندگان و ای پناه ترسندگان و ای

صریخ المستصرخین، وَ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیْثِیْنَ، وَ یَا مُنْتَهٰی

فریادرس فریادرس طلبان و ای غیاث استغاثه کنندگان و ای منتهای



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

غَايَةِ السَّائِلِينَ، وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

سپاهیت سؤال کنندگان و ای برآورنده دعای بیچارگان، ای رحیم کننده ترین رحیم کنندگان،

يَا حَقُّ يَا مُبِينٌ، يَا ذَا الْكِيدِ الْمَتِينِ، يَا مُنْصِفَ الْمَظْلُومِينَ مِنْ

ای ثابت، ای ظاهر کننده حق، ای صاحب عقوبت سخت و شدید، ای داد ستاننده ستمدیدگان از

الظَّالِمِينَ، يَا مُؤْمِنَ أَوْلِيَاءِهِ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ، يَا مَنْ يَعْلَمُ

ستم کنندگان، ای امان دهنده دوستان خود از عذاب خوار کننده، ای آن که می داند

خَائِنَةَ الْعُيُونِ بِخَافِيَاتِ لَحْظِ الْجُفُونِ وَ سَرَائِرِ الْقُلُوبِ، وَ مَا كَانَ

خیانت و نگاه دزدی چشمها را به پنهانی های نگاه پلکهای چشمها و می داند امرهای پنهان در دلها را و می داند

وَ مَا يَكُونُ، يَا رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ، وَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ

آنچه را که بوده و آنچه را که می باشد، ای پروردگار آسمانها و زمینها و فرشتگان که نزدیکان اویند و

الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، وَ رَبَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ، يَا شَاهِدًا لَا

ای پروردگار پیغمبران و فرستادگان و، پروردگار جنیان و آدمیان همگی، ای حاضر در هر مکانی که

يَغِيبُ، يَا غَالِبًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ، يَا مَنْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ عَلَى كُلِّ

پنهان نمی شود، ای غلبه کننده ای که مغلوب نمی گردد، ای آن که او بر هر چیزی توانا است و بر هر امری

أَمْرٍ رَقِيبٌ، وَ مِنْ كُلِّ عَبْدٍ قَرِيبٌ، وَ لِكُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَجِيبٌ، يَا إِلَهَ

نگاهبان است و به هر بنده ای نزدیک است و برای هر دعائی برآورنده است، ای خدای

الْمَاضِينَ وَ الْغَابِرِينَ وَ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْجَاهِدِينَ، وَ إِلَهَ الصَّامِتِينَ

جماعت گذشتهگان و رفتگان و اقرار کنندگان و انکار کنندگان و ای خدای بی زبانان

و النَّاطِقِينَ، وَ رَبَّ الْأَحْيَاءِ وَ الْمَيِّتِينَ، يَا إِلَهَ يَا رَبَّاهُ، يَا عَزِيزُ يَا

و سخن کنندهگان، ای پروردگار زندگان و مردگان، ای خدا، ای پروردگار، ای غلبه کننده، ای

حَكِيمٌ، يَا غَفُورٌ يَا رَحِيمٌ، يَا أَوَّلُ يَا قَدِيمٌ، يَا شَكُورٌ يَا حَلِيمٌ، يَا قَاهِرٌ

دانا، ای آمرزنده، ای مهربان، ای اول همه چیز، ای بی اول دانم، ای جزا دهنده اعمال، ای بردبار، ای قهر

يَا عَلِيمٌ، يَا سَمِيعٌ يَا بَصِيرٌ، يَا لَطِيفٌ يَا خَبِيرٌ، يَا غَالِمٌ يَا قَدِيرٌ،

و غلبه کننده، ای بسیار دانا، ای بسیار شنوا، ای بینا، ای دانا، ای خیردار، ای دانا، ای توانا،

يَا قَهَّارٌ يَا غَفَّارٌ، يَا جَبَّارٌ يَا خَالِقٌ، يَا زَارِقٌ يَا فَاتِقٌ، يَا زَاتِقٌ يَا

ای غلبه کننده، ای بسیار آمرزنده، ای جبران کننده، ای آفریننده، ای روز دهنده، ای شکافنده، ای بهم آورنده، ای

صَادِقٌ، يَا أَحَدٌ يَا صَمَدٌ، يَا وَاحِدٌ يَا مَاجِدٌ، يَا رَحْمَنٌ يَا فَزْدٌ، يَا

راستگو، ای یگانه، ای مقصود در حاجت ها، ای یکتا، ای صاحب شرف، ای بخشنده، ای بی همتا، ای

مَنَّانٌ يَا حَنَّانٌ، يَا سَبُّوحٌ يَا قُدُّوسٌ، يَا رَوْفٌ يَا مُهِمِّنٌ، يَا حَمِيدٌ يَا

دلسوز، ای رحیم کننده، ای بسیار منزّه، ای بسیار پاکیزه، ای مهربان، ای حفظ کننده، ای ستایش کرده شده، ای



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**مَجِيدُ، يَا مُبْدِيُّ يَا مُعِيدُ، يَا وَلِيُّ يَا عَلِيُّ، يَا غَنِيُّ يَا قَوِيُّ، يَا**

بزرگوار، ای آغاز کننده، ای عود فرماینده، ای دوست (یا آنکه ای صاحب اختیار)، ای بلند مرتبه، ای بی نیاز، ای توانا، ای

**بَارِيُّ يَا مُصَوِّرُ، يَا مَلِكُ يَا مُقْتَدِرُ، يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ، يَا مُتَكَبِّرُ يَا**

خلق کننده، ای صورت دهنده، ای پادشاه، ای بسیار با قدرت، ای برانگیزاننده مردگان، ای میراث برنده، ای صاحب کبریا، ای

**عَظِيمُ، يَا بَاسِطُ يَا قَابِضُ، يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ، يَا بَارُّ يَا وَثَرُ، يَا**

بزرگ، ای بخشنده، ای نگاهدارنده روزی فراخ، ای سالم از عیبها، ای امان دهنده، ای نیکوکار، ای بی جفت، ای

**مُعْطَى يَا مانِعُ، يَا ضَارُّ يَا نَافِعُ، يَا مُفَرِّقُ يَا جَامِعُ، يَا حَقُّ يَا**

بخشنده، ای منع کننده، ای عقوبت کننده، ای فایده بخشنده، ای پراکنده کننده، ای جمع کننده، ای ثابت، ای ظاهر کننده، ای حق

**مُبِينُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا وَدُودُ يَا مُعِيدُ، يَا طَالِبُ يَا غَالِبُ، يَا**

ای آشکار، ای زنده، ای پایدار، ای بسیار دوستدار، ای عود فرماینده، ای طلب کننده، ای غلبه کننده، ای

**مُذْرِكُ يَا جَلِيلُ، يَا مُفْضِلُ يَا كَرِيمُ، يَا مُتَفَضِّلُ يَا مُتَطَوِّلُ، يَا**

دریابنده گریختگان، ای بزرگ، ای زیاد بخشنده، ای کرم کننده، ای بسیار بخشنده، ای احسان کننده، ای

**أَوَّابُ يَا سَمِيعُ، يَا فَارِجَ الْهَمِّ، يَا كَاشِفَ الْغَمِّ، يَا مُنْزِلَ الْحَقِّ، يَا**

قبول توبه کننده، ای صاحب کرم، ای نجات دهنده از اندوه، ای برطرف کننده غم، ای فرود آورنده دین حق، ای

**قَائِلَ الصِّدْقِ، يَا فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، يَا مُفْسِكَ السَّمَوَاتِ**

گوینده کلام راست، ای خلق کننده آسمانها و زمین، ای ستون آسمانها و زمین، ای نگاه دارنده آسمانها

**وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْبَلَاءِ الْجَمِيلِ وَ الطَّوْلِ الْعَظِيمِ، يَا ذَا السُّلْطَانِ**

و زمین، ای صاحب نعمت نیکو و احسان بزرگ، ای صاحب پادشاهی که

**الَّذِي لَا يُذَلُّ، وَ الْعِزِّ الَّذِي لَا يُضَامُّ، يَا مَعْرُوفاً بِالْإِحْسَانِ، يَا**

خوار و خفیف نمی گردد و صاحب غلبه ای که ستم دیده نمی شود، ای شناخته شده به نیکوئی، ای

**مَوْصُوفاً بِالْإِمْتِنَانِ، يَا ظَاهِراً بِلا مُشَافَهَةٍ، يَا بَاطِناً بِلا مُلَامَسَةٍ،**

وصف کرده شده به بخشش، ای هویدا بدون آن که دیده شود، ای دانای امور پنهان بدون آن که به لمس در آید.

**يَا سَابِقَ الْأَشْيَاءِ بِنَفْسِهِ، يَا أَوَّلَ بَغِيرٍ غَايَةٍ، يَا آخِرَ بَغِيرٍ**

ای پیش از همه چیزها به خودی خود، ای آن که اول است او بدون آخری، ای آخر همه چیز بی آن که باشد

**نِهَائَةٍ، يَا قَائِماً بِلا انْتِصَابٍ، يَا غَالِماً بِلا اِكْتِسَابٍ، يَا ذَا الْأَسْمَاءِ**

منتهانی برای آن، ای ایستاده به امور خلایق بدون آن که به پای برخیزد، ای دانای به چیزها بدون آن که کسب نماید، ای صاحب نامهای

**الْحُسْنَى، وَ الصِّفَاتِ الْمُثَلَّى، وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى، يَا مَنْ قَصُرَتْ عَنْ**

نیکو و صفتهای عجیب نیکو و وصفها و علامتهای بلندتر از همه چیز، ای آن که کوتاهیست از تعریف کردن او

**وَ صِفِهِ أَلْسُنُ الْوَاصِفِينَ، وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَفْكَارُ الْمُتَفَكِّرِينَ، وَ عَلَا**

زبانهای تعریف کنندگان و بریده و نارسا از رسیدن به کنه او فکرها، فکرها و بلند است



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

و تَكَبَّرَ عَنْ صِفَاتِ الْمُلْحِدِينَ، وَ جَلَّ وَ عَزَّ عَنْ عَيْبِ الْعَائِبِينَ، وَ

آن کس و بزرگوار است از صفتهای میل کنندگان و تجاوز کنندگان از حق و بزرگ است و عزیز است از عیب و نقص عیب داشتنان، و

تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَنْ كِذْبِ الْكَاذِبِينَ، وَ أَبَاطِيلِ الْمُبْطِلِينَ، وَ أَقَاوِيلِ

منزه و بلند است از دروغ دروغگویان و از فساد و خلافهای حق فساد کنندگان و گفتارهای

الْغَادِلِينَ، يَا مَنْ بَطْنٌ فَخْبَرٌ، وَ ظَهَرٌ فَقَدَرٌ، وَ أُعْطِيَ فَشَكَرَ، وَ عَلَا

بجاور کنندگان، ای آن که نا پیداست و آگاه و هویداست و توانا و بخشیدمست پس جزا داده و بلند است

فَقَهَرَ، يَا رَبَّ الْعَيْنِ وَ الْأَثَرِ، وَ الْجِنِّ وَ الْبَشَرِ، وَ الْأُنْثَى وَ الذَّكَرِ، وَ

پس غلبه نموده، ای پروردگار ذات و صفت و جنیان و آدمیان و ماده و نر و

الْبَحْثِ وَ النَّظَرِ، وَ الْقَطْرِ وَ الْمَطَرِ، وَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ، يَا شَاهِدَ

مفتحو و فکرو و قطره و باران و آفتاب و ماه، ای دانای

النَّجْوَى، وَ كَاشِفَ الْغُمَى، وَ دَافِعَ الْبَلْوَى، وَ غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى، يَا

راز و ای برطرف کننده اندوه و دفع کننده بلا و ای منتهای هر شکوهی، ای

نِعْمَ النَّصِيرُ وَ الْمَوْلَى، يَا مَنْ هُوَ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، لَهُ مَا فِي

نیکیو یاری کننده و پروردگار، ای آن که او بر عرش قادر و مستولی است برای اوست آنچه در

السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى، يَا مُنْعِمَ

آسمان است و آنچه در زمین است و آنچه میان هر دو است و آنچه در زیر خاک است، ای نعمت دهنده

يَا مُفْضِلُ، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا كَافِي يَا شَافِي، يَا مُحْيِي يَا

ای زیاد بخشنده، ای نیکوئی کننده، ای احسان کننده، ای کارگذار، ای شفا دهنده، ای زنده کننده، ای

مُمِيتُ، يَا مَنْ يَرَى وَ لَا يُرَى، وَ لَا يَسْتَعِينُ بِسَنَاءِ الضِّيَاءِ، يَا

میراننده، ای آن که می بیند و دیده نمی شود و یاری نمی جوید به روشنی نوری، ای

مُخْصِي عَدَدِ الْأَشْيَاءِ، يَا عَلَى الْجَدِّ، يَا غَالِبَ الْجُنْدِ، يَا مَنْ لَهُ عَلَى

شماره کننده شماره چیزها، ای آن که بلند است شان او، ای آن که غلبه کننده است سپاه او، ای آن که از برای اوست

كُلِّ شَيْءٍ يَدٌ، وَ فِي كُلِّ شَيْءٍ كَيْدٌ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ صَغِيرٌ عَنْ كَبِيرٍ،

بر هر چیزی دست قدرت و در هر چیز دارد تسلط عقوبت، ای آن که مشغول نمی سازد او را کوچکی از بزرگی

وَ لَا حَقِيرٌ عَنْ خَطِيرٍ، وَ لَا يَسْبِرُ عَنْ عَسِيرٍ، يَا فَاعِلٌ بِغَيْرِ مُبَاشَرَةٍ،

و نه حقیری از شریفی و نه آسانی از دشواری، ای کننده کارها بدون لمس کردن،

يَا عَالِمٌ مِنْ غَيْرِ مُعَلِّمٍ، يَا مَنْ بَدَأَ بِالْنِعْمَةِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، وَ

ای دانای چیزها از غیر آن که باشد یاد دهنده، ای آن که آغاز نمودمست به دادن نعمتها پیش از مستحق گشتن به آنها و

الْفَضِيلَةَ قَبْلَ اسْتِيجَابِهَا، يَا مَنْ أَنْعَمَ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ الْكَافِرِ، وَ

آغاز کردمست به زیادتى بخشش پیش از طلب نمودن آنها ای آن که انعام کردمست بر مؤمن و کافر و



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

اسْتَصْلِحِ الْفَاسِدَ وَ الصَّالِحَ عَلَيْهِ، وَ رَدِّ الْمُعَانِدَ وَ الشَّارِدَ عَنْهُ،

صالح قرار داده است بنده فساد کننده و بنده صالح را بر خود و برگردانیده است دشمن و سرباز زده (بسوی راه حق) از خود را.

يَا مَنْ أَهْلَكَ بَعْدَ الْبَيِّنَةِ، وَ أَخَذَ بَعْدَ قَطْعِ الْمَعْذِرَةِ، وَ أَقَامَ الْحُجَّةَ، وَ

ای کسی که هلاک کرده است مردمان را بعد از اتمام حجت و فرا گرفته آنها را پس از برطرف شدن عذرشان و بیای داشته حجت خود را و

دَرَأَ عَنِ الْقُلُوبِ الشُّبْهَةَ، وَ أَقَامَ الدَّلَالَهَ، وَ قَادَ إِلَى مُعَايِنَةِ الْآيَةِ، يَا

زایل ساخته است از دلها اشتباه و شکرا و بیای داشته است راهنمایی را و کشیده است مردمان را بسوی دیدن علامت و معجزه، ای

بَارِيءَ الْجَسَدِ، وَ مُوسِعَ الْبَلَدِ، وَ مُجَرِّى الْقُوتِ، وَ مُنْشِرَ الْعِظَامِ

آفریننده بدن و فراخ کننده شهر و روان سازنده قوت و زنده کننده استخوانها

بَعْدَ الْمَوْتِ، وَ مُنْزِلَ الْغَيْثِ، يَا سَامِعَ الصَّوْتِ، وَ سَابِقَ الْفَوْتِ، يَا

پس از مردن و ای فرود آورنده باران، ای شنونده آواز و ای پیشی گیرنده بر فوت شده ها، ای

رَبِّ الْآيَاتِ وَ الْمُعْجَزَاتِ، مَطَرٍ وَ نَبَاتٍ، وَ آبَاءٍ وَ أُمَّهَاتٍ، وَ بَنِينَ وَ

پروردگار دلها و معجزه از بکاران و درختان و پدران و مادران و پسران و

بَنَاتٍ، وَ ذَاهِبٍ وَ آتٍ، وَلَيْلٍ ذَا جٍ، وَ سَمَاءٍ ذَاتِ أَجْرَاجٍ، وَ سِرَاجٍ وَ هَاجٍ

دختران و جماعت رفتگان و آیندگان و شب تاریک و اسمان صاحب برجها و چراغ برافروخته

وَ بَحْرِ عَجَاجٍ، وَ نُجُومِ تَمُورٍ، وَ أَزْوَاحِ تَدُورٍ، وَ مِيَاهِ تَغُورٍ، وَ مِهَادٍ

و دریای مملو صاحب آواز و ستاره هانی که دور می کنند و بادهانی که حرکت و اضطراب می کنند و آبهای که بر روی زمین جاری می شوند

مَوْضُوعٍ، وَ سِتْرِ مَرْفُوعٍ، وَ رِيَّاحِ تَهْبٍ، وَ بَلَاءٍ مَدْفُوعٍ، وَ كَلَامٍ

و زمینهای هموار پست گردانیده شده و پوشش بالا برده شده و بادهانی که می وزند و بلای دفع کرده شده و سخن

مَسْمُوعٍ، وَ يَقْظَةٍ وَ مَنَامٍ، وَ سِبَاعٍ وَ أَنْعَامٍ، وَ ذَوَابِّ وَ هَوَامِّ، وَ غَمَامٍ

شنیده شده و بیداری و خواب و از درندگان و چهار پایان چرنده و جانوران جنبنده و جانوران گزنده

وَ آكَامٍ، وَ أُمُورِ ذَاتِ نِظَامٍ، مِنْ شِتَاءٍ وَ مَصِيفٍ، وَ رَبِيعٍ وَ خَرِيفٍ.

و از ابرها و تلها و امرهای صاحب نظام و قاعده از زمستان و تابستان و بهار و پائیز و تونی.

أَنْتَ أَنْتَ خَلَقْتَ هَذَا يَا رَبِّ، فَأَحْسَنْتَ وَ قَدَّرْتَ، فَأَتَقَنْتَ وَ سَوَّيْتَ

توئی و پس که آفریده ای اینها را، ای پروردگار من پس نیکی خلق نموده ای و به اندازه ایجاد کرده ای.

فَأَحْكَمْتَ، وَ نَبَّهْتَ عَلَى الْفِكْرَةِ فَأَنْعَمْتَ، وَ نَادَيْتَ الْأَحْيَاءَ فَأَفْهَمْتَ،

پس محکم کرده ای و درست آفریده ای بر فکر و آگاهی پس نعمت داده ای و مورد ندا دادی زندگان را پس فهمانیده ای

وَ لَمْ يَبْقَ عَلَى إِلَّا الشُّكْرُ لَكَ، وَ الذِّكْرُ لِمَحَامِدِكَ، وَ الْأَنْقِيَادُ إِلَى

ایشان را پس باقی نمانده است بر من مگر شکر گذاری برایت و یادآوری برای ستایش نمودن تو و اطاعت کردن بسوی

طَاعَتِكَ، وَ الْأَسْتِمَاعُ لِلدَّاعِي إِلَيْكَ، فَإِنْ عَصَيْتَكَ فَلَكَ الْحُجَّةُ، وَ إِنْ

فرمانبرداریت و گوش انداختن به سخن خواننده بسویت پس اگر نافرمانی کنم تو را پس برای توست غلبه و



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**أَطَعْتُكَ فَلَكَ الْمِنَّةُ، يَا مَنْ يُمَهِّلُ وَ لَا يَعْجَلُ، وَ يَعْلَمُ وَ لَا يَجْهَلُ، وَ**

بازخواست و اگر فرما تیرم تو را پس برای توست منت، ای آن که مهلت می دهد و شتاب نمی کند و می داند و جاهل ندارد

**يُعْطِي وَ لَا يَبْخُلُ، يَا أَحَقَّ مَنْ عَبْدٌ وَ حَمْدٌ وَ سُئُلٌ وَ رُجَى وَ اعْتِمَادٌ،**

و می بخشد و بخل نمی کند، ای سزوارترین آن که پرستیده و ستایش شده و سؤال شده و امید شده از او و اعتماد شده

**أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ مُقَدَّسٍ مُطَهَّرٍ مَكْنُونٍ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَ كُلِّ**

بر اوست سؤال می کنم تو را به حق هر نام منزّه پاکیزه پنهان کرده شده که برگزیده ای برای نفس خود به حق هر

**نِدَاءٍ عَالٍ رَفِيعٍ كَرِيمٍ رَضِيَتْ بِهِ مِدْحَةٌ لَكَ، وَ بِحَقِّ كُلِّ مَلَكٍ قَرَبْتَ**

آواز بلند بالا برده شریفی که خشنود شدی به آن از جهت ستایش برایت و به حق هر فرشته که نزدیک ساخته ای

**مَنْزِلَتَهُ عِنْدَكَ، وَ بِحَقِّ كُلِّ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ إِلَى عِبَادِكَ، وَ بِكُلِّ شَيْءٍ**

مرتبه او را در نزد خود و به حق هر پیغمبری که فرستاده ای او را بسوی بندگان خود و به هر چیزی

**جَعَلْتَهُ مُصَدِّقاً لِرُسُلِكَ، وَ بِكُلِّ كِتَابٍ فَضَّلْتَهُ وَ وَصَلْتَهُ وَ بَيَّنَّتَهُ**

که گردانیده تو او را راستگو دانسته مر پیغمبران تو را و به حق هر کتابی که جدا ساخته ای و رسانیده ای و ظاهر کرده ای

**وَ أَحْكَمْتَهُ وَ شَرَعْتَهُ وَ نَسَخْتَهُ، وَ بِكُلِّ دُعَاءٍ سَمِعْتَهُ فَأَجَبْتَهُ، وَ**

آنها و محکم گردانیده ای آنها و طریقه قرار داده ای آنها و ثابت گردانیده ای آنها و به حق هر دعائی که شنیده ای پس برآورده ای آنها و

**عَمَلٍ رَفَعْتَهُ، وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَنْ عَظَّمْتَ حَقَّهُ، وَ أَعْلَيْتَ قَدْرَهُ، وَ**

کرداری را که بالا برده ای آنها و سؤال می کنم تو را به حق هر کسی که بزرگ گردانیده ای حق او را و بلند کرده ای منزلت او را و

**شَرَّفْتَ بُنْيَانَهُ مِمَّنْ أَسْمَعْتَنَا ذِكْرَهُ، وَ عَرَفْتَنَا أَمْرَهُ، وَ مِمَّنْ لَمْ**

عزیز گردانیده ای بنا و اساس او را از آن کسی که شنواییده ای به ما یادآوری او را و شناسانیده ای به ما شأن او را و از آن کسی که

**تُعَرِّفُنَا مَقَامَهُ، وَ لَمْ تُظْهِرْ لَنَا شَأْنَهُ، مِمَّنْ خَلَقْتَهُ مِنْ أَوَّلِ مَا**

نشناسانیده ای به ما منزلت و محل او را و ظاهر ننموده ای برای ما حال او را از کسی که آفریده ای او را از اول آنچه

**ابْتَدَأَتْ بِهِ خَلْقَكَ، وَ مِمَّنْ تَخْلُقُهُ إِلَى انْقِضَاءِ عِلْمِكَ، وَ أَسْأَلُكَ**

آغاز نموده ای به او آفرینش خود را و از آن که خواهی آفرید او را تا به حدی که منتهی شود علمت و سؤال می کنم تو را

**بِتَوْحِيدِكَ الَّذِي فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ، وَ أَخَذْتَ بِهِ الْمَوَاقِيقَ، وَ**

به حق اقرار به یگانگی که خلق نموده ای بر آن عقولها را و فرامرفته ای بر آن عهد را بندگان و

**أَرْسَلْتَ بِهِ الرُّسُلَ، وَ أَنْزَلْتَ عَلَيْهِ الْكُتُبَ، وَ جَعَلْتَهُ أَوَّلَ فُرُوضِكَ،**

فرستاده ای به آن پیغمبران را و فرود آورده ای بر آن کتابها را و گردانیده ای آن اقرار را اول از واجبه ای تو

**وَ نِهَايَةَ طَاعَتِكَ، فَلَمْ تَقْبَلْ حَسَنَةً إِلَّا مَعَهَا، وَ لَمْ تَغْفِرْ سَيِّئَةً إِلَّا**

و نهایت و آخر فرما تیرداریت پس قبول نکردی طاعت و عبادتی را مگر با آن معرفت و نیامزیده ای گناهی را مگر

**بَعْدَهَا، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَ مَجْدِكَ وَ كَرَمِكَ وَ عِزِّكَ وَ**

پس از آن و روی می آورم بسوییت به حق بخشش تو و شرف تو و کرم تو و عزت تو و



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

جَلَالِكَ وَ عَفْوِكَ وَ اَمْتِنَانِكَ وَ تَطَوُّلِكَ، وَ بِحَقِّكَ الَّذِي هُوَ اَعْظَمُ

سزگیت و تجاوز تو و اعطایت و احسان تو و به حق تو که داری بر بندگان که آن بزرگتر است

مِنْ حُقُوقِ خَلْقِكَ. وَ اَسْئَلُكَ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ

از حقهای آفریدگان تو و سؤال می کنم ترا، ای خدا، ای خدا، ای پروردگار، ای پروردگار.

يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ، وَ اَزْغِبْ اِلَيْكَ خَاصًّا وَ

ای پروردگار، ای پروردگار، ای پروردگار، ای پروردگار، ای پروردگار، و خواهش می نمایم بسویت در خصوص کارها و

عَامًّا وَ اَوَّلًا وَ آخِرًا، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْاَمِينِ، رَسُوْلِكَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ،

در همه حاجتها و در اول امور و آخر امور و به حق محمد که امین تو و پیغمبر تو و برگزیده پیغمبران توست

وَ نَبِيِّكَ اِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَ بِالرَّسَالَةِ الَّتِي اَدَّاهَا، وَ الْعِبَادَةِ الَّتِي

و پیغمبر تو و پیشوای پرهیزگاران است و به حق پیغمبی که بجای آورده است آنرا و بندگی ای که سعی نموده است

اجْتَهَدَ فِيهَا، وَ الْمِحْنَةَ الَّتِي صَبَرَ عَلَيْهَا، وَ الْمَغْفِرَةَ الَّتِي دَعَا اِلَيْهَا،

در آن و مشقتی که صبر نموده است بر آن و آمرزشی که خوانده است مردمان را بسوی آن

وَ الدِّيَانَةَ الَّتِي حَضَّ عَلَيْهَا، مُنْذُ وَقْتِ رِسَالَتِكَ اِيَّاهُ اِلَى اَنْ

و اطاعتی که تحریم نموده است • مردمان را بر آن از وقت فرستادن تو او را تا آن که رحلت فرمودهای او را

تَوَفَّيْتَهُ، وَ بِمَا بَيْنَ ذَلِكَ مِنْ اَقْوَالِهِ الْحَكِيمَةِ، وَ اَفْعَالِهِ الْكَرِيمَةِ، وَ

و به حق آنچه در مابین این دو وقت است از گفتارهای معکم او و کردارهای نیکوی او و

مَقَامَاتِهِ الْمَشْهُورَةِ، وَ سَاعَاتِهِ الْمَعْدُودَةِ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ كَمَا

منازلهای مشهور او و ساعاتی شمرده شده او آن که رحمت فرستی بر او همچنان که

وَعَدْتَهُ مِنْ نَفْسِكَ، وَ تُعْطِيَهُ اَفْضَلَ مَا اَمَلَ مِنْ ثَوَابِكَ، وَ تُزِلِفَ

و عده داده ای او را از جانب خود و آن که ببخشی به او زیادت از آنچه امید داشته است از ثواب تو و آنکه

لَدَيْكَ مَنْزِلَتُهُ، وَ تُعَلِّيَ عِنْدَكَ دَرَجَتَهُ، وَ تَبْعَثَهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ، وَ

نزدیک سازی به نزد خود جای ورود او را و آن که بلند گردانی در نزد خود مرتبه او را و آن که برانگیزی او را به جایگاه نیکوی پسنده کرده شده و

تُورِدَهُ حَوْضَ الْكَرَمِ وَ الْجُودِ، وَ تُبَارِكَ عَلَيْهِ بَرَكَةً عَامَّةً تَامَّةً

آن که وارد سازی او را به حوض کرم و بخشش خود و آن که برکت فرستی بر او برکتی که باشد شامل همه امور او

خَاصَّةً مَا سِوَهُ زَاكِيَةٍ عَالِيَةٍ سَامِيَةٍ لَا اِنْقِطَاعَ لِذَوَامِهَا، وَ لَا نَقِيصَةَ

و کامل باشد و مخصوص باشد به او و رسیده باشد به او و پاکیزه و بلند و رفیع باشد، نباشد اکتفائی برای دوام آن و نباشد کوتاهی

فِي كَمَالِهَا، وَ لَا مَزِيدَ اِلَّا فِي قُدْرَتِكَ عَلَيْهَا، وَ تَزِيدُهُ بَعْدَ ذَلِكَ مِمَّا

در کمال آن و نباشد زیادت مگر در قدرت تو بر آن و آن که زیاده گردانی احسان او را پس از این از آنچه

اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ، وَ اَقْدَرُ عَلَيْهِ، وَ اَوْسَعُ لَهُ، وَ تُؤْتِي ذَلِكَ حَتَّى يَزْدَادَ

تو دانستری به آن و قادرتری بر آن و تواناتری برای او و آن که بدهی این را تا آن که زیاده گرداند



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

فِي الْإِيمَانِ بِهِ بِصِيرَةٍ، وَ فِي مَحَبَّتِهِ ثَبَاتًا وَ حُجَّةً، وَ عَلَى آلِهِ

در ایمان به آن بینائی را و در دوستی آن ثباتی و دلیلی را و رحمت فرست بر خاندانش

الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ الْمُنتَجِبِينَ الْأَبْرَارِ، وَ عَلَى جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ،

که پاکان و برگزیدگان و اختیار کرده شدگان و نیکیوکارانند و بر جبرئیل و میکائیل

وَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ أَجْمَعِينَ، وَ عَلَى جَمِيعِ

و فرشتگان نزدیکان و و بردارنده های عرش تو همه و بر همه

النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، وَ

پیغمبران و فرستاده شدگان و راستگویان و گواهان بر امت خود و عبادت کنندگان و

عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ

بر آن حضرت و بر آنها باد سلام و شفقت خدا و برکت های خدا. خداوند ابدوستی که به صبح آوردم

لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا، وَ لَا مَوْتًا وَ لَا حَيَوَةً وَ لَا نَشُورًا،

در حال یکه مالک نیستم برای نفس خود دفع ضرری را و نه رسانیدن فایده ای را و نه مردن را و نه زندگانی را و نه برانگیختن از قبر را.

قَدْ ظَلَّ مَضْرَعِي، وَ انْقَطَعَ وَ ذَهَبَتْ مَسْئَلَتِي، وَ ذَلَّ نَاصِرِي، وَ

به تحقیق که خوار است محل افتادن من در وقت مرگ و بریده و برطرف شده است سؤال من و خوار گشته است یاری کننده من و

أَسْلَمَنِي أَهْلِي وَ وَلَدِي بَعْدَ قِيَامِ حُجَّتِكَ، وَ ظُهُورِ بَرَاهِينِكَ

سپرده اند مرا اهل من و فرزندان من به قبر من پس از قائم بودن دلیل تو و ظاهر شدن برهانهای تو

عِنْدِي، وَ وَضُوحِ دَلَائِلِكَ. اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ أَكْدَى الطَّلَبُ، وَ أَعْيَتْ

نزد من و هویدا بودن دلیلهای تو. خداوند ابدوستی و به تحقیق که مایوس شده است طلب و عاجز گشته

الْحِيلُ إِلَّا عِنْدَكَ، وَ انْغَلَقَتِ الطُّرُوقُ، وَ ضَاقَتِ الْمَذَاهِبُ إِلَّا إِلَيْكَ، وَ

چاره ها مگر در نزد تو و بسته شده اند راهها و تنگ گشته اند طرقها مگر بسوی تو

دَرَسَتْ الْأُمَالُ، وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ، وَ كُذِبَ الظَّنُّ، وَ أَخْلِفَتْ

برطرف گشتند آرزوها و بریده شدند امیدها مگر از تو و دروغ شده است گمان و خلاف گشته است

الْعِدَاةُ إِلَّا عِدَّتُكَ. اللَّهُمَّ إِنَّ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لِفَضْلِكَ مُتْرَعَةٌ، وَ أَبْوَابُ

و عده ها مگر وعده تو. خداوند ابدوستی که موضعهای امید داشتن مرا احسان تو معلوم است و درهای

الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاكَ مُفْتَحَةٌ، وَ الْأَسْتِعَاثَةُ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مُبَاحَةٌ،

استجاب دعا برای کسی که بخواند تو را گشوده شده است و طلب فریادری برای کسی که طلب فریادری نماید از تو جایز است

وَ أَنْتَ لِذَاعِيكَ بِمَوْضِعِ إِبْجَابَةٍ، وَ لِلصَّارِحِ إِلَيْكَ وَلِيُّ الْأَغَاثَةِ، وَ

و تویی برای خواهنده خود در محل برآوردن حاجت او و برای فریاد کننده بسوی تو سرزوار فریاد رسیدنی و

الْقَاصِدِ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ، وَ أَنَّ مَوْعِدَكَ عَوْضٌ عَنْ مَنْعٍ

برای اراده کننده بسوی تو نزدیکی به حسب مسافت و آن که وعده ثواب و عقاب تو عوض است از منع کردن



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

الْبَاخِلِينَ، وَ مَنْذُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأَثِّرِينَ، وَ دَرَكٌ مِنْ حِيلِ

بخیلان، حقوق فقیران را و توسعه است از آنچه در دستانهای مستغذیان است و تدلرگی است از مکرهای

المَوَارِينِ، وَ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ مِنْكَ، وَ أَنْتَ لَا

پوشاندگان حق و آن که سفر کنند بسوی تو، ای پروردگار من نزدیک است بعد از تو و تو

تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ السَّيِّئَةُ دُونَكَ، وَ مَا

پنهان نمی شوی از آفریدگان خود مگر آن که بپوشاند ایشان را کردارهای بد و ناخوش از نزد تو و خالی

أَبْرَى نَفْسِي مِنْهَا، وَ لَا أَرْفَعُ قَدْرِي عَنْهَا، إِنِّي بِنَفْسِي يَا سَيِّدِي

نمی سازم نفس خود را از گناهان و بلند نمی گردانم منزلت خود را از گناهان بدستی که من به نفس خود ای مولای من

لَظْلُومٌ، وَ بِقَدْرِي لَجْهُولٌ، إِلَّا أَنْ تَرْحَمَنِي، وَ تَعُودَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ، وَ

ستم کننده ام و به منزلت و مرتبه خود هر این نادانم مگر آن که رحم کنی به من و رجوع کنی به زیادتای احسان خود بر من و

تَذَرَأُ عِقَابَكَ عَنِّي، وَ تَرْحَمَنِي وَ تَلَحَّظَنِي بِالْعَيْنِ الَّتِي أَنْقَذْتَنِي

دفع کنی عقوبت خود را از من و آن که رحم کنی مرا و نظر کنی مرا به آن چشمی که خلاص نموده ای مرا

بِهَا مِنْ حَيْرَةِ الشَّكِّ، وَ رَفَعْتَنِي مِنْ هُوَةِ الضَّلَالَةِ، وَ أَنْعَشْتَنِي مِنْ

به سبب آن از تحیر شک، و بالا برده ای مرا از گودی گمراهی و بلند گردانیده ای مرا از

مَيْتَةِ الْجَهَالَةِ، وَ هَدَيْتَنِي بِهَا مِنَ الْأَنْهَاجِ الْحَائِرَةِ. اَللَّهُمَّ وَ قَدْ

مردن نادانی، و راه نموده ای مرا به سبب آن از ملاحظه راه های به تحیر اندازده، خداوند و به تحقیق که

عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِزَادَةٍ، وَ إِخْلَاصُ نِيَّةٍ، وَ قَدْ

دانستم آن که بهترین توشه سفر کننده بسویت جزم کردن قصد و خالص نمودن نیت است و به تحقیق که

دَعَوْتُكَ بِعَزْمٍ إِزَادَتِي، وَ إِخْلَاصِ طَوَيَّتِي، وَ صَادِقِ نِيَّتِي، فَهَا أَنَا

خوانده ام تو را به جزم از اراده خود و خالص نمودن نیت خود و بر راستی و درستی قصد خود پس اینک من

ذَا مَسْكِينُكَ بِأَيْسُكَ أَسِيرُكَ فَقِيرُكَ سَائِلُكَ، مُنِيعٌ بِفِنَائِكَ، قَارِعٌ

این درویش توام محتاج توام گرفتار به دست قدرت توام درویش توام سؤال کننده توام خواباننده شترم به فضای دور

بَابَ رَجَائِكَ، وَ أَنْتَ أَنْسُ الْآنِسِينَ لِأَوْلِيَايَاكَ، وَ أُخْرَى بِكِفَايَةِ

خانه تو کوینده ام در امید تو را و تونی مونس اتس گیرندگان برای دوستان خود و تونی اولی به کارگذاری

الْمُتَوَكِّلِ عَلَيْكَ، وَ أَوْلَى بِنَصْرِ الْوَائِقِ بِكَ، وَ أَحَقُّ بِرِعَايَةِ

تکیه کننده بر تو و تونی احق به یاری کردن اعتماد کننده به تو و تونی سزاوارتر به رعایت کردن بریده شده

الْمُنْقَطِعِ إِلَيْكَ، سِرِّي إِلَيْكَ مَكْشُوفٌ، وَ أَنَا إِلَيْكَ مَلْهُوفٌ، وَ أَنَا

از مخلوقات و متوسل گردیده بسویت راز پنهان من برایت ظاهر است و من بسویت داد آورنده مظلوم و من

عَاجِزٌ وَ أَنْتَ قَدِيرٌ، وَ أَنَا صَغِيرٌ وَ أَنْتَ كَبِيرٌ، وَ أَنَا ضَعِيفٌ وَ أَنْتَ

ناتوانم و تو توانائی و من کوچک و تو بزرگی و من ضعیفم و تو



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

قَوِيٌّ، وَ أَنَا فَقِيرٌ وَ أَنْتَ غَنِيٌّ، إِذَا أَوْحَشْتَنِي الْغُرْبَةَ أَنْسَنِي ذِكْرُكَ،

باقوتی و من درویشم و تو توانگری هرگاه که به وحشت اندازد مرا غریبی انس می دهد مرا یادآوری تو

وَ إِنْ صُبَّتْ عَلَيَّ الْأُمُورُ اسْتَجَرْتُ بِكَ، وَ إِذَا تَلَاَحَكْتُ عَلَى

و اگر ریخته شود بر من سختی ها و بلاها پناه می آورم به تو و هرگاه داخل در یکدیگر شوند بر من

الشَّدَايْدُ أَمَلْتُكَ، وَ أَتَيْنَ يَذْهَبُ بِي عَنْكَ وَ أَنْتَ أَقْرَبُ مِنْ وَرِيدِي، وَ

سختی ها امیدوارم تو را و کجا برده می شوم از تو و حال آن که تو نزدیک تری به من از رگ گردن من و

أَخْصَنُ مِنْ عَدِيدِي، وَ أَوْجَدُ مِنْ مَكَانِي، وَ أَصَحُّ فِي مَعْقُولِي، وَ

نگاهدارنده تری از قبیله و خویشان من و دریابنده تری مرا در جای من و درست تری در تعقل کرده شده من و

أَزِمَّةُ الْأُمُورِ كُلِّهَا بِيَدِكَ، صَادِرَةٌ عَنْ قَضَائِكَ، مُذْعِنَةٌ بِالْخُضُوعِ

مهارهای امرهای همه آنها به دست توست صادر شدند آنها از حکمت و فروتنی کننده اند به زاری کردن

لِقُدْرَتِكَ، فَقِيرَةٌ إِلَى عَفْوِكَ، ذَاتُ فَاقَةٍ إِلَى قَارِبٍ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ قَدْ

از برای قدرت تو فقیرند بسوی عفو تو صاحب احتیاجند بسوی نزدیک از رحمت تو و به تحقیق که

مَسَّنِيَ الْفَقْرُ، وَ نَالَنِي الضَّرُّ، وَ شَمَلْتَنِي الْخُصَاصَةُ، وَ عَرَّتَنِي

رسیده است به من درویشی و رسیده است به من بدی حال و فرو گرفته است مرا شدت احتیاج و پوشانیده است مرا

الْحَاجَةُ، وَ تَوَسَّمتُ بِالذَّلَّةِ، وَ عَلَتَنِي الْمَسْكَنَةُ، وَ حَقَّتْ عَلَيَّ

حاجت مرا و نشان کرده شده ام به خواری و غالب شده است بر من درویشی و سزاوار است بر من

الْكَلِمَةُ، وَ أَحَاطَتْ بِي الْخَطِيئَةُ. وَ هَذَا الْوَقْتُ الَّذِي وَعَدْتَ

عذاب و فرا گرفته است مرا گناه و این وقتی است که وعده نموده ای برای دوستان خود در آن وقت برآوردن

أَوْلِيَائِكَ فِيهِ الْإِجَابَةُ، فَاَمْسَحْ مَا بِي بِيَمِينِكَ الشَّافِيَةَ، وَ انْظُرْ

حاجت را پس برطرف کن آنچه را که در من است به دست راست شفا دهنده خود و نگاه کن بسوی من

إِلَى بَعِينِكَ الرَّاحِمَةِ، وَ ادْخِلْنِي فِي رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ

به چشم رحیم کننده خود و داخل گردان مرا در رحمت وسیع و فراخ خود و روی کن بر من

بِوَجْهِكَ ذِي الْجَلَالِ وَ الْاَكْرَامِ، فَإِنَّكَ إِذَا أَقْبَلْتَ عَلَيَّ أُسْبِرُ فَكَكْتَهُ،

به روی خود که صاحب بزرگی و بخشش است پس بدرستی که هرگاه روی آوری بر اسیر و گرفتاری رها می کنی او را

وَ عَلَى ضَالٍّ هَدَيْتَهُ، وَ عَلَى حَائِرٍ أَوَيْتَهُ، وَ عَلَى ضَعِيفٍ قَوَّيْتَهُ، وَ

و بر گمراهی راهنمایی می کنی او را، و بر حیرانی جای می دهی او را و بر ناتوانی توانا می گردانی او را و

عَلَى خَائِفٍ آمَنْتَهُ. اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْ، وَ ابْتَلَيْتَنِي

بر ترسنده ایمن می گردانی او را. خداوند! بدرستی که تو نعمت داده ای بر من پس شکرگذاری نکردم و آزمایش کردی مرا

فَلَمْ أَصْبِرْ، فَلَمْ يُوجِبْ عَجْزِي عَنْ شُكْرِكَ مَنَعَ الْمُؤْمِلِ مِنْ فَضْلِكَ،

به بلا پس صبر نکردم پس باعث نگردید ضعف من از شکرگذاریت منع کردن امید دارنده از احسان تو



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

وَأَوْجِبْ عَجْزِي عَنِ الصَّبْرِ عَلَى بَلَائِكَ كَشَفْ ضُرِّكَ، وَ إِنِّزَالَ

و ساعت گردید ضعف من از صبر کردن بر بلایت برطرف کردن تو بد حالی مرا و فرستادن تو

رَحْمَتِكَ. فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلَائِهِ صَبْرِي فَعَافَانِي، وَ عِنْدَ نِعْمَائِهِ

رحمت خود را. پس ای آن کسی که کم بود نزد بلائی او صبر من پس عافیت داد مرا و کم بود نزد نعمت های او

شُكْرِي فَأَعْطَانِي، أَسْئَلُكَ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِكَ، وَ الْإِبْرَاعَ لِشُكْرِكَ، وَ

شکر من پس عطا کرد مرا سوال می کنم تو را زیادتى از احسان تو را و در دل انداختن مر شکر تو را و

الْأَعْتِدَادَ بِنِعْمَائِكَ فِي أَغْفَى الْعَافِيَةِ، وَ أَسْبَغَ النِّعْمَةَ، إِنَّكَ عَلَى

در شمار آوردن نعمت های تو را در عافیت ترین عافیتی (یعنی در عافیت و صحتی کامل) و کاملترین نعمتی بدرستی که تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ لَا تُخْلِبْنِي مِنْ يَدَيْكَ، وَ لَا تُتْرِكْنِي لِقَى لِعَدُوِّكَ

همه چیز بسیار قادری خداوند خالی مگردان مرا از نعمت خود و وامگذار مرا افتاده از برای دشمن تو

وَ لَا لِعَدُوِّي، وَ لَا تُوحِشْنِي مِنْ لَطَائِفِكَ الْخَفِيَّةِ، وَ كِفَايَتِكَ الْجَمِيلَةِ،

و نه از برای دشمن من و خالی و تنها مگردان مرا از لطیفها و شفقت های پنهان تو و از کار گذاری نیکوی تو

وَ إِنْ شَرَدْتُ عَنْكَ فَارْزُدْنِي إِلَيْكَ، وَ إِنْ فَسَدْتُ عَلَيْكَ فَأُصْلِحْنِي

و اگر سرریز زخم از فرمان تو پس برگردان مرا بسوی خود و اگر فساد کنم بر دین تو پس اصلاح کن مرا

لَكَ، فَإِنَّكَ تَرُدُّ الشَّارِدَ، وَ تُصْلِحُ الْفَاسِدَ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

برای خشنودی خود پس بدرستی که تو برمی گردانی گریخته را و به اصلاح می آوری فساد کنند را و تو بر همه چیز

قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ، أَلَا يُذِ بِعَفْوِكَ، أَلَمْ تُسْتَجِرْ بِعِزِّ

بسیار توانائی. خداوند این مقام کسی است که پناه آورده باشد به تو النجا آورنده باشد به عفو تو پناه جوینده باشد به عزت

جَلَالِكَ، قَدْ رَأَى أَعْلَامَ قُدْرَتِكَ، فَأَرَاهِ آثَارَ رَحْمَتِكَ، فَإِنَّكَ تَبْدَأُ

بزرگیت به تحقیق که دیده باشد نشانه های قدرت تو را پس بنمای به او اثرهای رحمت خود را پس بدرستی که تو

الْخَلْقَ ثُمَّ تُعِيدُهُ، وَ هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْكَ، وَ لَكَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى فِي

در اول آفریدهای خلایق را پس بازمی گردانی و این آسان تر است بر تو از اول و از برای توست صفتهای بلندتر از صفات دیگر در

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. اللَّهُمَّ فَتَوَلَّنِي وَ لَا يَهُ

آسمانها و زمین و توئی غلبه کننده دانای با حکمت. خداوند پس متولی شو امور مرا متولی شدنی که بی نیاز گردانی

تُغْنِيَنِي بِهَا عَنْ سِوَاهَا، وَ أَعْطِنِي عَطِيَّةً لَا أُحْتَاجُ إِلَى غَيْرِكَ

مرا به سبب آن از غیر آن و ببخش مرا عطیه ای را که محتاج نشوم بسوی غیر تو

مَعَهَا، فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِبِدْعٍ مِنْ وَلَايَتِكَ، وَ لَا بِنُكْرٍ مِنْ عَطِيَّتِكَ، وَ لَا

با وجود آن پس بدرستی که آن عطیه نیست تاز و غریب از یاری کردن تو و نه دور و غیر متعارف از بخشش تو و نه

بِأَوَّلٍ مِنْ كِفَايَتِكَ، إِدْفَعْ الصَّرْعَةَ، وَ أَنْعَشِ السَّقَطَةَ، وَ تَجَاوَزْ عَنْ

بسه اول از کار گذارت دفع کن از من افتادن در بلاها را و بر خیزان بسر در آمد مرا و بگذر از



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

الزَّلَّةَ، وَ اقْبِلِ التَّوْبَةَ، وَ ارْحَمْ الْهَفْوَةَ، وَ أَنْجِ مِنَ الْوَرْطَةِ، وَ أَقِلِ  
 لغزیدن بندگان و قبول کن توبه مرا و رحم کن لغزش را و رهائی ده از هلاکت و سایر بلاها و قبول کن  
 الْعَثْرَةَ، يَا مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ، وَ غِيَاثَ الْكُزْبَةِ، وَ وَلِيَّ النِّعْمَةِ، وَ  
 بشیعتی را که سبب روی در افتادن مرا ای منتهای خواهش و فریادرس اتدوه و ای صاحب نعمت و  
 صَاحِبِي فِي الشَّدَّةِ، وَ رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، أَنْتَ رَحْمَانِي إِلَى  
 ای یار من در سختی و ای بسیار بخشنده در دنیا و آخرت توئی رحم کننده من، بسوی که وامی گذاری مرا به سوی  
 مَنْ تَكَلُّبِي، إِلَى بَعِيدٍ يَتَجَهَّمُنِي أَوْ يَمْلِكُ أَمْرِي، إِنْ لَمْ تَكُنْ عَلَيَّ  
 کسی که دوری از من که عاجز و ضعیف گرداند مرا یا به دشمنی که مالک شود امر مرا اگر نباشی بر من  
 سَاخِطًا فَمَا أَبَالِي، غَيْرَ أَنَّ عَفْوَكَ لَا يَضِيقُ عَنِّي، وَ رِضَاكَ  
 خشنمناک پس یارم و اندامم غیر آن که تجاوز تو تنگ نیست از من و خشنودی تو  
 يَنْفَعُنِي، وَ كَنَفَكَ يَسْعُنِي، وَ يَدَكَ الْبَاسِطَةَ تَدْفَعُ عَنِّي، فَخُذْ  
 فایده می دهد مرا و نگاهداشتن و پناه تو گنجایش دارد مرا و دست گشاده تو دفع می کند از من بلاها را، پس بگیر  
 بِيَدِي مِنْ دَخْصِ الْمَزَلَّةِ، فَقَدْ كَبُوتُ، وَ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ  
 دست مرا از مکان لغزش پس به تحقیق که افتاده ام بر روی و ثابت بدار مرا بر راه راست  
 الْمُسْتَقِيمِ، وَ اهْدِنِي وَ إِلَّا غَوَيْتُ يَا هَادِيَ الطَّرِيقِ، يَا فَارِجَ  
 و راه نمائی کن مرا و اگر نه گمراه می شوم ای نشان دهنده راه ای گشاینده  
 الْمَضِيقِ، يَا إِلَهِي بِالتَّحْقِيقِ، يَا جَارِيَ اللَّصِيقِ، يَا رُكْنِي الْوَثِيقِ،  
 تنگی، ای خدای من بر راستی و درستی ای همسایه چسبیده به پهلوی من ای جانب قوی محکم و مستند  
 يَا كَنْزِي الْعَتِيقِ، أَحْلُلْ عَنِّي الْمَضِيقَ، وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا أَطِيقُ، وَ مَا  
 من ای گنج قدیمی من بگشای از من تنگی را و نگاهدار مرا از شر آنچه طاقت دارم آنرا و آنچه  
 لَا أَطِيقُ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَ أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، وَ ذَا الْعِزِّ وَ الْقُدْرَةِ، وَ الْآلَاءِ  
 طاقت آن ندارم، ای اهل پرهیزکاری و ای سزاولر آمرزش و ای صاحب عزت و توانائی و نعمتها  
 وَ الْعِظَمَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ خَيْرَ الْغَافِرِينَ، وَ أَكْرَمَ الْفَاطِرِينَ،  
 و بزرگی، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و بهترین آمرزندگان و کرم دارترین نظر کنندگان  
 وَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي، وَ لَا تُخَيِّبْ دُعَائِي، وَ لَا  
 و پروردگار عالمیان مبر از خود امید مرا و ناامید مگردان دعای مرا و سخت مگردان بلای مرا و  
 تُجْهِدْ بِلَايِي، وَ لَا تُسَيِّءْ قَضَائِي، وَ لَا تَجْعَلِ النَّارَ مَأْوَايَ، وَ اجْعَلِ  
 زشت و ناخوش مگردان آنچه را که تقدیر نموده ای برای من و مگردان آتشی را جایگاه من و مگردان  
 الْجَنَّةَ مَثْوَايَ، وَ اعْطِنِي مِنَ الدُّنْيَا سُؤْلِي وَ مُنَايَ، وَ بَلِّغْنِي مِنَ  
 بهشت را آرامگاه من و ببخش به من از دنیا سؤال کرده شده مرا و آرزوی مرا و برسان مرا از



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**الْآخِرَةِ أَمَلِي وَ رِضَايَ، وَ آتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ**

اُخْرَتِ بِه اُمید من و خشنودی من و بده به من در دنیا نیکی را و در آخرت

**حَسَنَةً، وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، إِنَّكَ عَلَى**

نیکی را و نگاهدار مرا به رحمت خود از عذاب آتش. ای رحیم کننده ترین رحم کنندگان، بدرستی که تو بر

**كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ، وَ أَنْتَ حَسْبِيَ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.**

همه چیز بسیار توانائی و به هر چیز احاطه کننده ای (یعنی دانائی) و تو کافی ای مرا و نیکی معتمدی.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: من این دعا را که ذکر شد از کتاب مجموعه ای، به خط شیخ جلیل ابی الحسین محمد بن هارون تلعبری نوشتم، که خدا ایام توفیق او را دائم بدارد و این دعا به همین نحو در اصلی بود که دعاها را از آن نقل کرده ام.

## ❁ دعای دوم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: دعای مولای ما حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در وقتی که منصور دوانقی در مرتبه دوم به ناز برگشتن منصور از مکه به مدینه ایشان را طلبید. از ابو محمد حسن بن محمد نوفلی مروی است که گفت: ربیع مصاحب و مقرب ابو جعفر منصور دوانقی به ما حدیث نمود که با ابو جعفر منصور به حج می رفتیم. در اثناء راه منصور به من گفت: ای ربیع هرگاه به مدینه برسیم، جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی علیه السلام را بیاد من آور. قسم به خدای عظیم که او را احدی به غیر از من نمی کشد و می ترسم که او را به یاد من نیاوری!

ربیع گوید: چون داخل مدینه شدیم، خدای متعال مرا از یادآوری آن حضرت به منصور، به فراموشی انداخت. تا آن که چون داخل مکه شدیم. منصور به من گفت: ای ربیع! آیا من به تو امر نکردم که هرگاه که داخل مدینه شدیم، جعفر بن محمد را به یاد من آوری؟ من گفتم: که یا امیرالمؤمنین! این را فراموش کردم.

منصور به من گفت: هرگاه که به مدینه برگردیم، یاد تو جعفر بن محمد را باید بیاد آوری. پس ناچارم که او را بکشم و اگر به یاد من نیاوری، گردن ترا می زنم.

ربیع گوید: گفتم: یا امیرالمؤمنین! چنین باشد. پس به رفقا و مصاحبان و غلامان خود سفارش بسیار نمودم که هرگاه که داخل مدینه شویم، جعفر بن محمد را به یاد من آورند. اصحاب من و غلامان من در هر منزلی که فرود می آمدیم، دائماً جعفر بن محمد را به یاد می آوردند تا آن که وارد مدینه شدیم.



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

چون در مدینه فرود آمدیم، من به نزد منصور دوانقی رفتم و پیش روی او ایستادم و گفتم: یا امیرالمؤمنین جعفر بن محمد! منصور خندید و گفت: بلی ای ربیع، به خانه آن حضرت برو و او را بیاور و امان را از او بگیرد و کشان کشان به روی زمین بیاور.

گفتم: ای مولای من! آنچه را که فرمودید، بجای می آورم و امر تورا فرمان بردارم. پس برخواستم و بسیار دلگیر و متغیر الاحوال بودم به سبب مرتکب شدن چنین کاری را! ربیع گفت: به نزد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم. دیدم که آن حضرت در میان خانه خود نشسته بودند.

گفتم: فدایت گردم! به درستی که امیرالمؤمنین منصور، شمارا می طلبد. آن حضرت فرمودند: سمعاً و طاعة و از جای خود برخواسته با من براه افتادند.

ربیع گوید: من گفتم: یا بن رسول الله، به درستی که منصور به من امر کرده است که شمارا نرد او نبرم مگر کشان کشان.

حضرت فرمودند: به جای آور آنچه را که او تورا به آن امر نموده است.

ربیع گوید: پس من سر آستین آن حضرت را گرفتم و آن حضرت را به سوی منصور کشیدم. چون به خانه او داخل شدم، دیدم که منصور بر کرسی خود نشسته است و در دست او گریزی از آهن است و اراده دارد که آن حضرت را به آن گرز شهید کند و به جانب جعفر بن محمد علیه السلام نظر کردم، دیدم که لب های آن حضرت حرکت می کرد، پس در آن شک نداشتم که آن حضرت را شهید خواهد نمود و آن کلامی را نفهمیدم که حضرت امام جعفر علیه السلام لب های خود را به آن حرکت می دادند و من ایستاده بودم و نگاه می کردم تا چه روی نماید.

ربیع گوید: چون جعفر بن محمد به او نزدیک شدند، منصور در کمال گشاده روئی گفت: ای پسر عم من، نزدیک من بیا و آن حضرت را نزدیک خود برد و بر کرسی خود نشانید. به غلامی گفت که آن حقه روغن عطریاور. پس غلام چون آن حقه را آورد، منصور قدری از آن عطرا برداشت و به محاسن آن حضرت مالید. پس امر فرمود که استری و یک همیون زر و خلعتی جهت آن حضرت حاضر کردند و رخصت معاودت به آن حضرت داد.

چون حضرت برخواستند و از نزد منصور دوانقی بیرون آمده به منزل خود رسیدند، من به خانه آن حضرت رفتم و گفتم پدر و مادرم فدایت باد یا بن رسول الله! به درستی که من هیچ شک نداشتم در آن که در ساعتی که داخل شوید، منصور شمارا شهید خواهد نمود و دیدم که در هنگامی که بر منصور داخل شدید، لب های مبارک شما حرکت می کرد، پس چه چیز می خواندید؟ آن حضرت فرمودند: بلی ای ربیع! این را



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

بدان که این دعا را می خواندم:

حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ،

کافی است مرا پروردگار از پرورده شدگان، کافی است مرا آفریدگار از آفریده شدگان.

حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِيَ، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ

کافی است مرا کسی که بر طرف نمی شود هرگز، کافی است مرا، کافی است مرا خدا نیست خدائی مگر او، بر او

تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ

اعتماد نموده ام و اوست پروردگار عرش بزرگ، کافی است مرا خدا همیشه است.

حَسْبِيَ، حَسْبِيَ، حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ. اَللّهُمَّ اٰخِرُ سِنِي

کافی است مرا، کافی است مرا، کافی است مرا خدا و نیکی معتمدی است او، خداوندانگهبانی کن

بِعَيْنِكَ الْتَبَى لَا تَنَامُ، وَ اكْفِنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَ احْفَظْنِي

مرا به چشم خود که نمی خوابد و محافظت نمای مرا به قوت خود که سست نمی شود و نگاهداری کن مرا

بِعِزِّكَ، وَ اكْنُفْنِي شَرَّهُ بِقُدْرَتِكَ، وَ مَنْ عَلَىٰ بِنَصْرِكَ وَ إِلَّا هَلَكْتُ وَ

به غلبه خود و پناه ده مرا از شر دشمن به توانائی خود و منت گذار بر من به یاری خود و اگر نباشد یاریت هلاک می شوم و

أَنْتَ رَبِّي. اَللّهُمَّ إِنَّكَ أَجَلٌ وَ أَجْبَرُ مِمَّنْ أَخَافُ وَ أَحْذَرُ. اَللّهُمَّ إِنِّي

توئی پروردگار من، خداوند بدرستی که تو بزرگ تری و صاحب جبروت تری از آن کسی که می ترسم و عذر می کنم از او، خداوند بدرستی که

أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، وَ اسْتَعِينُكَ عَلَيْهِ، وَ

من دفع می کنم و طعن می زنم به قوت تو در گودی گردن دشمن و پناه می برم به تو از شر دشمن و طلب اعانت و یاری می کنم از تو و

اسْتَكْفِيكَ إِيَّاهُ، يَا كَافِيَ مُوسَىٰ فِرْعَوْنَ، وَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

او و طلب کفایت و کارگذاری می نمایم به تو از او ای کفایت دهنده موسی از فرعون و محمد صلی الله علیه

وَ آلِهِ الْأَحْزَابَ، الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ

و آله را در روز جنگ احزاب و جماعت مؤمنانی که گفتند به ایشان منافقان بدرستی که مردمان کفار به تحقیق که اتفاق کرده اند برای کشتن شما

فَاخْشَوْهُمْ، فَزَادَهُمْ إِيمَانًا، وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ،

پس بترسید شما از ایشان پس زیاد گردانید این سخن ایمان ایشان را و گفتند کافی است ما را خدا و نیکی معتمدی است او

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسَّ سَهُمْ سُوءٌ، وَ اتَّبَعُوا

پس بازگشتند با عافیتی از جانب خدا و زیادتى ثوابی، نرسید ایشان را مکر و پیروی نمودند

رِضْوَانِ اللَّهِ، وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ، أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ

خشنودی خدا را و خدا صاحب بخشش بزرگ است، آن جماعت کافران آنانند که مهر نموده است خدا بر

قُلُوبِهِمْ وَ سَمِعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ، وَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ. لَا جَرَمَ

دل‌های ایشان و بر گوش‌های ایشان و بر چشم‌های ایشان و آن جماعت ایشانند که غافلند از عذاب خدا ناچار



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ. وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ

بدرستی که ایشان در آخرت هستند ایشان زیانکارترین مردمان و گردانیدیم از پیش روی ایشان حاجبی را و

مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا، فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ.

از پشت سر ایشان حاجبی را پس پوشانیدیم چشم های ایشان را پس ایشان نمی بینند چیزی را.

تعویذی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

سید بن طاووس رحمه الله گوید: در عقب این دعا یافتیم این تعویذ را که از مولای ما حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است، در وقتی که منصور دوانقی آن حضرت را برای بار سوم جهت کشتن دعوت کرد، خواندند:

بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَ بِاللَّهِ أَسْتَنْجِحُ، وَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

بِخدا طلب یاری می نمایم و بخدا طلب فیروزی و ظفر می نمایم و به رسول خدا که رحمت خدا باد بر او

وَ آلِهِ أَتَوَسَّلُ، وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَتَوَجَّهُ، وَ

و بر خاندانش متوسل می شوم و به پسران نبوی که رحمت فرستد خدا بر او روی می آورم و

بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا أَتَقَرَّبُ. اللَّهُمَّ لِيْ لِيْ

به امام حسن و امام حسین که رحمت فرستد خدا بر ایشان نزدیکی می جویم خداوندانم کن برای من

صُعُوبَتَهُ، وَ سَهْلَ لِيْ حُزُونَتَهُ، وَ وَجَهَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَمِيعَ

سختی و دشواری دشمنان را و هموار گردان برای من ناهمواری او را و متوجه گردان گوش او را و چشم او را و همه

جَوَارِحِهِ إِلَيَّ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ أَذْهَبْ عَنِّي غَيْظَهُ وَ بَأْسَهُ وَ

اعضای او را به سوی من به مهربانی و شفقت و برطرف کن از من خشم او را و عقوبت او را و

مَكْرَهُ وَ جُنُودَهُ وَ أَحْزَابَهُ، وَ انْصُرْنِي عَلَيْهِ بِحَقِّ كُلِّ مَلِكٍ سَاحَ

حیله او را و لشکر سپاه او را و گروه او را و یاری ده مرا بر او به حق هر فرشته سیر کننده

فِي رِيَاضِ قُدْسِكَ، وَ فِضَاءِ نُورِكَ، وَ شَرِبَ مِنْ حَيَوَانِ مَا يُكِّ، وَ

در بوستان ها (یعنی در بهشت) باکیزه تو و در فضا و ساحت روشنیت و فرشته ای که آب خورده باشد از چشمه آب حیات تو و

أَنْقِذْنِي بِنَصْرِكَ الْعَامِّ الْمُحِيطِ. جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِي، وَ مِيكَائِيلُ

رهائی ده مرا به یاری خود که شامل و فراگیرنده است جبرائیل از طرف راست من است و میکائیل

عَنْ يَسَارِي، وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أُمَامِي، وَ اللَّهُ وَلِيِّي وَ

از طرف چپ من است و محمد که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش پیش روی من است و خدا دوست من و

حَافِظِي وَ نَاصِرِي وَ أُمَامِي، فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. وَ

نگاهدارنده من و یاری کننده من و نصرت او پیش روی من است پس درستی که لشکر خدا ایشان غلبه کنندگانند و



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**اسْتَقَرْتُ وَ اخْتَجَبْتُ وَ امْتَنَعْتُ وَ تَعَزَّزْتُ، بِكَلِمَةِ الْوَحْدَانِيَّةِ**

پوشانیدم خود را از دشمن و پنهان گشتم و امتناع نمودم با عزت شدم به سبب کلمه اقرار به یگانگی خدا

**الْأَزَلِيَّةِ الْإِلَهِيَّةِ الَّتِي مَنِ امْتَنَعَ بِهَا كَانَ مَحْفُوظًا. إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ**

و دانمی بودن او و خداوندی او که هر کس امتناع نماید به او محفوظ می ماند از بلاها. بدرستی که دوست من خدائی است

**الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ.**

که فرستاده است قرآن را و او دوست می دلد صالحان را.

ربیع گفت: پس من این عوذ را در پوستی نوشتم و آن را در بند شمشیر خود گردانیدم. پس بخدا که بعد از این هرگز از منصور نترسیدم.

## ❁ توسل به قرائت سوره مبارکه قدر ❁

سید بن طاووس رحمه الله گوید: در کتاب کهنه ای از وقف کرده های مادر ناصر خلیفه، که در اول آن خبرهای واقعه جنگ حرّه بود که در حنین است، به سندهای معتبر از حضرت ابی عبدالله امام جعفر صادق علیه السلام یافتم که فرمودند: «سوره مبارکه قدر» را خواندم در وقتی که بر ابوجعفر منصور دوانقی داخل شدم و حال آن که او قتل مرا اراده داشت. پس خدای تعالی میان من و او حایل شد و او را نگذاشت که مرا بکشد. پس آن حضرت «سوره مبارکه قدر» را خواندند در وقتی که منصور به سوی آن حضرت نظر کرد و از نزد او بیرون نرفتند تا آن که منصور نسبت به آن حضرت مهربانی بسیار کرد.

از آن حضرت پرسیدند: به چه چیز خود را از شر منصور محافظت نمودید؟ فرمودند: به متوسل شدن بخدا و به قرائت «سوره مبارکه قدر». بعد از آن هفت مرتبه گفتم: **يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، إِنِّي أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَنْ لَا تَغْلِبَهُ لِي.**

پس هر کسی که مبتلی شود به مثل آنچه من مبتلی گشته ام، باید که بجا آورد مثل آنچه را که من بجا آوردم. و اگر نه آن بود که ما این سوره مبارکه را می خوانیم و شیعیان را امر می کنیم که این سوره را بخوانند، دشمنان ما، شیعیان ما را هلاک می کردند. ولیکن این سوره پناه و قلعه ای برای شیعیان ماست، که ایشان را از بلاها و گرفتاری ها نگاه می دارد.



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

## ❁ دعای سوم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ❁

دعای مولای ما حضرت امام جعفر صادق علیه السلام هنگامی که آن حضرت را منصور دوانقی در مرتبه سوم در ربذه طلب نمود.

ما به سندهای خود تا محمد بن حسن صفار روایت می‌کنیم که او در کتاب «فضل الدعاء» به سندهای خود نقل نموده از ابراهیم بن حبله، از مخزومه کندی، که گفت: چون ابو جعفر منصور دوانقی بر ربذه فرود آمد و مطلع گردید که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در آن موضع است. گفت: کیست که مرا از کاری که آن حضرت کرده است معذور دارد؟! او یک قدم به جلو و قدم دیگر را به عقب برداشته است. به درستی که آمدن آن حضرت به ربذه، از جهت آن است که می‌خواهد که ملاحظه هر دو طرف را بکند، هم مرا داشته باشد و هم محمد را (سید بن طاووس رحمه الله گوید: یعنی محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابی طالب را که در آن اوقات در مدینه خروج کرده بود).

پس منصور گفت: آن حضرت از مدینه بیرون آمده و به ربذه آمده و اختیار دوری از محمد نموده که ببیند اگر چنانچه محمد ظفر یابد، پس با او خویش است و اگر چنانچه محمد مغلوب شود، پس گوید که مرا کاری نبود و محافظت نفس خود نمودم و از مدینه بیرون رفتم. بخدا قسم که من آن حضرت را می‌کشم.

سپس متوجه به ابراهیم بن حبله شده، گفت: ای ابراهیم بن حبله برخیز و به نزد آن حضرت برو و جامه او را به گردن او بینداز و او را به روی زمین کشان کشان بیاور.

ابراهیم بن حبله گوید: من بیرون رفتم تا آن که به منزل آن حضرت رسیدم. ایشان را ندیدم، پس به مسجد ابوذر آمدم، آن حضرت را در در مسجد دیدم. شرم آمد که بجای آورم آنچه را که منصور امر نموده بود. پس سر آستین آن حضرت را گرفتم و گفتم: امیر المؤمنین منصور تو را می‌طلبد.

آن حضرت فرمودند: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**. مرا مهلت ده تا دو رکعت نماز گذارم. ابراهیم بن حبله گوید: آن حضرت بعد از فارغ شدن از نماز، بسیار گریستند، و من در پی سر آن حضرت بودم و بعد از آن این دعا را خواندند:

**اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِيْ فِيْ كُلِّ كَرْبٍ، وَ رَجَائِيْ فِيْ كُلِّ شِدَّةٍ، وَ اَنْتَ لِيْ فِي**

خداوند اتوئی معتمد من در هر اندوهی و امید من در هر سختی و تونی برای من در

**كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بِيْ ثِقَةً وَ عُدَّةً، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ، وَ**

هر امری که وارد شده است بر من اعتماد کرده شده و تهیه، پس بسا از اندوهی که ناتوان گردد از آن دل من و



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**تَقُلْ فِيهِ الْجِيلَةُ، وَ يَخْذُلْ فِيهِ الْقَرِيبُ، وَ يَشْمُتُ بِهِ الْعَدُوُّ، وَ**  
 کم باشد در آن چاره من و خور و بی یار باشد در آن نزدیک من و شماتت کند به آن دشمن و  
**تُغْنِيَنِي فِيهِ الْأُمُورُ، أَنْزَلَتْهُ بِكَ وَ شَكَوْتُهُ إِلَيْكَ، رَاغِباً فِيهِ إِلَيْكَ**  
 عاجز کند مرا در آن اندوه امروها که عرض کردم آن اندوه مرا به تو و شکوه نمودم از آن بسویت در حالی که خواهمش کننده بودم  
**عَمَّنْ سِوَاكَ، فَفَرَجَتْهُ وَ كَشَفَتْهُ وَ كَفَيْتَهُ وَ كَفَيْتَنِيهِ، فَأَنْتَ وَلِيُّ**  
 در آن بسویت اجتناب کننده بودم از غیر تو پس گشودی آن اندوه مرا و برطرف کردی و کفایت نمودی آن اندوه مرا و نگاهداشتی مرا  
**كُلِّ نِعْمَةٍ، وَ صَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ، وَ مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ، فَلَكَ الْحَمْدُ**  
 از آن پس تویی صاحب هر نعمتی و صاحب هر نیکی و منتهای هر مطلبی پس از برای توست ستایش  
**كَثِيراً، وَ لَكَ الْمَنْ فَاضِلاً.**

بسیار و برای توست منت به بخشش بی شمار.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: من زیادی در این دعا یافتم که منقول است از حضرت امام  
 رضا علیه السلام و زیادی این است:

**بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتِ، يَا مَعْرُوفاً بِالْمَعْرُوفِ يَا مَنْ هُوَ**  
 به سبب نعمت تو تمام می شود عملی های نیکو، ای شناخته شده به احسان، ای آن که او  
**بِالْمَعْرُوفِ مَوْصُوفٌ، أُنَلِّنِي مِنْ مَعْرُوفِكَ مَعْرُوفاً تُغْنِيَنِي بِهِ**  
 به نیکی و احسان تعریف کرده شده است، برسان به من از احسان خود احسانی را که بی نیاز گردانی مرا به  
**عَنْ مَعْرُوفٍ مَنْ سِوَاكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.**

برکت آن از احسان کسی که باشد غیر تو به رحمت خود ای رحمت خود ای رحمت کننده ترین رحمت کنندهگان.

ابراهیم بن جبلة گوید: چون حضرت از خواندن این دعا فارغ شدند، به من که  
 فرمودند: بجای آور آنچه را که به آن از جانب منصور مامور شده ای. پس من گفتم که  
 بخدا قسم که آن را نمی کنم و هر چند دانه که کشته می شوم. پس دست آن  
 حضرت گرفتم و او را بردم و بخدا سوگند که در آن هیچ شک نداشتم که منصور آن  
 حضرت را خواهد کشت. چون به در خانه منصور رسیدیم که پرده بر آن آویخته بود،  
 حضرت این دعا را خواندند:

**يَا إِلَهَ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ**  
 ای خداوند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ای خدای ابراهیم و اسمعیل  
**وَ إِسْحَاقَ وَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَوَلَّ فِي هَذِهِ الْغَدَاةِ**

و اسحاق و محمد رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش متولی باش در این بامداد



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**عَافِيَتِي وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ فِي هَذِهِ الْغَدَاةِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بِشَيْءٍ لَا**

سلامتی مرا و مستولی مگردان بر من در این روز کسی را از آفریدگان خود به چیزی که نباشد

**طَاقَةً لِي بِهِ.**

صبری و تحملی برای من به آن چیز.

ابراهیم گوید: پس آن حضرت را بر منصور دوانقی داخل نمودم پس منصور درست نشست و اعاده نمود آن سخن را که در اوّل گفته بود و به آن حضرت گفت: می خواهی که ملاحظه هر دو طرف نمائی و تحریک محمد بن عبدالله بر مخالفت من می نمائی؟! بخدا سوگند که تورا می کشم! پس آن حضرت فرمودند: من چنین کاری نکرده ام، پس دست از من بدار، قسم بخدا که زمان صحبت من با تو کم شده است و هنگام مفارقت نزدیک رسیده است پس منصور به آن حضرت گفت: برگردید پس حضرت برخواستند و بیرون رفتند. پس منصور متوجه به عیسی بن علی گردید و گفت: یا ابا العباس برو و خود را به آن حضرت رسان و به پرس که اجل و مرگ من نزدیک شده است یا از آن حضرت. عیسی گوید که پس من بیرون رفتم و از عقب آن حضرت بسیار تند دویدم تا آن که به آن حضرت رسیدم. پس گفتم: یا ابا عبدالله به درستی که امیرالمؤمنین منصور می گوید: آیا اجل و مرگ من نزدیک است یا از آن شما؟ پس آن حضرت فرمودند: اجل منصور نزدیک نیست بلکه اجل من نزدیک است. پس برگشتم و به منصور گفتم. پس منصور گفت: آن حضرت راست می گوید.

ابراهیم گوید: چون من از نزد منصور بیرون رفتم، دیدم که آن حضرت نشسته است و انتظار من می کشد از جهت آن که عذر خواهی نماید مرا و در حق من دعا کند از برای آن که من نسبت به ایشان آن بی ادبی بجای نیاوردم که منصور به من امر کرده بود. پس بعد از آن حمد خدای نمودند و این کلمات را گفتند:

**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَ إِن كُنْتُ بَاطِلًا حِينَ يَدْعُونِي،**

همه ستایش از برای خداست که می خوانم او را پس اجابت می کند دعای مرا و هر چند هستم کاهل در وقتی که می خواند خدا مرا.

**وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَ إِن كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ**

و همه ستایش برای خداست که سؤال می کنم او را پس می دهد به من و هر چند هستم خسیس در هنگامی که

**يَسْتَقْرِضُنِي، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ عَلَي تَفَضُّلِهِ وَ**

فرص می طلبد از من و همه ستایش برای خداست که مستوجب است شکر گذاری بر احسان او و

**إِن كُنْتُ قَلِيلًا شُكْرِي، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَ كَلَّنِي النَّاسُ إِلَيْهِ**

هر چند هستم که کم است شکر گذاری من و همه ستایش برای خداست که واگذارند مرا مردمان بسوی او



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**فَاكْرَمَنِي وَ لَمْ يَكِلْنِي إِلَيْهِمْ فَيُهِنُونِي. فَارَضَيْتُ بِلُطْفِكَ يَا رَبِّ**

پس بگشش نمود به من و وانگذاشت او مرا بسوی ایشان تا آن که خفت دهند مرا پس خشنودم به شفقت تو ای پروردگار من

**لُطْفًا وَ بِكَفَايَتِكَ خَلْفًا. اَللّٰهُمَّ يَا رَبِّ مَا اَعْطَيْتَنِي مِمَّا اُحِبُّ**

از روی مهربانی و به کارگذاریت از جهت عوض. خداوند! ای پروردگار من آنچه را که دادمای از آنچه دوست می دارم

**فَاَجْعَلْهُ قُوَّةً لِّيْ فِيْمَا تُحِبُّ. اَللّٰهُمَّ وَ مَا زَوَيْتَ عَنِّيْ مِمَّا اُحِبُّ**

آنرا پس بگردان آنرا توانائی از برای من در آنچه دوست می داری خداوند! و آنچه را که منع نمودهای از من از آنچه دوست می دارم

**فَاَجْعَلْهُ قِوَامًا لِّيْ فِيْمَا تُحِبُّ. اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِيْ مَا اُحِبُّ وَ اَجْعَلْهُ خَيْرًا**

من آنرا پس بگردان آنرا به سبب ایستادن من در چیزی که دوست می داری خداوند! بده من آنچه را که دوست می دارم آنرا و بگردان

**لِيْ وَ اصْرِفْ عَنِّيْ مَا اُكْرَهُ وَ اَجْعَلْهُ خَيْرًا لِّيْ اَللّٰهُمَّ مَا غَيَّبْتَ عَنِّيْ**

آنرا خیر برای من و دور گردان از من آنچه را که ناخوش دارم آنرا و بگردان آنرا خیر و خوبی برای من خداوند! و آنچه را پنهان نمودهای از من

**مِنَ الْأُمُورِ فَلَا تُغَيِّبْنِيْ عَنْ حِفْظِكَ وَ مَا فَقَدْتُ فَلَا أَفْقِدُ عَوْنَكَ وَ مَا**

از امورها پس پنهان مکن مرا از نگاهداشتن خود و آنچه را که ندارم آنرا پس چنان مکن که نداشته باشم یاری تو را و آنچه را که

**نَسَيْتُ فَلَا أَنْسِيْ ذِكْرَكَ وَ مَا مَلِيتُ فَلَا أَمَلُ شُكْرَكَ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ**

فراموش کنم آنرا پس فراموش نکنم یاد تو را و از آنچه دلگیر باشم پس دگریم مکن از شکرگذاریت، بر تو توکل نمودهام

**حَسْبِيَ اللّٰهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيْلُ.**

من کافی است مرا خدا و نیکو معتمدی است او.

## دعای چهارم از حضرت امام صادق علیه السلام

دعای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است در وقتی که منصور دوانقی ایشان را مرتبه

چهارم به کوفه طلبید.

سید طاووس رضی الله عنه گوید: شیخ بسیار دانا ابو جعفر محمد بن ابی القاسم طبری در مشهد

مولای ما امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در شوال از سنه پانصد و پنجاه و پنج

(۵۵۵)، روایت نموده است که حدیث نموده به ما شیخ ابو عبدالله محمد بن احمد بن

شهریار خزانه دار در مشهد امیرالمؤمنین علیه السلام در ماه صفر سنه پانصد و شانزده هجری

(۵۱۶)، و او گفت که خبر داد به ما شیخ ابو منصور محمد بن احمد بن عبدالعزیز عکبری

معدّل در بغداد در ماه ذی القعدة از سنه چهارصد و هفتاد و (۴۸۲)، او گفت که خبر داد

به ما ابوالحسن محمد بن عمر بن حلوبة پنبه فروش که بر او این حدیث را در شهر

عکبری خواندند و او گفت که حدیث نمود به ما عبدالله بن خلف بن علی بن حسین بن

ملیح شروطی در عکبری و او گفت که حدیث نمود به ما قاضی ابوبکر محمد بن ابراهیم



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

همدانی گفته که حدیث نموده به ما حسن بن علی بصری از هیثم بن عبداللّه رمانی و عباس بن عبدالعظیم عنبری و آن هر دو نقل نمودند از فضل بن ربیع و او گفت که نقل نمود به من پدرم ربیع دربان منصور، که منصور ابراهیم بن جبلة را به مدینه فرستاده از جهت آن که حضرت امام جعفر بن محمد (ع) را به کوفه بیاورد. پس روایت نمود ابراهیم بعد از آوردن او آن حضرت را آن که چون بر آن حضرت داخل شدم و ایشان را به فرستادن منصور و طلبیدن آن حضرت را خبر دادم، شنیدم که این دعا را می خواندند:

**اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِيْ فِيْ كُلِّ كَرْبٍ، وَ اَنْتَ رَجَائِيْ فِيْ كُلِّ شِدَّةٍ، وَ اِتِّكَالِيْ**  
 خداوند اتوئی اعتماد من در هر اندوهی و تونی امید من در هر سختی و اعتماد من  
**فِيْ كُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بِيْ، عَلَيْكَ ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ بِكَ. فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ**  
 در هر امری که فرود آید به من بر توست اعتماد من و تهیه من به یاری توست پس بسا از اندوهی که بسست گردد  
**فِيهِ الْقُوَى، وَ تَقَلُّ فِيهِ الْحِيَلُ، وَ تَغْنِيْ فِيهِ الْأُمُورُ، وَ تَخْذُلُ فِيهِ**  
 در آن توانمائی ها و کم شود در آن چاره ها و عاجز باشد در آن امورها و بی یار ماند در آن  
**الْقَرِيبُ، وَ يَشْمُتُ بِهِ الْعَدُوُّ أَنْزَلْتُهُ بِكَ، وَ شَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَاغِباً فِيهِ**  
 نزدیک و شماتت نماید به آن دشمن که اظهار نمودم آنرا به تو و شکوه کردم از آن بتو در حالی که روی آورنده ام در آن  
**إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ، فَفَرَّجْتَهُ وَ كَشَفْتَهُ. فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ**  
 بسویت اجتناب کننده بودم از غیر تو پس گشودی آن اندوه را و برطرف کردی آنرا پس تونی صاحب هر نعمتی و  
**مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ. لَكَ الْحَمْدُ كَثِيْرًا، وَ لَكَ الْمَنْ فَاضِلًا.**

نهایت هر مطلبی برای توست ستایش بسیار و از برای توست منت به بخشش بی شمار.

چون چهارپای آن حضرت را پیش آوردند و از خانه بیرون آمدند که سوار شوند، شنیدم که این دعا را خواندند:

**اَللّٰهُمَّ بِكَ اُسْتَفْتِحُ وَ بِكَ اُسْتَنْجِحُ، وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ**  
 خداوند به تو طلب یاری می نمایم و به تو رستگاری می جویم و به برکت محمد که رحمت فرستد خدا بر او و  
**آلِهِ اَتَوَجَّهُ. اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ لِيْ حَزُوْنَتَهُ وَ كُلَّ حَزُوْنَةٍ، وَ سَهِّلْ لِيْ**  
 بر خاندانش روی می آورم خداوند آرام و آسان گردان برای من دشواری دشمن را و هر امر دشواری را و هموار گردان برای من  
**صُعُوْبَتَهُ وَ كُلَّ صُعُوْبَةٍ، وَ اَرْزُقْنِيْ مِنَ الْخَيْرِ فَوْقَ مَا اَرْجُو، وَ**  
 سختی و ناهمواری آنرا و هر ناهمواری را و روزی گردان مرا از نیکی ببالا تر از آنچه امید دارم و



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**اَصْرِفْ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ فَوْقَ مَا اخْذَرُ، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ**

برگردان از من از بدی بالاتر از آنچه را که می ترسم از آن پس بپرستی که تو برطرف می کنی آنچه را که خواهی و

**تُثَبِّتُ، وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ.**

ثابت و محکم می گردانی آنچه را که خواهی و در نزد توست اصل کتاب.

ابراهیم گوید: چون به کوفه داخل شدیم و آن حضرت فرود آمدند، دو رکعت نماز گذاردند و دستهای خود را به سوی آسمان بلند نمودند و این دعا را خواندند:

**اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوٰتِ وَ مَا اُظْلَتُ، وَ رَبَّ اَلْاَرْضَيْنِ السَّبْعِ وَ مَا اُقْلَتُ،**

خدایا ای پروردگار آسمانها و آنچه سایه افکنند بر آن و پروردگار زمینهای هفت طبقه و آنچه برداشته اند آنرا

**وَ رَبَّ الرِّیَاحِ وَ مَا ذَرَتْ، وَ رَبَّ الشَّیَاطِیْنِ وَ مَا اُضِلَّتْ، وَ رَبَّ**

و پروردگار بادهای و آنچه پراکنده کرده اند آنرا و پروردگار شیطانها و آنچه گمراه نموده اند آنرا پروردگار

**الْمَلٰئِکَةِ وَ مَا عَمِلَتْ، اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ**

فرشتگان و آنچه کرده اند آنرا سوال می کنم تو را آن که رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد و

**اَنْ تَرْزُقَنیْ خَیْرَ هَذِهِ الْبَلَدَةِ، وَ خَیْرَ مَا فِیْهَا، وَ خَیْرَ اَهْلِهَا، وَ خَیْرَ مَا**

آن که روزی گردانی مرا نیکنی این شهر را و خوبی آنچه را که در اوست و خوبی اهل این شهر را و خوبی آنچه را

**قَدِمْتُ لَهُ، وَ اَنْ تَصْرِفَ عَنِّیْ شَرَّهَا وَ شَرَّ مَا فِیْهَا، وَ شَرَّ اَهْلِهَا، وَ**

وارد شدم برای آن و آن که دور گردانی از من شر این شهر را و بدی آنچه را که در این شهر است و بدی اهل آنرا

**شَرَّ مَا قَدِمْتُ لَهُ.**

و شر آنچه را که وارد شدم برای آن.

ربیع گوید: چون آن حضرت به خانه منصور دوانقی رسیدند، من داخل خانه شدم و

اورا به آمدن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و ابراهیم خبر دادم. پس منصور مسیب بن

زهیر ضبّی را طلب نمود و شمشیری به او داد و گفت: هرگاه جعفر بن محمد داخل شود و من با او تکلم نمایم و در اثناء آن به تو اشاره کنم، گردن آن حضرت را بزن و انتظار

اذنی دیگر و فرمایشی نیست.

ربیع گوید: پس من بیرون رفتم و به سوی آن حضرت شتافتم تا آن که آن حضرت را

خبر نمایم از جهت آن که من دوستدار آن حضرت بودم و در سفر حج با ایشان

معشرت کرده بودم و در خدمت آن حضرت بودم. چون به خدمت ایشان رسیدم،

گفتم: یابن رسول الله این جبار (یعنی منصور) درباره شما امری کرده که ناخوش دارم که اظهار نمایم. اگر سفارشی و وصیتی در خاطر دارید بفرمائید.

آن حضرت فرمودند: مترس اگر منصور مرا ببیند، اراده بد او برطرف می شود و از آنچه



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

قصد نموده برمی گردد. پس پرده‌ای را که به در خانه او آویخته بود، برداشتند و این دعا را خواندند:

يَا إِلَهَ جَبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ، وَ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ

ای خداوند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ای خداوند ابراهیم و اسماعیل

وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمْ،

و اسحاق و یعقوب و محمد که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش و همه پیغمبران

تَوَلَّنِي فِي هَذِهِ الْغَدَاةِ، وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بِشَيْءٍ لَا

مستولی باش مرا در این بامداد و مستولی مگردان بر من کسی را از آفریدگان خود به چیزی که نباشد

طَاقَةً لِي بِهِ.

صبری برای من به آن چیز.

چون داخل به منصور شدند، لب‌های مبارکشان حرکت می‌کرد و چیزی را می‌خواندند که آن را نفهمیدم. به جانب منصور نگاه کردم، او را مثل شعله آتشی دیدم که بر آن آبی ریخته شود، پس خاموش گردد. بعد از آن، آتش غضب او فرونشست تا آن که آن حضرت نزدیک شد و نزد کرسی او نشست.

منصور از جای خود برخاست و دست آن حضرت را گرفته او را برخیزانید و بر کرسی خود نشانید و گفت یا ابا عبدالله بر من تعب تو عظیم است و حاضر نکردم بورا مگر از جهت آن که به سوی تو از خویشان تو شکوه‌نمایم. به درستی که خویشی مرا قطع کردند و در دین من طعن زدند و مردم را بر من بازداشتند که با من نزاع کنند و اگر به غیر من کسی خلیفه می‌شد که به ایشان از من دورتر بود، سخن او را می‌شنیدند و اطاعت او می‌کردند.

پس آن حضرت فرمودند: ای منصور چه چیز تو را از پیروی کردن جماعت گذشتگان صالح باز می‌دارد. به درستی که حضرت ایوب علیه السلام به بلاها مبتلا گردید، پس صبر نمود. حضرت یوسف علیه السلام را برادران بر او ظلم کردند، از تقصیر ایشان تجاوز نمود. حضرت سلیمان علیه السلام به او ملک و سلطنت داده شد، پس شکر بجای آورد.

آنگاه منصور گفت: حالا که چنین است، من هم صبر می‌کنم و از تقصیر ایشان می‌گذرم و شکر بجای می‌آورم. سپس گفت: یا ابا عبدالله به ما حدیثی را نقل کن که پیش از این از شما درباره صله رحم و رعایت خویشان شنیده‌بودم.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: پدرم از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث نمود که فرمودند: «رَأَيْتُ رَحِمًا مُتَعَلِّقَةً بِالْعَرْشِ تَشْكُو إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَاطِعَهَا، فَقُلْتُ: يَا جَبْرِئِيلُ



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

كَمْ بَيْنَهُمْ؟ قَالَ: سَبْعَةَ أَبَاءٍ». من در شب معراج جمعی را دیدم که به عرش آویخته بودند و به سوی خدا از کسی که قطع نموده بود، رحم و خویشی ایشان را شکوه می نمودند. پس از جبرئیل پرسیدم که چند پشت واسطه میان آن جماعت و آن شخص است؟ گفت: هفت پدر. پس منصور گفت: این نیز نیست آنچه من شنیده بودم.

سپس آن حضرت فرمودند: بلی، به من پدرم از جدم حدیث کرد آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «اخْتَصَرَ رَجُلٌ بَارٌّ فِي جَوَارِهِ رَجُلٌ عَاقٍ. فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَلِكِ الْمَوْتِ: يَا مَلِكِ الْمَوْتِ كَمْ بَقِيَ مِنْ أَجْلِ الْعَاقِ؟ قَالَ: ثَلَاثُونَ سَنَةً. قَالَ حَوَّلَهَا إِلَى هَذَا الْبَارِّ».

مرد نیکوکاری به حالت نزع رسیده بود و در همسایگی او مرد فاسقی بود. پس خدای عزوجل به ملک الموت فرمودند: ای ملک الموت از عمر آن شخص فاسق چقدر باقی مانده است؟ ملک گفت: سی سال. جناب اقدس الهی فرمودند: این سی سال را برای آن شخص نیکوکار بگردان.

پس منصور گفت: ای غلام غالیه روغن عطرا بیاور. پس غلام آن غالیه را آورد. سپس منصور به دست خود آن عطرا به محاسن آن حضرت مالید و چهار هزار اشرفی به آن حضرت داد و اسب خود را طلبید. چون حاضر شد، امر نمود که نزدیک تر آورند، تا آن که به نزد کرسی آوردند. پس آن حضرت سوار شدند و بیرون رفتند. ربیع گوید که پس من پیشاپیش آن حضرت دویدم و شنیدم که این دعا را می خواندند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي، وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي،

همه ستایش برای خداست که می خوانم او را پس بر می آورد حاجت مرا و هرچند هستم کاهل در وقتی که می خواند او مرا

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي، وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ

و جميع ستایش برای خداست که سؤال می کنم او را پس می دهد به من و هرچند هستم خسیس در هنگامی که

يَسْأَلُنِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَوْجِبَ مِنِّي الشُّكْرَ، وَإِنْ كُنْتُ قَلِيلًا

می طلبد خدای من اطاعت را و همه ستایش برای خداست که مستوجب است از من شکرگزاری را و هرچند هستم که کم است

شُكْرِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي النَّاسَ إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي، وَ لَمْ

شکرگذاری من و همه ستایش برای خداست که واگذارند مرا مردمان بسوی او پس بخشش نمود به من و واتخاذ

يَكِلَنِي إِلَيْهِمْ فَيُهَيِّئُونِي. يَا رَبِّ كَفَى بِطُفْكَ لُطْفًا وَبِكِفَايَتِكَ خَلْفًا.

مرا بسوی ایشان تا آن که خفت دهند مرا ای پروردگار من کافی است شفقت تو از روی مهربانی و کارگذاری از جهت عوض.

ربیع گوید: من به آن حضرت گفتم: یا بن رسول الله، این جبار (یعنی منصور) هر کس را



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

که اراده قتل او را داشته باشد، به من اظهار می نماید. بخدا سوگند که مسیب بن زهیر را طلب نمود و به او شمشیری را داد و زدن گردن تورا امر نمود. و من تورا دیدم که لبهای خود را حرکت می دادی در وقتی که داخل شدی و چیزی را می خواندی که من آن را نفهمیدم. آن حضرت فرمودند: الآن جای این سؤال نیست. پس من به نزد آن حضرت در وقت عشا رفتم و از آن حضرت سؤال نمودم.

آن حضرت فرمودند: بلی، پدر من از جدم حدیث نموده است آن که رسول خدا (ص) چون که بر آن حضرت طائفه یهود و قبیله فزاره و گروه غطفان جمعیت نمودند و این مضمون آیه کریمه است: «إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ، وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ، وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا».

«ای مؤمنان وقتی را به یاد آورید که کفار بر شماها از طرف بالای شهر و از طرف پائین آمدند و در وقتی که میل نموده بودند چشمهای شما به طرف بالا (یعنی از حیرت بازمانده بودند) و در وقتی که از ترس و شدت دلها به گلوها رسیده بود و گمان داشتید به خدا گمان آن که همه شماها هلاک شوید، پس تورا و قوم تورا یاری کردیم و شما را از شدت خوف و بیم هلاکت نجات دادیم».

آن حضرت فرمودند: آن روز از سخت ترین روزها بر پیغمبر (ص) بود. پس بودند که داخل می شدند و بیرون می آمدند و به آسمان نگاه می کردند و می فرمودند: «تنگ شو بر ایشان که فراخ خواهی شد».

پس آنگاه در اثناء شب بیرون آمدند. پس شخصی را دیدند. به حذیفه گفتند که همراه آن حضرت بود: ببین آن شخص کیست؟ حذیفه بعد از ملاحظه گفت: یا رسول الله این شخص علی بن ابی طالب (ع) است. پس حضرت رسول (ص) فرمودند: یا ابالحسن آیا نترسیدی از آن که به تو چشم زخمی برسد؟

حضرت امیرالمؤمنین (ع) گفتند: به درستی که من نفس خود را برای خدا و رسول او بخشیده ام و در این شب از جهت پاسبانی مسلمانان بیرون آمده ام. پس هنوز کلام ایشان تمام نشده بود که جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد به درستی که خدای تعالی بر تو سلام می فرستد و می گوید: ایستادگی علی بن ابی طالب را در این شب دانستم و برای او از خزانه پنهان علم خود کلماتی چند به عنوان هدیه فرستادم که به اینها کسی تعویذ نمی کند و پناه نمی آورد از شر شیطان یاغی و نه از شر پادشاه ظالمی و نه از سوختن به آتش و نه از غرق شدن به دریا و نه از زیر انبوه ماندن و نه از دیوار شکسته و نه از حیوان درنده و نه از دزد راهزنی، مگر آن که خدای تعالی او را از این بلاها ایمن گرداند:



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

اَللّٰهُمَّ اَحْرُسْنَا بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اَكْنُفْنَا بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ،  
 خداوندا پاسبانی کن مرا به چشم نگهبانی خود که بخواب نمی‌رود و محافظت کن مرا به قوت خود که سست نمی‌شود  
 وَ اَعِزَّنَا بِسُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ، وَ اَرْحَمْنَا بِقُدْرَتِكَ عَلَيْنَا، وَ لَا  
 و غالب گردان ما را به پادشاهی خود که ستم رسیده نمی‌شود و رحم کن بر ما به توانائی خود بر ما و  
 تُهْلِكُنَا وَ اَنْتَ الرَّجَاءُ. رَبِّ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَكَ  
 هلاک مگردان ما را و تویی امید ما ای پروردگار من بسا از نعمتی که بخشیده‌ای آنها را بر من که کم است برای تو  
 عِنْدَهَا شُكْرِي، وَ كَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ ابْتَلَيْتَنِي بِهَا قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي،  
 نزد آنها شکرگذاری و بسا از بلایی که آزمودی مرا به آن بلا که کم است برای تو نزد آن بلا صبر  
 فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمِهِ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَ يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ  
 و طاقت من ای آن که کم است نزد نعمتهای او شکرگذاری من پس محروم مکن مرا و ای آن که کم است نزد  
 بَلَائِهِ صَبْرِي فَلَمْ يَخْذُلْنِي، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الدَّائِمِ الَّذِي لَا  
 بلای او صبر من پس بی‌یار و مددگار نگذاشته‌است مرا، ای صاحب احسان همیشگی که  
 يَنْقُضِي اَبَدًا، وَ يَا ذَا النِّعْمَاءِ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا، اَسْأَلُكَ اَنْ  
 برطرف نمی‌شود هرگز و ای صاحب نعمتهایی که در شمار نمی‌آید عدد آن سؤال می‌کنم تو را آنکه  
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ، وَ اَذْرَعْ بَكَ فِي نُحُورِ  
 رحمت فرستی بر محمد و بر آل محمد که پاکانند و دفع می‌کنم و طعن می‌زنم به قوت تو در گودیهای گردن  
 الْأَعْدَاءِ وَ الْجَبَّارِينَ. اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ عَلَى دِينِيْ دُنْيَايَ، وَ عَلَى  
 دشمنان و صاحبان جبروت و تکبر خداوندا یار یکن مرا بر دین من به سبب دنیا یمن و یاری کن مرا بر  
 آخِرَتِيْ بِتَقْوَايَ، وَ اَحْفَظْنِيْ فِيمَا غِبْتُ عَنْهُ، وَ لَا تَكِلْنِيْ اِلَى نَفْسِيْ  
 آخرت من به پرهیزکاری من و نگاهدار مرا در آنچه غایب و پنهانم از آن و وامگذار مرا بسوی نفس خودم  
 فِيمَا حَضَرْتُهُ، يَا مَنْ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ، وَ لَا تَضُرُّهُ الْمَعْصِيَةُ،  
 در آنچه حاضرم در آن، ای آن که کم نمی‌کند او را آمرزش گناهکاران و ضرر نمی‌رساند او را گناه بندگان.  
 اَسْأَلُكَ فَرَجًا عَاجِلًا، وَ صَبْرًا جَمِيلًا، وَ رِزْقًا وَاسِعًا، وَ الْعَافِيَةَ مِنْ  
 سؤال می‌کنم از تو گشایشی زود را و صبری نیکو را و روزی فراخ را و سلامتی از  
 جَمِيعِ الْبَلَاءِ، وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

همه بلاها را و شکرگذاری بر سلامتی را، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

ربیع گوید: قسم بخدا که مرا منصور دوانقی سه مرتبه طلب نمود و کشتن مرا  
 اراده داشت، به این کلمات پناه بردم، خدای تعالی میان او و میان کشتن من حایل و  
 مانع گردید.



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

و از حسن بن علی منقول است که عباس بن عبدالعظیم گفته: من هیچ شب نبود که از دکان خود برگردم، مگر آن که این کلمات را بخوانم. اما شبی از شبها خواندن این کلمات را فراموش کردم. چون قدری از شب گذشت از خواب بیدار شدم و به یادم آمد که این کلمات را نخواندم. در همان وقت این کلمات را خواندم و دکان خود را در پناه خدا به برکت این کلمات گردانیدم و به دست خود به دور دکان اشاره کردم، و حال آن که من در رختخواب خود بودم.

چون صبح شد، بامداد به دکان رفتم. دیدم شخصی در اندرون دکان است که در دکان بر او بسته شده است و او داخل دکان مانده است. به او گفتم که به چه کار آمده‌ای و اینجا چه می‌کنی؟ در جواب گفت: به دکان تو آمده بودم جهت دزدی. ولی هرچند که خواستم بیرون روم، میان من و راه، دیواری از آهن حایل شد که نتوانستم بیرون رفت.

## ❁ دعائی پنجم از امام جعفر صادق علیه السلام ❁

دعای مولای ما امام جعفر صادق علیه السلام در وقتی که منصور دوانقی در مرتبه پنجم آن حضرت را پیش از کشتن منصور، محمد و ابراهیم دو پسر عبدالله بن امام حسن علیه السلام را، به بغداد طلب نمود.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: در کتاب کهنه‌ای یافتیم که در آخر آن حسین بن علی بن هند به خط خود در ماه شوال سنه سیصد و نود و شش (۳۹۶) هجری نوشته بود که به ما ابوالحسن محمد بن احمد بن عبدالله بن صفوه همدانی در مصیصه حدیث نمود و او گفته که به ما محمد بن عباس بن داود عاصمی حدیث نمود و او روایت نموده از حسن بن علی بن یقطین از پدر خود که گفت: به ما محمد بن ربیع دربان منصور حدیث نمود که گفت: روزی منصور در قصر خود در قبه خضراء نشسته بود و این خانه را قبه خضراء می‌گفتند، پیش از آن که منصور، محمد و ابراهیم را در آن خانه بکشد. بعد از آن که منصور ایشان را در آن خانه کشت، آن خانه به قبه حمراء مشهور شد.

منصور روزی را جهت کشتن دشمنانش نام گذاری و معین کرده بود و در آن قبه می‌نشست و دستور کشتن افراد را در آن روز صادر می‌کرد.

اتفاقاً در همان روز، حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را از مدینه به بغداد آورده بود. منصور همه آن روز را در آن قبه نشست تا آن که شب شد، چون قدری از شب گذشت ربیع دربان را طلبید و به او گفت: ای ربیع تو مرتبه خود را به نزد من می‌دانی و آن که بعضی



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

از خبرها و رازهایی هست که از زنان خود پنهان می‌کنم و از جهت معالجه و مصلحت تو، به تو اظهار می‌کنم.

ربیع گفت: پس من گفتم: یا امیرالمؤمنین این از کرم خدا و توجه امیرالمؤمنین بر من است و کسی بهتر و بالاتر از من در اخلاص و نصیحت نیست. منصور گفت: در این ساعت به نزد جعفر بن محمد بن فاطمه برو، و او را به نزد من بیاور به هر حالت که او را بیابی نزد من آور، و نگذار که چیزی را از آنچه بر اوست، تغییر دهد و یا دست به کاری بزند.

من در دل خود گفتم: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». به خدا سوگند که این وقت هلاکت من است! به خدا قسم که هلاک شدم! اگر چنانچه آن حضرت را بیاورم بر این حالتی که از غضب منصور می‌بینم، او را به قتل می‌رساند و آخرت من برباد می‌رود و اگر چنانچه او را بیاورم و کاهلی کنم، او را مرا می‌کشد، نسل مرا برمی‌اندازد و مال‌های مرا می‌ستاند. پس دنیا را از آخرت جدا ساختم. و نفس من به سوی دنیا میل کرد و تصمیم گرفتم جعفر بن محمد را پیش منصور بیاورم.

محمد بن ربیع گوید: مرا پدرم طلب کرد و من خشمناک‌ترین فرزندان او و درشت‌ترین ایشان بودم. به من گفت: به سوی جعفر بن محمد برو و از دیوار خانه او بالا رو و از در خانه داخل مشو، و مواظب باش، مبادا چیزی را تغییر دهد ولیکن بر آن حضرت وارد شو بی‌خبر. و آن را بر هر حالی که باشد، در آن حالت بیاور.

محمد ربیع گوید: پس به در خانه آن حضرت رفتم و از شب مگر قدر کمی باقی مانده بود. پس بگذارن نردبان امر کردم و از دیوار خانه بالا رفتم و به خانه آن حضرت فرود آمدم. دیدم که آن حضرت ایستاده است و نماز می‌گذارد و پیراهنی بر او بود و پارچه مندیلی که رداء خود کرده بودند.

چون از نماز سلام دادند گفتم: امیرالمؤمنین (یعنی منصور) را اجابت کن.

آن حضرت فرمودند: مرا بگذار که دعائی را بخوانم و رختم را بپوشم.

گفتم: شما را رخصت نیست که وضع خود را تغییر دهید.

فرمودند: مرا بگذار که به غسل‌خانه داخل شوم و غسلی کنم.

گفتم: از برای تو رخصتی نیست. خود را مشغول مکن. به درستی که تو را نمی‌گذارم که وضع خود را تغییر دهی.

محمد بن ربیع گوید: آن حضرت را از خانه پای برهنه و سر برهنه با همان پیراهن و منديل بیرون آوردم، در آن وقت سن شریف آن حضرت از هفتاد (۷۰) سال گذشته بود. چون پاره‌ای از راه را آمدند، ضعف پیری بر ایشان مستولی گردید و مرا بر آن



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

حضرت رحم آمد و به آن حضرت گفتم که سوار شوید به استر نوکر من (که همراه من بود) ایشان سوار شدند تا به نزد پدرم آمدیم.

پس شنیدیم که منصور دوانقی در داخل قصر به پدرم می گفت: وای بر تو ای ربیع! پسر دیر کرد و آن حضرت را نیاورد و حرص بسیار می خورد.

چون آن حضرت را پیش پدرم بردم و چشم پدرم بر آن حضرت افتاد و او را به آن حالت دید، گریست و پدرم از جمله شیعیان و دوستان آن حضرت بود.

حضرت امام جعفر علیه السلام فرمودند: ای ربیع من محبت تو را به ما می دانم، پس مرا بگذار تا آن که دو رکعت نماز گذارم و دعائی بخوانم.

ربیع گفت: چنین باشد و آنچه خواهید بجا آورید. پس آن حضرت دو رکعت نماز سبک گذاردند و بعد از آن دعائی خواندند که آن را نفهمیدم ولیکن آن دعا طولانی بود و منصور در آن حال تشدد می نمود که چرا دیر شد. چون آن حضرت از آن دعای طولانی فارغ شدند، ربیع بازوی آن حضرت را گرفت و به نزد منصور برد. چون آن حضرت به میان ایوان رسیدند، ایستادند و لبهای خود را به چیزی حرکت دادند.

ربیع گوید: نفهمیدم آن حضرت در آن حال چه دعائی را می خواند. سپس آن حضرت را داخل کردم و در برابر منصور دوانقی ایستادند. چون منصور به آن حضرت نگاه کردند، گفت: ای جعفر تو حسد و ظلم و فساد خود را بر خاندان ما (یعنی بنی العباس) وانمی گذاری و خدای تعالی به تو به سبب این کار زیاد نمی کند مگر شدت حسد و کینه را و تو را به آنچه می خواهی، نمی رساند.

آن حضرت فرمودند: یا ای منصور قسم بخدا که من چیزی از این ها که مذکور ساختی، نکرده ام و من در زمان ولایت بنی امیه بودم و تو می دانی که ایشان دشمن ترین خلائق برای ما و برای شما بودند و حال آن که ایشان را حقّی در این خلافت نبود. پس بخدا قسم که خروج ننمودم و مخالفت ایشان نکردم و از من به ایشان بدی نرسید با وجود این همه جفاها و ظلمها که به من کردند. پس چگونه در چنین سنی نسبت به تو چنین کاری را در این زمان انجام دهم و حال آن که تو برای من پسر عمویی و بهترین خلائقی نسبت به من از جهت خویشی و بخشنده تری از ایشان از جهت عطا و نیکوئی. پس چگونه من چنین کاری را بکنم.

منصور دوانقی ساعتی سر به زیر انداخت و بر تکیه نمدی نشسته بود و در طرف چپ او بالشی از خز سرخ بود و در زیر نمد او شمشیری ناوک دار بود که هرگاه در آن بقعه می نشست، آن را از خود جدانمی ساخت.



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

منصور به آن حضرت گفت: خویشی را باطل کردی و تو تقصیر کاری، پس کنار بالش را بالا کرد و از زیر آن، یک دسته کتابت را بیرون آورد و آنها را به نزد آن حضرت انداخت و گفت اینک نامه‌های تو که به اهل خراسان نوشته‌ای و ایشان را به شکستن بیعت من خوانده‌ای و آن که به تو بیعت نمایند نه به من.

پس آن حضرت فرمودند: قسم بخدا ای منصور من این کار را نکرده‌ام و چنین کاری را جایز نمی‌دانم و این طریقه و مذهب من نیست، من از جمله کسانی هستم که فرمانبرداری تو را در همه احوال اعتقاد دارم و دیگر آن که من به سنی رسیده‌ام که مرا از مرتکب شدن چنین کاری بر هر تقدیری که آنرا اراده نمایم، ناتوان گردانیده‌است و اگر توبه من بدگمانی، پس مرا در بعضی از زندانخانه‌های خود زندانی کن تا آن که اجل من برسد که نزدیک است.

منصور دوانقی گفت: این کار را نخواهم کرد، چه فایده دارد. سپس زمانی سر در پیش افکند و دست به شمشیر زد، پس مقدار یک وجب از آن را کشید و قبضه آن را نگاه داشت.

ربیع گوید: من گفتم بخدا که آن حضرت رفت! پس شمشیر را به غلاف برگردانید و گفت: ای جعفر آیا تو با وجود این سنّ و پیری و این نسبت و خویشی، حیا نمی‌کنی از آن که سخنان باطل می‌گوئی و می‌خواهی که اجتماع مسلمانان را متفرق سازی و آن که خون ایشان را بریزی و فتنه‌ای در میان رعیت و دوستانان من بیندازی؟! آن حضرت فرمودند: بخدا قسم که چنین نیست ای منصور، من این کارها را نکردم و این نامه‌ها را ننوشتم و خط و مهر من نیست و من در میان مردم از تو به بدی یاد نکردم.

منصور باز شمشیر خود را بیرون کشید و مقدار یک ذراع از غلاف بیرون آورد. ربیع گوید، گفتم: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». این مرد از دست رفت و گمان داشتم که منصور دوانقی مرا امر خواهد کرد و به من خواهد گفت: این شمشیر را بگیر و گردن حضرت امام جعفر را بزن. پس با خود گفتم که اگر چنانچه چنین کاری کند پس من شمشیر را از دست منصور می‌گیرم و بر خودش می‌زنم، هرچند من و فرزندان من کشته شویم و به درگاه خدا توبه کردم از آنچه اولاً در نیت داشتم.

سپس منصور دوانقی روی به آن حضرت نموده و عتاب و خطاب بسیار نمود و آن حضرت عذرخواهی می‌نمود. بعد از آن منصور همه شمشیر را از غلاف کشید مگر چیزی مختصر آن در غلاف باقی ماند.

پس من گفتم: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». بخدا قسم کار این مرد تمام شد. سپس آن



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شمشیر را در غلاف کرد و ساعتی سر در پیش افکند بعد از آن سر برداشت و به آن حضرت گفت که گمان می‌کنم که تو راست گوئی. سپس به ربیع گفت: ای ربیع حَقِّه بوی خوش را از فلان موضع خانه بیاور که در آنجاست.

ربیع گوید: من آن حَقِّه را آوردم. به من گفت: دست خود را داخل کن و پر کن از عطر خوش و به محاسن آن حضرت بمال. پس من چنان کردم و محاسن مبارکش سفید بود چندان عطر خوش بر آن مالیدم که سیاه شد.

سپس منصور دوانقی گفت: آن حضرت را بر اسب بسیار خوش راهی سوار کن از اسبانی که من به آنها سوار می‌شوم و به آن حضرت دو هزار درهم بده و آن حضرت را تا به منزل او در نهایت عزت و احترام مشایعت کن و هرگاه به منزل خود رسیدند ایشان را میان ماندن در نزد ما در نهایت عزت و میان برگشتن به مدینه مشرفه جدّ خود رسول خدا صلی الله علیه و آله مخیر کن.

سپس از نزد منصور بیرون رفتیم و من از سلامتی آن حضرت علیه السلام در نهایت خوشحالی بودم و تعجب داشتم از آنچه منصور اوّل در خاطر داشت و از آنچه در آخر نسبت به آن حضرت بجا آورد.

ربیع گوید: چون به صحن خانه رسیدم، به آن حضرت گفتم: یابن رسول الله من خیلی تعجب نمودم از عمل منصور، اوّل قصد داشت شمارا بکشد و خدای تعالی تو را از شرّ منصور نگاهداشت و شرّ منصور را از تو دفع کرد، هرچند امثال اینها از قدرت خدای تعالی عجب نیست و حال آن که من شنیدم که شما در عقب آن دو رکعت نماز که بجای آوردید، دعائی را خواندید که آن را نفهمیدم که چه دعائی بود، به غیر از آن که دانستم که طولانی بود و شمارا دیدم که در وقتی که به همین موضع (یعنی صحن خانه منصور) رسیدید، بخواندن دعای دیگر لبهای خود را حرکت می‌دادید که آن را نیز ندانستم که کدام دعائی بود.

آن حضرت فرمودند: اما آن دعای اوّل که در عقب نماز آنرا خواندم، آن دعای دفع غم و اندوه و سختیها بود و آن را تا به امروز، بر کسی نخوانده‌بودم و این دعا را در عوض آن دعای طولانی خواندم که آنها را همه روز بعد از نماز می‌خوانم، جهت آن که من هرگز تعقیب نماز را ترک نمی‌کنم. و اما آنچه بخواندن آن لبهای خود را حرکت دادم پس آن دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جنگ احزاب بود که پدرم از پدرش از جدّش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله خبر داد که فرمودند: در آن روز که لشکر کفار دور مدینه را فراگرفتند و مسلمانان همچنان بودند که خدای تعالی فرموده‌اند: «إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ، وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ،



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

و تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا.»

«ای مؤمنان وقتی را به یاد آورید که کفار بر شماها از طرف بالای شهر و از طرف پائین آمدند و در وقتی که میل نموده بودند چشمهای شما به طرف بالا (یعنی از حیرت بازمانده بودند) و در وقتی که از ترس و شدت دلها به گلوها رسیده بود و گمان داشتید به خدا گمان آن که همه شماها هلاک شوید، پس تورا و قوم تورا یاری کردیم و شما را از شدت خوف و بیم هلاکت نجات دادیم.»

پس حضرت رسول (ص) این دعا را خواندند و خداوند مسلمانها را در آن روز از شر کفار نجات دادند.

و حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) هرگاه که از چیزی اندوهناک می شدند و به ایشان ام مهمی رخ می نمود این دعا می خواندند:

اَللّٰهُمَّ اَحْرِسْنِيْ بِعَيْنِكَ الَّتِيْ لَا تَنَامُ، وَ اكْفِنِيْ بِرُكْنِكَ الَّذِيْ لَا

خداوند ایاسانی کن مرا به چشم نگاهبانی خود که به خواب نمی رود و محافظت کن مرا به قوت خود که

يُضَامُ، وَ اغْفِرْ لِيْ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ، رَبِّ لَا اُهْلِكُ وَ اَنْتَ الرَّجَاءُ. اَللّٰهُمَّ

سست نمی شود و بپامرز مرا به توانائی خود بر من ای پروردگار من هلاک نمی شوم و حال آن که تو هستی امید من، خداوند

اَنْتَ اَعَزُّ وَ اَكْبَرُ مِمَّا اَخَافُ وَ اَحْذَرُ، بِاللّٰهِ اُسْتَفْتِحُ، وَ بِاللّٰهِ

تو عزیزتر و بزرگتری از آنچه می ترسم و حذر می کنم از آن بخدا طلب نصرت و یاری می کنم، و بخدا

اُسْتَنْجِحُ، وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اَتُوْجَّهُ، يَا

طلب رستگاری می نمایم و به محمد فرستاده خدا که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش روی می آورم، ای

كَافِيَ اِبْرَاهِيْمَ نُمْرُوْدَ، وَ مُوسَى فِرْعَوْنَ، اِكْفِنِيْ مِمَّا اَنَا فِيْهِ، اَللّٰهُ

نگاهدارنده ابراهیم از شر نمروود و موسی از شر فرعون نگاهدار مرا از آنچه من در اویم، خدا

اَللّٰهُ رَبِّيْ، لَا اَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوْبِيْنَ،

خدا پروردگار من است شریک نه می گردانم به او چیزی را کافی است مرا پروردگار من از پرورده شده ها.

حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوْقِيْنَ، حَسْبِيَ الْمَانِعُ مِنَ الْمَمْنُوْعِيْنَ،

کافی است مرا آفریدگار از آفریده شدگان کافی است مرا مانع کننده ضررها از منع کرده شدگان.

حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِيْ، حَسْبِيَ مَذْقَطُ حَسْبِيْ، اَللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا

کافی است مرا کسی که برطرف نمی شود کافی است مرا خدا در گذشته و آینده کافی است مرا خدا، نیست خدائی مگر

هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ.

او، بر او اعتماد نمودم و اوست پروردگار عرش بزرگ.

سپس حضرت امام جعفر (ع) فرمودند: ای ربیع اگر از ترس منصور نبود این مالی را که



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

منصور به من صله کرد، همه‌اش را به تو می‌دادم، ولیکن تو مدتی قبل از این، از من خرید زمینی را طلب نموده بودی که در مدینه دارم و به مبلغ ده هزار اشرفی خریداری می‌نمودی و من آنرا به تو نفروختم. الحال آن زمین را به تو بخشیدم.

ربیع گوید، گفتم: یابن رسول‌الله، خواهش من به دانستن دعای اول طولانی و دعای ثانی بیشتر از دریافت این زمین است، هرگاه این هر دو دعا را مرحمت فرمائید پس کمال مهربانی و مرحمت در حق من آن است که آن دعا را به بیاموزی و مرا الحال احتیاج به آن زمین نیست.

آن حضرت فرمودند: ما خداوند فضل و احسانیم هر چه دادیم بازستانیم هم آن زمین را به تو هبه کردم و هم دعاها را به تو می‌نویسیم، با من به منزل بیا.

ربیع گوید: پس من همچنان که منصور گفته بود، همراه آن حضرت رفتم. پس آن حضرت برای من هبه نامه زمین را نوشتند و بر من دعای پیغمبر صلی الله علیه و آله را که در روز احزاب خواندند، که گذشت و همچنین بر من آن دعای طولانی را خواندند که آن را بعد از دو رکعت نماز خوانده بودند.

سیدبن طاووس رحمه الله گوید: آن دعای طولانی، دعائی است که قبل از این در روایت اول از دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مذکور شد که اول آن این است: **اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ یَا مُدْرِکَ الْهَارِبِیْنَ، وَ یَا مُلْجَا الْخَائِفِیْنَ...**

و این دعا را در نسخه بسیار کهنه‌ای به قدر شش ورق یافتیم و آخر دعا که این است: **وَ اَنْتَ رَبِّیْ وَ اَنْتَ حَسْبِیْ، وَ نِعْمَ الْوَكِیْلُ.** و با (دعای) سابق تفاوتی نداشت.

ربیع گوید، من گفتم: یابن رسول‌الله منصور مرا جهت آوردن شما بسیار تعدی و تعجیل می‌نمود و حال آن که شما این دعای طولانی را در نهایت آرامی و تأنی خواندید، گویا از او نمی‌ترسیدید؟!

آن حضرت فرمودند: بلی من هر روز بعد از نماز صبح چند دعائی می‌خوانم که ناچارم و ترک آنها را نمی‌کنم. اما آن دو رکعت نماز که دیدی موقع داخل شدن به صحن خانه منصور بجای آوردم، نماز صبح بود، چون آن وقت اول طلوع صبح بود و آن را تخفیف داده و خیلی ساده خواندم و بعد از نماز این دعا را خواندم به جای تعقیبی که هر روز می‌خواندم.

ربیع گوید، من گفتم: آیا شما از منصور نترسیدید با وجود آن که برای شما مهیا نموده بود آنچه را که تهیه کرده بود.

آن حضرت در جواب من فرمودند: ترس خدا در سینه من بزرگتر از ترس منصور است. ربیع گوید: بعد از اتمام این ماجرا در خاطر من مرتب می‌گذشت آنچه را که دیدم از



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

حال منصور از شدت غضب و شدت خشم او بر آن حضرت، گمان نداشتم که در انسانی دیگر اینچنین تواند باشد، آیا چه چیز سبب شد که در همان ساعت اول و همان لحظه اول، غضب منصور فرو نشست و به اعزاز و تعظیم و احترام آن حضرت مبدل شد. و منصور را در نهایت خوش دماغی و سرحالی یافتم.

پس روزی از روزها ماجرا را از منصور دوانقی پرسیدم و گفتم: یا امیرالمؤمنین غضب تو را بر جعفر بن به مثابه ای دیدم که آنرا بر هیچ احدی هرگز ندیده بودم و نه بر عبداللّه بن حسن و نه بر غیر آن از هیچ یک از مردم تا آن که به مرتبه ای رسید که اراده نمودی که خود، آن حضرت را به قتل آوری؟! پس چطور شد که به قدر یک وجب از شمشیر کشیدی سپس آنرا به غلاف کردی و به آن حضرت اعتراض نمودی. دوباره شمشیر را به قدر یک ذراع بیرون آوردی، باز به غلاف نمودی. دیگر باره اعتراض نمودی. سپس همه شمشیر را کشیدی مگر اندکی از آنرا و مرا شکی در کشتن تو او را باقی نمانده بود. ولی بلافاصله آتش غضب تو فرو نشست و از آن حضرت راضی گشتی تا آن که به من امر فرمودی که محاسن او را به بوی خوشی که مخصوص توست، معطر ساختم و تو آن عطر خوش را به مهدی فرزند خود و نه به ولیعهد خود و نه به عموهای خود نمی دادی و تازه ده هزار درهم به آن حضرت انعام دادی و آن حضرت را به اسب مخصوص خود سوار نمودی و مرا امر کردی که آن حضرت را در نهایت عزت و احترام مشایعت کردم.

منصور دوانقی گفت: وای بر تو ای ربیع! این حکایت از آن حکایت هائی نیست که بتوان همه جانقل کرد. و پنهان کردن آن بهتر است و نمی خواهم که این حکایت به اولاد فاطمه علیها السلام برسد، زیرا که اگر این حکایت را بشنوند، بر ما بنی العباس تفاخر و تکبر کنند، بس است ما را آنچه ما در آنیم، ولیکن چون از تو چیزی را پنهان نمی کنم، ببین در خانه کسی هست یا نه برو همه را بیرون کن.

ربیع گفت: پس تمامی اهل خانه را بیرون کردم و آمدم. باز منصور گفت: برگرد و خوب ملاحظه کن تا کسی باقی نماند.

ربیع گوید: پس چنان کردم. بعد از آن منصور گفت که به غیر از من و تو کسی دیگر در این خانه نیست؟ بخدا قسم اگر آنچه را که به تو نقل می کنم، از دیگری بشنوم، تو را و فرزندان و اهل بیت تو را می کشم و اموال را می ستانم.

ربیع گوید: من گفتم زنهار از تو بخدا پناه می گیریم.

منصور دوانقی گفت: ای ربیع! من اصرار داشتم که جعفر بن محمد را بکشم و سخن او را نشنوم و عذر او را قبول ننمایم، اگر چه او از کسانی نبود که بر من به شمشیر خروج



### دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

کند. اما کار او در نزد من سخت تر و مهمتر از کار عبدالله بن حسن بود و من از او و از پدران او می دانم که من در عهد بنی امیه، داعیه امامت و خلافت را داشتند. چون در مرتبه اول کشتن او را اراده نمودم، صورت مبارک حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در برابر من ظاهر شد و میان من و آن حضرت حایل شد و دستهای خود را از آستین بیرون آوردم تا با او دست بدهم، روی مبارک را درهم کشیدند و به روی من نگاه تندی نمودند. پس من روی خود را از ایشان گردانیدم. بعد از آن، بار دیگر که قصد نمودم و شمشیر را کشیدم بیشتر از آنچه مرحله اول کشیده بودم، باز صورت مبارک پیغمبر صلی الله علیه و آله نزدیک من حاضر شد و اراده نمودند که اگر چنانچه من به آن حضرت بی ادبی نمایم، مرا هلاک کنند. لذا من بعد از آن دست نگاه داشتم.

باز جرأت نمودم و با خود گفتم که این از کارها و خیالهای جن است و در مرتبه سوم شمشیر را کشیدم. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را دیدم که از شدت غضب رنگ مبارک ایشان سرخ بود و در کمال قهر روی درهم کشید، که نزدیک بود که دست خود را بر من برسانند و مرا بگیرند. پس قسم بخدا ترسیدم که اگر به عمل آورم آنچه را که قصد نموده ام، آن حضرت مرا هلاک کند.

از این جهت بود که آنچه را که دیدی از من نسبت به جعفر بن محمد از اکرام و تعظیم کردم، به درستی که ایشان از اولاد حضرت فاطمه علیها السلام هستند و حق ایشان را انکار نمی توان نمود، مگر کسی که برای او بهره و نصیبی در اسلام نباشد. پس باید که این حکایت را کسی از تو نشنود و بر این حکایت کسی مطلع نگردد.

محمد بن ربیع گوید: پدر من این قصه را تا منصور دوانقی زنده بودند، به من اظهار ننمودند و من نیز به کسی نگفتم تا مهدی پسر منصور و موسی و هارون زنده بودند و محمد بن عبدالله بن حسن کشته شد.

### ❁ دعای ششم امام جعفر صادق علیه السلام ❁

دعای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام هنگامی که آن حضرت را در مدینه برای بار ششم طلب نمود و این مرتبه دوم بود که ایشان را بعد از کشته شدن محمد و ابراهیم پسران عبدالله بن حسن به بغداد طلبید.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: در کتاب کهنه ای یافتیم، به خط حسین بن علی بن هند که پیش از این ذکر شد که گفت: به ما محمد بن جعفر رزاق قرشی از محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین حدیث نمود. او گفته که به ما بشر بن حماد از صفوان مهران شتردار



### دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

حدیث نمود که مردی از قریش از بنی مخزوم که ساکن مدینه بود، بعد از کشتن منصور محمد و ابراهیم پسران عبدالله بن حسن را، عریضه نوشت و به عراق رفته، به ابی جعفر منصور داد. مضمون آن که حضرت امام جعفر صادق بن محمد باقر علیه السلام معلیٰ خنیس آزاد کرده خود را به اطراف مدینه فرستاده است جهت آن که زکوات و مالهای امام را از شیعیان او جمع نماید و آن که آن اموال را جهت محمد بن عبدالله و اولاد آن می فرستد. چون منصور به مضمون کتابت مطلع گردید، از بسیاری خشم دست خود را به دندان گرفته نزدیک بود که تمام گوشتهای دست خود را به دندان بکند و کتابتی به عموی خود داود بن علی نوشت که در آن وقت حاکم مدینه بود که باید که به رسیدن کتابت به تو جعفر بن محمد را به نزد من روانه نمائی و مهلت درنگ و مجال توقف آن حضرت را ندهی.

چون کتابت به داود رسید، او همان کتابت را به خدمت آن حضرت فرستاد و گفت باید که یراق و تهیه سفر خود بگیری و فردا روانه رفتن و متوجه شدن به نزد امیرالمؤمنین منصور گردی و تأخیر ننمائی. صفوان شتردار گوید: در آن اوقات من در مدینه بودم. آن حضرت کسی را به نزد من فرستاد و مرا طلب نمود.

چون به خدمت آن حضرت رسیدم، به من فرمودند که شتری برای من تهیه کن که فردا ان شاء الله می خواهم که متوجه عراق شوم. بعد از آن برخاستند و من نیز همراه ایشان بودم تا آن که به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و آن وقت مابین نماز ظهر و عصر بود. پس آن حضرت چند رکعت نماز گذاردند و بعد از فراغ از نماز دستهای مبارک را به سوی آسمان برداشتند و این دعا را خواندند و من این دعا را حفظ نمودم. پس سؤال کردم از حضرت ابا عبدالله امام جعفر صادق علیه السلام که این دعا را مرتبه دیگر بر من اعاده نمایند تا آن را بنویسم. پس آن حضرت دعا را بار دیگر خواندند و من نوشتم:

**يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ ابْتِدَاءٌ وَ لَا انْقِصَاءٌ، يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ أَمَدٌ وَ لَا نِهَآيَةٌ**

ای آن که نیست از برای او اولی و نه آخر شدنی و ای کسی که نیست از برای او زمانی و نه انتهائی

**وَ لَا مِيقَاتٌ وَ لَا غَايَةٌ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ، وَ الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا**

و نه و قیاتی و نه نهایتی ای صاحب عرش بلند و ای صاحب قهر و عقوبت سخت، ای

**مَنْ هُوَ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ، وَ لَا تَشْتَبِهُهُ**

آن که اوکنند است امر آنچه را که خواهد، ای آن که پوشیده نیست بر او لهجه ها و پنهان نیست

**عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، يَا مَنْ قَامَتْ بِجَبَرُوتِهِ الْأَرْضُ وَ السَّمَوَاتُ، يَا**

بر او آوازه ها، ای آن که برپا ایستاده است به سبب قهر و بزرگی او زمین و آسمانها، ای



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

حَسَنَ الصُّبْحَةِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، صَلِّ عَلَى

نیکیو معاصی، ای فراخ آمرزش، ای کرم کننده تجاوز از تقصیرات رحمت فرست بر معتمد و بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اخْرُسْنِي فِي سَفَرِي وَ مَقَامِي وَ حَرَكَتِي

آل محمد، و یاسبانی کن مراد سفر من و در توقف و ایستادن من و در راه رفتن من و حرکت کردن من

وَ انْتِقَالِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اخْنُقْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ.

به چشم نگاهبانی خود که به خواب نمی رود و محافظت نمای مرا به قوت خود که بست نمی شود،

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا بِإِثْقَةِ مَنِّي لِغَيْرِكَ، وَ لَا رَجَاءَ

خداوند ابدی که روی می آورم در سفر کردن من این سفر را بدون آن که اعتماد نمایم به غیر تو و نه آن که باشد امید

يَأْوِي بِي إِلَّا إِلَيْكَ، وَ لَا قُوَّةَ لِي أَتَكِلُ عَلَيْهَا، وَ لَا جِيلَةَ الْجَأِ إِلَيْهَا إِلَّا

برای من که جای دهد مرا مگر بسویت و نیست توانایی برای من که اعتماد نمایم بر آن و نه چاره ای که التجا برم بسوی آن مگر

ابْتِغَاءَ فَضْلِكَ، وَ التِّمَّاسَ عَافِيَتِكَ، فَطَلَبُ فَضْلِكَ، وَ إِجْرَائِكَ لِي

طلبیدن احسان تو را و خواستن سلامتی از جانب تو را پس طلب نمودن احسان تو و جاری ساختن تو آنرا بر من

عَلَى أَفْضَلُ عَوَائِدِكَ عِنْدِي. اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِي فِي

بهترین احسانها و نعمتهای توست نزد من، خداوند ابدی تو دانایی به آنچه (در اراده تو) پیشی گرفته است برای من در

سَفَرِي هَذَا مِمَّا أَحَبُّ وَ أَكْرَهُ، فَهَمَّا أَوْقَعْتَ عَلَيَّ قَدْرَكَ فَمَحْمُودٌ

سفر من این سفر از آنچه دوست می دارم آنرا و ناخوش دارم آنرا پس هر آن وقت که وارد سازی بر من قفای خود را پس نیکوست

فِيهِ بِلَاؤُكَ، مُنْتَصِحٌ فِيهِ قَضَائُكَ، وَ أَنْتَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ،

در آن وقت بلایت گوارا و مرضی است در آن هنگام حکمت و تو برطرف می کنی آنچه را که می خواهی و ثابت می گردانی

وَ عِنْدَكَ أَمَّ الْكِتَابِ. اللَّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّي فِيهِ مَقَادِيرَ كُلِّ بَلَاءٍ، وَ

آنچه را که خواهی و نزد توست اصل کتاب، خداوند ابدی پس برگردان از من در این سفر اندازه های هر بلای را و

مَقْضِي كُلِّ لَأْوَاءٍ، وَ ابْسُطْ عَلَيَّ كِنْفًا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ لُطْفًا مِنْ

حکم کرده شده هر سختی را و ببخشای ب من محافظتی را که سرزند از شفقت تو و مهربانی را که ناشی شود از

عَفْوِكَ، وَ تَمَامًا مِنْ نِعْمَتِكَ، حَتَّى تَحْفَظَنِي فِيهِ بِأَحْسَنِ مَا حَفِظْتَ

در گذشتن تو و کامل از نعمت خود را تا آن که نگاه داری مراد این سفر به نیکوترین آنچه نگاه داشته ای

بِهِ غَائِبًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ خَلَفْتَهُ فِي سِتْرِ كُلِّ عَوْرَةٍ، وَ كِفَايَةَ كُلِّ

تو به آن پنهانی را که باشد از جمله مؤمنان و نائب گردیده ای او را در پوشیدن هر قبیعی و در نگاه داشتن هر

مَضَرَّةٍ، وَ صَرَفِ كُلِّ مَحْذُورٍ، وَ هَبْ لِي فِيهِ أَمْنًا وَ إِيْمَانًا وَ عَافِيَةً

ضرری و در برگردانیدن هر چیزی که ترسند از آن و ببخش برای من در این سفر امنیتی را و ایمانی را و سلامتی را

وَ يُسْرًا وَ صَبْرًا وَ شُكْرًا، وَ ارْجِعْنِي فِيهِ سَالِمًا إِلَى سَالِمِينَ

و آسانی در کارها و صبر در بلاها را و شکر گذاری در نعمتها را و برگردان مرا در این سفر صحیح بسوی سالمان



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

### يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان.

صفوان جمال گوید: چون صبح شد من شتری را به در خانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بردم و آن حضرت بیرون آمد، و سوار شدند و متوجه سفر عراق گردیدند و من نیز در خدمت آن حضرت بودم تا آن که به شهری رسیدند که منصور در آن شهر بود و به خانه منصور رفتند و اذن دخول طلبیده داخل خانه او شدند.

بعد از آن بعضی از کسانی که در آن مجلس حاضر بودند مرا خبر دادند به آن که چون ابوجعفر منصور دوانقی آن حضرت را دید، ایشان را به نزدیک خود طلبید و گفت آن عریضه‌ای را بیاورید که آن مرد بنی مخزومی آورده بود. پس آن عریضه را آوردند و بدست آن حضرت دادند. چون آن حرت نوشته را خواندند، دیدند که در آن نوشته بود که معلىٰ خنيس آزاد کرده امام جعفر بن محمد اموال را از شیعیان در اطراف عالم جمع می‌کند و به نزد آن حضرت می‌آورد و آن حضرت آن اموال را جهت محمد بن عبدالله می‌فرستد.

چون آن حضرت از خواندن آن فارغ شدند، منصور روی به ایشان کرده، گفت: ای جعفر بن محمد! این چه اموال است که معلىٰ بن خنيس آنها را جمع می‌کند و به نزد تو می‌فرستد.

آن حضرت فرمودند: معاذ الله ای منصور من از این حکایت خبر ندارم.

منصور دوانقی گفت: قسم یاد می‌کنی که تو از این مبرائی؟

آن حضرت فرمودند: بلی بخدا قسم می‌خورم که از این صورت هیچ خبر ندارم.

منصور دوانقی گفت: این چنین سوگند بخور که: به طلاق زن و آزادی غلامان و کنیزان خود که من از این حکایت خبر ندارم.

آن حضرت فرمودند: آیا تو راضی نیستی به سوگند بخدائی که نیست خدائی مگر او؟! منصور دوانقی گفت: اظهار دانش و تفقه را پیش من واگذار.

آن حضرت فرمودند: ای منصور! دانش و تفقه از نزد ما به کجا رود؟ (یعنی اگر من فقیه نباشم پس که عالم و فقیه خواهد بود؟)

منصور دوانقی گفت: این سخنان را در نزد من واگذار. به درستی که من در این ساعت جمع می‌کنم میان تو و آن کسی که این عریضه را نوشته است، تا آن که تو را مواجهه نماید و خاطر نشان تو کند.

سپس آن شخص را آوردند و منصور از او در حضور آن حضرت، سوال نمودند. پس آن شخص گفت: بلی این درست است و این است جعفر بن محمد و آنچه درباره او گفته‌ام



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

آنچنان است که گفتم.

حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: آیا قسم می خوری به آن که منصور را به آن خبر داده ای راست است؟

آن شخص گفت: بلی و شروع نمود در سوگند یاد نمودن و گفت: «وَاللّٰهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الطَّالِبُ الْغَالِبُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» (یعنی: بخدائی قسم می خورم که نیست خدائی مگر او که طلب کننده و غلبه کننده و زنده بخود - پای است).

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: در قسم خوردن شتاب مکن. پس به درستی که من تو را قسم می دهم.

منصور دوانقی گفت: این قسم چه عیب دارد که آنرا انکار نمودی؟

آن حضرت فرمودند: خدای تعالی زنده و کریم است و شرم دارد از بنده خود که هرگاه حمد و ستایش او را کند آن که تعجیل در عقوبت او نماید، از جهت آن که او را ستایش نموده ولیکن تو ای مرد بگو: «أَبْرَىٰ إِلَى اللَّهِ مِنْ حَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ إِلَى حَوْلِي وَقُوَّتِي، إِنِّي لَصَادِقٌ بَرٌّ فِيمَا أَقُولُ». (یعنی: نعوذ بالله بیزاری می جویم بسوی خدا از قدرت و قوت او و پناه می گیرم به قدرت و قوت خودم به درستی که من راستگو و نیکوکارم در آنچه می گویم).

منصور دوانقی به آن شخص قرشی گفت که به این نحو قسم بخور که تو را به آن، جعفر بن قسم دادند.

پس آن مرد همانطور که آن حضرت قسم دادند، قسم یاد نمود، پس هنوز کلام او تمام نشده بود که خوره بر اندام آن شخص افتاد و بدن او از هم پاشید و بر روی زمین افتاد و هلاک شد و به جهنم رفت.

منصور دوانقی در این حال سخت ترسید ترسید و لرزه بر اندامش افتاد و گفت: یا ابا عبد الله اگر خواهی صباح بسوی حرم جد خود روانه شو و اگر خواهی در اینجا باش و در نزد ما توقف کن که ما در اعزاز و احترام تو، تقصیر و کوتاهی نمی کنیم. پس قسم بخدا که در حق تو بعد از این هرگز سخن هیچ کس را قبول نخواهم کرد.



## دعای هفتم از امام جعفر صادق علیه السلام



دعای مولای ما حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است هنگامی که ایشان را در مرتبه هفتم منصور دوانقی طلب نمود.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: سابق ما شرح این دعا را در حرزهای آن حضرت مذکور



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

ساختیم چون در این روایت پاره‌ای از زیادت‌ی هست از آنچه آنرا سابقاً ذکر نموده‌ایم، لهذا مرتبه‌ای دیگر ذکر می‌کنیم.

ایضاً سید بن طاووس رحمه الله گوید: گمان من آن است که این دعا و شرح آن مقدم باشد بر دعائی که سابقاً مذکور شد. یعنی پیش از طلبیدن منصور دوانقی آن حضرت را به نوشته آن مرد قرشی باشد که سابقاً مذکور شد.

سید بن طاووس رحمه الله گوید: این دعا و شرح آن به روایت محمد بن عبدالله اسکندری است و این دعا جلیل‌القدر است و ائمه علیهم‌السلام اجابت این را ضامن شدند و ما این دعا را از کتابی نقل کردیم که قطع آن به قدر نصف ثمن کاغذ بود و مشتمل بر چند کتاب بود که اول آن کتاب «التنبیه لمن یتفکر فیه» (تنبیه برای کسی که در او تفکر نماید) است و این دعا در آخر آن کتاب بود و در آن کتاب نوشته شده بود: از محمد بن عبدالله اسکندری مروی است آن که گفت: من از جمله مقربان و مصاحبان ابی جعفر منصور دوانقی بودم و از جمله خواص و صاحب اسرار او بودم. پس روزی بر او داخل شدم و او را غمناک دیدم و آه سردی می‌کشید.

پس گفتم: یا امیرالمؤمنین سبب اندوه و فکر شما چیست؟  
گفت: ای محمد! از اولاد فاطمه علیها السلام به قدر صد نفر یا زیاده‌تر هلاک شدند و حال آن که سرکرده و پیشوای ایشان باقی مانده است.

به او گفتم: آن شخص کیست؟

منصور گفت: جعفر بن محمد صادق.

من گفتم: یا امیرالمؤمنین! به درستی که آن مردی بسیار عبادت‌کننده و بخدا مشغول است و طلب پادشاهی و خلافت را ترک نموده است.

منصور من گفت: ای محمد! من می‌دانم که تو قائل به حقیقت و امامت اوئی، ولیکن پادشاهی و ملک عقیم است و من قسم خورده و با خود شرط نموده‌ام که امروز را به شب نکنم و شب را به صبح نیاورم تا آن که خود را از آن حضرت فارغ گردانم.

محمد بن ربیع گوید: قسم بخدا که زمین بر من با وجود فراخی و وسعت آن تنگی کرد.

سپس منصور دوانقی جلاد را طلب نمود و به او گفت: هر گاه من حضرت ابا عبدالله صادق علیه السلام را حاضر سازم و به سخن گفتن با او مشغول گردم و در آن اثنا کلاه خود را از سرم بردارم، پس نشانه‌ای میان من و میان تست بر اینکه باید گردن آن حضرت را بزنی. پس آنگاه حضرت ابا عبدالله جعفر بن محمد صادق علیه السلام را در همان ساعت حاضر نمود.



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

محمّد بن ربیع گوید: من خود را در میان خانه منصور به آن حضرت رسانیدم و دیدم که لبهای مبارک را حرکت می دادند و دعائی را می خواندند که آن را نفهمیدم. پس دیدم قصر منصور را که به حرکت درآمده، مانند کشتی در میان دریا موج می زد. و منصور را دیدم که سر و پای برهنه به استقبال آن حضرت رفت و دندانهایش برهم می خورد و پهلوها و اندام او می لرزید و گاهی رنگش سرخ می شد و گاهی زرد می گردید. چون به خدمت آن حضرت رسید بازوی ایشان را گرفته آورد و به مسند پادشاهی خود نشاند و خود در برابر آن حضرت به دو زانو در کمال ادب نشست چنانچه بنده در خدمت مولای خود نشیند.

سپس منصور گفت: یابن رسول الله! چه کاری باعث شده در این ساعت، اینجا تشریف آورده ای؟

حضرت فرمودند: به نزد تو آمده ام از جهت اطاعت خدا و پیروی رسول خدا صلی الله علیه و آله و از جهت این که تو مرا خواسته ای.

منصور گفت: من شما را نطلبیدم بلکه شخصی که به طلب شما آمده، غلط کرده است. سپس منصور گفت: لطفاً حاجت خود را بفرمائید.

آن حضرت فرمودند: حاجتم این است که مرا تا کاری ندارید به نزد خود نطلبید. منصور گفت: چنین باشد.

سپس آن حضرت برخاستند و در نهایت سرعت به خانه خود رفتند. محمّد بن عبدالله گوید: من حمد و ثنای خدای تعالی بجای آوردم.

آنگاه منصور رختخواب طلبید و خوابید و بیدار نشد تا آن که نصف شب شد. چون بیدار شد دید که من در بالای سر او نشسته ام. خوشحال شد و به من گفت که بیرون مرو تا آن که من نمازی را قضا کنم که از من فوت شده است. با تو حکایت قصه ای را نمایم.

چون منصور از نماز فارغ شد روی به جانب من نمود و گفت: ای محمّد بن عبدالله! بدان که چون من حضرت ابا عبدالله جعفر بن محمّد را حاضر کردم، از دهانی را دیدم که به دم خود همه خانه و قصر مرا فرو رگفته بود و لب بالائی را بر بالای خانه و لب پائین را بر پائین خانه نهاده بود و به زبان فمیخ با من گفت: ای منصور! خدای تعالی مرا بسوی تو فرستاده و به من فرموده است که اگر نسبت به حضرت ابا عبد الله علیه السلام بی ادبی بجای آوری، پس تورا و همه کسانی را فرو برم که در این خانه هستند. پس عقل من زایل شد و لرزه بر اندام من افتاد و دندانهای من برهم می خورد.

محمّد بن عبدالله اسکندری گوید: پس من به منصور گفتم: یا امیر المؤمنین این از آن



محمّد بن عبد اللہ گوید: من بعد از چند روز بہ منصور گفتم کہ آیا مرا اذن می دهی کہ بہ زیارت حضرت ابا عبد اللہ جعفر بن محمد علیہ السلام روم.

آن حضرت فرمودند: چنین باشد، پس گفتند: ای محمد به درستی که این دعا حرزی جلیل‌القدر است و دعائی عظیم المرتبه است که از پدران بزرگوارم علیهم‌السلام به من رسیده است و این حرزی است که بیرون آورده شده است از کتاب خدای عزوجل که به او باطل نه از پیش روی او و نه از عقب سر او نمی‌رسد. این حرز فرود آمده از جانب خدای بسیار دانای محود است.

سید بن طاووس رحمۃ اللہ علیہ گوید: در وقتی کہ ابو مغلّہ عبداللہ بن یحییٰ از بغداد بہ سمت خراسان وارد شد، از جهت رسالت بہ نزد ابی الحسن بن نصر بن احمد بہ بخارا، این حرز ہمراہ او بود کہ در صفحہ ہای از نقرہ بہ آب طلا نوشتہ شدہ بود و آن صفحہ ہا را بہ شیخ ابوالفضل محمد بن عبداللہ بلغمی بخشیدہ و گفت بہ درستی کہ این بہترین تحفہ ای و بزرگترین بخشش است. اگر خدای عزوجل، کسی را بخواندن این دعا، ہر روز صبح توفیق دہد، خدای تعالیٰ او را بہ خاطر عظمت و شرافت و بزرگی این دعا، از ہمہ بلاہا نگاہ می دارد و او را از شرّ یاغیان و سرکشان جنّ و انس و شیاطین و پادشاہ ظالم و از شرّ درندگان و ہمہ بیمارہا و آفتہا و بلاہا پناہ می دہد و این دعا بسیار مجرب و مستجاب است، مگر آن کہ کسی این دعا را بدون نیتِ خالص بخواند:

إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّدًا وَرِقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَلَطُّفًا وَرِفْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا  
خدا می پرستم اورا به بندگی، نیست خدائی مگر خدا از روی لطف و مهربانی، نیست خدائی مگر خدا حق



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. أُعِيدُ**

حق، نیست خدائی مگر خدا، محمد فرستاده خداست درود فرستد خدا بر او و بر خاندانش، در پناه او قرار می‌دهم

**نَفْسِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي وَ**

نفس و مو و پوست بدن و دین و خانواده و مال و فرزندان خود و

**ذُرِّيَّتِي وَ دُنْيَايَ، وَ جَمِيعَ مَنْ أَمْرُهُ يَغْنِيْنِي، مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ**

فرزندان و فرزندان زادگان و دنیای خود و همه کسانی را که امر و شان او خواسته است مرا، از شر هر شری

**يُؤْذِنِي. أُعِيدُ نَفْسِي وَ جَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي، وَ مَا أَغْلِقْتُ عَلَيْهِ**

که آزار رساند مرا پناه می‌فرمایم نفس خود را و همه آنچه را که روزی کرده است مرا پروردگار من و آنچه بسته شد است بر آن

**أَبْوَابِي، وَ أَحَاطَ بِهِ جُذْرَانِي، وَ جَمِيعَ مَا أَنْقَلَبُ فِيهِ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ**

درهای من و فرا گرفته است او را دیوارهای من و همه آنچه برمی‌گردم و واقع می‌شوم در آن از نعمتهای خدا

**عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِحْسَانِهِ، وَ جَمِيعَ إِخْوَانِي وَ أَخَوَاتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ**

که عزیز و بزرگ است و از نیکنی‌های خدا و پناه می‌فرمایم همه برادرانم را و خواهرانم را از مردان مؤمن و

**الْمُؤْمِنَاتِ، بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَ بِأَسْمَائِهِ الْقَامَةِ الْكَامِلَةِ**

زنان مؤمنه بخدای بلند مرتبه بزرگ و به نامها و صفتهای خدا که تمام و کامل

**الْمُتَعَالِيَةِ الْمُنِيفَةِ الشَّرِيفَةِ الشَّافِيَةِ الْكَرِيمَةِ الطَّيِّبَةِ الْفَاضِلَةِ**

و بلندند و جلیل و شریف و کافی (با آن که شفا دهندند) و عزیزند و نیکو صاحب فضل و بابرکت

**الْمُبَارَكَةِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ الْعَظِيمَةِ الْمَخْزُونَةِ الْمَكْنُونَةِ الَّتِي**

و مبارک و پاکیزه‌اند و بزرگ سپرده شده در خزینه‌ها و پنهانند که تجاوز و مخالفت نمی‌توانند آنها را

**لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ، وَ بِأَمِّ الْكِتَابِ، وَ فَاتِحَتِهِ وَ خَاتِمَتِهِ وَ مَا**

نیکوکاری و نه بدکاری و به اصل کتاب و به اول او و آخر او و آنچه میان این هر دو است

**بَيْنَهُمَا مِنْ سُورَةٍ شَرِيفَةٍ، وَ آيَةٍ كَرِيمَةٍ مُحْكَمَةٍ، وَ شِفَاءٍ وَ رَحْمَةٍ**

از سوره بلند مرتبه و آیه عزیز و درست و شفا دهنده و رحمت کننده

**وَ عَوْدَةٍ وَ بَرَكَهٍ، وَ بِالتَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْقُرْآنِ**

و پناه دهنده و بابرکت و به تورات و انجیل و زبور و به قرآن

**الْعَظِيمِ، وَ بِصُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى، وَ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَزَّ**

بزرگ و به صحیفه‌های ابراهیم و موسی و به هر کتابی که نازل ساخته است آنرا خدای که عزیز

**وَ جَلَّ، وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ**

و بزرگ است و به هر پیغمبری که فرستاده است او را خدای عز و جل و به هر حجتی و دلیلی که ظاهر ساخته است آنرا خدای

**عَزَّ وَ جَلَّ، وَ بِآلَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ عِزَّةِ اللَّهِ، وَ قُدْرَةِ اللَّهِ، وَ قُوَّةِ اللَّهِ، وَ**

عز و جل و به نعمتهای خدای عز و جل و به غلبه خدا و به قدرت خدا و به عظمت خدا و به توانایی خدا و



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**عَظَمَةُ اللَّهِ، وَسُلْطَانِ اللَّهِ، وَمَنْعَةِ اللَّهِ، وَمَنْ اللَّهِ، وَحِلْمِ اللَّهِ، وَ**

به بزرگی خدا و به پادشاهی خدا و به منع کردن خدا دشمنان را و به بخشش خدا و به بردباری خدا و

**عَفْوِ اللَّهِ، وَغُفْرَانِ اللَّهِ، وَمَلَائِكَةِ اللَّهِ، وَكُتُبِ اللَّهِ، وَأَنْبِيَاءِ اللَّهِ، وَ**

تجاوز نمودن خدا از گناهان و به آمرزیدن خدا بندگان را و به فرشتگان خدا و به کتابهای خدا و به پیغمبران خدا و

**رُسُلِ اللَّهِ، وَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَأَعُوذُ**

به فرستادگان خدا و به محمد فرستاده خدا که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش و پناه می برم

**بِاللَّهِ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَ عِقَابِهِ، وَ سَخَطِ اللَّهِ وَ نَكَالِهِ، وَ مِنْ نَقْمَتِهِ**

به خدا از خشم خدا و از عذاب او و از قهر خدا و از عقوبت او و از عذاب او و از روی گردانیدن او

**وَ إِعْرَاضِهِ وَ صُدُودِهِ وَ خِذْلَانِهِ، وَ مِنَ الْكُفْرِ وَ النِّفَاقِ وَ الْحَيْرَةِ**

و از منع کردن او و از یاری نکردن او و پناه می برم از کفر و از دورویی داشتن و از حیranی

**وَ الشِّرْكِ وَ الشَّكِّ فِي دِينِ اللَّهِ، وَ مِنْ شَرِّ يَوْمِ الْحَشْرِ وَ النُّشُورِ**

و از شرک و ورزیدن و از شک ورزیدن در دین خدا و از شر روز محشر شدن و زنده شدن

**وَ الْمَوْقِفِ وَ الْحِسَابِ، وَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ سَبَقَ، وَ مِنْ زَوَالِ النِّعْمَةِ،**

و از شر عرصات و حساب و حساب قیامت و از شر کتاب نوشته شده که پیش ثبت شده است و از زایل شدن نعمت

**وَ حُلُولِ النِّقْمَةِ، وَ تَحَوُّلِ الْعَافِيَةِ، وَ مُوجِبَاتِ الْهَلَكَةِ، وَ مَوَاقِفِ**

و از رسیدن عاقبت و تغییر یافتن عافیت و از اسباب هلاکت و از مواضع ایستادن

**الْخِزْيِ وَ الْفَضِيحَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ**

به ناامیدی و از رسوائی در دنیا و آخرت و پناه می برم به خدای بزرگ از خواهش هلاک کننده و از

**هَوَى مُرِدٍّ، وَ قَرِينِ سُوءٍ مُكْدٍ، وَ جَارِ مُؤْدٍ، وَ غِنَى مُطْعٍ، وَ فَقْرٍ مُنْسٍ.**

مصاحب بد به تعب اندازنده و از همسایه آزار رساننده و از توانگری که سبب طغیان گردد و از درویشی فراموش سازنده

**وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَ صَلَاةٍ لَا تَنْفَعُ، وَ دُعَاءٍ**

و پناه می برم به خدای بزرگ از دلی که فروتنی نکند و از نمازی که نفع ندهد (یعنی مقبول نگردد) و دعائی که

**لَا يُسْمَعُ، وَ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَ بَطْنٍ لَا يَشْبَعُ، وَ مِنْ نَصَبٍ وَ اجْتِهَادٍ**

برآورده نشود و چشمی که اشک نیاید و از شکمی که سیر نشود و از نصب و مشقتی که

**يُوجِبَانِ الْعَذَابِ، وَ مِنْ مَرَدٍّ إِلَى النَّارِ، وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَ**

سبب عذاب شوند و از برگردیدن به سوی آتش و از بدی منظر در نفس خود و

**الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ، وَ عِنْدَ مُعَايِنَةِ مَلِكِ الْمَوْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَ أَعُوذُ**

اهل و فرزندان و نزد دیدن ملک موت که بر او باد سلام و درود و پناه می برم

**بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ**

به خدائی که بزرگ است از شر هر حرکت کننده که خدا فرا گرفته است پیش سر او را و از شر هر



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

ذِي شَرٍّ، وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَخْذَرُ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ

صاحب شر و از شر آنچه می ترسم و دوری می کنم از آن و از شر فاسقان عرب و

الْعَجَمِ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ، وَ مِنْ شَرِّ

عجم و از شر فاسقان جن و آدمیان و شیاطین و از شر غموص

إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ أَتْبَاعِهِ، وَ مِنْ شَرِّ السَّلَاطِينِ وَ

ابلیس و سپاه او و پیروان او و از شر پادشاهان ظالم و

أَتْبَاعِهِمْ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَخْرُجُ فِيهَا، وَ مِنْ شَرِّ

پیروان ایشان و از شر آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آسمان و از شر آنچه

مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُقْمٍ وَ آفَةٍ وَ

داخل شود در زمین و آنچه بیرون آید از زمین و از شر هر بیماری و بلیه و غمی و اندوهی و

غَمٍّ وَ هَمٍّ وَ فَاقَةٍ وَ عُذْمٍ، وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، وَ مِنْ شَرِّ

نکذت حاجی و پیریشانی و از شر آنچه باشد در صحرا و در دریا و از شر

الْفُسَاقِ وَ الذُّعَارِ وَ الْحُمَادِ وَ الْأَشْرَارِ وَ السُّرَاقِ وَ اللَّصُوصِ، وَ

فسق و ظلم کنندگان و اهل فتنه و فساد و رشک برندگان و شیران و دزدان و راهزنان و

مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

از شر هر رونده ای که خدای تعالی فرار گرفته است بیش سر آنها را بدرستی که پروردگار من بر راه راست است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَزُّ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْتَهُ، وَ أَعْتَزُّ بِكَ

بار خدایا بدرستی که من متمسک می شوم به تو از شر هر چیزی که آفریده ای و پاسبانی می جویم به تو

مِنْهُمْ. وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنَ الْحَرَقِ وَ الْغَرَقِ وَ الشَّرَقِ وَ

از آنها و پناه می برم بخدای بزرگ از سوختن و از غرق شدن و از گرفتگی گلو و از آتشی و

الْهَدْمِ وَ الْخَسْفِ وَ الْمَسْحِ وَ الْحِجَارَةِ وَ الصَّيْحَةِ وَ الزَّلَازِلِ وَ

از فرو رفتن به زمین فرو رفتن به زمین و از به صورت حیوان شدن و از سنگ شدن و از هلاک شدن به صیحه و از زلزله ها و

الْفِتَنِ وَ الْعَيْنِ وَ الصَّوَاعِقِ وَ الْجُنُونِ وَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ

از فتنه ها و از چشم زخم و از ماعقه ها و از دیوانگی و از آزار خوره و از پیس شدن و

الْأَمْرَاضِ وَ الْآفَاتِ وَ الْمُصِيبَاتِ وَ الْعَاهَاتِ، وَ أَكُلِ السَّبْعِ، وَ مِثَّةِ

بیماریها و آفتها و بلیه ها و آزارها و از خوردن درنده و از مگردن

السُّوءِ، وَ جَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَايَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ

در حالت بد و از همه اقسام بلایایی که باشد در دنیا و آخرت و پناه می برم بخدای

الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ، وَ الْأَنْبِيَاءُ

بزرگ از شر آنچه پناه برده اند از آن فرشتگان نزدیکان و پیغمبران فرستادگان



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

الْمُرْسَلُونَ، وَ خَاصَّةً مِمَّا اسْتَغَاذَ مِنْهُ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ مُحَمَّدٌ

و عموماً از آنچه پناه برده‌است از آن بنده تو و فرستاده تو که محمد است

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلُوا، وَ

رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندانش سؤال می‌کنم تو را آن که بدهی به من از بهترین آنچه سؤال کرده‌اند ایشان تو را و

أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَغَاذُوا، وَ أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ

آن که پناه دهی مرا از شر آنچه پناه بسته‌اند ایشان و سؤال می‌کنم تو را از نیکی‌های همه آن را در دنیا

وَ آجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ،

و در آخرت آنچه را که دانستم از آن نیکی‌ها و آنچه را که ندانستم، آغاز بنام خداست و به ذات خداست و سپاس برای خدا

وَ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ، وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ، وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ،

سزاوار است و چنگ در زدم به دامن خدا و تکیه دادم پشت خود را به سوی خدا و نیست تهیة اسباب من مگر بخدا

وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ أَفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ،

و آنچه خواست خدا چنان شد و واگذارشتم کار خود را به سوی خدا و نیست یاری کردن مگر از خدا

وَ مَا صَبْرِي إِلَّا بِاللَّهِ، وَ نِعْمَ الْقَادِرُ اللَّهُ، وَ نِعْمَ الْمَوْلَى اللَّهُ، وَ نِعْمَ

و نیست صبر من مگر به قدرت خدا و نیکی توانایی است خدا و نیکی مولایی است خدا و نیکی

النَّصِيرُ اللَّهُ، وَ لَا يَأْتِي بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا اللَّهُ، وَ لَا يَصْرِفُ السَّيِّئَاتِ

یارای کننده‌ای است خدا نمی‌بخشد نیکی‌ها و خیرات را مگر خدا و بر نمی‌گرداند بدیها را

إِلَّا اللَّهُ، وَ لَا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللَّهُ، وَ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ بِيَدِ اللَّهِ، وَ

مگر خدا و جاری نمی‌کند نیکی‌ها را مگر خدا و بدرستی که فرمان همه آن بدست قدرت خداست و

أَسْتَكَفِي بِاللَّهِ، وَ أَسْتَغْنِي بِاللَّهِ، وَ أَسْتَقِيلُ بِاللَّهِ، وَ أَسْتَغِيثُ

طلب کار گذاری می‌نمایم از خدا و طلب توانگری می‌نمایم از او و طلب قبول پشیمانی از خدا و طلب فریاد رسی می‌نمایم

بِاللَّهِ، وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، وَ عَلَى

از خدا و طلب آمرزش می‌نمایم از خدا و رحمت فرستد خدا بر محمد که فرستاده خداست و بر پیغمبران خدا و بر

أَنْبِيََاءِ اللَّهِ، وَ عَلَى رُسُلِ اللَّهِ، وَ مَلَائِكَةِ اللَّهِ، وَ عَلَى الصَّالِحِينَ مِنْ

فرستادگان خدا و بر فرشتگان خدا و بر همه صالحان از

عِبَادِ اللَّهِ، إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: أَلَا

بنندگان خدا بدرستی که این نامه از جانب سلیمان است و نامه این است: آغاز بنام خدای بخشنده مهربان بدرستی که

تَعْلُوا عَلَى وَ أَتُونِي مُسْلِمِينَ. كَتَبَ اللَّهُ لِأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي، إِنَّ

بزرگی نکنید بر من و بیایید بسوی من در حال فرمانبرداری، حکم نموده‌است خدا غالب می‌شوم و فرستادگان من بدرستی که

اللَّهُ قَوِيٌّ عَزِيزٌ. لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ

خدا توانا و غلبه کننده‌است، زیان نمی‌رساند مکر ایشان هیچ چیزی را بدرستی که خدا به آنچه می‌کنند ایشان



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**مُحِيطٌ. وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا.**

آگاه است و بگردان برای ما از نزد خود مسئولی و بگردان برای ما از جانب خود یاری کننده‌ای

**إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ اللَّهُ**

چون که قصد نمودند طایفه‌ای آن که بکشایند بسوی شما مؤمنان دستهای خود را پس بازداشت خدا دستهای ایشان را از شما و خدا

**يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ. كُلَّمَا أَوْقَدُوا**

نگاه می‌دارد تو را از شر مردمان بدرستی که خدا نمی‌رساند مکر خیانت‌کاران را هر آن وقتی که برافروختند یهودان

**نَارًا لِلْحَرْبِ، أَطْفَأَهَا اللَّهُ. قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى**

آتش را برای جنگ کردن پس فرو نشانید آن را خدا گفتم که ای آتش باش تو سرد و سالم بر

**إِبْرَاهِيمَ. وَ زَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً، لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ**

ابراهیم و زیاد کرد شمارا در آفرینش از حیثیت قامت و قوت برای شخص مؤمن است فرشتگان تعاقب کننده از پیش روی او و

**مِنْ خَلْفِهِ، يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ. رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ**

از پی سر او که نگاه می‌دارند او را (از بلاها و هوسها) از جهت فرمان خدا، ای پروردگار من داخل گردان مرا در مکه داخل گردنی نیکو و با کرامت

**أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا. وَ**

و بیرون آور مرا بیرون آوردنی بسندیده و بگردان برای از نزد خود قوتی یاری کننده، و

**قَرَّبَنَاهُ نَجِيًّا، وَ رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا. سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا. وَ**

نزدیک گردانیدیم موسی را که بود راز گویان، و برداشتیم ادریس را در مکانی بلند بزودی بگرداند برای مؤمنان خدای بخشنده دوستی را، و

**الْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي. وَ لَتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي. إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ**

انداختم بر تو (ای موسی) دوستی را از جانب خود و تا آن که پرورده شوی بر نظر تربیت من وقتی که می‌رفت خواهر تو (مریم)

**فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَن يَكْفُلُهُ. فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ**

پس می‌گفت آیا راهنمایی کنم شمارا بر کسی که نگاهداری نماید او را پس برگردانیدیم تو را به سوی مادرت تا آن که روشن شود

**عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ. وَ قَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ. وَ فَتَنَّاكَ**

چشم او و تا اندوهناک نگردد او و گشایی (ای موسی) شخصی (کافری) را پس رها کردیم تو را از آندوه و آزمودیم ترا

**فُتُونًا. لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. لَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنْ**

آزمودنی مترس (ای موسی) خلاصی یافتی از گروه ستمکاران، مترس (ای موسی) بدرستی که تو از

**الْأَمِينِينَ. لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى. لَا تَخَافُ دَرَكًا وَ لَا تَخْشَى. لَا**

جمله امان یافتگانی، مترس و بدرستی که تو بلندتر و غالبی در حالی که نترسی رسیدن دشمن را و نترسی از غرق شدن، مترسید

**تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَ أَرَى. لَا تَخَفْ إِنَّا مُنْجُوكَ وَ أَهْلَكَ، وَ**

شما بدرستی که من با شمایم می‌شنوم سخنان شمارا و می‌بینم کارهای شمارا، مترس تو بدرستی که ما رها کننده‌ایم تو را و اهل ترا، و

**يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا. وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ،**

یاری می‌دهد تو را (ای محمد) خدای یاری گردنی غلبه کننده و کسی که اعتماد نماید بر خدا پس خدا کافی است.



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا. فَوَقِيَهُمُ اللَّهُ شَرَّ

اورا بدرستی که خدا رساننده است فرمان خود را به تحقیق که گردانیده است خدا برای هر چیزی اندازه ای پس نگاه دارد ایشان را خدا از شر

ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَاهُمْ نَصْرَةٌ وَ سُرُورًا. وَ يَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ

آن روز و پیش آورد ایشان را تازگی روی و شادمانی را و برمی گردد مؤمن بسوی کسان خود

مَسْرُورًا. وَ رَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ. يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا

خوشحال و بلند گردانیدیم برایت یادت را، دوست می دارند مشرکان بتهلرا مثل دوست داشتن مؤمنان خدا را و آنان که ایمان آورده اند

أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ. رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا

ثابت ترند در دوستی مر خدا را ای پروردگار ما فرو ریز بر ما صبر و شکیبایی را و نگاهدار قدمهای ما را و یاری ده ما را

عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا

بر گروه کافران آنچنان جماعتی که گفتند به ایشان منافقان که بدرستی که مردمان کفار به تحقیق که اتفاق کرده اند

لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ، فَزَادَهُمْ إِيمَانًا. وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ

برای کشتن شما پس بترسید از ایشان زیاد گردانید این سخن ایمان ایشان را و گفتند کافی است ما را خدا و نیکی

الْوَكِيلُ. فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ

مستندی است او پس باز گشتند با عافیت و نعمتی از جانب خدا و زیادتى نوابی و نرسید ایشان را مکر و می.

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَ إِن لَّم تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ

ای پروردگار ما ستم نموده ایم بر نفسهای خود و اگر نیاموزی ما را و رحم ننمائی ما را هر آنینه خواهیم بود ما از

الْخَاسِرِينَ. رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا.

جمله ز سائنکاران ای پروردگار ما بگردان از ما عذاب دوزخ را بدرستی که عذاب جهنم هست لازم و دانم.

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مَقَامًا. رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ

بدرستی که جهنم بد است از حیثیت جای قرار و مکان آرام ای پروردگار ما نیافریده ای این خلق را عبث یا کی تو

فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ

از کار لغو پس نگاهدار ما را از عذاب آتش، و بگو ای محمد که سپاس از برای خداست که فرام گرفته است فرزندی را و نیست از برای او

شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَ كَبِّرُهُ تَكْبِيرًا. وَ مَا

شریکی در پادشاهی و نبوده و نیست برای او دوستی از جهت خولری او و تعظیم کن او را تعظیم کردنی، و چه چیز

لَنَا إِلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا، وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا

است ما را آن که توکل نکنیم بر خدا و حال آن که به تحقیق که او نموده است به ما راههای ما را و صبر می کنیم

أَذِيتُمُونَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ. إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ

بر آنچه رنجانیده ما را و بر خدا پس باید که اعتماد نمایند توکل کنندگان جز این نیست شان خدا که هرگاه خواهد

شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ

آفرید چیزی را آن که می گوید او را که باش موجود پس می شود موجود پس منزاست از عجز کسی که به دست قدرت اوست



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

**شَيْءٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ**

مالکیت و اختیار هر چیزی و بسوی او سبحاته بازگردیده خواهید شد آیا کسی که باشد مرده پس زنده گردانیدیم او را و گردانیدیم برای او

**نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ. هُوَ الَّذِي آيَدَكَ بِفَضْلِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ**

غلمی روشن که راه رود به سبب آن در میان مردمان آن خدا کسی است که قوت داده است تو را بیاری کردن خود و به همه مؤمنان

**وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ**

و دوستی افکند خدا میان دلهای ایشان اگر خرج می نمودی آنچه را که در زمین است همه آنرا تالیف می نمودی میان

**قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. سَنَشُدُّ عَضُدَكَ**

دلهای ایشان ولیکن خدای تعالی الفت انداخت میان ایشان بدرستی که او غالب و دانی با حکمت است، زود باشد

**بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا. فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيَاتِنَا أَنْتُمَا وَ**

که محکم گردانیم بازوی تو را به برادرت و مگر دانیم برای شما هجرتی و معجزه ای پس نمی رسند بسوی شما به سبب علامات ما بدرستی که شما و

**مَنْ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ. عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا، رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ**

آن که پیروی نموده است شما را غلبه کنندگانند، بر خدا اعتماد نمودیم. ما ای پروردگار ما حکم کن میان ما

**قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ. إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي**

و میان قوم ما براسنی و تونی بهترین کارگشایندگان، بدرستی که من اعتماد نموده ام بر خدائی که پروردگار من

**وَ رَبِّكُمْ. مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ**

و پروردگار شماست نیست هیچ متحرکی مگر آن که خدا فرا گرفته است پیش سر او بدرستی که پروردگار من بر راه راست

**مُسْتَقِيمٍ. فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَ أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ**

است پس زود بآنند که یاد کنید آنچه را که می گویم بر شما و باز می گذارم کار خود را بسوی خدا بدرستی که

**اللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ. حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ**

خدا بیناست به بندگان کافی است مرا خدای نیست خدایی مگر او بر او اعتماد نموده ام و اوست

**رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. رَبِّ إِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ**

پروردگار عرش بزرگ بدرستی که رسیده است به من رنج و سختی و تو رحم کننده ترین

**الرَّاحِمِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. بِسْمِ**

رحم کنندگانی نیست خدایی مگر تو پاک و منزهی تو بدرستی که هستم از جمله ستم کنندگان بر خود، آغاز بنام

**اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اَلَمْ. اَللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، اَلْحَيُّ الْقَيُّومُ. اَلَمْ. ذَلِكَ**

خدای بخشنده مهربان منم خدای دانا آن خدا که نیست خدایی مگر او که زنده بخود برپاست منم خدای دانا، این است

**الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ، هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ**

کتاب کامل که نیست شک در آن راهنمایانده است برای پرهیزکاران که ایمان آوردند به خدای پنهان از نظرها و

**يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ ۖ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. اَللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، اَلْحَيُّ**

بجای دارند نماز را و از چیزی که روزی نموده ایم ایشان را نفقه می کنند خدا هست، نیست خدایی مگر او که همیشه زنده



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)

**الْقِيَوْمُ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ، لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ،**

بمخود برپا است، فراموشی نمیکرد او را سستی و خوابی و نه خوابی از برای اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است.

**مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ،**

کیست آن کسی که درخواست نماید نزد او مگر به اذن او می داند آنچه را که پیش روی ایشان است و آنچه را که در پس سر ایشان است

**وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ، وَ سِعَ كُرْسِيُّهُ**

و احاطه نمی کنند به چیزی از دانش خدا مگر به آنچه خدا خواهد و فرو گرفته و گنجایش دلد کرسی او

**السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَا يَؤُودُهُ حِفْظُهُمَا، وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. لَا**

آسمانها و زمین را و سنگینی نمی کنند و به تعب نمی اندازد او را نگهداشتن آنها و اوست بلند مرتبه بزرگ، نیست

**إِكْرَاهٍ فِي الدِّينِ، قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ، فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ**

اگراهی و جبری در دین به تحقیق که ظاهر شده است و جدا گردیده است راه حق از گمراهی پس کسی که کفر آورد به شیطان و

**يُؤْمِنُ بِاللَّهِ، فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا، وَ اللَّهُ**

ایمان بیاورد به خدا پس به تحقیق که دست زده است به دست آویز محکم و سخت که نیست جدائی و شکستی برای آن و خدا

**سَمِيعٌ عَلِيمٌ. شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ**

شنونده و داناست. گواهی داده است خدا به اینکه نیست خدائی مگر او و فرشتگان و صاحبان علم نیز گواهی داده اند

**قَائِمًا بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ**

در حالی که خدا بپاد آورنده است عدل را، نیست خدائی مگر او که غلبه کننده و داناست بدرستی که دین و اطاعت در نزد خدای تعالی

**الْإِسْلَامُ. قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ**

دین اسلام است و پس بگو (ای محمد) خداوند ای صاحب پادشاهی، می دهی پادشاهی را به هر کس که می خواهی و می ستانی

**الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَ تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ،**

پادشاهی را از آن که می خواهی و عزیز می گردانی آنرا که می خواهی و خوار می گردانی آنرا که می خواهی، به دست قدرت توست نیکی.

**إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُوَلِّجُ النَّهَارَ**

بدرستی که تو بر همه چیز بسیار توانائی داخل می کنی شب را در روز و داخل می کنی روز را

**فِي اللَّيْلِ، وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَ**

در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده و بیرون می آوری مرده را از زنده و

**تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ. رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا**

روزی می دهی هر که را که خواهی بی اندازه، ای پروردگار ما میل مفر ما دلهای ما را به باطل پس از آن که راه نمودای ما را

**وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ**

به راه حق و ببخش برای ما از جانب خود رحمت و شفقتی را بدرستی که تویی بسیار بخشنده به تحقیق که آمده است به شما فرستاده ای

**مِنْ أَنْفُسِكُمْ، عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ، حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ، بِالْمُؤْمِنِينَ**

به حکم خدا که از جنس شماست، دشوار است بر او که به مشقت افتید، برای اصلاح شماست، بر حال مؤمنان



## دعاهای حضرت امام جعفر صادق (ع)

رَوُّوفٌ رَحِيمٌ. فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ

مهربان و بخشنده است پس اگر اعراض کنند کفار از ایمان پس بگو تو (ای محمد) که کافی است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او

تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنْ

اعتماد کرده‌ام و اوست پروردگار عرش بزرگ همه ستایش برای خداست که رهاتید ما را از

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ، إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ

گروه ستمکاران. همه ستایش برای خداست که برده‌ام ما اندوه جهنم را بدرستی که پروردگار ما آمرزنده

شَكُورٌ. الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ، لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ

جزا دهنده است. آن خدائی که فرود آورده است ما را به سرای جاوداتی از افزون بخشی خود که نمی‌رسد به ما شری و

لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لَنَهْتَدِيَ

نمی‌رسد به ما در آن هیچ محنت و عذابی همه ستایش برای خداست که راه نمود ما را به این مقام و نبودیم که راه یابیم به پیش خود

لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ

اگر چنانچه راه نمی‌نمود ما را خدا. همه ستایش برای خداست که فضیلت و زیادتی داد ما را بر بسیاری از بندگان خود

الْمُؤْمِنِينَ. فَقَطَّعَ ذَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا، وَ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

که فرما تیردارند پس بریده و برطرف شد پس آن گروهی که ستم نمودند و همه ستایش برای خدای پروردگار

الْعَالَمِينَ. فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ.

عالمیان است پس برای خداست ستایش که پروردگار آسمانها و پروردگار زمین است پروردگار همه عالمیان است.

وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

و برای اوست بزرگوری در آسمانها و زمین و اوست غلبه کننده دانی با حکمت.

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ، وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي

پس تسبیح و تنزیه کنید خدا را تسبیحی لایق به او در هنگامی که داخل شوید در شام و در وقتی که داخل شوید در صبح و برای اوست ستایش در

السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ. يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ

آسمانها و زمین و نماز گذارید در وقت عصر و در هنگامی که داخل شوید در وقت ظهر بیرون آورده است زنده را از

الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَ يُخَيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ

مردده و بیرون می‌آورد مرد را از زنده و زنده می‌گرداند زمین را پس از مردگی و بی‌حالی آن و

كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ. فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ إِلَيْهِ

مانند اینکه بیرون آورده می‌شوید از قبر. پس منزله و پاک است از عجز از آن کسی که بدست قدرت اوست پادشاهی همه چیز و بسوی او

تَرْجَعُونَ. إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ

بر می‌گردند همه چیز بدرستی که پروردگار شما خدایی است که آفریده است آسمانها و زمین را در شش روز

أَيَّامٍ، ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ، يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا،

پس مستولی شد بر آفریدن عرش می‌پوشاند تاریکی شب را بر روشنی روز و طلب می‌نماید شب و روز را شتابان



دعاهای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

و الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ، أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ

و آفتاب و ماه و ستاره ها رام گردانیده به فرمانش. آگاه باشید که از برای خداست آفریدن چیزها

الْأَمْرُ، تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ. اَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً، إِنَّهُ

و حکم کردن در آنها منزله است خدای پروردگار عالمیان بخوانید پروردگار خود را فروتنی کننده و پنهان کننده بدرستی که

لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. وَ لَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا، وَ

خدا دوست نمی دارد از حد تجاوزکنندگان را و فساد مکنید در زمین پس از آن که اصلاح نمودیم آنرا و

اَدْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا، إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ. الَّذِي

بخوانید خدا را ترس دارنده و امید دارنده بدرستی که رحمت خدا نزدیک است به نیکوکاران. پروردگار عالم آن کسی است

خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ، وَ الَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِينِ، وَ إِذَا مَرِضْتُ

که آفریده است مرا پس او راه می نماید مرا برآستی و آن کسی است که او می دهد غذای مرا، می آشامد مرا آب و هرگاه بیمار می شوم

فَهُوَ يَشْفِينِ، وَ الَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ، وَ الَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي

من پس او شفای دهد مرا و او آن کسی است که می میراند مرا پس زنده می کند مرا و آن کسی است که طمع دارم آن که بیمارزد برای من

خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ، رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقْبَى بِالصَّالِحِينَ. وَ

گناهان مرا در روز جزا، ای پروردگار من ببخش به من کمال علم و عمل را و برسان مرا به گروه شایستگان و

اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ

بگردان برای من زبانی راستگو در میان گروه پس آمدگان و بگردان مرا از ارث برندگان بهشت پر نعمت

النَّعِيمِ. وَ اغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ. وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ

و بیامرز پدر مرا بدرستی که اوست از جمله گمراهان و رسوا مبارز روزی که

يُبْعَثُونَ. يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ. إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ.

برانگیخته شوند مردمان در روزی که فایده ندهد مال و نه فرزندان مگر آن که بیاید خدا را به دلی خالص از کفر.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ

آغاز بنام خدای بخشنده مهربان همه ستایش برای خداست که آفریده است آسمانها و

الْأَرْضِ، وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورَ، ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ.

زمین را و خلق کرده است تاریکی و روشنی را پس آن جماعت که کفر ورزیدند به پروردگار خود تجاوز می نمایند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وَ الصَّافَّاتِ صَفًّا. فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا.

بنام خدای بخشنده مهربان، قسم به صف کشندگان به فرمانبرداری چه صف کشیدنی. پس به حق منع کنندگان شیاطین چه منع کردنی.

فَالْقَائِيَاتِ ذِكْرًا. إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ. رَبُّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا

پس بحق فرشتگانی که خوانده اند ذکر و تسبیح خدا را بدرستی که خدای شما یکتاست پروردگار آسمانها و زمین است و

بَيْنَهُمَا وَ رَبُّ الْمَشَارِقِ، إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ، وَ

پروردگار آنچه در آنهاست و پروردگار مواضع طلوع کواکب است بدرستی که ما آراستهایم آسمانی را که نزدیک است به شما به آراستن ستارگان و